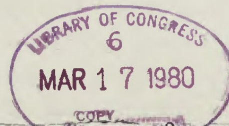
ژوندون

اطلاعات او کلتور

شنبه ۲۰ دلو ۱۳۵۸
۹ فبروری ۱۹۸۰



پلچرخی
یادهشتناکترین
شکنجه‌گاه قرن

(صفحه ٦)



جمناستیک مدرن و یا آنچ
را که المپیک فاقد آنست
(صفحه ۳



رمز سخنگویی حیوانات
(صفحه ۲٦

اپارتاید
نی!

شماره - ۴۷
سال - ۳۱
قیمت یکشماره (۱۳) افغانی

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر- میدهد پیامی ازجانب ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان عنوانی رهبرجلیل القدر ملت برادرمان ایران حضرت آیت الله امام خمینی به تمنای اعاده صحت جناب شان به تهران مخابره گردیده است .

* * *

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر- میدهد ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان ساعت ۱۰ قبل از ظهر ۱۴ دلو جلالتماب جسکاوان‌سنگهه تیجا سفیر کبیر جمهوری هند راجهت ملاقات تعارفی در مقر شورای انقلابی پذیرفتند .

* * *

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر- میدهد اسد الله سروری معاون شورای انقلابی ومعاون صدراعظم جمهوری‌دموکراتیک افغانستان ساعت یازده وپنجاه وپنج دقیقه قبل از ظهر ۱۷ دلو باجلالتماب جسکاران سنگه‌تیجا سفیر- کبیر جمهوریت هند در کابل درمقر صدارت ملاقات تعارفی نمود .

* * *

طی این ملاقات روی موضوعات مورد علاقه بحث ومذاکره صورت گرفت .

* * *

انجنیر نظرمحمد وزیر فواید عامه ظهر ۱۳ دلو بایک تعداد از آمرین پروژه هاودوایر مرکزی ریاست‌آبرسانی‌وکانالیزاسیون وریاست کوپراتیف تهیه مسکن وزارت فواید عامه دردفتر کارش ملاقات ودر اطراف پروگرام‌های آنوزارت در سکتور آبرسانی و تهیه مسکن مذاکره کرد .

* * *

قرار داد پنجاه وسه پایه ماشین آلات‌طباعتی کمک بلاعوض‌اتحادجماهیرشوروی سوسیالیستی به جمهوری دموکراتیک افغانستان بعداز ظهر ۱۶ دلو در وزارت‌اطلاعات وکلتور امضا گردید.

قرار داد رااز طرف جمهوری دموکراتیک افغانستان در حالیکه عبدالمجید سر بلند وزیر اطلاعات وکلتور نیز حاضر بود محمد عوض‌نبی- زاده‌کارگر رئیس عمومی‌مطابع دولتی وازجانب اتحاد شوروی یوری سر کیویچ‌سلیوا نوف نماینده اتحادیه تخماش اکسپورت آن کشور در کابل امضاء نموده و اسناد مربوطه را تبادله کردند .

* * *

جمهوریت مردم هنگری چارده پایه ماشین اکسریز به صورت بلاعوض به افغانستان کمک نموده است .

اسناد مربوط باین مساعدت را جلالتماب دیزوکیش سفیر کبیر جمهوریت مردم هنگری در کابل بعداز ظهر ۱۷ دلو به پوهاند دکتور محمد ابراهیم عظیم وزیر صحت عامه دردفتر کارش تفویض نمود که باابراز تشکر قبول شد .

* * *

محمد خان جلالر وزیر تجارت که درراس هیأتی برای انجام مذاکرات تجارتی به ... ده دلو به اتحاد شوروی رفته بود ... ظهر ۱۷ دلو به کابل باز گشت .

بورد عالی اصلاحات ارضی بتاسی از بیانیه مورخ‌ده‌دلو۱۳۵۸ ببرک‌کارمل‌منشی‌عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک‌خلق افغانستان ،رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری‌دموکراتیک افغانستان ساعت ده قبل از ظهر ۱۷ دلو تحت ریاست رئیس توزیع واسکان ومعین‌سرپرست اداره اصلاحات ارضی تشکیل جلسه داد .

* * *

کمیسیون اجرایی اتحادیه یك صدوچهل‌ویك کمیته ملی المپیك متفقا علیه تقاضای جیمی کارتر رئیس جمهور امریکامبنی‌برتحریم‌بازیهای المپیك درمسکو رای داده است .

اتحادیه از کمیته بین المللی المپیك خواسته تااز هر گونه اعمال نفوذ خارجی در نهضت المپیك جلوگیری نماید .

* * *

بوریس پانا ماریوف منشی کمیته مرکزی حزب کمونست اتحادشوروی اظهارداشت که‌آن کشور در افغانستان هیچ نوع تمایل غرض آلود ندارد پاکستان وایران را تهدید نمی‌کندو نمی‌خواهد طوریکه امپریالست ها ادعامی کنند برخلیج فارس دست یابد .

* * *

رشید الدین خان عضو پارلمان هند وپروفیسر پوهنتون جواهر لال نهرودر دهلی جدید گفته است .

دخالت ایالات متحده امریکا درامور افغانستان جز ستراتیژی امریکا برای تسلط بر جهان می‌باشد .

وی طی مصاحبه‌یی بامجله پانوراما تاییدکرد که‌مداخله امریکا در افغانستان به اشتراك چین وپاکستان علت اصلی افزایش تشنج دربحیره عرب می‌باشد .

* * *

لیونید بریژنف منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمونست و صدر هیات رئیسه شورایعالی اتحاد شوروی ۱۵ دلو در مسکو گفت در حال حاضر مردم جهان یك داعیه مشترك دارند وآن غلبه بر تشنجاتی است که یکبار دیگر روابط بین المللی را تحت الشعاع قرار داده است.

* * *

رئیس حزب پیشرو دنمارك هیاهویی راکه به بهانه تحولات افغانستان براه افتاده است حیله یی برای تخریب دست آورد های تشنج زدایی بمقصد احیای فضای جنگ سرد دانسته است .

وی‌ضمن مصاحبه بانماینده‌تلویزیون شوروی یاد آور شد که غرب‌حتی قبل ازین حوادث‌کناره گیری خودرا از سیاست دیتانت آغازنموده‌واین همه ثابت می‌سازد که هدف از جنجال کنونی تنها پرده انداختن بر مشی تجاوز کارانه امپریالیزم می‌باشد .

وی این ادعا هارا که تحولات افغانستان‌گویا صلح را تهدید می‌نماید مسخره خواند .

* * *

سفر بریژنسکی مشاور امنیت ملی کارتر به پاکستان وگفتگو های اوبا مقامات اسلام آباد یکبار دیگر به اثبات رسانید که ایالات متحده امریکا می‌خواهد پاکستان رابه عامل اجرای نقشه های تجاوز گرانه خوددر منطقه تبدیل کند .

اختصار وقایع مهم هفته

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر میدهد شاه محمد دوست وزیر امور خارجه جمهوری دموکراتیک افغانستان ساعت سه بعد ازظهر ۱۷ دلو جلالتماب شلندرا کمار سنگه نماینده خاص حکومت‌جمهوری هند وادیشنل سکرتری دروزارت امور خارجه جمهوری هندرا درحالیکه جلالتماب جسکاران سنگه‌تیجا سفیر کبیر جمهوری هند در کابل نیز حاضربود دروزارت امورخارجه ملاقات تعارفی نمود، طی این ملاقات پیرامون موضوعات مورد علاقه‌دو جانب واوضاع منطقه تبادل افکار بعمل آمد.

* * *

دگرمن محمد رفیع وزیر دفاع ملی ساعت ده قبل از ظهر ۱۷ دلودردفتر کارش باجلالتماب ادوارد براجی سفیر کبیر جمهوریت مردم‌پولند در کابل ملاقات نمود .

طی این ملاقات پیرامون‌موضوعات مورد علاقه بحث ومذاکره بعمل آمد .

* * *

پوهنمل گلداد وزیر تحصیلات عالی ومسلکی ساعت ده قبل از ظهر ۱۷ دلو دردفتر کارش باجلالتماب راول گارسیه پلایز سفیر کبیر جمهوریت کیوبا در کابل ملاقات تعارفی‌نمود.

انجنیر محمد اسماعیل دانش وزیر معادن وصنایع بعداز اشتراك در جلسه عمومی‌انکشاف صنایع که از طرف ملل متحد در دهلی جدید دایر شده بود قبل از ظهر ۱۶ دلو به کابل باز گشت .

در میدان هوایی بین المللی کابل معینان وزارت معادن‌وصنایع ونماینده‌ریاست تشریفات وزارت امور خارجه‌از وی استقبال‌کردند .

* * *

سید محمد گلاب زوی وزیر امور داخله‌بعداز ظهر ۱۷ دلو در ریاست‌طرح وساختمان‌شاروالی کابل از ماستر پلان ۲۵ ساله شهر کابل دیدن نمود .

* * *

یك هیات جمهوریت‌دموکراتیک‌آلمان بریاست هاینس زکسی معین وزارت تجارت خارجی آن کشور قبل از ظهر ۱۷ دلو وارد کابل گردید .

قرار است هیات در مدت اقامتش در افغانستان با مقامات افغانی پیرامون همکاری های اقتصادی بین جمهوری دموکراتیک افغانستان و جمهوریت دموکراتیک آلمان مذاکراتی انجام داده ودر زمینه موافقتنامه بامضابرساند.

نماینده اتحاد شوروی روز ۱۶ دلو در جلسه کمیته خلع سلاح در ژنیو گفت اتحاد شوروی جلوگیری از مسابقات تسلیحاتی را عامل عمده رسیدن به خلع سلاح و مشکلاتی که بشریت به آن مواجه است تلقی می‌نماید ،او گفت‌هیچ چیز اتحاد شوروی رااز موقف ثابت اودر مقابل دیتانت مانع شده نمی‌تواند .

* * *

شورای صلح جهانی وسازمان های ملی بیش از یکصدوسی کشوروابسته به آن نگرانی عمیق شانرا نسبت به وخامت‌اوضاع بین‌المللی ابراز داشته اند .

این مطلب را، رامش چندرا رئیس شورای صلح جهانی روز ۱۶دلو طی کنفرانس مطبوعاتی در دهلی جدید اظهار کرد .

* * *

حکومت‌امریکا به‌تیره ساختن‌اوضاع واز دیاد موجودیت نظامی‌خود درحوزه خلیج ادامه‌میدهد.

هارولد براون وزیر دفاع امریکا در مصاحبه بامجله یوس‌نیوز اندورلدرپورت گفته است آن کشور یونت های نظامی را بوجود آورده است که به زود ترین فرصت آماده خدمت شده ودر هر منطقه مطلوب از طریق هواباتمام وسایل و تجهیزات انتقال داده شده می‌توانند.

«اکنون عمده ترین مطلب که در برابر خلق کشور قرارگرفته دفاع از انقلاب در برابر ضدانقلاب داخلی ومدا خله گرا ن امپر یا لستی است و حـز ب دمو کراتیك خلق افغانستان در پیشا پیش این مبارزه قهر مانانه و شجاع و دلیر قرار دارد ».

«ببرك کارمل»

شنبه ۲۰ دلو ۱۳۵۸ ، ۹فبروری ۱۹۸۰





شرح روی جلد :

افر یقایی وطنپر ست «بجرم» سیاهی رنگ پو ستش دریکی از زندانهای مرگبا رنژاد پر- ستان افریقا ی جنو بی .

* * *

عکس پشتی آخیر :

آهوی زیبای مارکو پولو رابـا میرگنان در پامیر نشان میدهد که‌توسط محترم‌خرمی ازریاست گر زندوی تهیه گر دیده است

شرح تابلوی متن :

یکی از زنان‌قهرمان افغانستان‌رانشان‌میدهد.

امپریالیزم‌امریکانقشه‌های‌شومش‌رادر پرده انساندوستی می‌پو شاند

یك دیدسطحی وگذرابر ماهیت امپریالیزم این واقعیت را باثبات میرساند که‌امپریالیزم درنهادش بجز ازچپاول وتاراج هستی خلقهای سراسرجهان به‌هیچ چیزی‌دیگری نه‌اندیشیده ونه‌تنها خـود درصدد آ ن بوده است، کـه ثروت های مادی ومعنوی مستضعفین جهانرا غـارت نماید بلکه با تلاشهای مـذبوحانـه وسرسام آور درپی آنست تا از غـاصبان ، چپاولگران وهمه دشمنان بشریت هرهر جـ که باشند پشتیبانی نموده ونهضت های مترقی را خفه نماید، زیرا این سیستم جهانخـو ر را اساس بر آنست تاهستی خـود را درنیستی دیگران بجوید وبرای برآورده شدن ایـن منظور غیر انسانی وضد بشری اش از هیچ وسیله ممکن دریغ نورزد ولوبریحتن خون هزاران انسان بیدفاع وبیگناه هم تمام شود .

اما نقطهٔ قابل تـوجه در اینجاست کـه امپریالیزم جنایتکار امریکا کـه در جهان کنونی سردمدار این سیستم غارتگر است وبه‌ماهیت سیستم چپاولگرش سوگند خورده تا ازدشمنان انسانیت حمایه وپشتیبانی نماید، اکنون بشر دوست ونوع برور شده است ودر غصهٔ باصطلاح «مهاجرین افغانی» خوابش نمی برد ! وروی همین منظور در دست گدایی محافل ارتجاعی پاکستان ونظامیان ملیتاریستی آن، که‌بطرف همه مرتجعین وامپر یـا لستان بین المللی دراز گردیده تحت نام باصطلاح کمك به «پناه گزینان افـغانی » به‌صد هـا ملیون دالر میگذارد .

باید اظهار داشت که همه خلقهای جهان وعناصر مترقی منشاء این زهد ریاکـارانه امپریالیزم امریکا ومتحدینش را بخوبی درك کرده ومیدانند که پشت این دانه ها چـه دامهای وحشتناکی گسترده اند واز خلقهای منطقه بخصوص خلقهای پاکستان وافغانستان چه میخواهند ؟

آیا بازدید های مغرضانه معاون وزیـر دفاع امریکا، مشاور امنیت ملی آقای‌کارتر، وزیر خارجه انگلستان ووزیر خـارجـه چین از پاکستان وکمك چـار صد ملیون دلاری امریکـا جهت مسلح ساختن پاکستان برای‌چه منظوری صورت گرفته است بجز از تهیه و تدارك نقشه های جنگـی ، تجاوز بر خـاك افغـانستان وبه آتش کشیدن منطقـه و آیا آنهاییکه از کمپ های تخریب کـاران و تروریستان دیدن می نمایند و به ملیونهادالر در تجهیز وتـربیه آنهابه مصرف میرسانند حاتم طایی های عصر خویش اند ویا اغراضی شوم ومرگباری هم در قبال دارند ؟

اگر این عالیجنابان داد از انساندوستی میزنند پس چـرا امپریالیزم امـریکـا و صیهونستان اسرائیل راکه سرزمین چارملیون فلسطینی را غصب نموده اند وبه کشتار های دسته جمعی آنها مبادرت ورزیدند وادار به تخلیه نمی سازند وبه داد حقوق حقهٔ مـردم فلسطین گوش نمیدهند ؟

-چرا پنجالهای جنایتکاران ونـژاد پرستان افریقای جنوبـی را از گـلوی وطنپرستان افریقایی‌دور نمی سازند ؟

- چرا خونبهای آلینده و هـزاران انسان بیگناه چیلی را ازرژیـم جنایتبار پنوچت نمی خواهند ؟

- چرا انتقام کشتا ر هــا وقتل عامهای ویتنامی های بیگناه را از خود امپریالیزم امریکا نمی جویند ؟

وچرا از جنایات امین فاشیست ودارودسته جنایتکار آن حتی نامی نمی برند ؟

پس واضح است که نزد امپریالیزم امریکا که خود در راس همه جنایات قرار دارد و مسوول عام وتام آنست‌موضوع‌دفاع‌ازحق‌وعدالت مطرح نیست وتنها مطلب «داغ کـردن تنور است تا نان شانرا درآن بپزند» مهم نیست که بجای هیزم درآن انسان بسوزد یاهست وبود منطقه !

ماچنانکه بارها اعلام نموده ایم که‌خواهان همسایگی نیك و صلح وثبات منطقه هستیم وهمانگونه که عدم مداخله رادر امور دیگران محترم می شماریم به هیچ‌کس اجازه نخواهیم داد تادر امور داخلی مامداخله نماید .

خلـق‌افغانستان‌امپریالیزم انگلیس را بحیث دشمن دیرین خویش می شناسد واز زدوبند های امپریالیزم امریکا با امین خونریز وباند فاسد وی بخوبی آگاه شده‌اند وحاضر نیستند تاآزموده بیازمایند.

پس برخلقهای منطقه خصوصا بـر خلـق پاکستان است‌که «پلنگان رادر لباس‌ملنگان» با خصلـت د ر نـد ه خـویی آنها بخوبی بشناسند و اجازه ندهند تا اجراکنندگـان نقشه های شوم امپریالیزم ، خاك شان را به پایگاه نظامی جنایتکاران و محل تـلا قـی جنگ طلبان مبدل سازند زیرا عواقب آن آتشزا خواهد بود ومصیبت بار !

جهان را بنگر یم. با دیده ی ژرف واو بژ کتیف رو یدادهای آنرا در طول تاریخ بررسی کنیم. خاطرات مردم را در طول تاریخ ارزیابی نمائیم. بسیار دور نمی رویم این نگرش خود را به بررسی واقعات جنگ جهانی دوم و بعد از آن محدود می سازیم.

علت انشائی همه جنگ ها واز جمله جنگ بین المللی دوم همان تضاد منافع مردم ودشمنان مردم وتصادم این منافع می باشد که بحکم تاریخ نتیجه‌ی از این تصادم بنفع مردم وبضرر دشمنان مردم‌می انجامد.

پس از آنکه امپریالیزم‌فرزندنا خلف و خود سری (فاشیزم) رابه جهانیان تحویل داد وبه آن مامو-ریت قلع وقمع؟! او لین کشور صلح خواه وپشتیبان نهضت های رهایی بخش وآزادی خواه جهانی را داد. زمامداران آنوقت ممالك امپریالیستی از یك واقعیت دیگرنا آگاه بود ند وآن اینکه .رهایی لجام این وحشی هیچکسی حتی هم مسلکان را نیز آرام نخواهد گذا-شت ودر ین موضوع خودتضادمیان ممالك امپریالیستی محرك واقعی می باشد.

نتیجه‌ی وحشت وجنگ افروزی فاشیزم ونازیزم بر خلاف پیش بینی چرچل هاو روزولت هاچیزی دیگری از آب بدر آمد. بعد از آنکه این جنگ تجاوزکارانه ی امپر-یالیستی تمام شد سیستم یکشوری مما لك صلح جوو متر قی به سیستم جهانی تبدیل شد .نهضت های آزادیبخش ملی اوج گرفت ،طو-ماراستعمار کهنه ی امپریالیستی واستعماری در هم پیچیدوندای آزادی خواهانه از کران تا به‌کران گیتی اوج گرفت وپیچید.

چون در ین جنگ ودر اثر نتایج آن ضربه گیجکننده ی به امپر-یالیزم وارد آمده بود ،برای اینکه خود را از تلاشی کلی ونابودی نجات‌دهد به تکاپو افتاد واین تکاپو جز بکار بردن حیله ها ونیرنگ هاوچپاولگری ها چیز دیگری‌نبود. در ین نیرنگ امپریالیزم‌امریکا مامور فعالیت‌در اروپاوافریقاگردید وامپریالیزم کهنه کار انگلیس

تاریخ شاهداست که :

امپریالیزم عمده ترین و مغرض ترین دشمن بشریت واز جمله اسلام است

مامورفعالیت های استعماری در آسیاوافریقا گردید ند.

امپریالیزم انگلیس یعنی این گرگ انسان در لباس چوپان شناخت واو لین تخم نفاق واستعمار را در متصرفات خود ودر قدم اول در بین خلق کبیر نیم قاره (هندو-ستان یا بهارت) پاشید. امپر یا-لیزم محیل انگلیس بعد از آنکه در زیر فشار مبارزات خلق کبیر نیم قاره بزانو در آمده وواداربه شکست شده بود نخواست که بدون زهر پاشی بگذارد که مردم آن سر زمین مصروف حیات‌وتعمیر کشور بلا کشیده ی خود شو ند ولی این عمل امپریالیزم دور از انتظار نبودزیرا خاصیت طینت‌و نقشه یی این بلای انسانی همین طور است.

امپریالیزم انگلیس برای پیاده کردن نقشه های استعماری خوداز احساسات پاك دینی مردم نیم قاره سو استفاده کرد ند واین سر زمین واحد را بنام هندو ومسلمان‌دو پارچه نمود وآنهم طوری که‌زمینه یی بهم اندازی‌هاو ایجاد نفاق سهل وآسان باشد. آیا ملت های‌هندو پاکستان فرا موش خواهند کرد که امپریالیزم بمثابه عمده ترین دشمن بشریت تخم نفاق وجنگ‌را بین شان کشت نمودودر اثر همین عوامل وطی چند ین جنگ خانمانسوز صدها انسان بیگناه از دو طرف کشته شد ندو ملیونها دالر پول بهر دوطرف خساره وارد شد. همچنان استعمار انگلیس در طی یکنیم صد سال حکمروایی‌جابرانه‌و استعمار گرانه ی خود چون زالو خون خلق های هندو، مسلمان‌و دیگر ملیت هاو اقوام نیم قاره‌رامکید وصنایع محلی ورو ستایی آنهارا در هم شکست.

در شرق‌میانه نیز این امپریا-لیزم بود که اولا کشور های این منطقه را تحت سطیره ی‌استعماری خویشس در آورد وطی چند ین دهه مما لك عربی ما نند مصر ، عراق، اردن وغیره را در اشغال استثمار-گرانه‌خود داشت وبعد ازآنکه این خلقها بر ضد استعمار شوریدند وزنجیر اسارت مستقیم آنرا گسستند وبدور انداختند ،امپر-یالیزم محیل وبوقلمون از راه دیگری در آمد وبزرگترین‌دشمنی تاریخ را بر حق عرب وبخصوص خلق عرب فلسطین روا دا شت‌وآن آوار ه نمودن این خلق واز کاشانه را ندن‌آن بود.

امپریالیزم جهانی به این‌هم بسنده نشد و آوارنیکه‌خلق مصر آزادی کانال سویز ویا آبراه ملکیت خود را ملی اعلام دا شت حمله یی مثلثی بر مصر نمود ندو طی‌این حمله‌از بمباردمان‌وویران‌نمو-دن‌شفاخانه ها، مکاتب ، کود-کستانها ،مساجدو شهر های‌پر-نفوس دریغ نورزید ند. دراین حمله صهیونیزم (که‌قبلا از طرف امپریالیزم بمثابه سگ زنجیری‌و ژاندارم تا دندان مسلح در سر زمین عرب فلسطین جا یگزین شده بود) نخستین نمك حلالی‌! خود را در خدمت حامی وبادار خود انجام داد.

هکذا باید متذکر شد که‌اگر در ین حادثه اتحاد شوروی‌به مثابه دوستواقعی عرب به کمك خلق مصر نمی شتافت ونیروهای تجاوزگر را بجا یشان نمی‌نشاند صدمات وعواقب وخیمی دامنگیر ملت مصر می شد.

چون امپریالیزم‌در ین جنگ با دندان شکسته وناکام برگشته بود بار دوم به تحریك یك دولت دست نشانده خود پرداخت ودر سال ۱۹۶۷ اسرائیل با تجاوز بر سر زمین های عربی (مصر ،سوریه اردن)بخشس وسیعی از ین مما لك را در اختیار خود در آورد وهر چه بیشتر به‌آزار و در بدری‌خلق عرب خصوصا خلق سر زمین های اشغالی پرداخت وبا وجود فیصله های شورای امنیت مبنی بر خروج فوری قوای خارجی از سر زمین های عرب ،خیره ،سرانه به‌اشغال مذکور ادامه می دهد وعلت تشنج کننده این خیره-سری کمك های بی حدو حصرو پشتیبانی‌دپلوماتیك امپریالیزم ودر راس امپریالیزم امریکا می باشد.

امپریالیزم با تائید ،تاکید، تحریك‌وتسلیح صهیونیزم‌جنگ تجاوزکارانه ای دیگری را نیز در سال ۱۹۷۳ بر خلق‌عرب‌تحمیل‌نمودکه خسارات‌وتلفات‌بیشماری را ببار آورد. باز هم‌امپریالیزم به این بسنده نشد ودست‌به‌یکسلسله اعمال تجا-وزگرانه واهانت آمیز دیگر نیززدو آن به آتش کشیدن مسجد اقصی یا اولین کعبه مسلمانان جهان میباشد وهمین حالا نیزعلاوه بر اشغال سرزمین های عرب و ایجاد وحشت وآوارگی ملت بیچاره وصلح خواه لبنان نیزهر روزبخاك وخون‌کشانیده میشودوزرا-دخانه های امپریالیزم ودر قدم اول امپریالیزم امریکا مقادیر بی پایان اسلحه تحویل این‌انسان-کشان صهیونیست می نماید تاهر چه بیشتر منطقه شرق میانه رابه کانون جنگ وزدو خوردمبدل سازد.

اعمال وتجاوزگریهای امپریا-لیزم حقوق بشر شناسی !؟امریکا در سر زمین ویتنام از هیچکسی

بقیه‌درصفحه۵۵





هزاران نفر ازمردم ماکه‌به‌پیشواز زندنیان‌ازبند رسته شتافته اند

یکی از زندانیان پلچرخی‌هنگام‌بر آمدن ازین باستیل جهنمی به خبر نگـــا ر ژوندون گفت:

دژخیمان امین سفاك و باند جنایتکاراو آنقدر زندانیان بیگناه را شکنجه‌میکردند که گویی بمرض سادیسم‌مبتلابودندوازرنج و آزار دیگران‌لذت‌می بردند

زندان پلچرخی این دژجهنمی که داودجلاد برای دربند کشیدن وطنپرستان وتار ومـــار کردن آزادی خواهان آنرا اعمار وممـلـــو از هموطنان بیگناه ما،گردانید، باپیروزی انقلاب شکوهمند ثور برای اولین‌بار دروازه هـــای مستحکم آن‌باز گردید، ولی این میراث شوم آن به‌امین جنایتکار وباندتروریست وآدمکش آن که باانجام یـك جنایت بزرگ وگرفتن قدرت راهش‌رابسوی‌انجام‌دادن جنایات‌بی‌حساب وکشتار دسته‌جمعی هموطنان بیگناه مابازکرده‌که این اعمال جنایت کارانه اووباند آدمکشش‌در اذهان فرد فرد کشور عزیز ما برای همیشه بجا مانده وتاکه جهان است‌نسل‌های امروز و فردا به آن نفر ین می فرستند.

امین سفاك وباند جنایتکارش، اطفـــال، زنان مردان‌وحتی باصطلاح‌درجن‌بست خانواده‌ها رادر باستیل پلچرخی ودیگر مخفیگاه هـــا بزندان کشید ودسته دسته آنهارا بگلوله بست وهزاران‌خانواده را برای همیشه‌درماتم‌نشانید.

آخرین قربانیان عمال جـــنایتکارانه ایـــن بدنام تاریخ که‌خشم خلق اووباندش را مجال ندادتاآنهارا نیز عقب شهدای دیگر بفرستند باپیروزی‌مرحله نوین انقلاب شکوهمندثوروعفو عام‌وتام ببرك کارمل منشی عمومی‌کمیته مرکزی حزب واحد دموکراتیك خلق افغانستان‌رئیس شورای انقلابی وصدراعظم طی مراسم خا صی

دروازه های زندان بروی شان‌کشوده‌شد،باهر کسی هرچه که‌میگفتند ، ازبیدادگریهای امیـن سفاك وباند جنایتکار اوبود وهـرقصه‌ای از آنها قصه هاوغصه هایی ازشکنجه‌ها وآزاوهای درمنشانه زندان بانان بودکه باشنیدن آنها موبرتن انسان راست میشود وهیچ انسانـــی نمیتواند راه گریه اش را بگیرد وآب‌دیده اش رانگاه دارد.

روز ١٦ جدی که‌روز رهایـــی زندانیان، از زندان امین جنایتکار بود، ده‌ها هزار ازمردم کشور ازمرکز شهر واطراف رهسپار ز ندان پلچرخی بودند وبه امید اینکه مگر گمشده‌های خودرا بازیابند، توسط موتر ها وحتی از چند کیلومتری این باستیل جهنمی باپای پیـــاده خودرا بدهن درآهنی بیرونی زندان ر سانیـده بودند. درجلو محبس‌مذکور تانظر کار میکرد آدم بودکه معلوم میشد هرکدام، هرخانـــواده وهرفردی از حاضران که شاید صدهاوهزاران آن رسیده نتوانسته بودند، گمشده‌ای داشتند که‌برای دیدار حاضر گردیده‌بودند، ولی ایـن تلاش های نزدیك شدن بدروازه محبس‌وتحمل رنج مسافرت برای این منظور ازنـقـــاط دور کشور برای هزاران نفر مایوس کننده‌معلوم میشد زیرا واضح بود که‌هزاران نفر را امین سفاك زیر ساطور آدمکشی خود به شـهـادت

رسانیده وبدیار عدم سپرده بود.

درین میان خبرنگاران ، عکاسان، فلمبرداران وراپورترهای‌داخلی‌وخارجی آزادانه‌گشت وگذار میکردند ومنتظر بـازشدن دروازه ز نـــدان بودند.

درمیان موجی از خوشی وشادمانی هزاران نفر،دروازه زندان بر وی زندانـــیان کشوده شد وزندانیانیکه از زیرساطور امیـن سفاك‌جان به‌سلامت برده بودندرهاشدنه واز آغازبی آمدن به‌افشاء کردن امین‌جنایتکار وباند ترو ریست او پرداختند که شنیدن هرکدام از داستان‌های

آنهانه‌تنها غصه آوربلکه تعجب آوربود ز یرا انسان بهر اندازه سفاك ونوعکش هم‌باشدآخر که‌انسان است وتاوقتی که انسانی بـــو ی آسیبی نرساند ویادرقیداوگیر آید دیگرشکنجه وآزار پایان می یابد ولی بنابگفته چندتـــن‌از زندانیان آزاد شده جور ، ظلم وستم وهتك حرمت ازطرف باندفاشیستی امین سفاك‌آنقدر زیاد بوده که‌هزاران نفرتحت شکنجه‌جان‌سپرده

وتعداد کثیری‌در زیرساطورجام شهادت را در حالی نوشیده اندکه آن‌صحنه هاننگ بشریت است وبرای ابد باعث نفرین خلق کشوربوده ومیباشد .

درنزدیك دروازه درونی محبس‌زن سالخورده ای بزمین افتاده بود دستش را گرفتم ولـــی نتوانست بپا بایستد توام بافغان وناله چنین سرداده بودکه پسرش را ازخانه‌اش بــــرده اندودیگر اثری ازان ندیده است. دخترجوان این زن داغدیده که رویش را با اشك وخون شسته بودبپیش حرفش دویده گفت که‌اوی از غنی خیل ننگرهار است وبرادرش صاحب‌منصب عسکری بود شب‌هنگام اورا ازپیش‌چشمان از حدقه برآمده زن وفرزندانش بالت وکوب توام بموتر انداخته وبردند که ازان‌وقت تاامروز اثری ازان دیده نشده است.

زن جوان درحالیکه پیشروی‌هرزندانی‌آزادشده را میگرفت ، فریاد میزد که برادرش چه‌شد اورا چه کردید ، درکجا شهید شد وازین‌قبیل پرسش هاولی هیچ کدام جوابش رانمی‌گفت بجز آنکه باوی میگریستند واظهار تسلیت‌بوی می‌نمودند که‌این منظره دلخراش هرسنگ دلی راسر گریه می‌آورد واشکها جاری‌میشدند.

مرزامحمد حسین خیل‌باشنده بغلان هنگام خارج شدن از دروازه درونی محبس در حالیکه بکس نسبتا سنگینی رادردست داشت دربرابر سوالی چنین اظهار کرد: من در سرمزرعه خود مصروف کار بودم‌که چندنفر آمدند وبمن گفتند که بیائید یکبار بولایت مربوط بروید ،من‌جزء قبول این پیشنهاد دیگر چاره‌ی نداشتم ناچار باایشان رفتم‌آن ظالمان مرا در اطاقی حبس کردند و بعد شب هنگام آمدندوبه شکنجه گاه انتقالم دادند از عذاب شکنجه چه عرض‌کنم، شکنجه چه‌که هتك‌حرمت رواداشتندوفحش هایی نثارم کردند من باالحاح وزاری گفتم : آخر چه کرده‌ام !

هی لت وکوبم می‌کردند ومی گفتند که :دیگر بافلان وبهمان صحبت می‌کنی ! ودیگر بعدازین هم‌از پیشروی مابی‌اعتنامی گذری‌وازین قبیل سخنان که انسان را بحیرت می‌انداخت .

شکنجه وآزار در بغلان باتمام نرسیده بود، مراچشم‌بسته‌به کابل آوردندوهرشب‌زیرشکنجه باصطلاح نیم جانم می‌کردند وشب دیگر این کارناجوانمردانه را ازسرمیگرفتند، وی افزود: چندین جوان در زیر چشمانم در شکنجه گاه جان دادند وعده ای را هرشب از زندان بیرون می‌کردند وبعد معلوم میشد که آنها را به‌کشتار گاه امین می‌برند وزنده بگور میکنند .

وی در حالیکه می‌خواست خودرا بزودی‌از زیر سوال وجواب‌بر هاند، دستم را گرفت وگفت : خدا حافظ ، دیگر قصه هارا نمی‌کنم که‌بیش ازین غرق ابهت میشوی.

یك زندانی آرزومند دیگر که با عجله راه پیوستن به خانواده چشم براهش رادر پیش گرفته بود ، بامن روبرو شد وقتی خودرا باوی معرفی نمودم واز حال گذشته اش در باستیل جویاشدم گفت : این همه را که می‌بینی ازلب گور برخاسته اند گر چند روز دیگر اعمال جنایتکارانه امین‌وامینیان‌خاتمه نمی یافت،شاید مارا هم عقب‌مرحومان‌دیگر می فرستادندوجای مارا درین باستیل جهنمی ازبیگناهان‌دیگر پر می‌نمودند واین رسم ددمنشانه امین سفاك و باند جنایتکار او بود که شکنجه دیده هارا شهید میکردند وبجای آن بیگنا هان دیگررا بزنجیر می‌کشیدند .

وباینترتیب نقشه هایی راکه سی،آی،ای امریکا در اختیار این نماینده خون آشام خود گذاشته‌بود یك‌بیك‌عملی‌می‌کردندولی‌خوشبختانه که امروزمی‌بینیم با پیروزی مرحله نوین‌انقلاب کبیر ثور ،این جنایت کار بینظر تاریخ‌بگور ابدی سپرده شده و خلق‌کشور برای همیشه اززیر ساطور این نماینده امپریالیزم امریکاو دست پرورده سازمان سیاه‌آن رهایی یافته‌اند.

این زندانی‌که خودش‌را شمس‌الدین وصاحب منصب معرفی کرد افزود : بهر صورت امین بدنام ورسوا وباند جنایتکار او بر خلق بیگناه ماآنقدرظلم‌وستم رارروا داشتندوخونریزی نمودند که کمتر میتوان درتاریخ‌جهان‌نظیرش را سراغ کرد.

زندانیان آزادشدند ، خوشی وشادمانی و وابستگانشان نمودار این حقیقت بودکه دیگر ظلم‌وستم وآدمکشی ازکشور ما رخت سفربسته وجایش رابه صلح ، آشتی‌وکار وفعالیت‌دسته‌جمعی برای شگوفان گردیدن افغانستان عزیز رها کرده است .

دربیرون محبس‌هزاران نفرمنتظرین دیگر بخاطر اینکه کمشده های شانرا برای‌همیشه گم کرده بودند ودر زیر ساطور امین سفاك جام شهادت را نوشیده بودند ، غم و اندوه جانکاهی در چهره های شان بمشاهده میرسید .

آری ،آنها عزیزان خودرا از دست داده‌بودند وسر ازین روز بایدسرگلیم‌ماتم عزیزان شان می‌نشستند .

ازین میان یکی که پدروبرادرش را از دست داده بود گفت : طی مدتی که عزیزان شانرا از نزدشان ربوه بوند، همیشه گلیم‌غم واندوه برخانه های شان هموار بودولی حالا یکبار عزا داری میکنند وهمیشه برامین‌خونخوارنفرین می‌فرستند،وی درحالیکه می‌گفت: نفرین بادبر امین سفاك وباند جنایتکار او راهی موتری‌شد که تازه می‌خواست طرف شهر حرکت کند.

آری ، آنروز زندانیان سیاسی آزاد میشدند وقدم بدنیای آزاد می‌گذاشتند که هزاران‌نفر شاهد خوشی وسرور آنهاوخانواده های شان بودند و همه در هر لحظ ای بر پیروزی های مرحله نوین انقلاب ثور دعامی کردند وبرباند جنایتکار امین نفرین می‌فرستادند .



زندانیان آزادشده توسط سرویس های ملی‌بس زندان پلچرخی راترك گفتند



گناه آنها فقط این‌بوده که‌ازجنایات امین‌سفاك حمایت نمیکردند



زندانیان پلچرخی حیات دشواری راسپری می‌نمودند



آب چاه نسبت دفن اجساد درنزدیکی‌آن غیرقابل نوشیدن گردیده است· این کشتارهاطی‌دورهٔ تاریک پول‌پوت صورت گرفته‌است·

ترجمه ونگارش

ر· یوسفزی

شمه‌یی‌از جنایات‌ضدبشری رژیم پول‌پوت در کمپوچیا

خلق دلیر این کشور بعداز آزادی کمپوچیا کار عمران مجدد را به شدت آغاز کرده‌اند·

یکی ازپهلوهای ناگوار سلطه نظام های استعماری واستبدادی ، میراث های شوم و ویرانی های اقتصادی وکلتوری است که بعداز شکست‌استعمار واستبدادنصیب‌خلقهای مختلف جهان می‌گردد ·

این امر بخوبی در مورد خلق کمپوچیا که تازه بتاسیس یك رژیم وا قعا دموکراتیك توفیق یافته اند ، صدق میکند ·

برای اینکه یك تصویر روشنی از کمپوچیای تحت تلسط رژیم فاشیستی پول‌پوت داشته باشیم مختصرا بتذکر بعضی از جنبه های‌این دوره تاریک چهار ساله می پردازیم· بایدگفت که طی استبداد چهار ساله‌دار ودسته پول‌پوت ینگ ساری‌همه شهر ها تقریبا بویرانه‌هامبدل شده بود· قریه ها خالی از سکنه بود خانواده هااز هم بکلی متلاشی بوده ، صرف غذای همه اعضای یك خانواده دریك جای اکیدا منع‌بودو هرکس جداگانه جیره ناچیز خودرا که اکثرا برنج می‌بود می‌گرفت وبا شکم نیم سیر وروح افسرده زندگی پر رنج خودرا بسوی آینده مجهول ومتحملامرگ قبل از هنگام ادامه میداد·

اجرای مراسم مذهبی بشمول بودیزم‌توسط افراد ممنوع بود· پول ناچیزوبی ارزش‌بود، مکاتب وشفاخانه هامسدود واز خدمات پست‌و مخابره‌اثری نبود· خلاصه‌اینکه‌نمونه های تمدن درنتیجه ظلم حکومت پول‌پوت از میان رفته و فقط صدای غرش ماشیندار وضرب‌چوب‌نصیب کسانی بود که علیه رژیم قلمداد می‌شدند ·

قتل عده زیادی ازخلق مبارز کمپوچیابشمول روشنفکران از کار های عادی ومعمولی این رژیم‌خون آشام بود کم از کم سه‌ملیون نفر از جمله هفت ملیون نفوس کمپوچیا طی این مدت بقتل رسیدند · رژیم پول‌پوت که‌باکمك توسعه طلبان منطقه در پنوم پن مستقرشد طی دو ره تاریك زما مداری چهار ساله‌خویش از هیچ نوع ظلم وبیعدالتی در مورد خلق کمپوچیا دریغ نکرد ·

کمپوچیا قبل از آزادی از سلطه پول پوت حیثیت یك کشور در حال مرگ راداشت که خلق آن باانواع مختلف مصایب‌والام مواجه بودند ·

هنگام آزادشدن ، کمپوچیا چهره یك کشور در حال مرگ را بخود گرفته بود که صنعت وزراعت شدیدا ازبین رفته وسایر فعالیت های اجتماعی در حال نابودی کامل قرار داشت ·

طبق احصائیه‌های منتشره چهارملیون‌نفوس باقیمانده از جمله هفت ملیون قبلی که سه‌ملیون در کشتار ظالمانه پول‌پوت جان سپردند درفقر ،جهل ومریضی بسر میبرند و عده زیادی از آن ها بیکار بودند ·

در سپتمبر ۱۹۷۹تعدادمعلمان، نویسندگان آرتیستان ،ژورنالیستان وروشنفکران که زنده مانده بودند محض ده فیصد احصا ئیه سال ۱۹۷۰ بود· طورمثال درسال۱۹۷۰(۴۰۰۰) داکتر در کمپوچیا موجود بود که اکنون‌فقط از آن جمله (۵۰) نفر باقی مانده است ·

پول پوت وحامیانش‌قبل از گریز ازکمپوچیا همه فابریکه ها وتشبثات راویران کردند و کارگران ازموسسات صنعتی اخراج‌نمودندوآنها راطور آواره پراگنده ساختند ·تحمیل کارهای



عساکر رژیم پول‌پوت‌حتی تکلیف دفن‌نمودن‌مقتولین وقربانیان را قبول نمیکردند

ثقیل ـ۱۲) ساعت در روز و موجودیت کمپ های شکنجه دهنده اکثریت خلـــق کمپوچیا رااز زندگی بیزار ساخته بود در چنین شرایط دشوار وناهنجار اقتصادی وسیاسی بود که خلق مبارز کمپوچیا به حکومت پول پوت خاتمه دادند ۰

تولد دو باره کمپو چیا :

به تعقیب یك سلسله قیام های خونین سر انجام اردوی انقلابی خلق کمپوچیا درهفتم جنوری ۱۹۷۹ پنوم پن را آزاد ساخت وبتاریخ هشتم جنوری همین سال شورای انقلابی خلق تحت ریاست هنگ سامرین تاسیس شدو_ باینوسیله جمهوری خلـــق کمپوچیا عرض اندام کرد۰

یکی از وظایف اولی شورای انقلابی ،عادی گردانیدن حیات در کمپوچیا وتهیه کمك های غذایی وطبی برای خلـــق آنکشور در مناطق قحطی زده بود ۰ دهها هزار تن شالی وسایر کمك های طبی و غذایی که توسط جمهوری سوسیالیستی ویتنام وسایر کشور های برادر سوسیا لیستی در کمپوچیاسرازیر شد بسرعت به خلـــق آنکشور توزیع شد وسلسله این کمك ها در سطح ملی وبین المللی همچنان جریان دارد ۰

کارگران کمپوچیا بعداز تارو مار شدن رژیم پول‌پوت با علاقه فراوان به کار های شان‌باز گشتند ۰ فابریکه ها مجددا به تولید آغاز کرد ولی فابریکه هاتقریبا همه متلا شی وپارچه شده بود وبرای حکومت انقلابی کمپوچیا مشکل بود تاطور لازم فابریکه هارا فعال گرداندچه از یکطرف کمبودی های زیادی از لحاظ پرزه وماشین آلات برای فابریکه ها موجوداســـت واز سوی دیگر قلت موادسوخت محسوس‌بوده وهم‌تعداد زیادی ازکارگران ماهر طـــی دوره اختناق آور پول‌پوت کشته شده‌اند۰

توجه به تعلیم و تربیه مجدد :

شورای انقلابی خلق کمپوچیا گرچه مساعی اعظمی خودرا درمورد غلبه بر قحطی‌واحیای‌مجدد فعالیت های اقتصادی آنکشور متمر کزگردانیده است معهذا حکومت جدید انقلابی‌توجه زیـادی رابه‌تعلیم وتربیه صحیح انقلابی معطوف داشته است ۰ سال های ۱۹۸۰ـ ۱۹۷۹ بحیث اولین سال مکاتب بعداز انقلاب در کمپوچیا تلقـــی می‌شود۰ ازهمین اکنون‌کمیسیون های بـــرای نگارش وتهیه‌کتب درسی موافق‌به‌نیازمندی‌های عصر انقلاب در کمپوچیا مصروف کاراند ۰ در ساحه صحت عامه ، اقدامات عاجل وانقلابـی برای جلو گیری از شیوع امراض اپیدمیــك صورت گرفته وپروگرام های مفید طی مدت کوتاه رویدست گرفته شده است ۰

خلق کمپوچیا درعین حالیکه برای‌اعماریـك کمپوچیا ی جدید و پیشرفته مصمم‌اند همچنان می‌کوشندتا به هیچ نوع کوشش توسط توسعه طلبان منطقه که‌باسازش وهمکاری با سا یر قوای‌امپریالیستی وارتجاعی بمنظوراحیای مجدد رژیم انسان کش سابقه بعمل می‌آید اجازه ندهند ، چنانچه دومین کانگرس جبهه اتحادملی برای نجات کمپوچیا که اخیرا تحت ریاست هنگ سامرین رهبر خلـــق کمپوچیا دایر شد تاکید کردکه اوضاع‌سیاسی در کمپوچیابرگشت ناپذیراست ۰بدون شك یکی‌از اهداف بعداز انقلاب خلق‌کمپوچیا عبارت از حفظ استقلال حاکمیت ، تحکم وانکشاف جبهه اتحاد ملـی برای نجات کمپوچیا و جلب همه وطنپرستان بدون در نظر داشت تمایل مذهبی، سن وجنس است تابدینوسیله مبارزه‌موثر علیه‌عقب ماندگی وویرانی های دوره‌تاریك‌پول‌پوت ـینگ‌ساری بعمل آید ۰

قریب سه میلیون نفر طی دوره تاریک چارساله پول‌پوت در کمپوچیا بـقتل رسیدند.



یك‌مکتب حریق‌شده درانگیانگ



در اندیشه وغصه خا نواده ازدست رفته‌اش

دوام توطئه علیه جمهوری خلق کمپوچیا

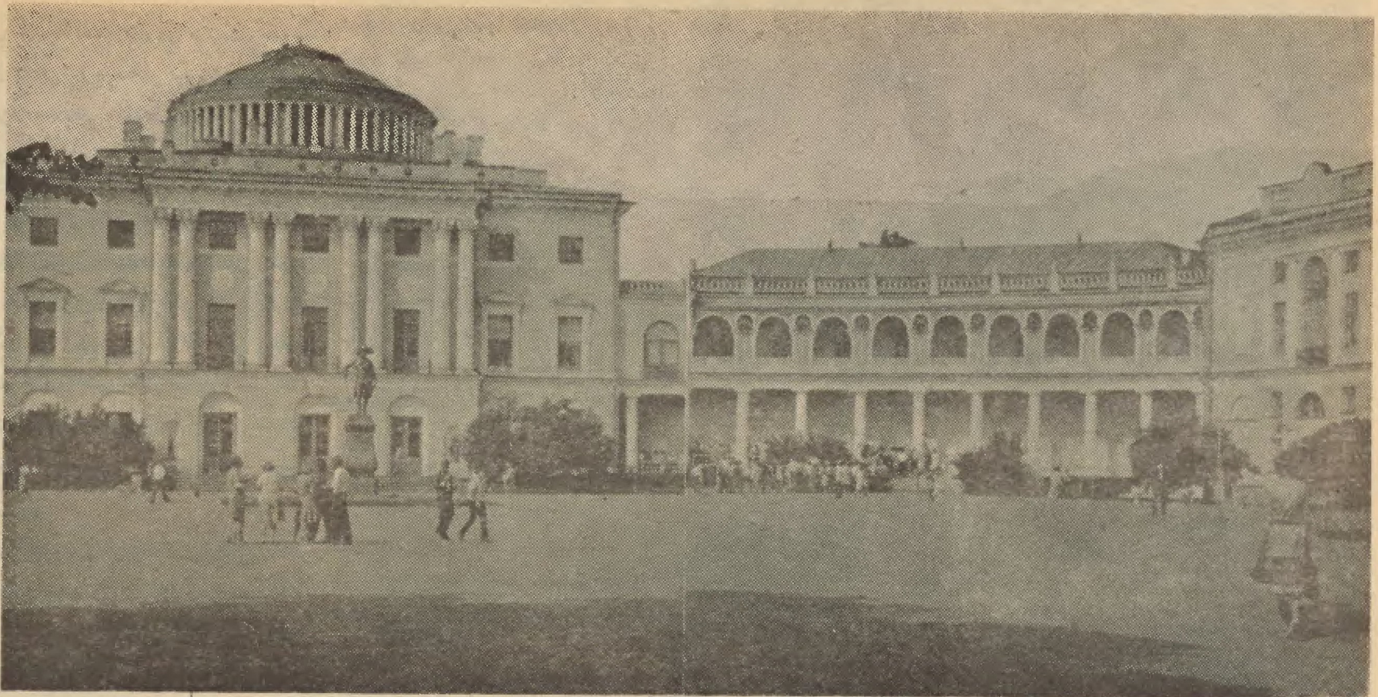
در حالیکه حکومت انقلابی کمپوچیا تحولات بنیادی را بمنظور رفاه خلق‌این‌کشور وعا دی نمودن اوضاع در معرض طـــرح‌و تطبیق قرار داده است ۰ توطئه های امپریالیستی علیـــه انقلاب خلق کمپوچیا ادامه دارد ۰

امپریالیزم میخواهد تغییرات سیاسی اخیررا در کمپوچیا طوری جلوه دهد که گویا ایـــن تحولات بدون اراده ومیل خلق این کشورودر اثر مداخله خارجی صورت گرفته است حکومت انقلابی کمپوچیا طی انتشار ابلاغیه در زمینه بحث ملل متحد را راجع باوضاع در کمپوچیا بحیث یك مداخله‌صریح‌درامورداخلی این‌کشور نکوهش نموده وگفت: «هدف ازآن مغشو ش گردانیدن اذهـــان درزمینه است۰»حـــکومت کمپوچیا این بحث‌راکه باشتراك‌نماینده حکومت پول‌پوت صورت گرفته یك تخلف بـــزرگ‌از آرزوها والهامات اکثر یت خلـق کمپو چیـا نمودکه‌به‌شدت‌از حکومت انقلابی‌شان حما یت می‌نمایند ۰

بقیه در صفحه ۵۳



پنـــوم پـــن شهری که هـــنـــگام‌سلطه‌پـــول پـــوت‌بـــه شبـــح میماند



منظره‌یی از کاخ موزیم پاولو فســک

از سپو تنیك

ترجمه : احمد

کاخ موزیم پاولوفسک در اتحاد شوروی

کاخ موزیم پ ر لو فسك در نزدیگی شهر لیننگراد اتحاد شوروی واقع میبا شد . نواحی کا خ را طبق اظهار متخصصین یکی ازبهترین پارك های جهان احاطه نمــوده است• در سا لها ی جنگ دوم جهانی فا شیست هــای المان کاخ را آتش زدند و اشجار پا ر ك را قطع کردند . در تاریخ احیای مجدد پاولو- فسك اناز یلینو وه که فعلا رئیس موز یــم میبا شد رول مهمی را بازی نمود . ایــن زن در سا ل (۱۹٤۱) مسئول انتقال عجا ئب و مناظر موزیم پاولو فسك مقرر گردید . چینی ها ی ظریف ، تصا ویر و گلــدان ها ی مقبول را که از مرمر سبز ســاختــه شده‌بــود در قطی هــا ی مخصو ص جا میدادند وبسته بندی میکرد ند ، در حــال حاضر لغت بسته بندی بسیا ر سا ده و اسان به‌نظر میخورد اما درآنوقت ضرور بــود تــا از هــر چلچراغ صورت حساب دقیق‌آماده‌میشد به عین تر تیب آویز ه ها ی کر یستا لی با ید با ز میشد و به اطراف آن کدا مچیز بسیار نرم گذاشته میشد تا از شکست آن در وقت انتقال جلو گیری میشد . اما تعداد آویزه‌هاازهزار نیززیادبود• همینکه صند وق ها کفا یت نمیکرد از و سا یل مختلف‌کار میگرفتند ودر اطراف آن علف میگذ اشتنــد در پهلوی این‌همه‌مشکلات تعداد کار گران به چند نفر محدود میر سید و آن هم‌زنان بودند زیرا مردان همه به‌جبهه ر فتــه بــودند چند گروه کا ر گری راکه شو را ی‌شهری غرض انجام کا ر ها ی مذ کور تخصیص‌داد نیز زنان بودند• خط جبهه جنگ‌درچند کیلــو متری انها واقع بود .

بعد از ینکه قطار آخر ی با گنجینه‌های موزیم پا و لو فسك عازم مناطق شر قــی اتحاد شوروی گر دید هنوز آثار هنــری قیمت بهادر کاخ باقی‌مانده بود• اینها بایدبه زیر زمینی های کلیسهای ایسا کیف‌انتقال داده میشد ند اما باز هم مرمر ظریف ممکن بود در اثر انتقال بشکند . در مقابل‌گذاشتن آنها به حال سا بق نیز خطر نا ك بود زیرا فا شیست ها ممکن بودهمه را به باد فنا می‌سپار یدند • زنها مجسمه هارا ازجاهــای آنها به بسیار احتیاط از طریق زمینه هاکــه بالای انها تخته ها ی چو ب گذا شته شده بود کشا ن کشا ن به زیر زمینی ها ی‌موزیم میکشا نید ند و به یکی از نقاط خلو ت‌آنها را قرار میدادند . بعد همه را با خشت هــا مسدود میکر دند و برای اینکه کسی به آنها پی‌نبرد همه رابابریگ می‌پوشانید ند •

چون در پا رك کا خ موزیم یکتعداد زیاد مجسمه ها ی نادر و قیمتی و جود دا شــت

برای اینکه از تخر یبات اشغا لگرا ن فا شیست ها ی الما نی در امان با قــی میما ند ند خندق ها ی عمیق حفر میکر د ند و آنها را در آنجا دفن میکردند . قبل از عقب نشینی عساکر شوروی یکی از سربازان در یکی از مجسمه ها که بنا م «صلح» یاد میگر دد چنین نو شته بود : «ما دو با ره با ز میگر دیم و تو را پیدا میکنیم » در خندق ها علف ، برگ هاو غیره اشیای‌نرم میگذ اشتند .

چون اناز ینووه نقشه پارك را با خــود میدا شت در نقشه همه خندق را نشا نــی میکرد تا در و قت باز گشت آنرا بــــه آسا نی در یا فت کنند . با این نقشه وپلان پــــارك زینیووه بــتا ریخ (۱٦) سپتمبر (۱۹٤۱) از موزیم پاو لو فسك خا رج شد زیرا درین روز جر منی هابه پا رك رسیدند شب را به بسیار نا آرامی سپری کرد زیرا همه جا را آتش فرا گرفته بود و از موزیم به کلیسای ایسا کو ف آمد ودر انجا(۹۰۰) روز ها ی محاصره را سپری کرد .

درینجا باز یینووه سه زن دیگر نیــز زند گی میکر دند اینها سیر و فیمو بالایووه محافظ کاخ ، ایر ینا یا نچنکو همکار فنی



قسمتی از عجایب پارك موزیم



قسمتی‌ازمنظره پارک موزیم که در اوایل‌قرن۱۹ساخته‌شده

کاخ و یفگینیا تورووه محافظ کاخ های شهر پوشکین بودند. انازینیووه به بسیار نرمی و ملایمت ازروحیه قوی آنها چنین حکایت میکند:

«درین وقت هوا بسیار سرد بود. چندی بعد هوا به اندازه سرد شد و قتی‌میخواستیم کمی احساس گرمی کنیم از کاخ به جاده خارج میشدیم. وقتیکه بهار فرارسید یخبندی های دیوار ها روبه آب شدن شد و از انجا مانند جویچه ها جاری شد. درین ضمن تلها کمی تخریب شد و آب زیر زمینی ها را فرا گرفت صندوق ها را به بسیار زحمت از زیر زمینی بیرون می آوردیم و آب را دور میکردیم.»

بعد از ینکه صندوق را بیرون می آوردند همه اشیا را خشک میکردند. به این ترتیب از جمله آنها (۱۳۵۰۰) عدد خشک کاری شدند.

در ساعاتی که بمباری فاشیست هامتوقف میشد همه کارکنان بین دو پایه‌ریسمان را بسته می کردند و پارچه های گلدوزی ابریشمی و دیگر اشیای قیمتی را خشک میکردند ممکن است اینطور فکر شود که مردم می ایستادند واز انها دیدن میکردند اما نه. مردم لیننگراد در آنوقت اگر به کدام جا عازم میبودند امکان رسیدن سالم را به انجا نداشتند زیرا هر لحظه ممکن‌بود بمباری شهر آغازشود. سردی هوا روز بروز شدت می یافت در قسمت‌داخل مانند سابق قیود ات و ضع نه بود همه‌با بالاپوش ها داخل میشدند و به اندازه ضعیف دیده میشدند که قدرت آنرا نداشتند تا برف را ازبالای بالاپوش دور کنند بعضی ها با اطفال خود یکجا به سوی محل کار روانه میشدند. خواندن کتاب مشکل شده بود زیرا از یک سو شیشه های

پنجره ها یخ بسته می شدند و از سوی دیگر چشمها از اثر. گرسنگی باز نمیشد.

زینیوده در جواب سوالی که در ین مدت مصروف چه چیز ها بود چنین گفت:

«من درین وقت انکشاف افکار اجتماعی اواخر قرن هجده و اوایل قرن نوزده‌را مطالعه میکردم میخواستم را جع به‌اطراف لیننگراد و موزیم پاولو فسک چیزی بنویسم درهمه مکاتیب خود که زینیووه با دوستان خود در جاهای دیگر مکاتبه میکرد لغت «پاولوفسک» بسیار دیده می‌شد میخواست از آنها را جع به اعمار مجدد کاخ مشوره های‌لازم دریافت کند اما



آثار قیمتی‌موزیم که‌دروقت جنگ‌تخریب‌گردیده بود.

هنوز نمیدانست که بعد از اعمار مجدد چه شکل را بخود خواهد گرفت.

شاعره معروف آنوقت لیننگراد و یرا اینبر در کتابچه یاداشت خود مورخه اول فبروری سال (۱۹٤٤) چنین نوشته بود: «دیروز با نقاشان و کارکنان موزیم به دو درگوف‌پاولوفسک وپوشکین رفتیم. به کاخ پاولوفسک رسیده نتوانستیم زیرا که پل توسط جرمنی های فاشیستی منفجر شده بود ما زینیووه به چنان سرعت از راهای دور و دراز و پر مشقت به انطرف ساحل خود را رسانید که مرد ها نمی توانستند پی او برسند و ازموزیم به سوی شهر دوباره به بسیار آرامی گام می برداشت قسمیکه معلوم شد تنها شکل خارجی آن به حالت بسیار رو خیم‌خود باقی مانده‌بود، در داخل کاخ همه از بین رفته بود. چندی بعد زینیووه به بسیار مشقت پیاده خود را به اطراف واکناف شهر لیننگراد رسانید تا اشیای را که توسط اشغالگران المانی به غارت برده شده بود دریافت نماید. در نتیجه تفحصات خود قسمتی از اشیا را دریافت کرد و قسمتی آنرا بعد ها در شهر ریگا و در جرمنی بدست آورد اما ضایعات بسیار زیاد بود.

در کنگرس بین المللی مهندسین در لندن که راجع به تعیین خسارات ناشی از جنگ‌جهانی دوم ترتیب داده شده بود الفاظ ذیل طنین انداز بود: «بشریت از مجسمه های قیمتی و نادر پوشکین وپاولوفسک بسیار غمگین میباشد.»

چطور ضایعات جبران می شد! در دیوار های داخلی کاخ که ده روز میسوخت هنوز قسمت اعظم دیکور گچ کاری و بقایای نوشته ها باقی مانده بود. در پهلوی‌این رسامی های حقیقی بعضی از عکاسی ها نیز بحالت خود دست نخورده نیز بحال‌اولی شان باقی مانده بودند. اعمار مجدد امکان پذیر بود اما رئیس بدون کارگران چه کاری راانجام داده میتوانند!

ازینکه گچ از آتش صدمه فراوان ندیده بود در مقابل برف باری تحمل نداشت و پارچه پارچه نقش های برجسته بزمین میریختند. نوشته های که‌برنگ روغنی صورت گرفته بود از اثر سرمای شدید رنگ خود را می باختند. درپارک باد های شدید می وزید. این باد ها مخصوصا برای نقش های دیواری ضرر های سنگین وارد مینمود و آنها را ازپوست جدا میکرد.

درین‌وقت حساس انازینیووه به‌همه مقامات مسئول اثبات میکرد که بدون توقف و تاخیر حفاظه کاخ صورت بگیرد والا از بین می رود. اما خود نمیدانست‌که این همه کارها را برای چه به همگان اثبات میکند. هنوز جنگ دوام داشت نیروی کار کفایت نمیکرد و سایل نیز موجود نبود، زینیووه نزدیکی از آمرین ساختمانی مراجعه‌کردتابرایش‌ضرورت اعمارمجددکاخ‌موزیم راتشریح نماید اما در مقابل آمرنمی خواست به حرف‌های او گوش دهد و چنین ادامه داد: «عزیزم شما آدرس را غلط کرده اید. ما افراد نظامی هستیم و مسایل کاخ مربوط ما نیست.» آمر هیچ این را تصور هم نمیکرد که چند روز بعد همین زن خواهد آمد ونزدش مکتوب را بامحتویات ذیل خواهد گذاشت: «به صورت استثنایی به ترمیم کاخ پاولوفسک آغاز کنید.»

در کاخ که از ماین تصفیه شد کارهای ساختمانی آغاز شد. همه قسمت‌های را که تخریب شده بودند توسط محلول های مخصوص استحکام کاری مینمودند اشیای که‌قابل استحکام‌کاری نبودند به تحویلخانه انتقال داده میشدند ز نها ازخانه های خود همه چیز ها را که‌در ترمیم کاخ بکار میرفت می آوردند تا ترمیم‌کاخ هر چه خوبتر صورت بگیرد.

برای اینکه هیچ‌یک‌از عناصر به جای دیگر نصب نمیگردید از سیستم مخصوص رمز نویسی استفاده نمودند. هر یک از صالون ها دارای رمز مخصوص وهر دیوار نمبر مخصوص داشت.

کارکنان «لنپرو یکت» در کاخ‌اندازه گیری ها را آغاز کرد چندی بعد فیودور-الینیک از جنگ باز گشت. این هنوز قبل از جنگ محصل بود و دیپلوم خود را در موضوع «ساختمان کاخ پاولوفسک و نقش و نگار دیواری نمایشگاه گونزاگو» دفاع نمود.

بقیه درصفحه٤۳



گوشه یی از موزیم پاولوفسک

داکتر عبدالسبحان ها تفی

خواړه تاسي جوړوي او تاسي نړوي

بشر ددی دپاره چه ژوندی پا تی شی زیاتی اړتیاوی لری چه ډیره مهمه اړ تیا یی خواړه او بیاپوښاك اوکوردی.

ښه تغذیه نه یواځی دانسا ن د جسمی او روانی سلا متی تنظیموی بلکه د ژوند نه‌په اعظمی گټه اخستلو سره دبشر دکار محصول پور ته بیا یی او پدی ډول د هیواد په اجتما عی او اقتصادی پر مختگ کی موثر نقش‌لوبوی.

دانسان روغتیا، سلامتیا او کفایت دهغه لازمو اوضروری غذائی مواد و پوری اړه لری کو م چه د ژوندانه په بیلو بیلو مرحلو کی د هغه بد ن ته رسیږی .

هغه څوك چه په سمه تغذیه لوی شوی‌وی د رو حی او جسمی پلوه رو غ وی او د اجتما عی لهٔنظره بر یا لی او په خپل‌ژ وند مین وی . او له بلی خوا ځر نگه چه‌کافی مقاومت د نا روغیو په مقابل کی لری . په عمومی توگه د یوی کسا ملی ر و غتیا او خو شحا لی نه بر خور داره وی .

نا مکمله او نا سا لمه تغذیه دهر چا او هری ټو لنی لپاره گرانه تما میږی اکثره دتنفسی ، هضمی اوعصبی سیستمو ناروغی په غیر مستقیم ډول د نا درستی تغذیه نتیجــه ده دا نا رو غی د ټو لنی د غړو د نا توا نه کولو له کبله دنه جبران کیدونکواقتصادی او اجتما عی زیا نو نو مو جب کیږی . او دا ادعا چه مخنیوی یا و قا یه موثـره او ارزانه لــه‌درمـل څخـه ده ، ډ یـره په ځای‌او معقو له اودمنلووړخبره ده .

هغه‌څه په پا ملر نه سره چــی وو یل شوه . دادی هغه مطا لب چی دخواړو بالخاصه ویتا مینو په هکله تهیه شوی تا سو گرا نو وطنوا لو حضور ته وړا ندی کوم هیله مندیم چی دا راټول شوی مطالب‌ستا ســو داستفا دی اومننی وړ واقع شی .

دبدن اړ تیا خوا ړو ته :

ښه او په انــډول خوا ړه دپوره رو غتیاد تا مین له پاره‌ضرو ری‌دی. ځکه دبدن وده او انکشاف توا لداو تنا سل دانر ژی او حرا رت یــا تودو خی تو لید جسمی او رو حی ښوا لی ډیری نړدی او نه بیلیدو- نکی اړ یکی دخوا ړو سره لری.

۱- خوا ړه دوجود دغړو دطبیعی ودی‌له پاره:

پرو تینو نه،مالگی ،کانی موا دد وجود دجوړ ښت اسا سی مـــواد تشکیلوی .ځینی نور مغذی مواد لکه ویتا مینو نه‌دجوړ ښت دعملیو پــه چټکوا لی ،تنظیم او تر تیب کی‌مهم رول لری ددی دپاره‌چی مطلب مـو ښه اووا ضـح تشر یـح کړ یوی. ترخـو پوه یی آسا نه شی تا ســو ته یومثال وړا ندی‌کوم .

دهډ وکو په جوړ ښت کی یــوه کانی ما ده چی دکلسیم پنا مه یاد- یږی یو مهم او اسا سی‌عنصـــر شمیرل‌کیږی .اما دکلسیم تهیــه‌د هډو کو دجو ړښت له پاره هغــه وخت صو رت مو می چی په وجود کی دویتا مین ډی کافی مقدارموجود وی. ځکه دویتا مین ډی مو جو دیت ددی سبب کیږی چی لازمه اندا زه کلسیم دکلمو څخه جـذب اوورو- سته دهډ وکو په جو ړښت کی تری کار اخیستل کیږی.

نن دنړی په پر مـخ تللوهیوادو کی دتغـذی دسمون په اثر دکتنــی وړجسمی بد لون په ځوان نسل‌کــی منځته را غلی دی . پدی معنی چی‌د نن‌ور ځــی هلکان او نجو نی دخپلو پلرو نو او میندو په نسبت دقــد او قا مت له نظره جگ او جسما غښتلی او پیا وړی دی او هم دخپلو میندو په پرتله ژر بلوغ ته رسیږی. ترهغه‌ځایه‌چی‌ثابته شوی هیڅ‌بل‌کوم محیطــی عا مل بی له خوا ړو نــه پدی برخه کی رول نری .

۲- خوا ړه دتر میم یا جوړ ولــو له پاره :

دیوی ښی او متوا زنی غـذا پــه را نیو لو سره پر هارو نه اود بــدن ته نور وارده زیا نو نه‌په ډیر لــږ وخت اوپه‌اسانی‌سره تر میم کیږی.

۳- خوا ړه دتوا لد او تنا ســل له پاره :

دبی انډو لی او نامنا سبی غـذا خو ړل جسمی خستگی ، ستړ یــا، کسا لت ستو ما نتیا ضعفیت او بی کفا یتی منځته را وړی . جنســی خوا هشات او تما یــلات کموی او حتی دشنډ یدو سبب کیږی .

٤- خوا ړه د بدن دمقا ومت لــه پاره :

دټولنی دهغو غړو دوجود مقاومت چی داقتصا دی کمزور تیا له کبــله کا فی اومنا سب خوا ړه نشــی اخیستــلای ډپر ټیت وی لدی کبلــه دا ډله خلك په مکرو بی نارو غیــو زیات اخسته کیږی .

دنارو غیو سیر په هغو کسا نو کی چی دغـذا یی موا دو په‌کمښت اخته وی ډیر خطر ناك وی اواکثــرا وجود نشی کو لای دهغوی په مقابل کی مقا ومت وکړی دزخمو نو جوړ- یدل پداسی خلکو کی ډیر وخــت نیسی او دمکرو بو دمدا خلی پــه اثر دهغو دښوالی او یارو غید لــو احتمال ډیر لږ وی . بر عکس هغه کسان چی ښه او منا سب خوا ړه اخلی دنا رو غیو په مقا بل کــی زیات مقا ومت‌لری .اوډیر لږ ناروغه کیږی .

٥- خوا ړه دحرا رت او انر ژی‌د تولید له پاره :

زموږ دبدن په شپه اور ورځ‌کی‌د خوب او یافعا لیت‌ولاړی اویا ناستی په حا لت‌کی دخپل رغړو دفعا لیت له پاره حرا رت او انر ژی ته اړتیا لری او پدی ټولو حا لاتو کی دبدن‌د اړتیا وړ حرا رت او انر ژی‌دغذایی موادو پوا سطه تا مینیږی .

ځر نگه چی وویل شو سر بیره په حرا رت او انر ژی چی دوجود اسا سی اړ تیاده وجود ټول غـړی دخپلی ودی ، جوړ ښت ، تر میـم، تقویه ،اود خپلو فعا لیتو نو دتنظیم له پاره یو شمیر مهم او حیاتی‌موادو تــــه ضر ورت لـــری چـــی‌دا





تول مواد په خوا ږو کې موجود دي . چې بايد دسمې تغذې دلپاره په صحي تو گه بدن ته ورسول شي . که نه نو بېل بېل غړي اوپه مجموعي تو گه ټول بدن کمزو رې کېږي اوپه نارو غې با ندې اخته کېدو ته چمتو کېږي .

دغذا يي موادو ډو لو نه:

په عمو مي توگه غـذا يي موادپه درې بر خو ويشـلای شو .

لمړی برخه : هغه خواړه چې سو زې او تودو خې او انر ژې تو-ليدوې دا ډله عبا رت دي له قندونه نشا يسته او وازدې ياغوړو شخه .

دوهمه برخه - هغه خواړه چې د بدن دانسا جو جوړ ښت او ترميم له پاره پکار وړل کېږي او هـ غـه پرو تينو نه دي .

دريمه برخه : هغه خواړه چې دوجود دغړو ددندو په‌سا تنه تقو يه جوړښت ،تنظيم او تعا دل کـې اسا سي نقش لري . هغه عبا رت دي .ويتا مينو نه ،کا ني ما لگې او اوبه دي. دلته موږ يوا ځې په يـو شمير مهم او حياتي موادو په‌هکله چې ويټا مينونه دي‌خبرې‌کو.سربيره پردې دخواړو سمې او صحي‌پخولو په‌هکله هم څه مطا لب تاسو در نـو لوستونکو ته وړاندې کوم .

ويتامينونه :

ويتا مينو نه هغه حيا تي اوباارزښته غذايي مواد دي چې دوجود دبيلـو غړودندو په‌سلامتيا مقا ومت ساتنې او تنظيم کې ستر نقش لوبوي‌زيات شمير خواړه کافي اندازه ويتامينونه لري .

دويتا مينو کمبنت په ستر گـو پو ستکي (عضلا تو) هـډ وکـو-اعصا بو -زړه پښتورگي -تناسلي-هضمي او تنفسي دستگاو با ندې ناوړه اغيزې کوي .

او ددې په څنگ کې دانسان پـه رواني حالت باندې هم نامطلوبـه اغيزه کوي .

ويتامينونه په دوه برخو ويشل شويدي :

لمړی برخه هغه ويتامينونه چه په غوړو کې منحل دي‌-او دو همه برخه يې هغه ډله ويټا مينو نه دي چه په اوبوکې منحل دي .

په غوړو کې منحل ويتامينونـه عبارت دي له‌ويتا مين آ. دي. اي اوك په‌اوبو کې منحل ويتامينونه‌دبي گروپ ويتا مينونه او ويتا مين سي او نور دي .

په‌او بو کې منحل ويتا مينو نه‌په ډيره لږ اندا زه په وجود کې ذخيره کېږي ددې له پاره با يدپه ورځ‌کې په منظمه اندا زه وا خيستل شي. مگر په غو ړو کې منحل ويتا مينونه په‌بدن کې ښه ذخيره کيږي . په‌کلي توگه په نظـر کې بايد ولرو چې‌په غو ړو کې منحل ويتا مينو نه پـه عا دي حرا رت چې په پخليو کـې ترې کار اخيستل‌کيږي‌له منځه‌نه‌ځي او په هغه او بو کې چې دپخو لو له پاره پکار اچول کيږي نـــه حليږي .پدا سې حـال کې چې پـه او بو کې منحل ويتا مينو نه‌پـه آسا نې سره په او بو کې حل‌کيږي. اوځـه مقدار يې دپخلي دحرا رت په وا سطه له منځه ځي. لدې کبلـه دهغو خو ړوپه پخليو کې چـــې‌دا غـذا يي مواد پکښې مو جود دي دهغولارو چا رو شخه چې ورو سته ترې يادو نه شوې ده ترې کـــار وا خيستل او سمه ور ته پا ملر نه وشي .

درنو لو ستو نکو ستاسو دمعلو-مات له پاره هر ويتا مين جلاجلا تر مطا لعې لاندې نيسو اود هغـو دښېگنو اود کمبنت دناوړه نتائجو



شخه يادو نه کو .

په غوړو کې منحل ويتا مينو نـه

ويتا مين آ

داويتا مين دستر گو ديوې مهمې برخې په جوړ ښت کې اسا ســې رول لري اوددې ويتا مين دخا صيت پوا سطه ستر گې کو لای شـې چې دزيا تې رڼـا شخه په‌کمه رڼـا کې خپل تعا دل بر قرار کړي . او خپل ليد نه وسا تي ددې‌ويتا مين په کمبنت سره دستر گو داخاصيت او ديد لږ کيږي او بالاخره لمنځـه ځي. او ديوه نارو غې چې شبکو رې پنا مه ياد يږي منځته را ځـي .چې په هغه کې ستر گې په لږه رڼـااو نيمه تيا ره کې ښه ليد لې نشي.د شبکورې دوام په کو چنې ماشومانو کې ناوړه عوا قب له ځانه سره لري ځکه چې کو چنې ما شومان‌خپـل ستونزه ويلې نشي شبکو رې هم‌په هغوې کې پټ سير کوي . چـې متا سفا نه‌په پای کې په ړند يـدو تما ميږي . ددې ويتا مين يو مهم خا صيت دبدن دطبعي مقا و مت زيا تول لې او تا مين دې دمکرو بو په‌مقابل کې. هغه خلك چې‌دويتا مين په‌کمبنت اخته دې دبو لې اوتنفسي لارو په نارو غيو زيات اخته کيږي. داويتا مين دوجود پو ستکې روغ ساتې دهډ وکو غا ښو نو او پـه اور يد لو کې‌ښه تا ثير لري.

ويتا مين آ دتودو خې په مقا بـل کې مقاوم دلمر دوړا نگو پوا سطه تخر يبيږي دامید وا رې اودشيـدو ور کولو په وخت کې دوجود اړتيـا دې ويتا مين ته زيا تيږي .

دويتا مين آ مهمې منا بــع ځکر ،دشيدې کوچ دچر گې دهگې ژيړ ،تر کا رې ،با لخصوص کازرې کدو خواړه آلو گان، پالك ،گشنيز ميوې لکه زردا لو ،شفتا لو ن‌اوآلو-بخارا دې . دحيوا نا تو پښتور گې هم لږ شا نته ويتا مين آ لري .

ويتا مين‌ډي:

ويتا مين دي چې دلمر دويتا مين په‌نامه مشهور دي‌دبدن په وده او

پا تې په ٥٤مخکې



دهمین قرن تولد دانشمند بزرگ ابن سینا در سال ۱۹۸۰ برگذار میگردد



دانشمند بزرگ ابن سینا

پروفیسور یوسف اتابیکوف رئیس دانشگاه روزی روی میزش تصاویر پوست کارت وعکس های جالب از ابن سینا عالم شهیر افغانستان **راکه از گذشته هانقاشان ورسامان چیره دست** کشیده بودندگذاشت که بخوبی و صراحت نمایانگر چهره فیلسوف ما باعـالـم شهیر ابوعلی- سینای بلخی است در بعضی جا ها او لنگی بزرگ به سرداشته ودربعضی تصاویرونقاشی های دیگر او کاملا چهره یك دانشمندراداشته **است •**

مجسمه ابوعلی سیناکه در ایران موجوداست این مجسمه از سنگ مرمرسفید ساخته شده چنانچه ابوعلی سینا رانشان داده که گویاتاجری **از قسمت های بخارا در حال گشت وگذاردر** نقاط مختلف جهان است در حالیکه رسام چیره **دست فرانسوی به بوعلی شکل پادشاه فرانسه لویز را داده است که در حال عروج وشکوه ودبدبه خاص است •**

پروفیسور یوسف میگوید که راو یان چنین روایت میکنند که سلطان محمود غزنوی چهل تصویر ابوعلی سینارا کشیده ودستورداده بودکـه **آنها رابه ولایات مختلف ارسال دارند وهم دستور داد که دانشمند برجسته رابه دربار** خاص امیرحاضر نمایند. اماکاوش هاوتحقیقاتی **که صورت گرفته هیچ یك ازین تصاویر بدست** نیامده بنابرین **سوال که طرح میگردد ایـــن است که ابن سینا چه تصویر وشکل داشته است •**

بوعلی سینا درسال ۱۰۳۷ در شهر همدان ایران از جهان رحلت نمودودر همانجابه خـاك سپرده شدبعدهاجسداورابه محل سعیدنفیسی **انتقال دادند•**

سعیدنفیسی دانشمندونقاش چیره دست شرق دو تصویراز ابن سیناراترسیم نموداونتوانست **زیاد تراین تصاویر راترسیم کند زیرا درآن زمان ترسیم تصاویر توهین به مقدسات وعنعنه آن زمان شمرده می‌شد واز طرف علما ومشایخ مذهبی به باد تکفیر متهم میگردیدند • ایـــن** تصویر حصه از جمجمه ابـــن سینا را نشان میدهد که این تصاویر بعد ها در اتحاد شوروی **در دانشگاه تحقیقاتی انتقال یافت •**

ترنوفسکی عضوانجمن تحقیقاتی علمی اکادمی اتحاد شوروی از نقطه نظر اناتو می تصویر مذکوررا مورد ارزیابی وتحلیل قرار داده که این **تصویر بیش ترومسن تر ازسال حقیقی خود۵۷ به‌نظر می‌رسد•از ظواهرآن چنین به نظر می‌رسد** که دانشمند مذکور از حیات خویش راضی نبوده **است امادر اخر دوران حیات اوبه زندگـــی علاقمندی ودلچسپی خاص داشته است •اراده وعقیده او به پیروزی غلبه به مشکلات الهام بخش دیگران خصوصا در آینده هادوروجهان امروزی گردیده است •**

نظرات وتیوری‌های طبی‌اواز طرف دانشمندان طب دراتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی‌در موسسه اندیزهان مورد تحقیق قرار داشته واز نظرات واندیشه‌های‌این مرد بزرگ‌تاریخ‌هنوز هم استفاده مزید در ساحه طب بعمل میاید •

تحقیقات دانشمندان درمورد تصاویرومجسمه های این مرد بزرگ نتایج زیرین بدست داده است:

ساختمان جمجمه اوکه توسط بشر شناس میخایل گراسیموف وترنوفسکی موردارزیابی قرار گرفته نشان میدهد کـه چشمهاپایین‌تراز سطح پل سوراخ بینی در حدود چندملی متر قرار دارد که نمیتواند تمثال حقیقی وی رانشان دهد •

کار تحقیقاتی در موسسه تحقیقاتی هنوز هم جریان داشته‌وبه اساس گفته سوکولوواداتشمند زیبایی شناس در هریك از علایم‌که در تصاویر ومجسمه های‌این مرداز طرف‌نقاشان ومیناتوران ترسیم گردیده خصوصیات زندگی وآثار فلسفی رادر چهره این مردبزرگ تاریخ نشان میدهد• مجسمه ابوعلی سینای بلخی‌توسط دانشگاه **های علمی در اتحاد شوروی قرار داشته این مردبزرگ که برای بهداشت و صحت بشریت مبارزه نموده الهام بخش دگران قرار دارد• به اثر تحقیقات دانشمندان اکادمی طبی‌اتحاد- شوروی که‌به مجسمه ابن سینا که از طرف اندیزهانا تکمیل گردیده صورت گرفته نشان میدهد که این یکی از عمده ترین وبهتریـــن مجسمه های است که به صورت علمی ودقیق چهره مرد بزرگ تاریخ رابه آن شکل علمی که‌باید استوار باشدترسیم نموده است •**

نقاشان ، هنرمندان ، ورسامان از گوشه وکنار مختلف جهان رسم‌ها ، تمثال هاومجسمه های این مرد بزرگ را بوجود میاورند که در تجلیل دهمین قرن که به یاد بودو بزرگداشت ازین مردبزرگ درسال ۱۹۸۰برگذارمیگردد بفرستند تابتوان‌شمه‌یی‌از خدمات فرهنگی،علمی **دانشمندان ، فیلسوف وپزشك آسیای مرکزی را ادا نموده باشند •**

داحسان ژباړه

دځمکې د آب او هوا دخرنګوالي دراتلونکې په هکله نوې خبرې

په پخوانیو وختونو کی ځینی پوهـانو دا **نظر در لود چی دنړی آب او هوا په تدریجی سړیږی او دغه سړو خه به داز مینه برابره کړی چی بیا دځمکی دکری پر مخ‌دکنګل دوره پیل شی . خو او س پو ها نو په دی هکله زیاتی څیړنی کړی دی او په دی‌هکله بیلی‌بیلی نظر یی یی وړا ند ی کړی دی .** د شلمی **پیړی تر نیما** یی‌وختو نو پو ری د ځمکی **اقلیمی حا لت په عمومی تو ګه د بشر د ژو لنیز واواقتصادی فعا لیتو نو څخـــه جلا شمیر ل کید ه . خو ورو سته دغه‌جلاوالی تغییر و مو ند ، د ځمکی پر مخ د سو ن‌د موادو د سوزیـــد لو او راز راز لـــو ګیـو د پو ر ته کیدو په نتیجه کی د ځمکی پـــه اتمو سفیر کی د کا ر بن دای ا کسا یدانداز‌ه زیا تیږی او همدا راز دځمکی داتموسفیرطبیعی حا لت له تو پیر سره مخا ښ کو ی او دځمکی دحرارت په اندازه کی هم زیا توالی مینځ ته را ځی • دنړی په ډیرو هـــــیوادو نوکی پو ها ن په یو لړ څیړ نو او تحقیقا تـــو بو خت دی څو داسی حقا یق‌پیدا کړ ی‌چی دکا ربن دای اکسا ید د کتلی دزیا توا لی اندازه و ټا کی او همدا راز د کا ر بن‌دای اکساید دزیا تیدو اغیزی دځمکــــی‌اتموسفیر دتو دو خی د درجی په لوړ وا لی کی‌څرګندی کړی، نوموړو پوهانو دا نظر یه څر ګند ه کړی ده چی دکاربن دای اکساید د کتلی اندا زه دوه چنده شی د ځمکی د کری‌داتمو- سفیر د لا ند نی طبقی د تو دو خی در جه‌به د سا نتی ګراد دریو در جو په اندازه لوړه شی •**

دپوهانو داخر ګندونی په را تلونـــــکی **کی د هوا دتو دو خی داندازی او څرنګوالی په باب زیا تی اسا نتیا وی برابروی .دعلمی** احصائیی په ا سا س د ا ر کتیك د سمند ر کنګلونه د منځنی ار کتیك هو ا په دوبی کی دسا نتی ګراد پنځه در جی او په ژ می کی شل در جی ټیټوی . د کنګل کیدو علت دلمر په وړانګو او د کال په تودو او سړو موسمونو پوری اړه لـــری ، **که دهوا دتو - دو خی احتما لی اندا زه زیا ته شی ،دا امکان‌شته** چی ګوندی‌دمنځنی ارکتیـــــك **کنـــګـــــل به دژمی دعادی کنګـــــل تـــــه را ټیت شی او په پا ی کی به دغه کنګل بیخی و یلی شی . همدا راز** پو **هان‌عقیده لری که چیری د ځمکی دشمالی نیم کرۍ تو- دو خه د سا نتی ګراد د دوو در جو پــــه اندا زه زیا ته شی دار کتیك کنګل بـــــه ویلی شی دا لاند ی جدول دار کتیك د سمند رګی د کنګلو نو د طبقو و یلی‌کیدل به په راتلو نکو شلو کلو نو کی احسا س شی . او دغه کنګلو نه به په (۲۰۲۵) عیسوی کا ل کی بیخی و یلی شی .**

که **دځمکی تو دوخی زیا** ته شی، **دغه تود وخه به دځمکی دبیلو بیلو عرض البلدونو کرښو سمبول یو شان نه وی . د مثـا ل په تو ګه که په (۲۰۲۵ عیسوی کال) کی، د ځمکی د شمالی‌نیم کری** منځنی تودوخی **دسا نتی ګراد له دوو څخه تر دری اعشاریه پنځودرجو پوری لوړه شی د لوړو عـــرض- البلد و نو سیمو ددو بی تو دو خی بـــه** د سانتی ګراد له ۷ نه‌ترلسودرجوپوری‌زیاته **شی، اوددغوسیمو د ژمی دتودوخی** انـــدازه **به دسانتی ګراد له منفی پنځو نه تر لسودر- جو پوری ټیټه نشی . دهوا د تو دو خـــی دغه در اما تیك تغییرات به په عمو می‌توګه د نړی په اقلیمی حالا تو کی بد لو نو نه را مینځ ته کړی او دغه بدلونونه به په‌لوړو** او ټیټو عرض البلد و نو سیمو کی ښکـاره شی . ددی عقیدی لپاره هم پوره د لیلو نه

پاتی په ۵۸ مخ کی

تضاد های درونی جهان سرمایه داری

نویسنده: وادیوم نیکرا سوب

مترجم: سید حسام مل

تعمیق و تشدید بحرانات در سیستم جهان سرمایه داری و بروز اختلافات درین جوامع یکی از پدیده های مشخص عصر ما است. ادامه مشکلات و بر هم خوردن زندگی اقتصادی به تعقیب بحرانات دوره نسبی سالهای ۱۹۷۴-۱۹۷۵ انعکاس سیاست نااستوار داخلی جهان سرمایه داری بوده که باعث ایجاد و ظهور تصادم در سیاست و روش طبقات حاکم و در مناسبات بین الدول جوامع سرمایه داری گردیده است.

جریان حوادث موجوده بصورت فشرده توسط رهبر پرولتاریا چنین توضیح گردیده بود که:

«ترا کم سرمایه مالی محرک اصلی انکشاف نا هموار دول سرمایه داری بوده، که این خود موجب ظهور اختلافات شدید بین دول جهان سرمایه داری میگردد».

در عین وقت پالیسی هر نیروی امپریالستی امروزی نسبت به گذشته در آن نهفته تا با درنظر داشت عینیت طبقاتی مبارزه شان را به مقابل جهان سوسیالزم، جنبش های رهایی بخش انقلابی و جنبش طبقه کارگر شدت بخشند.

دول سرمایه داری برای پایداری و تقویت وضع خویش در صدد آن میباشند تا اختلافات درونی خود را بنام نظم مصالحه وا نمود سازند.

این دول به ثمر رساندن نظم مصالحه را بیشتر در عرصه اقتصادی میخواهند و هم در جستجوی آن اند تا نیرو های مولده خویش را در سطح پیشرفت و انکشاف گیسل، پروسه انقلاب علمی تکنالوژی را انکشاف، و بین المللی ساختن اقتصاد سرمایه داری را سرو صورت داده برای تحقق این مامول مبارزه و تلاش بخرج میدهند. ولی پروسه مناسبات بهم مربوط اقتصاد بین الدول سرمایه داری تاثیرات روشن و مشخص را در سیاست داخلی و خارجی این کشور ها گذاشته که بموجب آن روش های کاملا تازه و جدیدی را بغرض اعمار انحصارات بین المللی روی دست گرفته و برای تحقق آن سعی فراوان بخرج میدهند. بر علاوه اروپای غربی بصورت مشخص در جلو جهد است تا یك سیستم پولی بین المللی را برای دول سرمایه داری و کشور های دیگر بوجود آورد تا اگر بتواند که وضع نابسامان موجود را بهبود بخشد و از بحرانات در حال انکشاف جلوگیری بعمل آورند.

بهر حال این پروسه ها و جریانات را ایدولوگ ها و پالیسی میکران جهان سرمایه داری یا نمیخواهند و یا نمیتوانند بخواهند، تا صفحات جدیدی همگون و متحد الشکل را جهت انکشاف سیستم سرمایه داری بوجود آورند.

با تصحیح و اکمال این توقعات و با مخالفتی که به مقابل جهان سوسیالستی از خود نشان میدهند، با وجود آن هم نمیتوانند اختلافات درونی خود را بر طرف و مضمحل سازند - در عین وقت امپریالیسم بموجب بروز مبارزه شدید بین سیستم سوسیالستی و سرمایه-داری مجبور گردیده تا این واقعیت را درك نماید، که همه این تغییرات حاصله و اختلافات موجوده جهان سرمایه داری ناشی از پروسه پالیسی بین المللی خود این دول میباشد.

اختلافات درونی مشخص موجوده جهان سرمایه داری درسه مرکز کاملا بهم مربوط در دههٔ اول بعد از جنگ جهانی یعنی در ایالات متحده امریکا، اروپای غربی «بشمول دول شامل بازار مشترك» و جاپان ظهور کرد. که هر کدامی ازین مراکز تلاش بخرج میدادند تا سیستم مناسبات موجوده را به نفع خود تغیر دهند و سود بیشتر بدست آوردند. ولی در نتیجه اندازه اختلافات در مراکز فوق تا امروز به نحو بالنده و رشد یابنده خود در حال افزایش و پیشرفت است.

پائین آمدن سطح تولید ایالات متحده امریکا به مقایسه سطح تولید جهان سرمایه داری و انکشاف تناسب تولیدات دول اروپای غربی (خصوصا در جمهوری فدرالی المان) وجاپان که همزمان به وقوع پیوست اختلافات موجوده جهان سرمایه-داری را مبدل به تضاد های کاملا اقتصادی بین دو مرکز امپریالستی وایالات متحده-امریکا که مرکز سوم امپریالیستی است گردانید. باید بخاطر داشت که این تضاد ها در مراکز اروپای غربی وجاپان نسبت روابط نزدیك وباهمی بودن شان چندان صورت نگرفت ولی بهر صورت رقابت بین هم با یك نوع تحرك در حال پیشرفت روز افزون بود. که در نتیجه مناسبات اقتصادی نیز در عرصه سیاسی جامه عمل پوشید و شامل پالیسی روز گردید.

اختلافات در کمپ جهان سرمایه داری بعد از بحرانات سالهای «۱۹۷۴-۱۹۷۵» بمرحله حاد وشدید خود قدم گذاشت، پائین آمدن ظرفیت صنایع، ازدیاد گروه بیکاران، و انفلاسیون روز افزون همه و همه باعث ایجاد رقابت شدید بین نیرو های امپریالستی گردید مبارزه بیرحمانه بغرض احراز بازار ها بخاطر فروش کالاها بین شان آغاز گردید - کشور های سرمایه داری و گروپی از دول انحصاری شان مانند کشور های شامل بازار مشترك اروپا، سعی بخرج میدادند تا در اطراف مارکیت های داخلی خود حصاری بوجود آورند و مانع دخول امتعه خارجی گردند تا اگر بتوانند اشتغالات خویش را تامین و با زار های خود را بدست خود رونق دهند و سود هنگفتی را بدست آورند. مبصرین خارجی معتقد اند که بین مراکز رهبری کننده سرمایه داری بخاطر تجارت با زاریابی جنگ اقتصادی بشکل روز افزون وشدت خود ادامه دارد.

نتایج حاصله از بحرانات در ساحات اجتماعی و سیاسی چارم حصه از حکمروایان سرمایه داران انحصاری را واداشته که اعتماد به روز مستقبل خود نداشته راهی را سراغ ندارند تا ازین مشکلات و رقابت های خصمانه رهایی یابند.

اختلافات موجوده در حال انکشاف طوریکه گفته آمدیم به توده های وسیع زحمتکشان این فهم و درك را داد، که حکمروایان بورژوازی قادر نیستند، تا از بحرانات اقتصادی جلوگیری بعمل آورند، بناء کلیه زحمتکشان معتقد اند که ایدولوگ های بورژوازی در واقعیت امر ایمان و عقیده به نظریات و سیستم سرمایه داری که بصورت کور کورانه آنرا تبلیغ و بالای مردم می قبولانند نداشته و ندارند، صرف برای اقناع سرمایه داران و منافع آنها غلام حلقه بگوشی اندوبس.

درین اواخر ایالات متحده امریکا در یکی از نشریه های خود موسوم به «اخبار و راپور جهان» یاد آور میشود که تمام دول بزرگ شامل پیمان «ناتو» دارای وضع نا استوار سیاسی بوده یعنی دارای وضع سیاسی پایدار و مستحکم نیستند، این همان واقعیت تلخی است که خود نمایندگان امپریالیسم آنرا بی پرده اظهار میدارند.

در تحت شرایط موجوده ملاح کشتی سرمایه داری آن چیزی راکه خوبتر می بیند و مشاهده میکند «جنگ اقتصادی هرکس علیه همه کس است»

که میراث مهم و خطیر سیستم سرمایه-داری بصورت کل محسوب میگردد. پس به همین منظور است که جهان سرمایه-داری بغرض حل تمام پرابلم های اقتصادی جهان خود به سیاست محرك، پیشرو و نده و آشتی طبقات نزدیك میگردد و مبارزه خود را بمقابل تمام نیرو های، صلح، دموکراسی و پیشرفت های اجتماعی معطوف ساخته و میرزمد، ولی بهر حال اوضاع موجوده جهان را که «کارتر» رئیس جمهور امریکا ارزیابی کرده چنین توضیح میدهد.

«نظم اقتصاد جهانی در شرایط فعلیه نسبت به هر چیزی دیگر خواهان آن است، تا تمام دول بصورت متقابل وباهمی برای حل پرابلم های موجوده مشترکا مساعدت نمایند.»

چهره مشخص و ضع جاری در دنیای سرمایه داری مشتمل است برمناسبات بین-الدولی که خود آنرا ترتیب و تنظیم نموده اند، و آن عبارت از بوجود آوردن بلاك های نظامی و سیاسی بوده که بصورت همیشگی در بسط واستحکام آن دول ذینفع تلاش دوامداری بخرج میدهند. تکنیك ومیخانیکیت را که امپریالیست ها بغرض نیل به هدف بکار میبرند، آن امکاناتی را بوجود می آورند که علاقه و دلچسپی عامه را در مقابل این یا آن عضو گروپ مستور و پوشیده نگاه دارند. وبر بعضی از اختلافاتی که بین ایشان و آنهائیکه عمل جداگانه و علیحده نشان میدهد پرده افگنند. وبه نحو غیر قابل تصور و عدم درك صحیح فقط و فقط در پی آن میباشند تا یکطرف منافع هنگفتی از طرف دیگر کسب نمایند، بدون آنکه دارای تسلط و نفوذ مستحکم در اتخاذ عمل خود باشند.

امپریالیسم ایالات متحده امریکا همیش ودر هر جا چنان نقشی را میخواهد

بقیه در صفحه ۴۳

اکبر «بری»

سگریټ پلورونکی

د آسما ن شینی مخ خړ وو ریخو پوښلی و او دبا ران څاڅکی په ډیر شد ت دځمکی پر مخ را تو ئیدل .

غمجنه ځمکه یی لاخړو بو له او د اوبونړی لښتی یی هری خوا ته بهول . سړ و غو نه ښار په‌غیږ کی‌نیولی واو ټول خـانونـه یـی ویږدید لو اړ ایستل . بر یښنا و خت ناوخته په ځپلی زرینی لښتی د آسما ن په تورمخ ګډار و نه کو ل او د تا لند ی هیبتنا کی‌غرا د یخنی د لا شد ت او زور خبرو نه خپرول سړی سیلی دوړی لیوه په شان کوکی وهلی، ځمکی ، کورو نه ، سمی ، غرونه او دښا ر په مخ هر هر شی ته یی خپلی د ظلم‌څپیړی ور حواله کو لی . دبا را ن شدت وار پـه وار ډیر ید ه هوا سړه وه، ښار او ښا ریان یی ټول له ډیر شد ته کر ختول .

شپی خپله توره لمن ورو ورو هر ی‌خواته غو ړو له او دور ځی خړ مخ یی لاله نور او رنا څخه بی بر خی کاوه ، کو ځی او واټونه له خلکو څخه تش وه، ښا ر یا ن په‌ډیره بیړه په واټو نو او کوڅو کی دی خوا هـی خوا کید ل ، په منډ ه منډه یی خپل کارونه سر ته رسو ل او اصلا ډیر لږ خلك له‌خپله کوره دبا ند ی تر ستر ګو لید ل ، خوو‌ړوکی سګر یت پلو رو نکی لا همغسی دپخو اپـه شا ن ، هلته په بازار کی دیوه تړ لـی دکا ن مخی ته تر منا لاندی ولاړو ، غونډ نړ خپل یوازینی اغوستی نازکه‌سوری‌سوری زاړه کمیس لاند ی ریږ دیده او په ریږدید لی نری آواز یی‌همدغه ناری وهلی.

ــسګر یت !... سګر یت ...

هغه سهار لمانځه مها ل له خپلی نړ ی جو نګړی څخه راو تلی و ، لو ځی پښی‌او لو څ سر په ښار کی دی خو اهی‌خواګرځیده د سګریټودری‌ډ بلیه یی دخر څلاو په هیله هری‌خواته ګرځول • هرڅوك چی یی لیـده په منډه یی ځان وررساوه او په‌ډیره‌امیدواری به یی ورته وویل .

ــ سګر یت ... سګرت...دغه‌دی‌سګریت او ګله چی به یو نیم خر یدار کو مه دانه سګریت تری وپیرودنوغم خپلی‌لو یـد لـی ستر ګی به یی په مینه و ځلید لی ، په ډیر شوق به‌یی روپی له خر یداره ترلاسه کړه او دخپل زاړه شوړ ید لی کمیس‌خیر ن واړه جیب ته به یی ور اچو له له خو ښی ډکه نری خندا به‌یی په شو نډ و وغوړیده، په منډه به یی له مخی د بل خر یدار د مبند لو په امید لری شو او بیر ته‌به یـی خپلی ناری شروع‌کړی.

ــسګریټ ... سګر یت... دغه دی تا زه سګریت... ما شوم سګریت پلو رو نکـی غو نډه ورځ په همدی ترتیب منډو اوګرځیدلو دژ می سړی هوا او دنه زغملو یخنی تـه تیره کړی وه او دا و اوس چی کرار کرار ور ځی شپی ته خپل ځای ورخو شی کا وه، په داسی حال کی چی نورئی نو په پښو کی دګر ځید لو او په ستو نی‌کی دنا رو و علو شیمه نه‌وه پاتی ، اوله لو ږی ئی ګید ه‌ورته سو ځید له ، دلته دد‌کا ن مخی ته کرارولاړو او په یو عالم چر تونو ډوب دځپلی غونډی ور ځی دکار او ستړ یا په با ب اند یښنوپه سراخیستی و .

واړه ، نهه، لس‌کلن سګریت پلو رنکـی خپل ډنګر ، زهیر او غمو نتلی بدن دمنا پناه تـه لـه بـا ر ا نـه خـو نـد ی کړی ؤ اوپد اسی حال کی چـی زیړ ز بیښلی مخ او ځیری او لوـ یدلیو څړو سترګو یی په څر ګند ډول دخوار ی او خوا شینی بیا ن کاوه ، په راز راز چـور تونـو او فکرونو کی ډوب ؤ، فکر یی کـاوه چو ر تونه یی وهل او داندیښنـو په بی پایانه سمندر کی لاهو ؤ .

دخپلی ټولی ورځی دکار او ستړیاپه باب دخپلی خواری ور ځی او بدـ بختی په‌باب ، او دخپلو په لاسـ ور غلیو رو پیو په باب یی فکرکاوه او له دی کاره سره به سم غونـډه دخوا شینی او نا امیدی څپـو واخیست . او په بدن به یی دغم‌لړی راو څر خید لی ... هغه فکر کاوه او ور په یا دید ل چی سهار په څه نیت اوڅومره امیدواری له کـوره راووت ، خپل واړه واړه وروڼـه ترده دو کا له مشره خوراو نارو غه کونډه مور ورپه زړه شوه ، ورپـه یاد شوه چی مور یی نارو غه ده او باید نن له و چی ډوډی سره یو ځای نیم خورد غوړی هم کور ته یوسی، بیایی خپل ورور ور په یاد شو چی په څومره امید واری یی ور تـه ویلی ؤ چی که یی ډیری رو پـو وګټلی ، دن ته یوه دانه پتا سـه واخلی ... ور په یاد شوه چی نن‌هم دنورو ورځو په شان، سهارلمانځه مهال بازار ته راغی‌ا و دخپل هـر ورختنی مهربانه د کاندار له دکانه یی دسګریټو دری ډ بلیه واخیستل چی دادی تر اوسه یی لا دخر څو لو په هڅه کی دی .پ او ددی ټو لـو یا دو نو له ور په یا دو لو سره یی بیا په تندی کی دخوا شینی ښښـی و بریښنید لی .

پاتی په ۵۲ مخکی

جهیل تیلتسک را که در مناطق کوهستانی التای اتحاد شـوروی موقعیت دارد اغلبا از لحاظ زیبایی باجهیل بایکال مقا یسه می کنند . شفا فیت‌نقره‌فام آب، زیبایی‌سواحل ارتفاع زیاد آن نظر به سطح بحـر (چهارصدو سی‌و شش متر)همه‌این صفات دست بهم داده واین جهیل را از لحاظ زیبایی طبیعی آن در ردیف جهیل معروف بایکال وامثال آن در دنیا قرار مید هد .

در جهیل تیلتسک مـانند جهیـل بایکال یکتعداد زیاد دریا ها که‌شمار آنها به هفتادو یك میرسد سـراـ زیر میشوند اما فقط یك دریا بنام دریای بییا از آن سر چشمه میگیرد

عمق و سطی جهیل به (سـی‌و بیست پنج) متر میر سد. گر چـه از لحاظ عمق به جهیل بایکال‌نمیرسد زیرا عمیق و سطی جهیل بایکال به (یکهزار ششصدو بیست) متـر میر سد اما نظر به جهیل هـــای معروف جهان مانند جهیل هـــای مشیگان ، انتار یو و تیتیکاك عمیق تر است .

ع.پکی مشکزفز ټطسته وشریډه

از آنوقت تا این عصر بنام جهیل طلایی یاد میشود .

دز ینکه جهیل تیلستك را دریاها وابشار های خرو شان ،تنگنا های عمیق احاطه کرده است در طـول سالهای متمادی از نظر دور مانده بود . به این لحاظ طبیعیت دسـت نخورده آن تا حال شکل او لیه‌خود را حفظ کرده است .

جهیل مر نضع تیلستك در دنیای تحقیقات علمی تا چندی قبل چون (صفحه سفید) دست نخورده باقی بود و گروه های تحقین‌اتی ندرتـا غرض پیشبرد تجارب تحقیقا تـی سفر میکردند اما ضرور بود تـــا

تحقیقات دقیق درین قسمت صورت بگیرد . به این لحاظ در سال ۱۹٦٥ در نزد یکی جهیل تیلستك استیشن تحقیقاتی علمی تشکیل و به فعالیت آغاز کرد . کار کنان استیشــن تحق.قاتی علمی باید به سوالات‌متعدد جواب میدادند بطور مثال چرا فقط در اواسط زمستان یعنی در مـاه جنوری یخبندی در ین جهیـل صورت مینیرد وآنهم برای مـدت

ترجمه‌احمدشاه

اسرار جهیل طلائی

از زمان های قدیم در سواحـــل جهیل تیلستك مردم التای از قبیله تیلس زندگی داشتند به این لحاظ در حال حاضر آنرا بنام قبیله مذکور مسمی کرده اند .

مردم قبیله تیلس این جهیل را بنام التین کول که جهیل طلایی‌معنی مورد افسانه ذیل را حکا یـــت مید هد مسمی کرده بودند ودر یـن میکر دند . در زمان قدیم خشکسالی شدید بوقوع پیو ست. شخصی بود که سکه طلا داشت که در آن‌تصویر کله‌ای اسپ نقش شده ه‌بود امادر مقابل حتی یك لقمه نان ندا شت که از آن رفع گر سنگی میکرد . مر د مذکور نزد همسا یگان مراجعه میکرد واز آنها میخوا ست تا سکه را با قرص نانی تبادله کنند اما هیچ‌کس به این معا مله حاضر نه شد. مردبا مایو سی زیاد سکه بی بهای خود را به جهیل پر تاب کرد . به این‌ترتیب

بسیار کم ؟ سا ختمان کف جهیل چطور است ؟ علمت تغیر شدیـد دقلیم درین منطقه چیست که دریك قسمت نزدیکی سوا حل یخبندی ، شدید حکمفر ما ست ودر قسمت دیگر آن که از قسمت اولی چنـد کیلو متر فا صله بیش ندارد هوا ، مانند منطقه کر یمیا ملا یم ونـرم ناچیز جهیل را در یا فت کردندزیرا جهیل تیلسك عمیق است ودرمقابل

سرما و یخبندی دیر تر مقاو مت ، میکند. در ما های تا بستان فقـط اقشار فو قانی آب تا اعماق بیست الی چهل متر حررت خود را بلند می برند و اقشار دیگر آن در طول سال حرارت مثبت چهار درجـه سانتی گرید را دارا میبا شند .

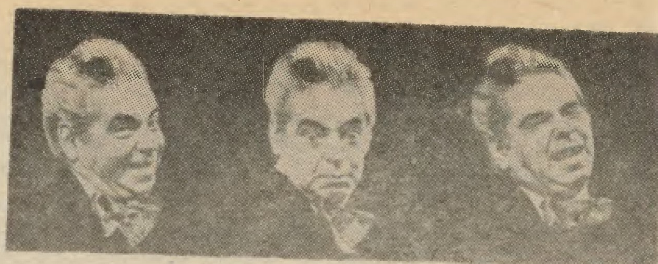
آب درین جهیل تا حد اعظمـی تو سط اکسیجن مشبوع است امادر

بقیه در صفحه ۱۹

کمیدین معروف تیاتر طنز ارکادی رایکین

از سپوتنیک

ترجمه: عبدالله



ارکادی رایکین درچـهره های مختلـف، تماشاگران رامی خنداند



هنگامیکه ارکادی رایکین راپسرش ویکتـن ازممثلین درباز گشت سفرهمرایی میکنند

ارکادی رایکین بدون شک بنیا ن گذار واستاد بزرگ مینا تور طنز در اتحادشوروی میبا شد تیا تر مینا تور یعنی چه ؟ این تیا تراز هنر مندا نی متشکل میبا شد که نما یشنا مه ها ی کوتاه را اجرا میکنند.در تیا تر طنز لیننگراداین نما یشنا مه ها بسیار شد ید ، مبر م و انتقا دی میبا شند .

دربن تیا تر نه تنها نما یشنا مه هـا اجرا میشو ند بلکه هنر مندا ن بعضی از صحنه ها را تمثیل می نما یند که با خود صحبت میکنند و مسا یل مبر م حیا تی را به شکل انتقادی و خنده آور آن تمثیـل مینما یند . ار کادی را یکین در اتحادشوروی و در خا رج از آن از شهر ت ز یادی بر خوردار است . او میگو ید :« در یکی از سفر ها یم به لند ن مقاما ت مربوط به من اجا زه دادند تا در تلو یزیون انگلستا ن بعضی از نما یشنا مه ها را اجر انما یـم این پنج دور نما یش از نما یشنا مه های

متشکل بود که در سا لها ی مختلف در اتحادشوروی انها را اجرا کرده بودم .دربن وقت بطور غیر مترقبه هم‌مسلکان‌انگـلیسی‌ام‌اظهارد اشتند که بعضی از صحنه هـا ی کمیدی را از پرو گرام خا رج‌سا زم .باخود فکر کردم چه حادثه رخ‌خواهد داد؟ سخن ازچه قرار است ؟

یکی از آنها برایم تو ضیح داد : آقای رایکین ما به‌نیـر نگهای شما پی برده ایـم حال شما میخواهید کردار یك شخص بیرو‌کرات را تمثیل کنید اماق سمیکه معلو م است بیرو کرا ت حقیقی برای او لین‌مرتبه در انگلستا ن ظا هر شد .یا بطور مثـال شما میخوا هید رشو ت خوری را مسخره نمائیـد مابعضی هارا در انگلستان عقیده‌دارند

که رشو ت خوری یك تجا ر ت بکلی مجاز شمرده میشو د . پس به این تر تیب چـرا پر نسیب ها ی موازین اخلاقی خود رابر هم زنیم ؟واین نیر نگ شما را که میخوا هید به اشخاص مخاطب تا ن نا م ها ی روسی بگذارید و ما را گو ل بز نید درك کرده ایم .»



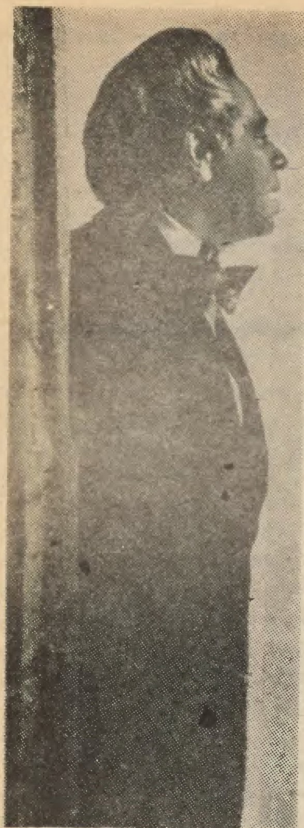
ارکادی رایکین درحال ممارست وتمرین

ار کا دی را یکین در ینو قت بسیا ر غمگین شد زیرا به او اجازه نما یش بعضی از صحنه ها ی مبر موحیا تی را اجا زه‌دادند اما چند ی بعد به این نکته اعترا ف کردکه هم مسلکان انگلیسی او در چو کا ت‌منطقی که برا ی خود انتخاب کرده بودند کا ملا منطقی و معقو ل بودند . زیرا اگر کسی سعی میو رزد تا از بیرو کرا سی بیروکرات هاو رشوت خوری دفاع میکند طبعی است که اجرای نما یشنا مه ها ی را که در آن هـا بیرو کرا سی ، بیرو کرا ت ها و رشو ت خوری به باد انتقاد گر فته شوند مجاز نمی شما رد . ار کا دی را یکین بعد چنین‌اظهار داشت :« چقدر خو ب است که در مملکت ما ازرشوت‌خوری به‌شکل «تجارت بکلی مجاز» دفاع نمیشود و هیچ کس اینطور فکر نمیکند که بیرو کرا سی از عنعنا ت ملی ما بشمار میرود .» .

ار کادی رایکین چون صحنه های‌انتقادی را اجرا مینما ید بنا ء چنین شخصی با ید به‌زند گی و مسا یل مبر م حیا تی به چشم عقل ومنطق بنگرد و اعمالی مانند بیـنـرو‌کراسی ،رشوت خوری را بـدون عاطفه بـبـاد انتقاد بگیرد. ار کادی رایکین میگوید:اینکه کدام اعمال غیر مجاز را بباد انتقاد میگیر م حتمی نیست که از جوانب منفی بطور همیشه سخن گفته شود و به شاخه های دیگرتوجه نگردد . بر عکس طنز وانتقاد آنو قـت مفید و قا بل قبو ل واقع میشود که در خود نکـا ت مثبت را نیـز بگنجا نـد .

ار کا دی را یکین میگو ید : اغلبا ازمن سوا ل میشود « شما به کدام حق دربن‌و یاآن مو ضوع مـزاح وازبعضی مسا یـل انتقاد میکند ؟ معمو لا جواب مید هم مـن منحیث یك انسا ن ، یك هنر مند و یـك تبعه مملکت به‌خود این حق را مید هم نخست از همه خودم اینرا به خود اجازه‌داده

ام زیرا اینها مسا یلی اند که مرا به این نو ع نما یشنا مه ها میکشا نند و با یـد حل شو ند . خنده و مسخره در مقابل‌چنین اعمالی مانند بزدلی ، بی علاقـه گـی به امور محو له ، بی احترا می و پستی منحیث سلاح عمده بشمار میرود و در مقابل باقانون جنا یی در یك مقام و مر تبه قرار میگیرد و حتی بیشتر تر از آن تا ثیر مثبت وارد مینما ید .



ارکادی رایکین درحین نمایش

البته اگر اینطور فکر شود که موفقتریـن صحنه ها ی طنز در جها ن و مرد م تغییر کیفی وارد می کند ساده لوحـی شخص را نشا ن مید هد در مقابل این نیز بی مفهو م خوا هد بود اگر شخصی شغل طنز را در پیش گیرد و به امکانات آن عقیده نداشته با شد .

ار کا دی را یکین تمام زندگی و فعا لیت های حیاتی خودرا در زمان دو لت شورا هـا بیش برد ه و می برد . او میگو ید : من به‌این افتخار دارم که وظـایف محـولـه و کار های دشواری را مرد م ما به بسیا رخوبی انجام مید هند و داده اند اما سنگین تر ین

بقیه درصفحه ۵۱



ارکادی رایکین دراجرای نمایشنامه مقا بل‌سربازان دیده میشود

ترجمه وتلخیص از شهلا «کابی»

سیاست همزیستی مسالمت آمیز

درجهان امروز روابط بین المللی وسیاست خارجی در حیات ملت ها ، در فعالیت های احزاب ، حکومتها ودولتها نقش مهمی بازی می کند ، این همه به شرایطی مربوط است که جبر خصوصیات عصر وعمل کرد عوامل مختلفه آنرا بوجود آورده . ـ در آغاز ، باید گفته شود که سر نوشت ملیون ها مردم و حتی تمام مدنیت باندازه ایکه امروز به شرایط بین المللی ، حل مسایل کلیه‌ی بین‌المللی وبویژهٔ مساله صلح وجنگ وا بسته است در هیچیك عصر گذشته نبود ـ انقلاب علمی وتخنیکی سبب ایجاد سلاح های مخرب کتلوی بی سابقه گردیده .

در جنگی که توسط امپریالیست ها شروع شود اگرازچنین سلاح ها استفاده بعمل آید جهان را با امحای ملیون ها مردم ونابودی شرایط موجودیت نوع بشر تهدید می کند ، در عین زمان انقلاب علمی و تخنیکی باعث رشد سریع نیرو های مولده گردیده نوع بشر را با پرابلم های جهانی ، مانند استفادهٔ معقول از منابع طبیعی، تهیه کار و معیشت برای همه مردم، فایق آمدن‌برپسمانی امور اقتصادی کشور های روبانکشاف و غیره مواجه ساخته، برعلاوه ، انقلاب علمی وتخنیکی باعث وسعت تقسیم کار بین المللی وهمکاری اقتصادی بین المللی در تمام ساحات بشمول استفاده از فضا وابحار وحمایهٔ محیط زیست گردیده .

در عصر حاضر که خود یك عصر عمیقا انقلابی است، تاثیرتوده ها بر سیاست تزاید کسب نموده، سیاست های داخلی و خارجی باهم ارتباط نزدیك یافته اند، جریان ونتایج مبارزات طبقاتی در این یاآن کشور به‌تناسب قوا در کادر جهانی، بحالت روابط بین المللی بی اندازه وابسته شده بالاخره یك خصوصیت ویژهٔ عصر حاضر عبارت‌از موجودیت موازی دولت های است با دو سیستم کاملا مخالف یعنی سیستم سرمـــایه داری و سیستـــم سوسیالیستی که دارای دو سیستم اقتصادی اجتماعی بوده وهرکدام آن با قوانین ذاتـی خود تکامل می کنند .. طبیعی است که این حادثه در روابط بین المللی محسوس شده وبه شکل تصادم وعمل متقابل تمایلات‌عمومی وتکامل قوانین تجسم می کند ..

اساس همزیستی مسالمت آمیز ، که توسط سرزمین جوان شوروی به پیش کشیده شد وتهداب روابط با کشور های سرمایه داری راعی سازد چنانچه بعضی از سیاست دانان بورژوازی ادعا دارند ، هیچگاه یك مانـــور وحیلهٔ تاکتیکی نبـــوده، فرضیهٔ همزیستی مسالمت آمیز جزء لاینفك تیوری انقـــلاب سوسیالیستی است .

تیوری علمی وانقلابی طبقهٔ کارگر بیان می دارد که از اثر رشد نا متوازن اقتصـــادی وسیاسی کشو ر هـــا و امکان پیروزی سوسیالیزم ،اول دریك یاچند کشوریك‌حالت مخصوص بوجود خواهد آمد کـــه در آن سوسیالیزم وکشور های سوسیالیستی وکشور های سرمایه داری موازیا وجود خواهند داشت از جریان وقایع جهانی چنین نتیجه‌گیری به عمل آمدکه اعمار سوسیالیزم نا گـــهان صورت‌نمی گیرد بلکه یك جریان طولانی تاریخ را احتوا می کندا . ازین حقیقت‌چنین نتیجه گیری می‌شود که‌ناگزیر برای مـد ت مدیدی دو سیستم مخالف موازیا پهلـــوی همدیگر وجود داشته می باشند .

شك نیست که یك مبارزهٔ حاد و شدید بین سیستم اجتماعی کهنه و از نظر تاریخی محکوم بفنا وسیستم جدیدی کـه پا به‌عرصهٔ وجود نهاده قهرا درمی گیرد و تضاد بیـــن دو سیستم متضاد تعیین کنندهٔ دورهٔ انتقالی بوده وامپریالیزم با استفاده از تمام امکانات دست داشته، حتی مداخلهٔ نظامی، بـــرای سرکوب کردن انقلاب سوسیالیستی قیام می کند واز طرف دیگر انقـــلاب سوسیا لیستی پیروزمندانه اکتوبر ، سرمشق و اتـــکا ی بین المللی مبارزات کارگران جهان، بالخاصه کارگرانیکه در مراکز اساسی سرمایه داری متمرکز گردیده اند ، می باشد .. با وجود این تضاد عمده در روابط بین‌المللی یك‌نیروی بسیار بزرگتر از خواست ، اراده و تصامیم حکومت ها ویا طبقات متخاصم و مخالـــف با سوسیالیزم وجود داردکـه آنها را مجبور می سازد ، با کشور های سوسیالیستی تماس داشته باشند، این نیرو، نیروی روابط عمومی اقتصادی جهانی بشمار میرود ...

تیوری علمی طبقهٔ کارگر عمیقا معتقداست که منافع ملی کشور های سوسیالیستـــی و کشور های سرمایه داری و منافع حیاتی‌تمام جامعه بشری حکم می نماید که مبارزه بین کشور های دارای نظام های اقتصادی‌واجتماعی متضاد باید به شیوهٔ مسالمت آمیـــز صورت گیرد نه باستعمال سلاح واختلافات حاد بیـــن کشور هاباید باتقابل سیاسی، اید یولوژیکی ورقابت اقتصادی در تکمیل نمودن شیــــوهٔ زندگانی وحل مسایل جهانی از میان برود ، نه در میدان جنگ ... این است معنـــی همزیستی مسالمت آمیز ..

در ختم سال های ۱۹۶۰ وآغاز سال ها ی ۱۹۷۰ ع فضای بین المللی ، تمام جـــریان تکامل در عرصهٔ بین المللی وسیاست جهانی بصورت عموم به تغییرات بزرگی معـــروض گردید یعنی تغییرات در سمت آرامش فشار بین المللی وکمی خطر جنگ جدید جهانی،

حالا باید فهمید که چه عواملی سبب ایـــن تغییرات گردید ؟

نخست : تحکیم بیشتر مواضع کشور های سوسیالیستی ورشد نیروی اقتصاد و تاثیـــر سیاسی آنها، همین عامل است که تاثیرقاطع دارد، زیرا این عامل تلاش مذبوحانه محافل حاکمهٔ امپریالیستی را برای حصول تفـــوق نظامی بر کشور های سوسیالیستی بر مـــلا ساخت وپیروزی های ممالك صلح دوســـت، خلاهایی را در محاسبات غرب بوجود آورد و انحصار آنها را بر مطلق العنانی پایان داد. حصول تساوی خصوصا در قسمت سلاح های ستراتیژیك موقف قدرت وسیاست جنگ سرد رابه نقطهٔ صفر یعنی منفی رسانیده و بـرای خود غرب نیز خطرناك ساخت .

دوم : تغییر دو بارهٔ نقشهٔ سیاسی جهـــان در نتیجهٔ پیروزی های مبارزات رهایی بخش ملی وبروز وتکامل چندین هوجین (دوازده) کشور های جوان در صحنهٔ جهانی بسیاری ازین مملکت هادکته های دول امپریالیستی‌را بدور انداخته در مبارزهٔ ضد اعمال تهاجمـــی، مبارزه بخاطر صلح ومصونیت بین المللی در کنار کشور های سوسیالیستی قرارگرفتند . تغییرات بزرگی در مسیر قوا در بین خـــود ممالك امپریالیستی نیز بوقوع پیوسته یعنـــی بسیاری از کشور های سرمایه داری کـــه در سال های ۱۹۵۰ـ با اطاعت کامل ازکشور بزرگ امپریالیستی جهان پیروی می نمودند ومسیر دیگری را در پیش گرفتند .

سوم : رشد نیروی ضد امپریالیستی د ر جهان : طغیان جنبش طبقهٔ کارگر در کشور های سرمایه داری وتحکیم نیرو های دست چپی در بسیاری ازین ممالك مخصوصا احزاب طراز نوین کارگری، یك خصوصیت و ضـع سیاسی در دههٔ اخیر عبارت است از رشـــد وسیع جنبش های دموکراتیك در اکثرکشور های سرمایه داری از همه اولتـــرجنبش ضد جنگ .

چارم : تغییرات در حلقه های حاکم ممالك بزرگ‌امپریالیستی، ورشد تمایلات ریالیستیك دراین طبقات ودر سیاست اکثر کشور ها ی غربی، این یك جریان خیلی مغلق و اغـــلبا متضاد است . تظاهر عمدهٔ آن درك نتایـــج وخطرات ذخیرهٔ نامحدود سلاح ها است توسط زمام داران غرب وتیز فهم روز افزون‌این‌مطلب که سیاست خارجی باید از دیدگاه جدیدی مورد ارزیابی قرار گیرد. این باید عـــلاوه شود که شخصیت های بورژوازی ایکه‌بیشتر ریالیستك فکر می کنند از پشتیبانی بیشتـــر مردم درحوزه های انتخاباتی برخور دار اند، حقیقتی است که از آن انکار شده نمیتواند. تمام این عوامل در مجموع وانعکاس آن در شعور طبقات، گروه هاوعدهٔ از شخصیت‌های موثر سیاسی ودولتی سبب شدکه در اواخر سال های ۱۹۶۰ع احساسات مردم بخاطر تغییر عقیدهٔ جنگ سرد در کشور های بـــزرگ سرمایه داری اوج گرفت . این بود کـــه شرایط عینی وذهنی تکامل نمود و امکان آن رامیسر ساخت تا از جنگ سرد به آرامش فشار بین المللی ، تکامل روابط عادی بیـــن دوسیستم مخالف چرخشی بوقوع به پیوندد و همزیستی مسالمت آمیز در عمل و قـــانـــون توسط غرب برسمیت شناخته شود . عبور از جنگ سرد، از تقـــابل انفـــجار دو جهـــان مخالف، به دیتانت ...

جهانی مرتبط بود اما به تلاش وحرکت زیاد نخست از همه به تغییر تناسب قوادر کادر خلق ها ضرورت احساس مـی گـــر دیـد . مخصوصا خلق هاییکه مسئول سیاست دولت ها بودند تا تفهیم شود که مسایل موردنزاع رانه از طریق غرور بلکه از راه همکـــاری مسالمت آمیز ، بدون تقابل مسلحانه میتوان طور طبیعی حل نمود ..

انتقال از جنگ سرد به دیتانـــت : درك وسیع اساسات همزیستی مسالمت آمیز درآن واحد صورت نپذیرفت ، مقایستا یك جر یا ن طولانی بود ودر جهان به شیوه های مختلف متظاهر گردید ودر روابـــط کشور هـــای سوسیالیستی وسرمایه داری اشکال مختلفی را اتخاذ نمود .

این جریان بصورت بسیار قاطع در اروپابه پیش رفت، در براعظمی که در آنجا دو نظام اقتصادی، اجتماعی مقابل با سازمان هـــا ی نظامی واساسی شان (ناتو) ووارسا مستقیما در برابر هم قرار داشتند . اولین کشور بزرگ سرمایه داری ایکه با اتحاد شوروی مناسبات خودرا بهتر ساخت فرانسه بود ، این حادثه هم از لحاظ اینکه فرانسه یك پیش قـــراول برای تسهیل عادی شدن روابط کشور هـــای دیگر سرمایه داری با جهان صلح گـــردید ونیز از لحاظ نقش فرانسه در تاریخ جهان ، سیاست جهان، اقتصاد وکلتور اهمیت‌بسزایی داشت، اولین قدم جدید مناسبات‌میان فرانسه واتحاد شوروی در ۱۹۶۶ع بعد از مسافرت پریزدنت دوگول گذاشته شد .

این یك نقطهٔ چرخشی بود در روابط هر کشور وبرای هر دو کشور و جریان دیتانت در مجموع اهمیت بسزایی داشت ، روابـــط هر دو کشور در دههٔ اخیر نمونهٔ عالی ایست برای تجسم اساسات همزیستی مسالمت آمیز وتعاون بین کشور های نظام های مخا لـف ویك عامل مهمی است در عادی ساختن تمام امور مغلق روابط بین المللی واروپایی .....

یك واقعهٔ عمده ونقطهٔ عطف در تاریخ بعد از جنگ اروپا عبارت از قرار داد ۱۹۷۰ مسکو بود که سنگ تهداب دیتانت رادر براعظم اروپا گذاشت وهم این قرار داد بمعنی عادی شدن روابط کشور های سوسیالیستی بـــا جمهوری فدرالی آلمان بود ، اهمیت ایـــن واقعه از موقف خصوصی جمهوری فـــدرالی آلمان در مجموع روابط بین المللی بعد از جنگ، از نقشی که او در جنگ سرد داشت وهم از امکانات زیاد که آلمان غرب دردست دارد کم نیست ... چنانچه در مدت ۲۵ سال پس از جنگ، مسایل مغلقی که با جمهوری فدرالی آلمان وبرلین غربی مرتبط بود، بـه نحوی از انحاء بحیث محراق تقابل دوسیستم باقی مانده بود وجهان را بروی کار آمدن یك جنگ عمومی تهدید می‌نمود، این است‌دلیلی که عادی شدن روابط جمهوری فدرالی آلمان با کشور های سوسیالیستی برای روابـــط همزیستی مسالمت‌آمیزاهمیت بسزایی داشت... کشور های صلح دوست همیشه علاقه منـــد بهبود وتکامل مثبت روابط با بریطانیای‌کبیر وایتالیا بوده اند ... زیرا این کشور ها نیز موقف مهمی در اروپا وسیاست جهـان‌اشغال نموده اند ... مناسبات با این کشور ها از نظر تعاون اقتصادی : تماس هـــای‌سیاسی‌و غالبا مناسبات حسنه بوده است . با بهترنمودن

بقیه‌درصفحه ۳۷

قطعه تفریحی : ترجمه: سعیدی

رهنما برای کسانیکه میخواهند شوهر بگیرند



عروس به‌عقد رفته، هنوزهم درتعجب‌است که شوهرم چگونه است؟!

بهتر است تا اولتر بدانیم که مرد یعنی چه: علم درین قسمت تعریف مکمل آنرا داده است .

مرد زنده جان دو پاست که به بسیار زودی تسخیر میشود وبه حدی میرسد که ظروف رامیشوید ، کف اطاق را پاك میکند و پول معاش را مکمل به خانم تقدیم میکند . حال به اصل مطلب بر میگردیم . هر يك ازقبیل مقبول ، نامقبول سیاه چهره، سفید چهره و بالاخره همه شوهر میگیرند .

از همه زودتر چاق‌هاولاغرهاوکمی نادان ها زودتر شوهر میگیرند . از همه مشکل تر داناها شوهر میگیرند زیرا کدام مردمیخواهد که زن عاقل تراز خودش داشته باشد ؟

قبل ازینکه شوهر انتخاب کنید به قدوقامت مرد ها متوجه شوید . قد مردها مانند د ر مغازه های درجه اول ، درجه دوم درجه‌سوم میباشد . مردها باقد بلند در کار های منزل چندان وارد نمیباشند . مرد های قدکوتاه برعکس غرض استثمار بهتر و مساعدتر اند . اگر شوهر با قدکوتاه داشته باشید هیچ ضرورت نیست که لباس های کهنه تان را بدور اندازید زیرا از يك پیراهن تان يك جوره دریشی برایش به بسیار آسانی ساخته میتوانید .

مردها با قد متوسط خاصیت اطفال رادارند امابی اندازه نان میخورند واز مردان قدبلند عقب نمیمانند .

چشم های مرد ها آبی، سبز، خاکستری وسیاه میباشد ، بدون در نظرداشت رنگ چشم های مرد ها چندان با حیا نمیباشند .

مرد های‌که دارای چشم هامحدب (برآمده) باشند همیشه در جستجو میباشد تا در هر قسمت معلومات کافی داشته باشند وازشعار ذیل پیروی میکنند «میخواهم همه چیز را بدانم» .

حال راجع به رنگ موها صحبت می کنیم. مردها دارای مو های روشن ، خرمایی وسیاه میباشند .

مرد های ، باموهای روشن بسیار متواضع خوش باور وساده میباشند معاش را بدون‌کم وکاست به خانم تقدیم میکند .

مرد های موسیاه بسیار حسود و خشن میباشند . همینکه بالای زن خود بد گمان شد به بسیار هیجان وعده میکند او را ازبین می برد وخود نیز خودکشی میکند . امانمی داند که اولتر خود ویا خانم خودرا از بین ببرد بدین ترتیب مساله را ناحل گذاشته وبرای همیشه تا شام از خانه خارج میشود، مردهای مو خرمایی بسیار مهربان و خوش خلق میباشند .همه موخرمایی ها میخواهند خودرا در جمله مرد ها با موهای روشن قرار دهند . اگر شوهر موخرمایی انتخاب میکنید قبل از ینکه با اوجار وجنجال برپا کنید بهتر است به او غذا بیاورید زیرا موخرمایی در گرسنگی بسیار خطرناك است .

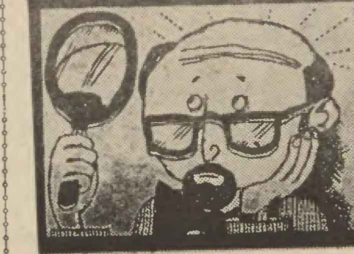
بالاخره مرد ها یی اند که دارای‌سرروشن که بعضی آنها را «تاس سر» میگویند. این نوع مرد ها بسیار جدی و محاسب‌اند. غرض اصلاح سر وشانه های قیمتی پول را بیجا مصرف نمیکنند . در بین مردم عوام ضرب المثل ذیل موجود است : اگر مرد در قسمت پیشانی مونداشت معلوم میشود که بسیار عاقل وهوشیار است . اگر در قسمت عقبی سر مو نداشت این نوع مرد ها بسیار خوش دارند که زنها را صید کنند . اگر در پیشانی ودر عقب سر مو نداشت هویدا است که از زنها به بسیار خوبی و مهارت‌غمخواری میکند .

پس اگر میخواهید شوهر بگیرید بدون وقفه مرد تاس سر را انتخاب کنید این نوع شوهر قیمتی است ! با او در خانه همیشه خوش ومستریح میباشد.









نمایی از شوهران دلخواه

بقیه صفحه۱٦

اسرارجهیل طلائی

مقابل ماهی ها نسبتا کمتر اند.علت این حا دثه چیست ؟قسمیکه معلوم شده است این جهیل برای ماهی‌ها غذای کافی را دارا نمیبا شد زیرادر جهیل مذکور قسمت های وجودندارد که دارای عمق نا چیز با شند تاگیاه های مورد نیاز ماهی ها در آنجا ، بروید و منحیث(چرا گاه) ما هی‌ها از آن استفاده نمایند واز سوی‌دیگر سواحل جهیل‌صخره یی‌بوده ودارای نشیب زیادمیباشند. به این لحاظ درجهیل‌تیلسك فقط سیزده نوع ماهی موجود میبا شد . در ین جهیل نیز مانند جهیل بایکال ماهی های موجود اند که در هیچ نقطه دنیا یافت نمیشود. بطور مثال در سال ۱۹٤۹ در ین جهیل يك نوع ماهی دیده شده است که طول آن به ده‌الی دوازده سا نتی متر میر سد .

کار کنان استیشن تحقیقاتی مشا هدات دقیق را در ین قسمت انجام میدهند و نظر به نتایج تحقیقات آنها (گز ارش های سالانه هایدرو-لو جیکی) تر تیب میگردد . این گز ارش ها اقلیم و رژیم آب را در ین جهیل بطور واضح تشریح مینمایند. این معلو مات برای بیو لو جست‌ها، هایدرو لو جست ها، کار کنان زرا عت و مالداری بسیار ارزنده و مهم میبا شد ودر حل بعضی‌مسایل کمك شایانی مینماید.

از جمله عجایب متعدد جهیل تیلسك از عجیبه میتوان نا م برد که توسط دست ٠ های طلا یی انسان‌ایجاد شده است . این عجیبه باغ بادرخت های میوه دار است که در شرایط ناگوار ودر صخره آباد شده است.

شخصی که در قسمت مشاهدات جهیل معروف است نیکلای سمیر-نوف بود ، این شخص در آنوقت اندازه گیری سطح آب را به عهده داشت . نیکلای در مسکو تحصیل میکرد اما مریض شد . داکتران به‌او مشوره دادند تا در يك قسمت‌کناره وخاموش زندگی کند. به این تر تیب نیکلای به جهیل‌تیلسك آمد وفکر ایجاد باغ را کرد . در سواحل‌صخره یی میخ های چوبی نصب کرد و خاك مورد نیاز را از ساحل مقابل در ، قایق نقل می داد . آب در اثرطغیان سه مر تبه باغ او را ویران کرد اما نیکلای باز هم به کار خود ادامه‌داد. در حال حاضر باغ نیکلای سمیر-نوف در ین نوا حی یگانه نیست .در قسمت های زیاد سا حل جهیل‌طلایی درخت های میوه دار دیده میشودو مردم از آنها استفاده مینمایند .

از شگفتی های تکنالوژی جهان

افق جدید در تکنالوژی طبی امروز

درحدود نیم قرن‌قبل اوسط عـمر ٤٥ سال درنظر گرفته شده بود، اما امروز بـواسطـه انکشافات علوم طبی ووسایل ضروری مبارزه علیه امراض این تخمین را تاحدودی بالا برده است چنانچه در جاپان امروز دوام عمر به ٧٦ سال برای زنان و٧١ سال برای مردان تخمین میگردد که‌این رقم در سویدن وناروی ز یاد تراز سایر کشور های جهان شمرده میشود •

گرچه دلایل وعلل مختلف درمورد ادا مـه حیات موجود است اما عمده ترین این دلایل همان انکشاف وسایل طبی وعلم طب است‌که بعداز جنگ جهانی دوم بـــه پیمانه وسیعی انکشاف وتحولات عمیق نموده است که ایـن وسایل راعمدتا میتوان عدسیه های برقـی ، فزیك هستوی وغیره دانست که در طبابت به پیمانه وسیعی قابل استفاده بوده که‌نه تنها درتشخیص امراض بلکه درراه علاج‌ودر مـــان آن نیز قدمی مهم به پیش بر داشته شده است پروسس ارقام درسیستم های اداری شفاخانه ومعاینه خانه ها عمده‌ترین کاری است‌که امروز در جهان پیشرفته‌توسط‌کمپیوتر صورت می‌گیرد که توسط آن احصاییه‌وکرونولوجی دقیق‌مریض توسط کمپیوتر ترتیب وبصورت‌دقیق در اختیار دکتوران موظف قرار می‌گیرد •

سیستم معاینه دقیق اتو ماتیك مریضان در شفاخانه های مدرن امروز به‌پوسونل کمـــی ضرروت احساس میکند این دستگاه اتوماتیك الکترونکی در مرکز یك عمارت واقع ووسایل وملحقات آن در معاینه خانه های اگر نصب می‌باشد که از همین جامیتواند مریض رابه صورت دقیق تشخیص امعاینه نماید •

چنین دست آورد های علمی در بهبـــود شرایط زندگی خلـــق ها نهایت موثر و ثبت تمام میشود انکشاف و بهبود وسایــــل فایبروسکوب دکتوران مربوط راقادرمی‌سازد تا معاینات دقیق قلبی ،جگر وشش ها که در گذشته امکان پذیر نبود امروز به صورت‌دقیق معاینه نموده وحتی بتوانند ذرات‌وسلول های کوچك مغز آدمیزاد را نیز تحت مطالعه ومعاینه قرار دهند •

طب(هستوی) یکی ازجدید ترین انکشا فات طبی است که بشر درباره آن تلاش ومجاهدات نموده اند واستفاده از وسایل موادرادیولوژی در تشخیص امراض افق جدیدی رادر ساحه طب امروزی‌گشوده که میتواند امراض‌ارگانیگ بدن راتداوی نماید• استفاده ازرادیو آترتوپ هادر وجود امروزیکی از پیشرفته ترین وسیله تداوی امراض ارگانیگ شمرده میشود کـه دکتوران موظف میتواندموقعیت بخصوص‌امراض سرطان ،تومور ، لخته شدن خون وغیره را در بدن به صورت واضح دریابند •

گرچه وسایل طبی‌امروزی‌تا حدودی ناراحتی های دروجود حین عملیات بوجود میاورد اما تلاش بعمل میاید تاچنین مشکلی رادر آینده بتوان مرفوع سازنداستفاده ازاشعه‌رادیو لوژی در تداوی امراض سرطانی نتایج درخشانی را تاکنون در جهان امروز نشان داده است در جاپان امروز دانشمندان در صدد پیدا نمودن وکشف وسایل مهمتر وموثر ترجهت مبـارزه با امراض سرطانی دیده میشوند چندی پیش باترزیق اشعه اکس وگاما باامراض سرطانی مجادله صورت می‌گرفت اما امروز بواسطه‌ذرات هستوی که بواسطه لین های سیکلو ترون ها تولید میگردد علیه ریشه های امراض سرطانی مبارزه ومجادله صورت می‌گیرد •

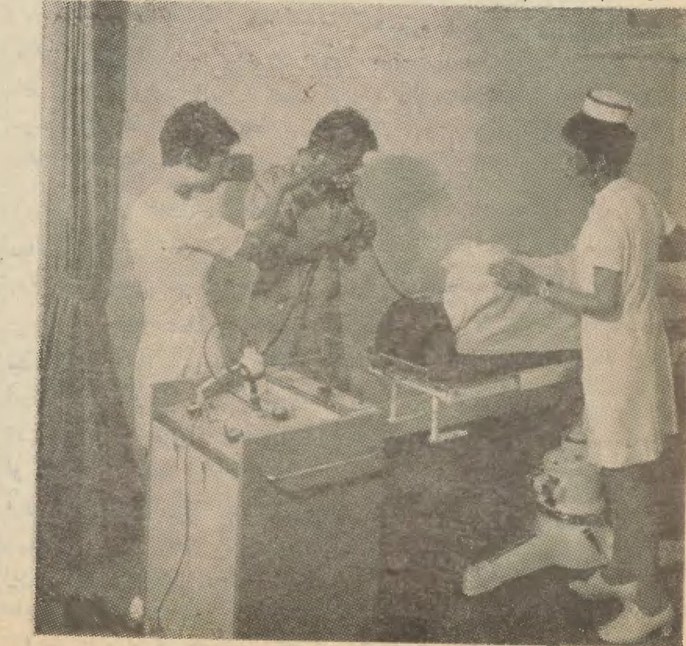
ذرات هستوی دارای انرژی فوق العاده زیاد بوده زمانیکه مستقیما به امراض سرطانی متوجه گردد قادر است تا ریشه های مذکور را از اساس نابود و تخریب نماید •

بنابرین تداوی ذرات هستوی نسبت به‌امواج پراگنده تداوی‌شعاعی نهایت‌موثر ثابت گردیده است این طریق جدید تداوی در موسسه‌ملی مرکز رادیو لوژی در شهر شیبا به فعالیت‌آغاز نموده است •

بعداز چارهفته تداوی از جمله ٢٤ نفر ١٢ نفر آن کاملا صحت وسلامت بوده که بعداز ترزیق اشعه‌هیچ آثار وعلایم سرطانی در وجود شان دیده نمی‌شد آنهائیکه هنوز علایم سرطانی دروجود شان دیده می‌شد امانسبت به گذشته احساس آرامی ورضایت می‌نمودند •

حین که نتایج درخشان این امتحان موفقانه اعلام گردیدموسسات وسازمان های طبی در تلاش آن برآمدند تابکوشند راه های علاج موثرتری راجستجو واین سیستم‌تداوی‌راهرچه بیشتر در خدمت مردم قرار دهند اما عمده‌تراز همه تشخیص مریض بوده که‌بعدا بتوان‌درجای معین اشعه مذکور را ترزیق ومجادله را علیه امراض خانمان سوز سرطانی آغاز نمود•

انکشافات پیشرفت های علوم ودانش بشررا قادر خواهد ساخت تا بتوانند نوآوری هاو انکشافات جدیدنموده وهمه‌انکشافات و دست آوردهای مثبت شان را در راه خلـــق و خدمت به عالم بشریت انجام دهند هرقدردامنه انکشافات علمی‌وراه علاج ودرمان بیماری های مزمن ومخفی کشف میگردد به همان اندازه بسان خرافات واندیشه هـا ی ایدیالیستـی برچیده خواهد شد •



عملیه فایبروسکوپیك(مشاهده ارگان هـای‌داخلی وجود) ناراحـــتی مریض را تخفیـف می‌بخشد•

پرورشگاه‌مار

شش ماه قبل یك پروشگاه مار بظرفیت‌در حدود هزار مار دریکی ازشهرهای نـزد یکی هانوی (مرکز ویتنام) تاسیس گردید •زهرمار به‌پیمانه وسیع درفارمکولوجی مـورد استفاده قرار گرفته ودر مارکیت بین المللی یك گرام آن ٤٠ الی ٥٠ دالر ارزش دارد • پرورشگاه مذکور می‌تواند بیشتر از ششصد گرام زهررا جمع وتهیه نماید•

زهر مایع مار در طبابت فولکوریك ویتنامی ها به پیمانه وسیع مورد استفاده قرار می‌گیرد ودرنقاط کوهستانی وزمین های پایین شهاهای آن مملکت زهر مارا رابحیث بهترین‌دوا جهت معالجه روماتیزم وپولی آرتریتیز بکار میبرند•

درسال ١٩٨٠ تعداد ماران پرورشگاه مذکور طبق پلان مرتبه به پنج الی شش هزار ازدیاد خواهد یافت •

چگونه‌موسیقی جاز درجهان معرفی گردید

برای نخستین بار موسیقی جاز در سال ۱۹۱۲ در ماسکو بر گذارشد که‌برای باراول موسیقی جاز سیا هپوستان از ایالات متحده امریکا به مردم اتحاد شوروی معرفی گردید این نمایش در ستدیوم بزرگ خلق در ماسکو به نمایش گذاشته شد چنین به نظرمی‌رسید که درب های ستدیوم بروی علاقمندان باز بوده هیچ گونه ممانعت درموردخول وجود ندشت.

این نخستین باری بود که درین زمان موسیقی کشور های اروپای غربی و همچنان ایالات متحده امریکا به اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی معرفی گردید موسیقی جاز در پروسه رشد ومراحل تکاملی خودداه‌های پرپیچ وخم‌وطولانی وتکامل رایکی بعد دیگری عقب گذاشته ودر ابتدا بارقص های هیجان آمیزنیز همراه بوده است که‌در هوتل هاورستورانت‌ها برگذار میگردیدماکسیم گورگی نویسنده‌ریالست اتحاد جماهیرشوروی‌این گونه‌رقص‌ونمایش را فقط وفقط هنر ویا موسیقی که‌برای اندوختن پول بود نام گذاشت •

در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در ابتدای قرن بیستم موسیقی جاز مورد بحث وگفتگو های زیاد قرار گرفته بود عده زیادبرآن بودند که نواختن جاز رامنع نموده وعده دیگر درنقطه خلاف‌آن قرار داشته‌واصرار می‌نمودند. که‌جاز هر چه بیشتر به اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی معرفی گرد د یکی از روز نامه‌ها در مورد چنین نگاشته بود :

جاز موسیقی خوب است که میتواند در تسکین آلام روحی مددگار باشد •

این تاسال های ۱۹۲۹ بود که موسیقی‌جاز تاحدودی به شهرتش افزودوبه حیث آرکستری عمده در اتحاد شوروی سوسیالیستی تلقی گردید •

لیونید اوتوی سوف میگوید که وی در یکی وازنواحی بحیره سیاه چشم به‌دنیا گشوده‌این شهر (اودیسه) خیلی هادلچسپ و موسیقی آن خیلی گیرا بود وی میگوید : این امر با لا خره موجب گر دید که عشق وعلاقمندی‌تام که‌به‌موسیقی درمن پیدا شده بود جزیی از اجزای بدنم گردد بنا بر همین عشق وعلاقمندی بودکه توانستم همرای گروهی آواز خوانان یکجا سرود بخوانم این گروه در ابتدا یك گروه کومیك بود بعدها توانست محبوبیت بین مردم پیدا نموده تعداد زیادی را بدور خود بکشاند .

او میگوید که شهراودیسه مرکز علوم‌وفنون مختلف بوده نویسندگان -شاعران -موسیقی نواز آن مختلف‌درآن‌جاچشم به جهان گشوده‌اند روی همین ملحوظ‌محیطی‌که سوتوف در آنجاتولد شده در رشد شخصیت هنری او نقش بس‌مهم داشته زیرا مقوله معروف است که محیط اجتماعی سازند ه افکار اجتماعی است • ولی سوف درعنفوان جوانی یعنی زمانی که‌پابه‌بهار بیست وپنجمین‌خود گذاشته‌بود روبه موسیقی آورد واولین نمایش خود را در ستدیوم بزرگ آنجا به نمایش گذاشت .

اوتی سوف‌که ستاره‌درخشان موسیقی اتحاد شوروی سوسیالیستی است او بیش ازیك هزار پارچه شعر سروده که از جمله۷۶۰ آن ثبت وپخش گردیده ست او شاعروکمپوزر خوبی است‌که همه آهنگ ونغمه هارا خودش کمپوز میکند .

اوتی سوف علاوه برهمه‌شهرت هاو فعالیت‌های هنری اش موسس وبانی موسیقی جاز دراتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی دانسته میشود•

درمراحل نخستین ستیج های کافی‌برای نمایش هنر موصوف‌وجود نداشت‌در آخرقرن بیستم بود که یك تعداد ستیج های محقر ظاهر شد در آن زمان شعربه جمعیت زیاد از مردم سروده نمی‌شد بعدهابه‌اثر تلاش ومبارزه‌خستگی ناپذیر اوبود که اشعار کلاسیك ونو نیز در تالارهای بزرگ به مردم سروده می‌شد ودر آخر علاقمندان‌زیاد ازهرسن وسال به‌شنیدن آن به محافل مختلف رومیاوردندواین امرسبب می‌شد که روز به روز به شهرت هنرو موسیقی جاز افزوده گردد •

درین زمان بود که مبارزه جدی بین هنرهای نوو کهنه جریان داشته هنر مندان هم‌درجهت طرد اشکال کهن هنری که فاقد محتوی‌نوین بوده تلاش ومبارزه می نمودند تا اینکه توانستند با تلاش و فعالیت شباروزی شان هنررا در خدمت خلق قرار دهند •

پروسه رشد وتکامل موسیقی‌جاز طرازنوین بود زیرا باشکل مروجه موسیقی جاز ایالات متحده امریکا که سر چشمه اصلی آن پنداشته می‌شد کاملا متفاوت بوداما موسیقی جازدراتحاد شوروی تنها آن‌اشکال راازموسیقی جازایالات متحده الگوسازی نموده بود که هنوزهم می‌توانست با خصوصیات ویژه موسیقی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی توافق‌وهمگونی داشته باشد•

اوتی سوف بالاخره باخلاقیت هنری که داشت توانست اشعار دسته جمعی وعامیانه اتحاد شوروی را بانواختن موسیقی جاز توام سازد •یك گروه موسیقی جاز او مشتمل برده نفر بود که درین جاز پیانو -بنجو -ترومپت وسایر انواع آلات موسیقی نواخته می‌شد• اما بعدها گیتار وچنگ رانیز باآن توام نمود •



بمناسبت فستیوال موسیقی جاز نمونه‌یی‌موسیقی‌جاز را از درخت ساخته وبه نمایش گذاشته اند

اعضای کارگران هنری او علاوه بر موسیقی نوازان شامل درامه نویسان -شاعران -هنر مندان دیگر نیز بود موسیقی‌جاز اتحاد شوروی حتی در فلم هانیز راه پیدا کرد چنانچه درفلم میری فیلو (رفیق خوش طیب) چارلی چاپلین امریکایی می‌نویسد که امریکایی هاهنرادر اتحاد شوروی خوب درك نموده اکنون این امررا نیزبه خوبی میدانند که چگونه تغییرات روانی نیز در روان مردم وخلق ایجاد گردیده که از گونه‌های مردم‌علایم صلح وسرورمی‌بارد واین بزرگترین ارمغان است‌که عالم هنر به آدمیزاد در آن‌نقطه جهان به‌ودیعه سپرده است•

انسان‌های قدیم‌درمورد کائنات چه‌نظر داشتند؟

مصریان قدیم سه هزار سال قبل درمورد فضا چنین نظر داشتند که آسمان بشل‌یك گنبد بروی زمین قرار دارد و هر شام آفتاب رابه قلب خود فرو می‌برد وتمام شب درداخل وجودش سفر کرده وفردا جدیدا متولد میگردد•

یونانی های قدیم عقیده داشتند که یك سپر آسمانی الی زمین راازآتش های که‌بفاصله‌دور وجود دارد محافظت می کند، وقتیکه ستاره‌ها می‌درخشیدند آنها تصور می‌نمود که شعله های آتش آنطرف سپراز سوراخهای سپردیده‌میشود

همچنان عقیده داشتندکه سیارات بوسیله‌فرشته ها ازیك جابجای‌دیگر منتقل‌می شوند درینوقت زمین مرکز تمام اجرام سماوی تصور می‌شد• حتی در قرن‌سوم قبل از میلاد مسیح یکی از علمای یونانی بنام (ارستار چپس) سیستمی را ارائه کرد که از آن فهمیده می‌شد زمین بدور آفتاب گردش میکند ولی نظریه اونسبت بعضی عوامل به اثبات نرسید تااینکه در قرن ۱٦ میلادی یك انقلاب علمی‌بوجود آورد وذهن انسانرا از توهم وغلط فهمی وارهانید •

کوپرنیك دانشمندی که بحیث اداره چی در کلیسای رومن کاتولیك ایفای وظیفه‌مینمودبا آوردن یك جنبش علمی‌زمین وانسان راازمرکز کائنات مجزا ساخت • موصوف درسال ۱۴۷۳ در پولند متولدگردید اوتعلیمات‌جدید(رنسانس) راکه او رابحث‌فزیك دان،قانون دان اقتصاددان ریاضی دان وستاره شناس آماده ومجهز ساخت فراگرفت‌در آوانیکه‌کوپرنیك بحیث یك روحانی کلیسای فرامبور گ‌خدمت میکردحرکت سیارات

بقیه‌درصفحه۵۰

از وارنالس منتقد یونانی

ترجمه دکتر اسد الله حبیب

در باره سودمندی هنر

آیا سودی از هنر متصور است ؟ اگراست کدام ؟ در این نمیتوان شک داشت که هنر مفید است . هرگاه مفید نمیبود به وجود نمی آمد .

مگر گاهی که هنر مضر است هم وجود دارد . به سوالیکه چه وقت هنر مفید است و چه وقت مضر و سود و زیان هنر درچیست ذیلا پاسخ میدهیم :

هنرجوامع نخستین تحت عوامل زیادی به وجود آمد که در عین زمان آن عوامل اهداف آن هنر بود . هنر ابتدایی با مذهب ، اقتصاد ، جنگ و غرایز جنسی پیدا شد و در خدمت همه این ابعاد زندگی قرار گرفت .

در زمانهای باستان در میان یونانیان و رومیان قدیم گاهیکه هنر به ارزش‌های گوناگون تقسیم شده بود بعضی اندیشمندان آنرا ابراز پرورش اخلاق وبعضی وسیله معرفت (سقراط ـ افلاطون) میشمردند.

به سخن دیگر هنر راخدمت گزار نیکو کاری و حقیقت میدانستند . مفاد عملی انواع «نازل » یا (صنعتی) سطح سودمندی تربیتی انواع «عالی» هنر(سعر، های، پیکر تراشی و غیره) را بالا برد . هنر حقیقت ونیکو کاری را به نحواحسن»می آموزد ، این تیوری تربیتی اثر «عالی» در قدیم ، در سده های میانه و در عصر انسانس‌رواج داشت.

بدینصورت هنر با ابزار دلپزیر خویش چیزی را می آموزد که بیرون مرز خودش است .

آیا این کار از هنر ساخته است ؟بلی، مشابه دیگر ارزش های همانند آن ازهنر هر چه ساخته است . ارزش های مذکور که خود هدف به نظر می آیند در عین حال وسایل تحقق اهداف دیگری بیرون مرز خود اند . استقلال آنها نسبی است زیرا یك ارزش دارای چندین هدف میباشد. ارزش ها نه تنها از هم جدا می شوند بل‌که تمایل به یك پارچگی نیز دارند هر یك به نحوی بر دیگری تاثیر مینماید و یك هدف دیگری را رد نمی کند . این ناهمگونی اهداف بدان معنی است که هر یك ارزشی نسبت بدانچه می باید

نتایج بیشتری بارمی آورد ونیازمندی های و افری را پاسخ میگوید و تنها « تعدد اهداف « و تعدد معانی» ارزش ها استقلال آنها را نفی نمیکند .

میرویم بر سر نظر قدما در باره مفید بودن هنر . در بالا گفتیم که عقیده سقراط در بارهٔ مفید بودن هنر به چه (خیر) و عقیده افلاطون به چه چیزی (حقیقت) ونظر پلوتین به چه (پیوستن به وحدت) می انجامد . اندیشمندان

زمان های باز پسین که بیشترجا نبدار عمل بودند دریافتند که هنرباابزارزیبایی تاثیر تربیتی وپرورشی بر روان واحساس آدمی دارد .

ارستو فان در شعر (بقه ها) مطالب جالب زیادی در باره شعر بیان میکند به عقیده او شعر برای بزرگسالان چنان است که تعلیم برای خوردسالان وظیفه‌هنر است «که مردم روی زمین را هوشیار تر و بهتر میسازد » سترابون شعر را «نخستین فلسفه »ویکی از وسایل عاقل‌ساختن مردم می داند .

پلوتارخ در اثر خویش به نام «در باره پرورش جوانان » تقریباً همان نکته را باز می گوید • به نظر اوفلسفه ناب چیزی است که بدشواری فهمیده می شود ، گویا « شرابی است بدون نوشابه دیگر » واز آنرو لازم است که شعر را در آن بریزیم ، «طوری که باریختن نوشابه دیگر در شراب ما چیزی بدست می آوریم که هم سودمندی اش را نباخته است وهم زیان آور نیست البته‌ما نمیخواهیم که شاخه شعر را بشکنیم وبنا بر آن نبایدبه فکر پاسداری آن شد اما باید در این زمینه اندکی اندیشیدن فلسفی را باید آموخت و باید به یافتن ودوست داشتن سود مندی درمطبوع عادت کرد .»

همچنان نظر هوراس کاملاً معروف‌است که می گفت : لذت بختی یا آموزش ،هدفی است که شعر ابه سویش میروندیاهم این و هم آن !

مفید با مطبوع وپلوتارخ نیز این نکته را باز گفته بود :« آنچه مطبوع است مفید است ».

در سده های میانه و در دورهٔ رنسانس «شعر رادانش نشاط بخش » می نامیدند اما در دورهٔ جدید هیگل وشیللر دو شاگرد برازنده کانت هر چند از راه های مختلف مگر به یك عقیده متوسل شدند که هنر ابزار تربیت است . هیگل هنر را یکی از سه مرز معنوی (مذهب ، هنر و فلسفه) دانست که در آن ایده درشکل احساسی آن شناخته می شود .

شیللر بر آن عقیده بود که هنر دارای همان هدفی است که در طبیعت سراغ می شود .

هنر باید خوشی را عام سازد وخوشبختی بار آورد و علاوه میکند که :«بدین صورت هنر برای ما راه زندگی اخلاقی را باز میکند » . سخن شیللر راست‌است مگر این یگانه راهی نیست که هنر در برابر انسان می کشاید !



هومرشاعر برازندهٔ که درتمام قرون‌واعصار،از محبوبیت خاصی برخوردار‌بوده‌است.

هنر در جایی آغاز می یابد که سودمندی پایان میپذیرد» وهر چیز مفید همینکه مفید نیست به زیبایی تبدیل می شود ،چون قفل ها، قصر های قرون وسطی، مـوبل کهنه، ظروف، اسلحه وغیره .

روح انسانی زمانی میتواند به تماشای زیبایی بپردازدکه تمام تصورات غیر زیبایی شناختی رادر بارهٔ سودمندی آن به دور بیندازد .

در فرجام فیخنر مولف باجرات «زیبایی شناسی تجربی» بانی ریزی تیوری زیبایی شناختی خود بربنای احساسات ساده (که در عین حال هنرهم نهاد «سنتیز» شناخته میشود) داش در بارهٔ زیبایی را چون بخشی از دانش عمومی دربارهٔ دلپذیری شناخت . نظرنزدیکتر به این که توصیف تازه یی از هنر است (هر چند آنقدر تازه نیست !) عبارت است از شناختن هنر چـون «بازی»، «تجمل» و ضرورت به چیز های زاید » .

هنر درست است که «از احتیاج برخاسته است .» امانه احتیاج به چیز های زایدبل‌که «احتیاج به آنچه ضرور است .» هنرنیز چون حقیقت، حقوق واخلاق نمیتواند وجود نداشته باشد . درست است که هنر «بازی» است . زیراحین آفرینش اثر هنری تخیل وشخصیت خود هنرمند سهیم می شود منتهی هنرمند و پذیرندگان اثرهنری تخیل‌وشخصیت‌خودهنرمند هیـچکـدام آنـرا بازی تلقی‌نمیکنند درهنر به قول شیللر کـه طرفدار تیوری «بازی زیبایی شناختی»است :مابازی زندگی خویش را اجرا میکنیم»

(که وی بیشتر هنر دراماتیك رادر نظردارد). هنر همچنان تجمل است، زیرا لذتی که از هنر دست میدهد خصلت مادی ندارد . این چیز لذت بخش اما از نوع دیگری است . اما چنان نوع دیگری‌که در واقع وجود دارد وآنرا بنابر «ارزش های ایدیالش» تا حـد قربانی های مافوق فردی میرساند .

پس هنر از مفید نبودن دور است واصلا آنجاکه‌سودمندی تمام میشودآغازنمییابـد

هیچیك از پدیده های روانی ما ساده و مستقل نیست . تمام عکس العمل هـا ی فزیولوژیك وروانی انسان تا مرحلهٔ خا ص کلیهٔ درهم پیچیده یی میباشد .
شخصیت انسان به بخش های مجزا وخاص مانند : حسی، منطقی، اخلاقی، مذهبی وعملی وغیره تقسیم نشده‌است . شعور انسان واحد وتقسیم ناپذیر است . ناممکن است که علت (خارجی یاداخلی) که انگیزه کـدام پـدیدهٔ روانی شده است پنهان یا آشکار ا عناصری از دیگر زمینه های روانی در خود نـداشته باشد .
تاثر خالص روانی ازشی آرزوی ناخودآگاه مالکیت آنرا نیز در بردارد . وایـن آرزو آغازی برای عمل میباشد . آرزوی مذکـور باکوشش توام بادرك نمیتواند تحقق یابدزیرا در آنصورت فوری تصور تحقق نیافتن آ ن به میان می آید . کسی که از هکتور هومر به وجد می آید میخواهد مانند آن باشد . گوته در افگنی خویش می نویسد : «بگذار هر کسی قهر مان‌خویش را بر گزیندورهسپار اولمب گردد» . آنکه‌از منظرهٔ کلولـوری به وجد می آید از نظر فکری با آن متحد می‌شود («اتحاد سمبلیك شخص با اثری کـه ایجاد وجد کرده است » از لیپس) . دراعماق هروجدی نوعی علاقمندی روانی مـی تپد .

درست است که تاثیر مستقیم زیبایی هنری عبارت از تابع ساختن غرایز است . مگربرای کسیکه هنوز آماده نشده است‌شایدتولـید اضطراب کند . چنانکه لوکیان (به صورت غیر جدی)دربارهٔعشق‌داغی با مجسمه افرودت حکایت میکند .

برمی گردیم به نظریات سپنسر . مخلیکه خوب ساخته شده است درروند تکامل جامعه بیکاره می شود بنابر آن بیکارگـی یعنی بی فایده‌گی خودبه زیبایی تبدیل نمیشود . شی مذکور از آغازبیا بود وبرای آن ساخته شده بودکه زیبا (وبه همان اندازه مفـید) باشد . و برعکس شی کـه بد ساخته شده است با گذشت قرنها نمیتواند زیبا شود . در موزیمها د ر کنار اشیاییکه تنها دارای ارزش هنری است (مجسمه ها وتابلو هـای نقاشی) اشیاییکه هم دارای ارزش هنری وهم دارای ارزش عملی است (اسلحه ، ظـروف وغیره)وبالاخره اشیاییکه تنها از نـگاه باستانشناسی و تاریخی مهم است مـانـنـد «پنجهٔ دست» انسان ابتدایی، جمدسربازانیکه در جنگ مارافون شرکت داشتند ، جـراب بند ناپلیون وغیره نیز گـذاشته‌میـشود.

نژادشناسان تاکید میکنند که نیازمندی به آرایش تن در انسانها، پیشتر از تقاضای پوشیدن لباس ظهور یافته است . به پندار آنها انسان از روی ضرورت پیشه ور وازروی غریزه هنرمند می شود . (این عقیده درست نیست زیرا فعالیت زیبایـی شناختی انسان پدیدهٔ‌اجتماعی است نه بیولوژیك) به سخـن دیگر دانشمندان نژاد شناس در مورد تابع تاریخی سودمندی وزیبایی عکس آنچه ر ا می گویند که سپنسر گفته است . نژاد - شناسان تاکیدمیکنندکه زیبا پیشترازسودمند به‌وجود آمد امااین نظر اشتباه آمیـزاست. زیبایی وسودمندی در جامعه با استفاده ا ز نخستین ابزار کار توام به وجود می آید .

بحث بر مسالهٔ سودمندی هنر از آن رو دشوار است که‌این اصطلاحات هـم به معنای وسیع آن وهم به معنای محدودآن به کار برده می‌شود. مثلاگاهیکه ازسودمندی چیزی سخن میرانند سود عملی یا آموزشی آنرادر نظرمیدارند . میگویند «هنر» گاه «شعر» و گاهی حتی ازآن زیبایی طبیعت منظور شان است .

بیشتر طرفداران بی فایدگی هنر در میان نقاشان شعرا یـافته مـی شـو ند.
تانظر به پردازان منتقدین . دوگم «هنربرای هنر» فقر تقریبا تمام قرن نزده بوده است . طرفداران این دوگم تمام عناصر عقلـی و اخلاقی را از قلمرو هنر طرد میکنند . هنرناب میخواهند ! عاری از هر آمیزشی ! این هنر دست وپا بستهٔ سالونی ، هنر معمایی، هنـر اشرافی، هنر ذوق های ممتاز وهنر ضداجتماع است . این قباحت در زمان مانه تنهاازواقعیت فرارمی کند بلکه ازعقل نیز مـی گریزد. هنرفرار، هنر آفتناك، بی مسوولیت وبی هدف است وآن نه تنها «بیهوده بلکه زیانمنداست» وآخرین حد تنزیل فورمالیزم (شکل گرایی) محسوب میشود .

هنرآنقدر هدف زیاد دارد وآنقدر با تمام جهات زندگی اجتماعی مـربـوط است کـه نمیتوان به مثابهٔ صرف بیهوده نیرو بـدان نگریست . بر عکس هنر سودمند تریـن پدیده یی است که تمامیت اجتماعی راعیانت میکند وآنرا انکشاف می بخشد . اما برای آنکه هنر به مقاصد غیر زیبایی شناختی نایل گردد تنها حس نیت بسنده نیست . هنرپیش از همه باید به اهداف زیبایی شناختی خود برسد یعنی لذت هنری بار آورد وبرای این منظور لازم است تا تمام عناصر آن باهـم بیامیزد وبه اثر هنری تبدیل گردد . اگر هنر نمیتواند به اهداف خویش نایل آیدهرگز نخواهد توانست به کدام هدف دیگری نیز دست یابد .

لذت یابی از هنر خود نیازمندی بـزرگ اجتماعیست . جامعه هرگاه تنها مصروف کار های‌بسیار «عملی»و «مهم» عاری از لـطف، تنها برای تسکین غرایز، بقای نفس وادامهٔ زندگی است نمیتواند تا دیری بپاید . جامعه محتاج نشاط ونیازمند اید یالهاست . واضح است که رفع شدن نیازمندی های واقعـی لذتی همراه دارد اما این لذت حسی است ولذتی که هنر می بخشد روانی و هیجانـی است . با سروکار داشتن باتخیلات، عقـل ودل هر شکل نوعی «بازی» را دارد که تابع نظم وترتیب معینی است .

هنر زادهٔ هوس ایجاد کاری فردی نیست. هنر ثمر فعالیت اجتماعی است وطوری‌که‌گفتیم دارای قاعده های مافوق فردی میباشـد . وقتیکه از تبعیت هنراز «نظم وترتیب» سخن میرود همین قاعده های مافوق فردی درنظر میباشد . نظریه عقیدهٔ ك . بوگله هنرمنـد اختراع نمی نماید بلکه کشف میکنـد .

ناتمام



هرکلیس وآنتی

نو شته : چخوف

ترجمه : صدیق رهپو

سال روز

کمیدی دریك پرده

با زیگران :

ادری شیپو چین : رئیس با نك قر ضـه‌ن... آد میست نه چندان پیر و همیشه عینك یك چشم میپو شد .

تا تیا نا : زن رئیس بانك که ۲۵ سال‌دارد .

کر ین : ما مور سابقه‌دا ر بانك .

خا نم مر چو تکینا : زن مسن کـــــه‌با لاپو ش مد قد یمی به تن دارد .

سهمداران بانك .

کار مندا ن با نك .

حادثه در خود با نك قرضه ن ...رخمیدهد

پرده که با لا میرود، اتا ق رئیس بانك پد یدار میشود . در واز ه‌طرف چپ، بـــه دفتر عمومی با نك با ز میشود .

در اتا ق دو میز تحر یر گذاشته شده است . دفتر کار رئیس طوری با کـوچ و چو کی مخملی آتشی ، گلدا ن، هـــا ، پیکره ها ، قالین ها و تلفو ن تز یین‌یافته است که از آن شکوه میبارد . چاشت است .

کر ین به دفتر کا ر ش تنها نشسته‌است و کفشها ی گشاد به پا دارد .

کر ین : (در حالیکه کله ا شرا ازکلکینچه پهلو بیش خا رج مینما ید ، فر یاد میزند) کسی ره به دوا خا نه روان کنین که یـك پا نزده کو پکه دوای اعصا ب آورده وکتی خود یك پیا له آب هم به اتا ق رئیس صاحب بیاره ! نمیفا مم که چند دفه برای تا ن بگو یم ! (به طرف میز ش میرود .)از ای کا ر ذله شد یم ! چار روز میشه کـــه‌بشینم و شب و روز آنرا در ست کنـــم بدون یك پلك خوا ینجه ده دفتر هم و ده خا نه هم پشت هم کار میکنم . (سر فه کلماتش را قطع میکند .) ای مصیبت دیگه ره ببی که تب هم ده جانم افتاده و کـــاره بتر می سازه تمام تنم میلرزه، جـــانـــم کوره آهنگری واره داغ اس، ســـرفـــه دان ده دا نم نمیما نه ، زا نوا یم میلرزه‌و ده برابر چشما یم علامه تعجبیه با لا وپایین میشه !(مینیشیند .) ای رئیس مسخره ام میخا یه تا به جلسه شر کا ر اپور بتـــه با دی به گلو می اندازد و میگو ید که ، «آینده و هستی با نك . » چه مسخره ادمی! (شر وع به نو شتن میکند) ... یك ...یـك ...شش ... صفر ..٠هفت٠٠٠ مشیود شش ...صفر ... یك ..٠شش٠٠٠ او میخا یـه ده چشم همه خا ك بزنه .به همی خا طر مه با ید تما م عمره مثل برده کا ر کنم . اوهر چتی و پتی که میشه ، نو شته میکنه وبازمه لعنت خدا به ای کار و با ر . (با تق‌وتوق، چوت را به صدا میاورد٠) شیطـــان ببرشـــ ! (مینو یسد .)

یك ... دو ... سه ..٠ هفت٠٠٠ دو ...یك ...صفر . او وعده کرده که برا یـم بخششی بته . اگر وضع همیتو پیش بـــره و او بتوا ند همه ره فریب بته ، میخا یـه که به مه یك سا عت قا ب طلا و سه صـد رو بل بخششی بده . خا ت دید یم !

(مینو یسد .) ولی اگه کا ر ها نادرست‌بود با زاو و خت نه توره گرفت ونه مره داد ده او صورت عصبی خا ت شدم وده او وخت کسی از مه گله گی نکنه ...

صدای فر یاد و چك چکها از پشت‌صحنه میشود . صدای شیپو چین شنیده میشود که میگو ید ، «تشکر !تشکر! بسیار ممنو ن هستم !» شیپو چین وا ردمیشود . او لبا س فراك به تن دارد و نیکتا یی سپید به گردن بسته است والبو می را زیر بغل دارد که‌به وی همین چند لحظه پیش هدیه کرده اند.

شیپو چین (در دهن دروازه ایستاده است و برا ی همکا ر انش نطق مینما ید .) همکا را ن عزیز ، من این تحفه شما را به حیث یاد گار شاد تر ین روز های زند گی ام ، تا آخر عمر نگه خوا هم داشت !بلی، را ستی اقا یا ن !

یك با ر دیگر از شما تشکر میکنم !(با سر انگشتا نش به سوی آ نا ن بوســه

یی میفر ستند و به طرف میز کر ین . میرود) دوست عزیز ، نزد یکتر یـــن کسا نم !

تما م مد تی که او روی صحنه ا ســت کاتبی میاید و کاغذ ها را برای امضـــــا کرد ن میاورد .

کر ین : (از جا یش بر میخیزد .) صایب اجا زه بتین که پا نزده امین سا لروز با نکه به شما تبر یك عر ض کرده و امید نمایم که ...

شیپو چین : (با حرارت دستها یش را تکا ن مید هد .) تشکر ، دو ست عز یـز تشکر ! واجازه بده که بخاطر این روزگرامی، سا لروز ما ، ترا به آغو ش بکشم !(هردو بغل کشی میکنند .) من راستی را ستی بسیار خو ش هستم تشکر از کار هـــاو تلا شها ی خستگی نا پذ یر ت! تشکـــر دو ست من اگر من کدام کا ر با ارزش در این با نك انجام داده با شم ، همه از اثر تلا شها ی خستگی نا پذ یر شما همکا ران است . (آهی از دل بیرون میکشد .)

بلی ، پیرمرد . پانزده سال ! پانزده سال ! همینطور باور دارم مثلیکه نام‌شیپــوچین‌است! (با اشتیا ق بیش از اندازه) گزا ر ش چطور شد ؟ کا ر ش نزدیك به خلا صی است ؟

کر ین : بلی فقط پنج صفه دیگه .

شیپو چین عا لی. خیر تا سا عت ســـه تیار خوا هد شد ؟

کر ین اگه کسی مزا حم نشود . فقطچند لحظه باد تمام میشود .

شیپو چین : بسیار عا لی ! کا ملا عا لی همینطور یقین دارم مثلیکه نا مم شیپوچین است . جلسه عمومی ساعت ٤ شروع میشود برای اینکه کا ر زو دتر انجام شود ، بهتر است که نصف آنرا بد هی که بخوا نـــم تا خو ب به محتوی آن وارد شوم . بیا بده (نصف گزارش را میگیرد .) من تمام امیدم رابه این گزار ش بسته ام .

این گزارش برایم به منز له معجزه‌اهمیت دارد . با آن میتوا نم نما یش آتش با زی تر تیب کرده و چشم همه را خیره بسازم آتش با زی ! همینطور باور دارم مثلیکه‌نام شیپو چین است .(مینشیند وزیر لب‌گزارش را میخوا ند .) چقدر خسته شده ام !دیشب باز مرض نقرص به‌بند ـبند تنم هجوم آورد وتما م روز را هم ایسو و آنسو دو ید م‌تا

کار ها روبه راه شود وحالا هم فضـــــای پر از هیجا ن ،چك چکها ... من بسیا ر خسته هستم !

کر ین : (مینو یسد .) دو ٠٠٠صفر٠٠٠ صفر ... سه ..٠ ن نه ٠٠٠ دو ٠٠. صفر



مرچتکینا (درنقش وی‌ـوی‌وای ستانیسنین؛



ازرامست به چپ :شیپوچین (درنقش‌وی ـوی‌ـ٠وای ٠ ستانیسین) مرچتکینا (درنقش‌وی‌ـآ٠پی٠ زویوا)

...ازای ار قام چنا ن به نظر میا ید که همه چیز گل و گلزار است • سه ... یك ...شش ..• چار .•. یك ... پنج ...(با ترق تروق روی چوت کا ر میکند •)

شیپوچین : خبر بدبرایت دادم امروز صبح بازنت آمده بود واز توشکایت میکرد . گفت که‌تودیشب‌وی وخیاشنه اترا میخواستی باکارد نان بری بزنی • گرین ، این چه قسم رفتا ر است که تو میکنی ؟را ستی شرم نیست !

کر ین : سا یب اجازه میتن که به خاطر همی سا لروز از شما خوا هشی بکنم • مهر با نی کرد ه به امور خا نوادگی ما دخالت نکنین•) به‌لحاظ‌همین کار طاقت‌فرسایی که برای شما میکنم شیپوچین (آه) میکشد) هستی ولی بازنان چنان رفتارمیکنی‌کرین‌توآدم خوبی هستی مثل اینکه بیسواد و کهنه فکرباشی• نمی فهم تو چرا از آنا ن اینقدر نفر ت داری؟

کرین : ومه نمیف امم که چرا شما ایقه از او نا پشتیبانی کرده و دو ست شان دارین ؟

شیپو چین : کار مندان دیگر به من به نا ز گی یك البو م یاد گا ری هد یه‌کرده اند و میدا نم که سهمدارا ن میخوا هند برایم خطابه یی ایراد نموده و یك صرا حی نقره یی بخشش بد هند • (در حالیکه باعینك یك چشمش با زی میکند •) این کار بسیار عالی است• همینطور یقین دارم مثلیکه نامم شیپو چین است . به یقین کار بدی‌نخواهد شد . را ستی اگر با نك میخو اهد شهرت پیدا نماید باید کمی خرچ‌وبرچ کنند خوب به هر تر تیب ، آنقدر مهم نیست.تو آدمی هستی که میتوا ن به آن اعتماد کرد و تو خود ت همه چیز را میفهمی .

متن این سخرانی را خودم نو شته ام و صحراحی نقره یی راهم بنده خریده ام و همچنان پوش چر می رابرای نطق یا دشده خر یده ام . با آنکه اگر پوش چر می را برای متن‌سخنرانی نمیخریدم ، ٤٥ رو بل فایده میکردم ، ولی‌بلابه پسش . خود شان در اینمورد هیچ فکر نمیکنند ، که اینقدرپول از کجا میشود . (به اطرا فش نظر می اندازد .) چه جای خوبی است اینجا ! اوه؟ آنان عقیده دارند که من به همه چیز تو جه و دقت کا فی میکنم . در حالیکه تمام تلاش من اینست که در و دروازه ها خو ب جل وبل بزند ، کار مندان نکتا یی ها ی باریك به گردن بزنند ، و نگهبان شیك پوش به دهان دروازه ایستاده شود • ولی ، نی آقا ، دروازه ها ی جل و بلی و نگهبا ن‌شبك پو ش چیز های پیش پا افتاده و بی اهمیت نیست . من سعی میکنم اینجا مثل خانه ام رفتار کنم ، مانند یك خوك بخوابم ، وتا بینی نان بخورم وتا لحظه بکه‌ء مراز پا نشنا سم شراب بنو شم ...

کرین : لطفا خوده به اصطلاح ده دل ما شیرین نکو .

شیپو چین : کی بیکار است که در دل‌تو خود را شیر ین بسازد . تو عجب آدمی هستی ! من در خانه ادم معمو لی هستم و تسلیم هوی و هوس خشن • ولی در اینجا همه چیز باید با نزاکت وادب اجرا شود.اینجا با نك است ، بانك ! از همه چیز اینجاباید شان وشکوه ببارد . (توته کاغذی را بر میدارد وآن را در بخاری دیواری می‌اندازد.) بزرگتر ین خدمت من این است که شهرت با نك را بالا برده ام !اوه ، نا مش از همه چیز مهم هست ! نشنیدی که نا م بکش وبه غند ی بنشین ! شهرت . همنطور یقین‌دارم مثلیکه نام شیپو چین است .(کر ین با لاو پا یین مینگرد .)

پیر مرد ، چند ین بار برایت گفتم که ممکن همین حالا سر و کله سهمداران پیدا شودو تو هنوز همان کفشهای گشاد به پا داری واین دستما ل کهنه و فر سوده‌او به دور گردنت ! ببین ، رنگ جاکتت به کلی از بین رفته است . با ید یك دست لبا س فراك یا کم از کم یك‌در یشی سیاه به تن مینمودی .

کرین : جا نجوری برای مه مهمتر ازتمام سهمدارا نت است . می بینی که تب تما م جا نمه بیدواری می لرزانه ...

شیپو چین : ولی اینرا قبول کن که سرا پا یت از دیدن نیست . تو خوشنمایی بانك را که برای آن اینقدر کار شده است از بین میبر ی.

کرین : وقتیکه ای سهمداران آمدند ، مه خوده پت میکنم . ای کار جنجال نمی خا ید ... هفت ... یك ...یك...هفت ...دو ... یك ...پنج ..صفر... خو ش ندارم دیگر ای کلمه بد نماره به زبان بیاری هفت ... دو ... نه ... (باز ترق تروق‌دانه های چوت را بلند میکند .) بهتر میبود که‌ده میهما نی شو ز نهاره نمیخا ستی .

شیپو چین : چتیا ت نگو .

کرین: مه‌می فامم که امشو تو برا ی نشا ن داد نت ها ل ره از آنا ن پر خا ت کدی . بهتر بود که ده ای باره فکر میکردی اوناتمام چیزه خراب خات کدن• ز نها کاری دیگه نمیکنن جزای که مشکلات خلق نما یند .

شیپو چین: بس کن دیگر• زنان‌جز حتمی محفل اند .

کرین : راست میگین ؟ ممکن زن شما از کدا م جنس خوب است ، ولی دو شنبه گذشته کا ری کرده که برای دو روز موی بر تنم را س استاد شده بود. یك دفه و بدون مقدمه از مه و او هم پیش همه میپرسه که،«راستی اس که شو هرم برا ی با نك اسهام چتی و پتی ره که نر خ آنها در با زار اسهام لحظه به لحظه پا یین‌میاید، خریده اس ؟ او بسیار پر یشان به نظر میا ید .» پیش اد مها ی بیگا نه ای گپ از زدن اسس ! مه نمیفا مم که شما چرابه اینا باور میکنین• میخا ین که شماره به زندان بیندازن؟



صحنه پایان فلم «سالروز»

شیپو چین : گمشکو بس است . بیاسعی کنیم سا لروز مابه خوشی تیر شود. تصادفا تو بیا دم دادی . (به سا عتش نگاه میکند.)

با ید زنم به همین زود یها برسد . اگر را ست بگو یم من باید با او در ایستگاه ملاقات کنم ، ولی افسوس که وقت کم‌است... واز طرف دیگر، من به شدت خسته هستم اگر راست برایت بگو یم از آمد نش چندان خو ش نمیشو م . خوب تا اندازه یی خو ش هستم و لی اگر یك دو روز دیگر هم به خا نه مادر خود میما ند ، خوب میشد . او اصرار دارد که من تمام شب را با او باشم و ما تصمیم داریم یك شب زنده دا ر ی خو ش ، پس از نا ن شب، داشته با شیم... (میلرزد)این از تاثیر اعصاب است .نزدیك است غش کنم . چنا ن تا ر ها ی اعصا بم کش شده است ، که با کو چك تر ین تماس به‌کریه خواهم آمده! نی،ولی باید خو درا قوی نگه دارم ـ همینطور قوی مثلیکه نا مم شیپو چین است .

تا تیا نا در حالیکه بالا پو ش با رانی‌به تن و بکسی دستی سفری به شا نه دارد، وارد میشود .

شیپو چین :ها! خرس را یاد کن !

تا تیانا: عزیزم !(به سوی شو هر ش میدود ویك بوسه دراز از وی میگیرد .)

شیپو چین : همین حالا در باره تو گپ میز دیم . فقط همین دقیقه ! (به سا عتش نگاه میکند .)

تا تیا نا : (در حالیکه نفس نفس میز ند.) پشتم دق شده بودی ؟ خوب هستی ؟ از ایستگاه بدون تو قف به اینجا آمد م .حتی به خا نه نر فتم. بسیار گفتنیها برایت‌دارم اینقدر زیاد که طاقتم نیامد زیاد تر صبر کنم . بالا پو شم را بکش . من فقط یك دقیقه اینجا هستم و بس . (رویش را به سوی کرین مینماید .) چاشت تان بخیر !(به طرف شو هر ش .) خا نه از هرطرف خیر یت است ؟

شیپو چین بلی عزیزم• دریك هفته گوشتی ترو زیبا تر شدی ... از سفرت لذت بردی؟

ناتمام



کرین (درنتس وی‌ـوی‌او‌ـ توپورکوف)

ترجمه : احمد شاه

رمز سخنگویی حیوانات و پرنده ها

قسمیکه دیده میشود در اوقات زمستان در جنگلات سکوت حکم‌فرما میباشد همینکه برف روبه اتمام میرود در جنگل سکوت برهم‌زده میشود، صدای قیل وقال پرنده ها بلند شده وتقسیم مناطق بین آنها صورت میگیرد. همینکه کدام پرنده قسمتی را تصاحب کرد به دیگر هم قطار ان خود توسط نغمه‌ها خبرداری میدهد تاازورود در ملکیت او بپرهیزند •

بااینکه پرنده های نر و ماده دارای اعضای صوتیه مطلق مشابه میباشند طوریکه دیده‌شده بطور عموم پرنده های نر نغمه سرایی میکنند اگر چه صداهای آن به عین‌ترتیب یکی پی‌دیگر طنین انداز میشوند هدف از (تصنیف هـــای عاشقانه)او این است:(من‌مجردم ودراواج نیروی خود میباشم دارای آشیانه هستم)این صداها را بعضی پرنده ها (۲۳۴۰) مرتبه وبعضی ها تا(۳۳۷۷) مرتبه در یکروز تکرار مینماید. باشنیدن این نغمه ها و (تصنیف های عاشقانه) پرنده های ماده که نظر به پرنده های نر کمی پسانتر به جنگل رومی‌آورند نیزبه جستجوی جوره خود آغاز میکنند تااینکه باکدام یـــک تشکیل خانواده بدهند •

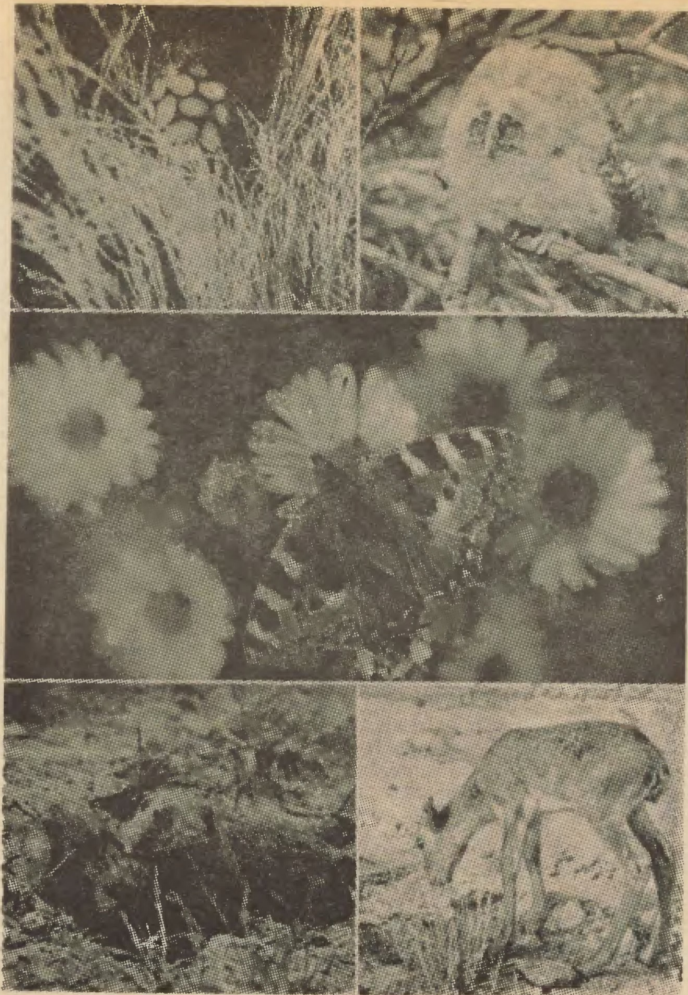
پرنده های که باهمدیگر عقد (نکاح) بستند دیگر به نغمه سرایی چندان جدو جهد بـــه خرج نمیدهند •

مصونیت سرحدات:

ساحاتی را به صورت عموم جانـــوران در ملکیت خود داخل‌مینمایندا ز لحاظ‌مساحت دارای قیمت مختلف میباشند • بطور مثال پرنده‌های که بالای بحر ودریاپرواز مینمایند دارای‌ملکیت نسبتا نا چیز بوده که در وسط آن آشیانه آنها قرار داشته‌میباشد •ساحه‌ملکیت پرنده‌مساحتی رادر بر میگیرد که در صورت تجاوز دیگران بانول زدن از خود دفاع میکند • ساحه ملکیت بعضی پرنده هااز (۱۰) الی (۲۵۰) متر مربع رادر بر گرفته واما ساحه ملکیت عندلیب تا (۱۲۰۰) الی (۲۰۰۰) مربع متر می‌رسد •

نه‌تنها پرنده ها از مصئونیت سر حـدات ملکیت خود حمایه میکنند بلکه حیوانات دیگر ازین قانون مندی پیروی میکنند • تقریبایکماه قبل از تخم گذاری حیوانات ماده محل آشیانه ویابود باش خودرا انتخاب نموده وبا صداهای مخصوص دیگران را هشدار میدهند تاازنفوذبه آنجا خود داری نمایند •

میمون هانیز با صداهای دلخراش ونا هنجار خود دیگران راباخبر میسازند تادر قلـــمرو آنها تجاوز نکنند یا بطور مثال جانورانی که‌در تندرا زندگی میکنند همینکه در فاصله کمی‌دور کدام جانور دیگر را دیدند یکی پی دیگـــر می‌ایستند واگر جانب مقابل به صف بندی‌آنها اعتنا نکنداز خود صداهای‌خطرناك بیرون‌میکنند درحشرات همچنین این قانون مروج بوده ونفوذ در ساحه‌ملکیت‌به پروتست‌شدید روبرو میشود در چرچرك هااین عکس العمل هابه اشکال صدای شدید اللحن ظاهر میشود.



صحنه اززندگی حیوانات وپرنده‌هادرجنگل

بدون اینکه تصادمات خواه درآب ، درخشد بوقوع بپیوندد با اجرای مراسم خاصی محدود میشود. جانوران درین قسمت ازتسلسل‌آواز وصداهای معین کار گرفته ودر هر یك‌ازمراحل صداهای عجیب که حالت‌معین را منعکس‌مینماید ازخود بیرون می‌آورد • اولا صداهای اخطاریه رامیکشند بعد به حمله آمادگی میگیرند. حتی وقتیکه حمله حتمی باشد به جانب مقابل موقع داده میشود تادر همین لحظه تصمیم خودرا عوض نماید وحالات را متشنج‌ننماید.

اگر گذشته از اقدامات‌وتصامیم جنگ وجدال بازهم آغازگردد طبق‌معمول بسیار کوتاه‌میباشد ودیر دوام نمیکند • جانوران چه بزرگ وچه کوچك باشند بعداز حمله اولی ازفرارپر هیز میکند وبعداز ینکه فرار حتمی میشود تعقیب‌آن ازطرف حریف شکل نمایشی رابخود میگیرد.

دراثر تحقیقات متورد قانون مندی جالـــب کشف گردیده است • به هر اندازه که دعوا و جنجال بین جانوران صورت بگیرد بدون نیروی جسمانی همیشه مالك منطقه پیروز میگرددزیرا حق اولیت تصاحب ساحه به مالك آنجا بر- تریت روانی می بخشد.

به‌این ترتیب یکی از پرنده شناسان معروف بلاگو سکلونوف چندین نوع پرنده هارا مورد چنین‌آزمایش قرار داد. این شخص آشیانـــه یك پرنده رابه ساحه ملکیت پرنده دیگرانتقال میداد همینکه جارو جنجال برپامی‌شد پیروزی نصیب پرنده میشد که ساحه در ملکیت آن‌قرار داشت • بعد عملیه معکوس‌راانجام دادو ملاحظه نمود پرنده که چندساعت‌قبل پیروزی را کسب کرد درینجا ناکام بدر می‌آمد • به این ترتیب چندین صد تجربه را انجام‌دادوهر بار مالك‌ساحه پیروزی بدست می‌آورد •

درین جایك تفاوت جزیی نیز بنظر میرسد که مجاورین به او کمك میرسانند • مشاهدات وتجاربی که در مجمع الـــجزایر یامـــال در بحیره کار سك انجام یافته عملیه فوق را به اثبات رسانید •

پرنده های که درین قسمت زندگی میکردند دیده شده که چندین بار به‌همسایه خودغرض ازبین بردن ویادور راندن‌دشمن کمك کرده‌اند. درین ضمن از پرنده های که بنام دم جنبانك مسمی میباشد میتوان یاد آوری نمود • دیده شده که سه پرنده نر همیشه به یکدیگرکمك میکردند بدون درنظر داشت اینکه درمحو طـه



پرنده های که باهمدیگر عقد (نکاح)بستنددیگر نغمه سرایی نمی‌کند





تلاش های راکه جانورن غرض محافظه‌تخم‌وچوچه خود به‌خرچ‌میدهند توجه‌همه را به‌خود جلب می‌کنند

کدام برنده مهمان ناخوانده نفوذ کرده است هرنوبت دشمن رابه‌شکل مشترك دورمی‌راندند.

برنده ها همیشه به عین ترتیب در مقابل نزدیکان خود متجاوز نمیباشند. همینکه زندگی فامیلی روبه‌اختتام میشودپرنده نسبتا مهربان تر را ودر مقابل‌دیگران نسبتا پرحوصله‌میشود دراثر تحقیقاتی که بالای پرنده های که‌بنام‌کله سر خك یاد میشود اجرا گردیده به‌اثبات رسیده است که‌چهل ودوفیصدوقت خودرابرای محافظه ملکیت خودبه‌صرف میرسانند تااینکه آشیانه بسازند بعدا از عملیات متجاوز گرانه آنها بمراتب کاسته میشود . در مناسبات‌بین پرنده های دیگر نیز از عین قانونمندی پیروی میشود و منافشات منطقوی اغلبا وقتی اتفاق می‌افتد که هنوز آشیانه‌ها ساخته نباشـــند.

کسب اطلاع از وقوع خطر ات:

اغلبا دیده شده است که مناقشات فامیلی

درجانوران بطور غیر مترقبه وقتی‌قطع میـــشود که دشمن مشترك در ملکیت آنها رخنه کند. آنهائیکه چنددقیقه‌قبل باهم‌جنگ وجدال‌میکردند مناقشات را یکسو گذاشته ودشمن مشترکرا عقب می‌رانند .

قبل ازوقوع احتمالی خطرصداهای مخصوص خطررا میکشند . اغلبا این صداها تـــوسط جانوران متعدد کشیده میشودو هر کدام طوری آنرا اجرا می‌کنند که‌برایش آسانتر باشنداین صداها مخصوصا در حالاتی شدید میباشد که دشمن عزم تخریب آشیانه را داشته باشد.

در سگ ها، موش های صحرایی سیستم اطلاع وبا خبری از نزدیك شدن دشمن نیـــز انکشاف یافته است وتوسط صداهای عوعوخود همه ساکنین منطقه را با خبر میسازند .بااین اطلا عات جانور های دیگر ازشکل خطر ورفتارو وکردار دشمن بخوبی باخبر میشوند .

وقتیکه در ساحه‌دید پرنده‌های دم درازگرگ ویاروباه واقع‌شود چندین صدای پی در پی میکشند واگر درنده هوایی را ببینند صداهای علیحده میکشند . واگر درنده هوایی به‌سوی زمین خودرا فرو آرد این برنده صداها بعداز هشت ثانیه یکی پی‌دیگر میکشد به‌این‌ترتیب تین برنده در حالات مختلف از خود صداهای مختلف میکشد .

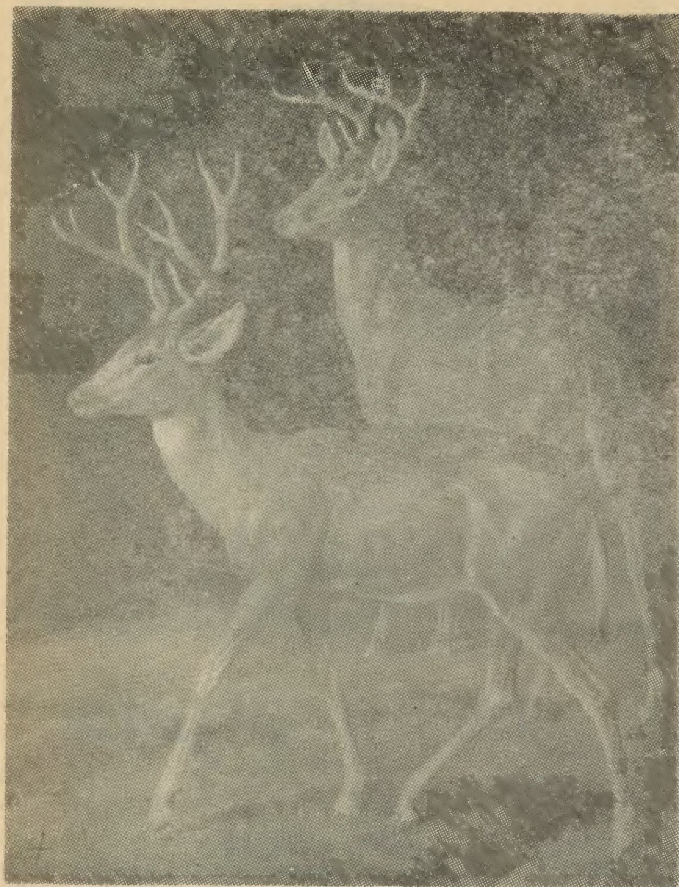
سار نیز توسط صداهای مخصوص همه را از نزدیك شدن دشمن اطلاع میدهد . اگرپشك نزدیك آید یکنوع صدا واگر انسان بخواهد نزدیك شود صدای دیگر را میکشد .

وقتیکه مار صدا میدهد همه میدانند کــه مساله ازچه قرار است. گرچه صداهای ماربی ضرراند اما همه رابه این نکته متوجه میسازد (من دارای سلاح خطرناك یعنی دارای غد وات زهری میباشم واگر ضرورت بیافتد بـــد ون تاخیر آنهارا بکار می‌اندازم .)

مارهای آبی طبیعتا دارای چنین سلاح‌نیستند اما همینکه صدا کشیدهمه رابه ترس می‌اندازد وبه عقب میروند . این نوع صدا تاحدی مروج است که از آن حشرات ، پرنده هاو جانوران نیز استفاده میکنند .



صحنه از زندگی پرنده های جنگل



صحنه‌های اززندگی در جنگل

پشك، گنجشك های زنبور خورنیـز صدا میکشند . در کشیدن این نوع صدا غرض تر سانیدن دشمنان دارا کوب نیز ماهر میباشد .

تلاش های راکه جانوران غرض محافظه تخم ، نوزادان خود به خرچ میدهند توجه همه را به خود جلب میکنند بطورمثال زاغچه هاباصدا های بلند در مقابل دشمن ازخود دفاع‌میکنند.

اگر نوزاد کوچـــك دشمن را ببیند بـــه هیا هو می پر دازد ووالدین آن‌به بسیار سرعت خود ر ابه‌محل حادثه می رسانند درنده را مورد حمله‌قرار مید هند و صداهای بلند جنگل را فرا می گیرد .

خرگـــوش هاکه بـــزدل و ترسو بشمار میروند در حقیقت چندان تر سونیست‌همینکه صدای چوچه خود را شنید ند به کمك آن میشتا بند . وقتیکه مردم چو چه‌خرگوش را اذیت کنند خرگوش از آنها دور تر فرار را اذیت کنند خرگوش از آنها دور تر فرار نمی کند حتی بعضی او قات تلاش می‌ورزدتا توجه مردم را به خود جلب کند و آنها را هر چه دور تر از چوچه های خود ببرد . خر گو ش با لای پرنده های لاشخوربسیار شجا عانه به حمله می پر دازد.

روباه ها نیز از چوچه های خود بسیار دلیرانه دفاع میکنند مثلا اگرد ر نزدیك‌غار روباه سگ بخواهد چوچه های او را اذیت کند روباه دورتر فرار نمی کند و اگرسگ او را دنبال نماید بعد از چند لحظه دوباره خود ر ادر حوا لی غار خود می رسا ند.

مشا هدات در قسمت کر دار جا نور ان مخصو صا در حالات بحرا نی نشا ن مید هد که صدای یك پرنده و یا جانور تو سط جا نوران و پرنده های مجاور به عین معنی تلقی میشود . به این تر تیب بطور مثـــال اگر حیوانات سم دار افریقایی که درقافلـــه های مختلف باهم جمع میباشند اگر یکی از حیوانات خود صدای خطر کشند همه بلا وقفه از خطر فرار میکنند میمون ها نیز به عین ترتیب عمل میکنند واز نزدیك شد ن‌دشمن مطلع میشو ند .

زاغ ها همینکه در چند متری خود انسان را دید صدا های «قاقا» میکشند . همینکـــه زاغ های دیگر صدا را شنید ند همه پرواز میکنند .

پرنده ها نه تنها هم نو عان خود را از نزدیك شد ن خطر مطلع میسا زند بلکـــه از شنیدن صدا ها ی آنها جا نو ران دیگر نیز احساس خطر میکنند . همینکه صیاد بـــه جنگل داخل شود زاغچه ها صدا میکشندو باشنیدن این صدا ها آهو وغیره جانـــوران از ور ود صیاد به جنگل مطلع میشو ند.

پرنده ها دارای یك نو ع صدا ی‌مخصوص دیگر میبا شند که در مو قع بسیار حساس از آن استفاده میکنند این صدا های کوتاه و مسلسل به‌همه پرند گان از احتما ل‌خطر بسیار جدی اطلاع مید هد ـ یکی ازپرو- فیسو ران علوم بیو لوژی بنام ایلیچوف‌صدا های خطر پانزده نـــوع‌پرنده ها را تحلیـــل نمود ودر نتیجه به اثبات رسانید که«شیمای تلفظ »آنها با هم شبا هت تقر یبا تا م‌دارد به این ترتیب جا نوران از خود در مقابـــل خطر ات احتما لی دفا ع مینما یند .



خاطراتی از زندان پلچرخی

دارودسته و باند امین درپهلوی سایر جنایات وخیانت های بیشمار حتی حقوق واحترام بزن را نیز لگدمال کردند اعمال ضد انسانی آنها نه تنها خلاف کلتورو عنعنات ملی خلق افغانستان بود بلکه این دوره در جهان در شما دوویاسه دوره‌ظلم تاریخ بحساب می‌رود •

باند امین به نصف های شب بخانه هاحمله می‌بردند وبهانه‌های گوناگون‌دختران وزنان‌مردم را راهی شکنجه گاه ها وزندان هامیساختند •

جهت معلومات وآگاهی بیشتر خوانندگان عزیز مجله ژوندون مصاحبه ای بایك زن جوان‌و يك دختر جوان که مدت چندماه در دژخوفناك باندامین زندانی‌بوده اند داریم که اینك‌از نظر شما میگذرد :

این‌دو جوان باوجوداینکه‌سرحال‌وشادصحبت می‌کردند اما آثار خستگی وکسالت ازچهره هایشان هویدا بود وقتی از آنها خواستم تادر مورد خاطرات خویش از زندان پلچرخی برای ما حکایت کنند• ابتدا صالحه روستا شروع به صحبت نموده ودر جواب این سوال که‌روی کدام جرم شمارا بزندان انداختند گفت:

علت واضح بود به جرم عشق بوطن ،آتش در جان دشمنان مازبانه می‌کشید ودرصددبهانه بودند که مارا توقیف کنند ودر شرایط بسیار بدمخصو صا بعداز کودتای فرزند و فا دار (سیا) در داخل حزب تلاش تمام رفقا دراین بود که سازمان وبه صورت کل حزب رازنده وپای برجا نگهدارد ودوست های سا زمانی باتمام قوت دراستواری سازمان‌رزمیدندوموفقانه ازعهده آن برآمدند که این همه کارها دشمنان مردم راسرسام‌ساخت‌ودست به توقیف‌وشکنجه هازدند که‌بعد ازشکنجه دوراه بود یاباستیل‌و یاپولیگون ،ومن بدینترتیب گرفتار شدم روز ۲۸ جوزا که‌در دفترکار خودبودم ساعت یازده‌ـ ونیم یکنفر آمد وگفت بیا که باتو کار داریم من مخالفت کردم ، دیدم که کارت اکسارانشان داد ومرا باتفنگچه تهدید نموده وسوار موترکرد موتر روانه وزارت داخلـــه گردید وبعداز لحظه انتظار دریك اتاق تاریك درعقب وزارت داخله يك اتاق شکنجه بود که‌در آنجا فورمه برایم دادند که خانه پری نمایم بعد ساعت

دوشب مرا به صدارت بردند تافردا ساعت ۹ شب انتظار کشیدم وساعت ۹بود که هیات تحقیق آمد وگفت شما انسان های بسیار خوب معلوم میشوید هر چیزیکه میدانید بگوئید • در

جوابش گفتم‌که چه‌چیز را بگویم؟ گفت هرچه‌را راکه‌میدانی بگوو من گفتم که هیچ چیز نمی‌دانم بالگدی که بمن زدندسرم‌گیچ‌شدوبدیوار خوردم گفتند که‌بازهم نمی‌گویی؟ زود بگو باکی ارتباط داری ، عضو ارتباط توکیست ؟ظاهرا میگفتم

که با کسی ارتباطندارم امادردل‌میگفتم که‌اگر مراتکه تکه هم کنی این جواب رانخواهی‌گرفت ووقتی که‌در باره سازمان‌ورفقای رهبری پرسان کردند که چطور مردم‌هستند باتمام‌قوا از شرف وناموس سازمان و رفقا دفاع کردم که‌ایـــن خود مایه خشم آنها وشکنجه دادن مامی‌شد• چه خوش است که دشمن از شکنجه دادن‌خسته شود ونتواند چیزی بدست آورد وباچهره‌عبوس وغمناك عرق های خودراپاك کند •

بالاخره نوبت برق دادن رسید ،برق رادر پاها ودستهایم بسته کردند• ازشدت درد فریادم برآمد بايك روجایی چرك وخون آلود دهانم را بسته کردند وبعد از دو شب‌ـشکنجه روانه زندان پلچرخی کردند•

ناگفته نماند که آنها مرابه بهانه پخش‌شب نامه دستگیر نموده بودند والبته مادر پخش شبنامه دست داشتیم مگر بکلی از آن منکر شدیم بخاطریکه پخش آن ازراز حزب وسازمان بودو ومابايد انکار میکردیم •

صالحه روستا درموردخاطرات پلچرخی چنین اظهار عقیده میکند :

خاطرات در داخل زندان نزد اشخاص فرق میکند ، خاطره يك زندانی که‌به ناحـــق زندانی شده ، خاطره يك‌زندانی متعهد، خاطره خورد سالان که‌بی موجب در سلولهای زندان میلولیدند • اما اندیشه من همیشه به حزبم رفقایم ، فامیلم و مخصوصافرزند دونیم‌ساله‌ام که‌در همان روزهای که هنوز بزندان نرفته‌بودم خیلی بامن انس گرفته بود موجود بود فراق‌هم يك خاطره بود و همچنان این خاطره که باوجود امکانات محدود می‌توانستیم به رفقائیکه پایواز نداشتند ویا قوماندان قهار زندان مانع ازکمك فامیل هایشان می‌شد ند مددرسانیم ویا بعضی اطلاعات راکه حاصل می‌کردیم به سمع رفقا می‌رساندیم وخاطره های را بیاد میاوردیم‌واز اطفال خود سخن می‌گفتیم ودر چهار دیواری پلچرخی باهم صحبت میکردیم وبالاخره خاطره ای را بیاد میاورم که چگونه دانش های انقلابی خویش را در خدمت یکدیگر می‌گذاشتیم و همچنان خاطره ایمان وشجاعت وانظباط پذیری دوستان هم اتاق خویش‌را همیشه بیادمیاورم

س‌ـ از آنجائیکه در وطن محبوب ما سابقه نداشت که زنان را تـــاکنون بـــه ایـــن قسم بهانه ها بزنـــدان بیندازند • ممکنست بگوئید که عکس العمل فامیل شما هنگام باز گشت چطور بود؟ •

در جواب گفت : فامیل خودم وفامیل شوهرم ازراه ،عقیده واندیشه‌من وشوهرم اطلاع‌کافی داشتند ومی‌فهمیدند که راهی راکه مادر پیش گرفته ایم انجامش پیروزی است ویا مرگ مادرم چون يك پسرويك دختر ودامادهایش زندانی شده بودند بحد کافی رنجیده‌وخسته



فامیل خودم وشوهرم از راه وعقیده‌من‌وشوهرم‌اطلاع داشتند وقبول کرده بودند راهی‌راکه‌مادر پیش گرفته‌ایم انجامش پیروزیست ویا مرگ

شده بود از همین سبب زندانی شدن مرا ازوی پنهان کرده بودند وبرایش گفته‌بودندکـــه صالحه مخفی شده است وعکس العمل فامیل شوهرم درست بمثابه یک برخورد بایک عضو فامیلی که متعهداست باحزب ووطنش پیمان بسته است که تا آخرین لحظه حیات درسنگر حزب است برخورد میشد باتمام قدرت بخاطر آسایش‌وآرامی من در داخل زندان میکوشیدندو بخصوص که‌از ناحیه کودک خودبه تشویش بودم ، آنها در حالت های گوناگون ازوی‌عکس می‌گرفتند دربین قطی ها برایم می‌فرستادند.

ـ خوب صالحه جان هنگامیکه خبر آزادیتان‌را شنیدند چه احساسی برایتان دست داد؟

ـ من در لحظه ایکه خوشی سراپایم رافرا گرفته بود یکبار بفکر زندگی حزبی قبل‌از زندانی شدنم ، بعد زندگی داخـــل‌زندان‌وتمام خاطره‌ها ازپیش‌چشمم‌مانندپرده سینمامی‌گذشت واگر شماآقای خبرنگار ازکام امین نجات پیدا نمی‌کردید ومانند هزاران هموطن دیگر زندانی می‌شدید و در همان وقت احساس یک زندانی را خوبتر درک می کردید واحساس مرادر همان لحظه رهایی میدانیستید.

ـ فعلا چه پیامی برای‌زنان ودختران‌کشور دارید ؟ پیام من این است که دوشادوش‌دیگر خواهران و برادران خودمانند یک موجود فعال در تحت رهنمایی حزب باتمام قوادر آبادی‌و سربلندی این کشور بیچاره که‌سالها رنج‌زحمت بخودديده بکوشند.

بعد از شنیدن سخنان صالحه روستا که‌خالی از دلچسپی نبود دختر جوان که سیمین نامدارد ومحصل آکادمی تربیت معلم میباشـــد بنام تخریب کار از اکادمی منفک گـــردیده‌بودو بزندان افتیده بود رشته سخن رابـدســت می‌گیرد .

هر روز در زندان باخاطره سپــری‌میشد مگر متاسفانه که قلم وکاغذ بدسترس‌نداشتیم تاهمه را یا دداشت می گرفتیم خاطراتیکه شکنجه های روحی آن خواب رااز چشمان مادور کرده بود مثلا یکـــی ازآن خاطره ها درشب وقتیکه تاریکی وسکوت مرگبار فضای زندان‌را فرا میگرفت‌ساعت‌یک‌یادوشب صدای دریش نگهبان زندان سکوت را درهم میشکست وموتر داخل زندان می‌شدبعدچندین جوان وپیربیگناه در حالیکه دست هایشان به پشت سرشان بسته میبود آنها رابه موتربالامی‌کردند وموتر دوباره از زندان خارج میشد . فراموش نشود که‌باید بگویم اتاق مادر بلاک اول یعنی‌بلاکی‌که قوماندان زندان در آن بودموقعیت داشـــت ومااز داخل اتاق بااستفاده از یک جوکی‌آهنی که در اتاق داشتیم حادثات‌بیرون را تاجائیکه امکان داشت می دیدیم .جوکی رازیر پنجره قرار می دادیم و بالای آن‌ایستادمی شدیم ،بلی شبهای بیشمار موتر ها راکه مردم بیگناه‌مارا از زندان بیرون می‌برد تعقیب می‌کردیم وقتیکه موتر به سرک کابل میرسید سمت حرکت آن مخالف به سرک کابل تغییر می‌کرد و مقابل قوای چهار زرهدار که کشتار گاه ساخته بودند بنام پلیگون ایستاده می‌شد . بارسیدن موتر چراغ پلنگون روشن میشد وبعداز چند دقیقه صدای گلوله شنیده می‌شد وشعله های سرخ آن به هوای تاریک نمایان می‌شد . دوباره‌از جوکی پائین آمده وبه بستر خواب به فکـــر می‌رفتیم ،به فکر کودکانیکه پدران خودرا از دست میدادندومادر انیکه دلبندهـــای‌خودرااز دست میدادند . بمجردیکه صدای پا بـه‌دهلیز می‌شنیدیم ازتفکرخوددوباره‌به بسترمی‌نشستیم که حالا دروازه زده می‌شود ومارا هم به کشتن



سمین:
متاسفانه قلم وکاغذ نداشتیم‌تا تمام جریانات‌را یادداشت می کردم.

می‌برند ، روز ها وشب ها بهمین ترتیب در انتظار سپری میشد انتظار مرگ‌ویامـوفقیـت تاماه جدی این صدای‌نجات دهنده یعنی موفقیت رابگوش خود شنیدیم .

ـ سیمین جان اینکه‌ترا چطورودر کجادستگیر کردند برای ما صحبت کن .

ـ باید بگویم که در مرحله اول درسال۱۳۵۷ محصل صنف ۱۳ اکادمی تربیه‌معلم‌بودم‌که بنام تخریبکار ازاکادمی بطور قطع منفک‌شدم در حالیکه صرف چند روزبه شروع امتحانات نهایی سمستر دوم مامانده بود . بعد هرچه به جستجوی کار شدم موفق نشدم وکسی‌برایم کار نداد تااینکه دریکی از شب‌های ماه جوزا درخانه که جزمن وخواهرم کسی دیگر نبودهمه مهمان بودند ، وساعت‌دوی شب بود که دروازه باسیار شدت کوبیده‌شد .وقتیکه دروازه‌حویلی رابازنمودیم اشخاص موظف مانند گرگ های گرسنه ومجهز باماشیندار بدون اجازه به‌حویلی داخل شدند وچهار طرف حویلی رامحاصره نمودند وچندتـــن از آنــها داخــل‌خـانـه شدند بعداز تلاشی نمودن تمام‌خانه هاو حویلی ازمن خواستند تا خانه را ترک گفته باایشان یکجا بروم چون ازهمان اول الی‌وقت‌دستگیری برای خدمت بوطن از هیچ‌چیز نمی‌ترســدم درینوقت نیز هراسی بخود راه ندادم ،باخواهرم خدا حافظی‌نمودم مگر اوازآنهاباگریه می‌خواست که‌بگذارند مادرم راببینم وبعدبروی اتاق افتاد اورا بهمان حال وتنها رها کرده همرای آنها، به طرف موتر رفتم . دیدم‌سه موتر برای بردن من‌آمده دست درموتر وسط نشستم، مـو تــر حرکت کرد، چون شب تاریک بود نفهمیدم‌کجا می‌رویم بعداز موتر پیاده‌شدم وبیک اتاق رفتیم که‌در آنجا شخصی پشت‌میز به‌چوکی خوابیده بود‌بمن گفت تو سمین هستی ؟ گفتم‌بلی . گفت‌مابرای خودت‌کار میدهیم (معلمی) من‌خنده تمسخرآمیز زدم وگفتم شما بسیار لطف دارید ومن ازشما تشکر میکنم که‌درین وقت شب بفکر بی کاری من شده‌اید .از آنجا مرابه اتاق دیگر که اتاق شکنجه بود بردند چهارطرف اتاق مردهانشسته بودند. مرا گفتند بنشین‌چشم من‌بیک جای‌خالی افتاد وبراه افتادم که بنشینم مگر فریادی مرا متوقف کرد که به زمین بنشین بعد شکنجه‌با تهدید، توهین، مشت‌ولگدهمرای برق شروع شد وقتیکه شکنجه بپایان رسید ،روشنی صبح تازه همه جا دمیده بودمرابه اتاق‌دیگرفرستادند ودرآنجا بایک تعدادیـگر دختران وطنپرست روبرو شدم که همه خسته‌ومانده از اتاق‌شکنجه آمده بودند آنـهاگفتندکه‌اینـجا اگسا ست بعد ازآن در فکر خانه وخواهر تنهـایـم‌افتادم ،چهار شب بــهمین تــرتیب سپری شدو بعد به پلچرخی‌فرستاده شدیم‌البته یک کاروان بسته بودیم که‌از پنج الی شش موتر تشکیل میشد موتر ها پراز مردان مبارز ووطنپرست‌بود وتنهامعاون‌اگسا(نواب) باموترخودمارا همراهی تاتقریبا یکماه فامیلیم ازمن هیچ‌اطلاعی در دست نداشتند هر چندایشان روزها تاشام‌همه روزه به دفاتردولتی جهت‌مطلع شدن ازچگونگی مجرم بودن ومحکومیت ام مراجعه نموده بودند اما تااین مدت هیچ اطلاعی برایشان داده نشده بود .

راستی آنهامی‌خواستند که ما باکی ارتباط داریم وبه کجا ارتباط می‌گیریم ووطنپرستان رابه آنها معرفی بداریم مگرمابداشتن اندیشه مردمی وآزادی به‌این شکنجه ها ورنج‌های‌آنها اعتنای نکرده‌وامیدواری‌به‌آینده مستقل‌وپیروزمند به مقاومت خود علیه هرنوع استبداد آنها ادامه میدادیم.

باشنیدن‌پیغام آزادی‌زندانیان‌سیاسی مسرت زیادی برایم دست دادفکر میکنم درهمان لحظه چنان هیجانی بمن دست داده بود که هیچ‌چنین لحظه رادر زندگی ام‌بیادآورده‌نمی‌توانم‌ویکبـار دیگر حس مسولیت وخدمت به خلق‌درروحم که‌به جرم آن زندانی شده بودم واز فعالیت‌باز نگهداشته شده بودم دمید. برای یـک دختر وطنپرست ازین بیشتر جای خوشی ومسرت نخواهد بود که موقع‌بیاید تادوش بدوش مردان وطنپرست درراه اعمار جامعه نوین حصه بگیرد ازوی خواستم تادر مورد صفات یک زن‌مبارز چیزی بگوید .

ـ بنظر من یک زن یادختر مبارز همیشـــه حقیقت بین بوده ودر تاریکی مبارزه را پیش نبرد، یک زن مبارز همیشه همرای اجتماع هم صحبت بوده واز چگونگی زندگی‌مردم خودباخبر باشد ودر راه مبارزه خود علیه یک جامعه ایکه از هر حیث عقب مانده از هیچگونه شکنجه و

بقیه درصفحه ۵۰



سلیان لایق

بهار در وغینه

بیار ساقی گلچهره بادهٔ د و منی
که نقش تازه بریزیم و طرح انجمنی
ازین بهار دروغینه بوی خون آید
مرا رسیده ز حافظ اشارت سخنی
« ز تند باد حوادث نمیتوان دیدن
درین چمن‌که گلی بوده است یاسمنی»
چنان زچرخ فلك سنگریزه می بارد
که‌نی بسبزه‌چمن ماندونی به‌گل وطنی
زهرکه می‌شنوم‌حرف «سوختم» بالاست
به هرچه مینگرم تیغ و آتش ورسنی
هنوز قطرهٔ خون تازه کار خویشتن‌است
بدامنیکه نگنجد درآن دگر لجنی
بهوش باش‌که این رهزنان بازی نور
خدای تازه تراشند و هیکل وثنی
متاع باغ کهن پرورند و سینه زنند
بنام خار بیابان و سبزه ای خشنی
تو آسمانی و اندیشه ای تو ابر بهار
تونوربخش زمینی ، تومغز وجان وتنی
تو نقشبند جهانی ، تو خلق کارگری
تو بسته بند جوادث ، توقدرت شکنی
بنوش باده مردی وراه چاره بجوی
که چاره جوی نجوید فراغت چمنی
به خار های بیابان اگر نمی نرسد
بهار چیست که لافد ز باغ لسترنی

۱۷ر۶ر۱۳۵۷
کابل



دبند خوند

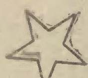
خلوبښت کاله آزاد ژوند هسی پوخ نکرم
لکه پوخ چی کرم یوکال عمر دبند
دآزاد ژوند په ارزښت باندی خه پوه‌وم
چی بندی شوم متی پوه یی شوم په‌خوند

دوکتور زیار ، خر خی زندان ۲۳ر۸ر۱۳۵۸

سرودخشم

آهنگر ان پیر،همه پتك ها بدست
باچهره های سوخته ،در نور آفتاب
چون اختران سرخ، بتاریکی غروب
چشمان پراز نوید فرح بخش انقلاب
پتك گران بدست ودهانها پراز خروش
فریاد شان گسسته در آفاق شامگاه
روئیده در دیارافق، خوشه های‌خشم
افسرده برلبان شفق ، بوسه های‌ماه
پنداشتی غریو خدا یان آسمان
پیچیده در کرانه ی خاموش زندگی
بگرفته از فروغ شفق ، رنگ انتقام
آن گونه های که‌سوخته ازشرم بند گی
پنداشتی که خشم فرو خورده‌ی قرون
جوشیده از خرابه‌ی فر توت روزها
پنداشتی که شیون قربانیان جنگ
آتش فکنده در دل آتش فروز ها
از سینه ها رسیده بلبها سرود خشم
افگنده در حریم دل آسودگان هراس
گفتی بر آستانه ی‌این شامگاه تلخ
درهم خزیده سایه ی مردان ناشناس
در چشمشان طلیعه ی توفانی شفق
آرد خبر زخنده ی خونین صبحگاه
فریاد شان گسیخته در آسمان شهر
خشم سیا هشان همه جوشیده در نگاه
درهم شکسته است توگویی سکوت‌مرگ
در رستخیز این شب تاریك وا پسین
برقی دمیده از دل آفاق دور دست
تاسایه ی کبود شب افتاده بر زمین
خوانده بپاس روز ظفر ، باد شامگاه
شکرانه ی گسستن زنجیر بندگی
آهنگران پیر ، همه پتك هابدست
در چشمشان ، طلیعه ی خورشیدزندگی

((نادر نادرپور))



گلها

ومن در شام آن هستیی سامان سوز
همی غارتگران باغ را دیدم
که هر صبحی گلی از شاخه می‌چیدند
وپرپر مینمودند، میدریدند
خنده میکردند ومیرفتند ۰
چه گلهایی !
گل سوسن ، گل سرخ وگل نسرین
گلی زیباتری از زهره و پروین
ولی غافل از آن بودند که روزی
بجای یك گلی
صدها گلی در باغ می‌روید

هارون یوسفی

روزنهٔ امید

باعزم و امتنان
با شور شعف وشوق
با قلب پر امید
در کار زندگی
هر دم روان گرد .

* * *

خیر اس ت گر ترا
آن نیروی شاب
در بازو ها وپنجه
دیگر نمانده است .

* * *

تو غصه راه مده
گر چرخ روزگار
هم مال و مکنتت
ز دستت ربوده است .

* * *

هرگز پریش مباش
گر نخلهای مستی
وان گلبنان عشق وصفای شباب
در بوستان قلبت
پژمرده گشته اسبت .

* * *

افسردگی مکن
از گردش ایام
گر تارو پود هستی ات
از کین و انتقام
فسرده است .

در غم مباش
از نور چشم خویش
کز درد انتظار
گردی کشیده است
امید ز دست مده
گر چند پیر گشته یی و
بسان گذشته نیستی
اما -
آنچه دست داده ای
با جامهٔ دیگر
همراز رزم تست
اکنون تو شادباش و
بـا غرور تام
در کار زار هستی
جایی به پیش گیر
امروز -
امروز تو میتوانی
با نیروی اراده
با حب وعشق مردم
با لذت ایثار
در نور حق وراستی
باراد مردی تام
هر آنچه خواسته باشی
اتمام آن کنی

شمس الحق - یاسا



ویل کول

ویل کول ساوبدن دی انقلاب ته
یوبی بله انقلاب نشی راوړ لای
لـــه ویل سره کول ملگری بو یه
تش ویل هسی هستی نشی لرلای

دوکتور زیار ،امینی شکنجه خای.
۱۷ر۱۱ر۱۳۵۷

آیه های زمینی

آنگاه خورشید سردشد
وبرکت از زمین ها رفت

وسبزه هابه صحرا ها خشکیدند
وماهیان به دریا ها خشکیدند
وخاك مردگانش را
زان پس به خود نپذیرفت

شب درتمام پنجره های پریده رنگ
مانند یك تصور مشکوك
پیوسته در تراکم و طغیان بود
وراه ها ادامه ی خودرا
در تیرگی رها کردند

دیگر کسی به عشق نیندیشید
دیگر کسی به فتح نیندیشید
وهیچکس
دیگر به هیچ چیز نیندیشید

در غار های تنهایی
بیهودگی به دنیا آمد
خون بوی بنگ وافیون می داد
زنهای باردار
نوزاد های بی سر زایدند
وگاهواره ها از شرم
به گور ها پناه آوردند

چه روزگار تلخ وسیاهی
نان ، نیروی شگفت رسالت را
مغلوب کرده بود

. . . . . .
. . . . . .
. . . . . .

در دیدگان آیینه ها گویی
حرکات ورنگها و تصاویر
وارونه منعکس می گشت
وبر فراز سر دلقگان پست
وچهره‌ی وقیح فواحش
یك هاله‌ی مقدس نورانی
مانند چتر مشتعلی می سوخت
مرداب های الکل
با آن بخار های گس مسموم
انبوه بی تحرك روشنفکران را
به ژرفنای خویش کشیدند
وموش های موذی
اوراق زرنگار کتب را
در گنجه های کهنه جویدند

خورشید مرده بود
خورشید مرده بود وفردا
در ذهن کودکان
مفهوم گنگ گمشده یی داشت
آنها غرابت این لفظ کهنه را
در مشق های خود
بالکه‌ی درشت سیاهی
تصویر می نمودند
مردم
گروه ساقط مردم
دلمرده وتکیده ومبهوت
در زیر بار شوم جسد هاشان
از غربتی به غربت دیگر میرفتند
ومیل دردناك جنایت
در دستهایشان متورم می شد

گاهی جرقه‌یی ، جرقه‌ی ناچیزی
این اجتماع ساکت بیجان را
یکباره از درون متلاشی می کرد
آنهابه هم هجوم می آوردند
مردان گلوی یکدیگر را
با کارد می دریدند
ودر میان بستری از خون
با دختران نا بالغ
همخوا به می شدند

آنها غریق وحشت خود بودند
وحس ترسناك گنهکاری
ارواح کوروکودنشان را
مفلوج کرده بود
پیوسته در مراسم اعدام
وقتی طناب دار

چشمان پر تشنج محکومی را
ازکاسه بافشاربه بیرون می ریخت
آنها به خود فرو می رفتند
واز تصور شهوتناکی
اعصاب پیرو خسته شان تیر می کشید

اما همیشه در حواشی میدان ها
این جانیان کوچك را میدیدی
که ایستاده اند
وخیره گشته اند
به ریزش مداوم فواره های آب

شاید هنوز هم
درپشت چشم‌های له شده، در عمق انجماد
یك چیز نیم زنده‌ی مغشوش
بر جای مانده بود
که در تلاش بی رمقش می خواست
ایمان بیاورد به پاکی آواز آب ها .
شاید ، ولی چه خالی بی پایانی
خورشید مرده بود
وهیچکس نمی دانست
که نام آن کبوتر غمگین
کز قلبها گریخته ، ایمانست .

آه ، ای صدای زندانی
آیا شکوه یأس تو هرگز
از هیچ سوی این شب منفور
نقبی به سوی نور نخواهد زد ؟
آه، ای صدای زندانی
ای آخرین صدای صدا ها

فروغ فرخزاد



از سپوتنیک

ترجمه ع .س

تاثیرات نوعیت بازیچه ها بالای انکشاف روحی وفکری اطفال

چطور میتوا ن در طفل از او ایل روزهای زند گی اش رو حیه اجرای کا ر ها را به تنهائی پرورش داد ؟ در حال حا ضر بالای حل این پرابلم تعداد زیادی اد با روان شناسان داکتر ها ومختر عین کا ر میکنند . چند ی قبلی در مسکو به این مقصد کا نگر س نهم «شورای بین-المللی اختر ا ع صنعتی » دایر گرد ید ه بود وبرای او لین بار در آن سکشن «اختراع برای اطفا ل » جا داده شد ه بود .

قسمیکه اشکا را ست اطفا ل در حا ل حا ضر زود تر رشد و نمو میکنند . درینجا اغلبا این سوال مطرح میشود که غرض نموی هر چه بیشتر اطفال‌از کدا م نو ع باز یچه ها با ید استفاده شود .

با در نظر داشت تقا ضا ها ی عصر لا بر ا توا ر انستیتو ت با زیچه ها در اتحادشوروی سیستم معین با زیچه ها را برای اطفا ل پیشنهاد نموده است . با لای هریك از ین انوا ع با زیچه ها که ذیلا از آنها نا م برده خواهد شد سه متخصص یعنی ادیب ، روا ن شنا س و طرا ح کا ر ها ی زیا د ی‌را انجام دادند .

هنوز از عمر طفل یکما ه‌گذ شته‌نمیباشد که مادر مهر با ن در چپر کت طفل انواع مختلف با ز یچه ها را با رنگ های شو خ میگذارد اما طفل تنها درین وقت به طر ف سقف طااق می بیند . ایا با زیچه ها درین و قت رو ل معین خود را پیش برده میتوا نند ؟ قسمیکه تجارب متعدد نشا ن داده است که در ین سن ا شیا ی سا کن تو جه طفل را جلب کرد ه نمی توا نند اما به مجرد اینکه با زیچه درمقابل طفل حر کت داده شود چشم های طفل‌از حر کت او دنبال میکنند اگر با زیچه‌صدا دار با شد توجه طفل را اضافه تر جلب میکند .

مو دُل جد ید ی که تو سط انستیتو ت با ز یچه ها در اتحاد شوروی پیشنهاد شده از چو ب سا خته شد ه اما قسمی عیار شده که برا ی دست بزرگ سا لان‌مساعد است نه برای دست های ا طفا ل . دستهٔ با زیچه به پا رچه چو ب مدور خا تمه می یابد و از بین سوراخی که درین چوب سا خته شده تار عبور داده شده و در انجام تا ر دو پا ر چه خورد چو ب بشکل مدور او یزا ن میبا شند که دا رای رنگ های مختلف هستند .

در ابتدا بازیچه به طفل نشان داده میشود بعد از ینکه طفل کمی بزر گ‌شد خود سعی میکند تا آنرا بد ست گیرد و بالا خره طریق در ست گر فتن آنرامی یا بد . این با ز یچه دارا ی صدا ی‌بسیار ملا یم میبا شد همینکه طفل یکی از پا رچه های مدور را بد ست گر فت دفعتا پارچه طرف مقا بل بحر کت می آید . این‌حالت به طفل مشغو لیت بهتر را ایجاد میکند به این ترتیب طفل می‌آموزد تابه چه ترتیب اشیا را در دست بگیرد و آنرا نگه دارد در نتیجه ما هیچه ها ی انگشتا ن دست‌های طفل خو بتر نمو میکنند .

همینکه طفل گرفتن اشیا را آمو خت میتوان در پهلوی بازیچه اشیای خورد دیگررا او یزا ن کرد همینکه طفل آنها را بدست گر فت چند ی‌بعد می آموزد که اشیا به حالت سخت ، ملایم ،سرد وداغ مو جود میبا شند . به هر اندازه که اشیا اضا فه تر با شند به هما ن اندا زه تجر به طفل درین قسمت مکمل تر میشود .

طبق عقیده روان شنا سا ن طفل درائر فعالیت نموی بیشتر میکنند. بـر ا ی این مقصد انستیتو ت مذ کور با زیچه دیگررا پیشنهاد کرده که همچنین صدا دارمیباشد در تار پارچه های مدور ، استوا نه مانند و حلقه ها او یز ان هستند اما هر کدا م اینها دارا ی اندا زه ها ی‌مختلف میبا شند اندازه ها ی پا ر چه ها ی استوا نه ئی و مدور نظر به اندا زه حلقه خورد تر هستند به این تر تیب میتوا نند از حلقه بگذ رند . هر با ر که طفل با این‌بازیچه بازی کند معلوما ت جدیدی را می‌آموزد زیرا این با زیچه امکا ن مید هد تا طفل راجع به اندازه اشیا و مقیاس آنها معلو ما ت پیدا کند . به این تر تیب‌سعی شود تا طرق جدید درین قسمت برا ی‌اطفال پیشنهاد شود تا معر فت اطفا ل را جع به محیط پیرامون هر چه زود تر رشد کند

اختر ا ع و طفل این کد ام مفهو م را ارائه میکنند ؟

قسمیکه معلو م است اطفال به محیطپیرا-مو ن به بسیا ر هیجان و علا قه نگا ه میکنند و هر چیزی که رنگ شو خ‌داشته باشد توجه آنها را به خود جلب میکند . همینکه والدین به این نکته متو جه شدند دفعتا تعداد زیاد با زیچه ها را میخر ند و همه را خود به تر تیب در پهلوی طفل میگذ ارند و طفل درین صورت منحیث نا ظر به همه نگا ه میکند . وا لد ین درین قسمت اشتبا ه را مر تکب میشو ند زیرا آنها خود در طفل رو حیه بی علا قگی را پرورش مید هند . زیرا طفل و قتی که در حدود ۳ الی (۵) سا ل داشته میباشد نه تنها شکل ، تنا سب و مو قعیت اشیارا می داند بلکه نکته مهم اینست که طفل‌خود میتواند که جهان بازیچه های خود را خود قشنگ سازد .





پەوړکتون کیماشومان خپل ښوونکی تەپەځیر سره متوجه دی

په خپرونو خخه

دبریالی علی زاد ژباړه

دماشوم دشخصیت پروده باندی دوړکتون اغیزه

کله چې ما شوم لو یږی پخپلوپښودریږی او پر لاره روا نیږی او هم خپله خوله په خبرو پرانیزی مور او پلار یې پدی فکرکیږی چې څنګه باید هغه وروزی تــــرڅو دهغوی خخه د ټولنی یو فعال غړی جوړ شی .

دهمد غی مسئلی په ارتباط له شوروی مقا ما تو خخه دهغو کو چنیا نو د روز نی په هکله چې لاښو ونځی ته دتګ تر کلــی عمر ته ند ی رسید لی زیا تی پوښتنـــی شوی . ددغه شان سوالو نو په ځواب کـــی با ید وویل شی چې وړ کتو نو نه ددغــه شان مسئلو په بشپړ او صحیح حــل کــی دکو رنیو سره په زړه پوری مر ستـــی کوی .

دشوروی اتحاد په اسا سی قانو ن کـــی پدغه هکله داسی ځر ګند ونه شوی (دشوروی اتحاد دولت دهغو کو چنیانو دروزنی پــــه برخه کې چې دښووونځی ټاکلی عمر تەنه ـ وی رسید لی د ځا نګړ و مو سسود پرا خو شبکو په ایجاد کــورنیوسره نەستړی کیدونکی مرستی کوی .)

دشوروی سو سیا لیستی جمهوریتو نـــو داتحاد حکو مت داستقرار د لو مړنیوکلو نو را هیسی د هغه هیواد په هره بر خه کـــی دوړ کتو نونو جوړول پیل شوی او ورځ پــه ورځ مخ په پرا ختیا ده ا وهمدا او س ید غه هیواد کی ددولسو ملیونو تنوخخه زیات ما ـ شو ما ن د شیر خوار ګا ووته سپا رل کیږی او وړ کتو نونو ته ځی .

په لویو صنعتی ښارو نو کـــی زیاتـــره کور نیو خپل ما شومان لــــه‌دری کــلنی خخه دښو ونځیتللو تــر عمره پـــوری هغو وړ کتونو نو ته چې دهــغوی دکارځـــای او یا کورته نږدی واقع دی سپا ری او په عادی تو ګه ما شو م دسها ر له اتو بجو خخه دماذدیګر تر پنځوبجو پوری په وړکتونو ـ نو کی وی .

دلته شا ید سوال پیدا شی چې و لـــی میندی او پلرونه د خپلو ما شو ما نوددروزنی دپا ره دټو لنیزو موسسو خخه ګټه اخلی؟

دکوستر وماډښار(چیدوالګاکی دسیمند په غاړه پروت دی) دوه سوه پنځو س زره‌تنه او سید و نکی لری) ټو لنپو ها نو د هغو تحقیقاتو د تحلیل او تجز ئی خخه چې ددغه ښار په شپږوبیلا بیلو صنعتی واحد ونو کی سر ته رسو لی دغه نتیجه تر لاسه کړ ی چې وړکتو نونو ته دکوچنیا نو د سپار لوپه بر خه کی ما دی ګټی په نظر کی نیو لوورو ـ ستی ځای لری . څکه چې په سلو کـــی پنځه تنو میند واو پلرو نو دهمد ی مقصد دپاره خپل کـــوچنیان وړ کتونـــو نوتـــه سپا ری .

کو رنیو دغه مو ضو ع چې دما شو ما نو سا تنه په وړ کتو ن کی د کور په پر تله ارزانه‌تما میږی یو عادی‌کار بـــــولی.

په شوروی اتحاد کی په عادی تـــوګه‌دما ـ شو ما نو د ساتنی لګښت پر پنځه بر خه خرڅ په وړ کتو نو کی ددولت له خواورکول کیږی او هم دهغو کو رنیو دما شو ما نو ټول خر څ چې زیات کو چنیا ن و لری ددو لت له خوا ور کو ل کیږی .

دځینو ټولنپوها نو پــــه عقیده څـــرنګه چې په شوروی اتحاد کی مورا و پلارد واړه‌له کور خخه دبا ندی کا ر کوی او په کور کی هیڅوك نلـــری چې د هغو د ماشومانو سا تنه وکړی نو مجبور دی چې خپل ماشومان وړکتونونو تــــه وسپاری.

مګر دوی تیرو تلی دی ځکه چې په‌سلوکی یواځی اته خلویښت کورنیو له همدی کبله خپل کوچنیان وړکتـــونـــو نو تەسپاری پــــــداســــی حال کـــی چـــی زیاتره کو رنی دټو لنیزی روزنی په مقصد دغـــه کا ر کو ی او دوی عقیده لری چې‌ټو لنیز روزنه تر کورنی روز نی غوره ده نو پد ی توګه په زغرده ویلای شو چې دما شومانو په روزنه کی وړکتو نونه ښه دکور نیو باوری مـــر ستنـــد و ی د ی ا و په حقیقت کی (د ر و ز نـــی په برخه کی) ا و س د ښوونځیو په شان عـــامه ښـــه‌غوره کړی‌ده او هم دیو لړ څیړنوپه نتیجه کی دا حقیقت تر لاسه شوی چې دیو نسل رو حی اوجسمی روغتیا او اخلاق په وړ کتو نو نو کی دکو ـ چنیا نو دروزنی سره نه شلیدو نکی اړ یکه لری .

دشوروی سو سیا لستی جمهو ریتو نـــو داتحاد په اساسی قانون کی دا هم ذکـــر شوی چې (دشوروی اتحاد دولت خپله دنده ګڼی‌چې دانسانی شخصیـــت دسالمی ودی دپا ره هراړ خیز پراخ امکا نا ت تا میــن کړی) .

اوس وینو چې آیا د فردی شخصیت وده کله پیل کیږی .

دایو انکارنه منو نکی حقیقت ده چـــی دشخصیت ودەمعلو ماتو دترلاسه کولـــو خخه پیل او د معلو ما تو لاس ته راوړ ل اوږده موده غواړی نو پد ی توګه یو اوږدعمر په کا ر دی تر خو دمعلو ما تو په ټولولو سره د شخصیت ودی ته پرا خیا ورکـــړ شی.

دایوه تصا دفی مسئله نده چې د شوروی اتحاد دوړ کتو نونو په ورځنی مها ل ویش کی ښو ونه ، حسا ب، لو ستل خبری کوا و او طبیعت پیژندنی ته ځای ورکړ شو یدی بلکی دیو لړ تجربو په‌نتیجه کی ثابته شوی چې دا ټول دما شو مانو د معلو ما تو پـــه زیا توالی او پد ی تو ګه د هغوی دشخصیت په وده کی خو را اغیز من دی .

په همدی تو ګه په هغه مهال ویش کی چې دشوروی اتحاد دښو و نی او روز نـــی بوزارت له خواتصویب شوی دهرځـــــه‌نه زیات تا ـــر مانو لوبو ته زیاتـــه‌پاملـــرنه شوی او ووسره جو خت ماشو مانوته دنقا ـ شی، مجسمه جوړ ولو، دوول دوول صنا یعو، نڅا دشعر اوسندری ویلو زده کړی تـــه پـــه ګلکه اشا ره شوی . همدا رنګه په‌دغـــه مهال ویش کی داسی شیا نو ته ځای ورکړ شوی چې دما شو ما نو دفکری ودی سر ه جو خت د هغوی احسا سا تو ته هم و ده ور کوی . دمثال په تو ګه که کوم ماشوم داسی مشخصات ولری چی دنورو ماشومانو پام خان ته واړوی اونورو ته داحترام پـــه ستر ګو و ګوری ښو ونکی ئی مجبور دی‌چی دغه‌صفتونه د ښو ونی او روزنی په مر سته په هغه کی و زیږوی . نو پدی تو ګه‌باید هر کم جرا ت ه او آرام ما شوم باید دااحساس پیدا کړی چې نور ورته احترا م لری اود احترا م وړدی . اوکه نەامکا ن لری دروند تر پایه پوری ځان بیو زلی اومعیوب‌احساس کړی .

هر ښو ونکی باید خپل شا ګر دان پـــه مختلفو لارو داسی تشو یق کړی تر څوهر یویی وکولای شی‌خپل حال او پټ‌خــصو ـ صیتو نه په خورا جرات سره ځر ګندکړی دمثال په توګه د یو ماشوم زیات شمـــیر کیسی زده دی ، بل ماشوم کولای شی چې خواړه په ښه توګه پر میز با ندی تنظیم کړی او ځینی نور ما شو مان دموټر ونـــو مختلف ډو لونه ښه پیژنی ښو و نکی‌ددی دپاره چې دماشومانو پام یـــی دهــغو دغو خصو صیتو نو ته‌په ښه توګه اړ ولی وی‌باید په وار سره هر ماشو م ته‌په لوبوکی غوره برخه ور کړی چې پدی تو ګه هـــرمـــا شوم ځان پر دی نه بولی اوپر ځان بی اعتماده نه وی له‌دی ټولو سره سره ښـــیاهم وړکتونه ماشوم‌پـــه روزنه کی دکور ځای نشی‌نیولای.

مګر بیا هم دمیندو او پلرونه سره‌دهغه ستر او د روند دندی په ترسره کولو کی چې دخپل ما شوم دسا لمی روزنی له امله په غاړه لری دلیدوړ اوپه زړه پوری‌مرستی کوی .

سیری در جهان هنر

هنر و نقش آن در انعکاس واقعیت های عینی زندگی



این تابلو نمایانگر ازدواجهای غیر اصولی‌است‌که بی‌عدالتی وقلدری طبقات ستمگر جوامع رانشان میدهد

زندگی اجتماعی پر از فراز ونشیب های است که فراز ونشیب گاهی نهایت دشوارو جانکاه است ومقابله باآن شرط لازم وضروری زیست وادامه پراتیک اجتماعی. دانشمندان و هنرمندان جامعه که اندیشه های والای مردمی داشته دربدترین شرایط اختناق ترور، وحشت واستبداد همیشه جناح مردم را گرفته واقعیت های تلخ زندگی را به اشکال مختلف وطریق مختلف بیان نموده اند.

زمانیکه هنرمند تحت شرایط ویژه‌استبداد مطلق‌العنانی درباریان قرار داشته باشدپیوسته کوشیده تا جناح های‌مختلف حیات اجتماعی راکه درزیر پاشنه‌های آهنین جلادان بشریت خرد وخمیر گشته بواسطه علایم، سمبول وتصاویر وکارتون ها انعکاس داده ونویسند-گان اشعار که‌مبین مهارت‌مختلف ، آواره‌گی پریشانی وفقر وشکنجه جانکاه بوده بیان نموده‌اند مجسمه سازان مردمی همیشه مجسمه وهیکل های ازمردم ستمدیده را که‌باهیو لای زندگی مقابله نموده ودر نبرد رویاروی قرار داشته بوجود آورده ونقاشان چیره دست مردمی همیشه نابرابری ها، فشار وبی‌عدالتی اجتماعی را در تصاویر گویای شان که چهره منحوس استبداد وقت راباز گو نموده‌گنجانیده که همه وهمه در خدمت خلق ومردم خویش بوده اند ونام شان در اوراق تاریخ با خط زرین درج گردیده ومردم وتوده های مليونی ستمکش همیشه به‌نیکویی از ایشان یاد نموده وسپاس گذار آنها اند.

امابرعکس بودند هنرمند دلقک پیشه وشاعر درباری که افسار دربار رابه گردن گذاشته چکیده های ادبی ، هنری وغیره را به مدح وتوصیف اقلیت مفت خوار ستمگر جامعه وقف نموده اند.

اما از آنجائیکه زندگی اجتماعی درجوامع طبقاتی ، مهر طبقاتی داشته وطبقات ستمگر جامعه در هرم جامعه قرار داشته با کمك هنرمندان ، نویسند گان ومورخین گماشته خویش همه دست آورد های فرهنگی ، مدنی واجتماعی را که خلق وتوده های مردم به حقیقت آفریننده آن بوده‌اند به خود ودرباریان خویش نسبت داده اند وکمتر نامی ازشاعران هنر مندان ونویسند گان مردمی را تذکر داده اند . اکثر چنین نویسندگان ، هنر-مندان درعالم گمنامی بدنیا آمده در عالم گمنامی جهان را پدرود حیات‌گفته‌اند .

امروز که روند تاریخ در دایره مخالف‌آن یعنی به نفع توده ها وستمکشان جامعه دور می‌زند وپیشاهنگان جنبش های مترقی و پیشرو که از آیده‌لوژی طبقه پیشرو وانقلابی الهام می‌گیرند درین تلاشند تا آثار شان را مطابق به خواست زمان وایجابات وقت مطابق به‌قانونمندی علمی پدیده های اجتماعی که تخطی ازآن منجر به‌نابودی شخص‌میگردد به جامعه عرضه نمایند هم چنان کاوش ها وتحقیقات در مورد فرهنگ وکلتور پارینه بعمل آورده آثار هنری که هنر مندان‌گمنام جهات کلی ونا برابری های اجتماعی وقت را ترسیم نموده بودند در پیشگاه هنرمندان علاقمندان و محققین قرار دهد تابا استفاده‌از آن دانش پژوهان جوان عصر ، بتوانند گذشته را دقیقاً مطالعه نموده وبا مطالعه گذشته وحال آینده جامعه آدمیزاد را بصورت دقیق‌تر ، عمیقتر وژرفتر پژوهش وپی ریزی نمایند همه این هنر های که در گذشته‌های دور مقابله ومبارزه انسانها وطبقات را وانمود می‌نموده است الهام بخش آن اندیشه های در دماغ ومغز انسانها وهنر مندان ، شاعران ونویسند گان مردمی گردید که همیشه در جهت منافع ومصالح توده ها اندیشیده وتوده ها را آفریننده تاریخ قبول نموده‌اند.



مستضعفین که‌دست تگدی بسوی‌رهروان‌سنگدل دراز کرده‌اند این تابلو صبغة مردم داری هنرمند را وانمود می‌سازد



طفلکان معصوم نیز مورد استثمار بی‌رحمانه‌ستمگران بوده که تابلو نمایانگر آن است.

آنچه هنر مندان امروز به آن می‌اندشند این است که هنر نباید فقط در خدمت هنر قرار گیرد زیرا درین صورت آثار هنری از وراء واقعیت های عینی نشئت کرده سبقت گرفته وفقط در دایره هنر برای هنر ویکنوع تکلف وپیچیده گی های را بمیان میاورد که از زندگی مردم وازواقعیت‌های عینی کاملا تجرید میگردد اما هنر برای مردم درخدمت مردم جهت ارتقاوتکامل‌زیربنا وروبنای هستی اجتماعی شده واقعیت های عینی جامعه نقطه گره ها ومشکل هارا بازگو نموده وجهتی را وانمود می سازدکه‌مطابق به قانونمندی عینی تکامل پدیده هاسیرو حرکت میکنند هر گاه هنر در خدمت مردم قرار گیردوبتواند جهات‌کلی زندگی اجتما عی ر وانمود سازد گفته میتوانیم که پروسه رشد وتکامل حیات اجتماعی نهایت موزون و مطابق به قوانین عینی تکامل بوده تهداب اساسی محکمتری ردر جهت رجحان وار تقای کامل می پیماید .

ترجمهٔ : س . ا

او بدنیا آمد تا هنر رقص را به اوج آن رساند

پیشگویی هادر قسمت هنر متاسفانه‌همیشه تحقق نمی‌یابند • اغلبا اتفاق می‌افتد که‌یک استعداد جوان مانند ستاره روشن میدرخشداما چندی بعد خاموش میشود • به این لحاظ در مورد پیشگویی در قسمت هنر از احتیاط کار گرفته شود • اما نادیا پاو لووه این (عجیبه کوچک) هنوز چند سال بیش نداشت که همه رابا مهارت خاص درین قسمت تسخیر کردو به پیشگویی های مردم جامهٔ عمل پوشانید• دوسال بعد از نمایش موفقانه خود در مسابقه سر تاسری شوروی دو باره در سال ۱۹۷٤ در مسابقه بین المللی هنر پیشگان بالت که در مسکو دایر گردیده بود اشتراک ورزید • نادیا درین وقت هفده سال بیش نداشت • درینجا برای اولین جوره نادیا هنر پیشه جوان ویچسلاوگردیف که چندی‌قبل‌در گروه هنر پیشگان تیاتر بزرگ مسکو شامل شده‌بود انتخاب شد • در نتیجه قرعه معلوم گردید که یکی از آنها نمبر (۹۹) ودومی نمبر (۱۰۰)را انتخاب کرده بودند • در مقابل این دو هنر پیشه جوان ستاره های درخشان جهان هنر بالت نمایش های متعدد اجرا کردند • اماوقتی یکی از روز نامه نگاران از نادیا پرسید که قبل از اجرای نمایش چه احساس‌میکند • نادیا جواب داد احساس(مسرت) •بلی احساس مسرت نه پراگندگی این نکته خود پسندی هنر پیشه جوان نبود بلکه از احساس پاك درونی او حکایت میکرد که همیشه هنر پیروز میگرد ونه خود پسندی •



هردو خوش وخندان به سوی تیاتر می‌روند

بعد از قسمت اول مسابقات نادیا‌٦٥ر١١ از (١٢) نمره ممکنه بدست آورد • سپس دو- قسمت دیگر مسابقات نیز پایان یافت و معلوم شد که گردیف مدال طلایی و نادیا پاولووه همچنین مدال طلا را صاحب شدند • نکته‌جالب این است که همه اعضای هیات ممیز به اتفاق اراء به این عمل موافق رای دادند•در ترکیب هیات اشخاص ورزیده جهان بالت مانند هنر پیشه در جه اول تیاتر بزرگ یوری‌گریگو روویچ، بالرین‌معروف کیوبا الیسیبا الونوس بالرین فرانسوی کلود بیسی ، ستاره های معروف‌بالت شوروی گالینا اولانووه ومایا- پلیستسکایا شامل بودند•

این شناسایی بالرین جوان در بالت‌حادثه غیر عادی بود، زیرا بالت خود یك جهان‌مغلق ومتضاد است • کدام نکات ومشخصات نادیارا از هنر پیشگان رقص بالت متفاوت میساخت؟ آیا تخنیك پر مهارت ؟ نه خیر زیرا در آن اوقات نادیا هنوزبه این‌نکات چندان وارد نبود•

نکته جالب که همه را متوجه او ساخته‌بود این است که او در رقص به اصطلاح زندگی میکرد وقابلیت آنرا داشت • بخاطر می‌آورند وقتیکه نادیا کوچك در مکتب مسلکی بالت در شهر پرم مصروف تحصیل بود در یکی از نمایشات امتحانی پروگرام ذیل ترتیب‌یافته بود• قهرمان او دختر کوچك با پیراهن نازك سفید بود که میخواست به پدر خود طوری نشان دهد که رقص‌بالت رافرا گرفته ومیخواهد درین رشته تحصیل نماید • برای این کارخود قیافه ها وژ ست های متنوع رابه او تمثیل ونشان میداد • درین‌پروگرام بسیار کوتاه‌نادیا به‌اندازه حیله ومکارگی طفولیت را تمثیل‌کرد که صد فیصدبه واقعیات‌زندگی مطابقت داشت•

نادیا هنوز چند سال نداشت که‌در نمایشات بالت در مکتب مسلکی وحتی در تیاتر شهرپرم در مقابل تماشاچیان ظاهر شد • اما نه‌درمکتب ونه در تیاتر بادختر کوچك محاسبه انجام می‌گرفت همه می‌گفتند : هنوز بسیار کوچك است •)

بعداز اجرای نمایشات در مسکو نادیا وگردیف باگروه هنر پیشگان تیاتر بزرگ عازم امریکا شدند • این پرو گرام را کار گردان معروف سول یورك ترتیب کرده بود • قسمتی را که نادیا وگردیف‌درآنجا اجراکردندتوسط مطبوعات امریکا بنام (قسمت پرهیجان نمایشات) یاد کردند •

درسال ١٩٧٤ نادیامکتب مسلکی بالت‌شهر- پرم رابه پایان رسانید وبه حیث رهبر گروه در تیاتر او پراوبالت شهر پرم شناخته شد• چندی بعدبه مسکو به تیاتر بزرگ دعوت‌شد• این دعوت بسیار مهم وارنده ودرضمن‌بسیار مشکل بود • زیرا اگر چه نادیا درین وقت‌از باریکی های هنر رقص بالت آگاه بود اماضرور بود تابسیار کار نماید تارول های جدید رابه طور موفقانه آن انجام دهد •

بتاریخ ٦ نوامبر سال ١٩٧٥نادیا وگردیف هردو منحیث‌قهرمان های رول عمده رادر بالت (ژیزل) در ستیژ تیاتر بزرگ اجرا کردند ودر همین روز عروسی خودرا نیز جشن گرفتند•

در حال حاضریکی از شخصیت های‌برجسته هنر رقص بالت ولادیمیرواسیلیف بااین جوره ممتاز نمایشات خودرا اجرا میکند • اول کار دسته جمعی اینها تحت عنوان (ایکار) اجرا گردید که در آن گردیف رول انسانی را که میخواهدبه اسمان پرواز نمایدو پاولووه بحیث دوست صدیق او درین قسمت کار میکردند•

این نما یش از طرف تماشاچیان‌به‌بسیار گرمی استقبال شد• درین اواخر این‌جوره ممتاز در چنین نمایشنامه های معروف مانند قهر مانان (قشنگ خوابیده)، (دون کیشوت) (سپارتك) رول های مهم و ارزنده را ودرضمن به بسیار خوبی اجرا میکردند • نکته مهمی‌ودر ضمن مخصوص که این جوره را از دیگران متفاوت میسازد اجرای رول هابه شکل عجیب و صداقت در کارآنها میباشد• دریکی ازروزها از هنر پیشه عمده تیاتربزرگ یوری گریگورو ویچ پرسیدند که این جوره را باکه مقایسه میکند ؟اوجواب داد •(باهیچ وتکالیف‌بودامانادیا

راهی را که این جوره در قسمت هنرپیموده فکر میشود بدون رنج وتکالیف بودامانادیا پاولووه وگردیف این را بخوبی درك کرده‌اند که‌با شخصیت های برجسته هنر تیاتر بزرگ رقابت آنها کار ساده نیست • درین ضمن متخصصین بر جسته هنر هوشدار میدهند که فقط تسخیر تماشاچیان توسط حرکات الاستیکی وسپورتی کفا یت نمیکند • چیزی که برای‌دختر پانزده ساله ، بالرین معروف عصر حاضر (عجیب) است مراحل سپری شده اودر هنرش میباشد •این که تاکدام اندازه این جوره‌به‌حال فعلی خود باقی میمانند پراکتیك آینده نشان خواهد داد •زیرا قسمی که گفته شد پیشگویی درقسمت هنر شکل اتفاقی وناگهانی را دارا میباشد •

مترجم : حفیظ‌الله عمادی

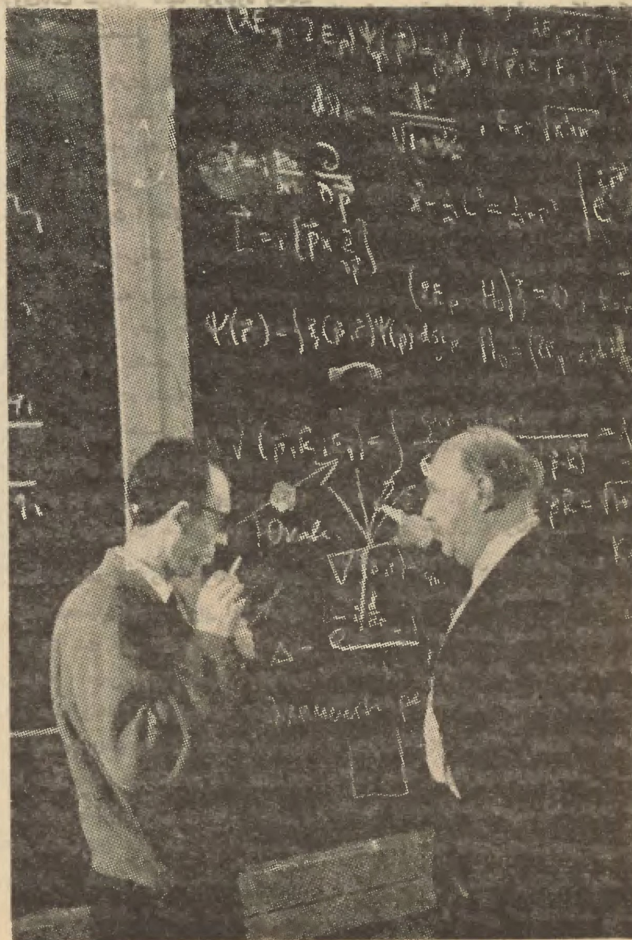
چگونه علاج امراض را میتوان با مواد آرسنیك انجام داد

در سال ۱۹۱۵ زمانیکه پال ایرلیچ دانشمند بزرگ‌وبرجسته المان جایزه نوبل را صاحب گردید او به تحقیق راه درمان ونجات آدمیزاد را از مرض تباه کن سفلس کشف نموده بود او بصورت ساده‌و آسان توانست حق‌الامتیاز ادویه کشف شده هایدرو کلوریك دای اوکسی مینورسی نوبنزول را بدست‌آورد.

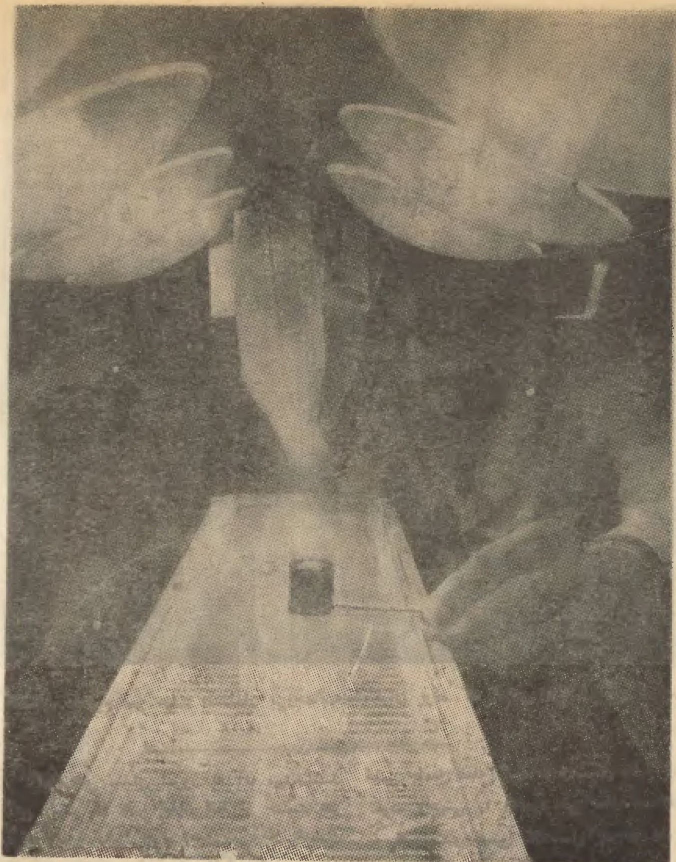
اما باوجود کشفیات بزرگ‌پال‌موادی را که به دسترس مطبوعات قرار داد خیلی ها ناچیز بود. مواد ی که دانشمند مذکور روی‌آن تجربه وتحقیق‌می نمود ۳۲ فیصد موادآرسنیك (زهرحیوان کش) راکه خیلی هابه‌حیات ز نده جان ها مضر وکشنده است تشکیل میداداما دانشمند دگری که بااو یکجا تجربه وتحقیق می نمود از نتایج تحقیق وامتحانات‌خویش خیلی ها محظوظ وخورسند به نظر می رسید زیرا بعضی تزریق های موادمذکوردر بعضی حالات نتایج خوبی‌داده بودکه بالاخره‌توانستند تداوی موثری را برای امراض سفلس‌کشف نمایند در گذشته ها قبل از تداوی سفلس

بامواد آرسنیك توسط فشار وعکس العمل سیماب صورت می گرفت که این عمل‌منجر به تخریب عده از ارگانیزم وجود وسلول ها میگردید .

مرض سفلس در ابتدای قرن ۱٦ ازایالات امریکایی توسط کشتی های اسپانوی به‌قاره اروپا وارد گردید که این مرض مانند کولرا



دانشمندان درحل فورمول های مربوط درلابراتوار مناقشه مینمایند.



دانشمند کیمیا حین تحقیقات مواد کیمیاوی‌درلابراتوار دیده میشود

طاعون به زودی اثری از خود بجانمی‌گذاشت اماوجود داشت. تعداد زیاد مردم مبتلا به آن پدرود حیات گفتند این مرض بعد ها به اثر رشد وتکاملش ستون فقرات را نیزمورد حمله قرار میداد .

ممکن است علت مبتلاشدن به سفلس رااطبا وپزشکان متجرب‌در یافته‌بودند مگر نمیدانستند که چگونه میتوانند بااین مرض خانمان سوز مجادله نمایندااما دانشمندپال ایریچ به‌اثرزحمات وتلاش های پیگیرش توانست درین راه موفقیت نصیب گردیده ودر مان موثر رابرای مبارزه‌و مقابله با آن کشف نماید •

پال در سال ۱۸٥٤ در شهر سلیسیاچشم به دنیا کشود او بعد ازین که تحصیلات خودرابه پایان رسانید در رشته طبابت قدم گذاشت او از همان زمان در نگهداری وپاکی حجرات موفقیات بدست آورد این کار و موفقیت‌اوباعث گردیدکه راه را برای رابرت کوخ‌دانشمند شهیر دیگر در مورد کشف توبر کلوز هموار سازد • که بعد ها رابرت کوخ در موسسه تحقیقاتی وعلمی برلین مصروف کشفیات و تحقیقات علمی گردید • پال ایریچ باکمك ایمیل بهرنیگ توانست تاثیرات ناگوارمرض دیفتری را ثبت‌واندازه نماید که این مر ض تباه کن باعث‌نابودی وقتل‌بسیار اطفال درسنین طفولیت میگردید•سیستمی را که‌پال برای‌اندازه گیری شدت مرض دفتری کشف نموده است تاامروز حیثیت‌بین المللی‌داشته واز آن‌استفاده مزید به عمل میاید •

پال درسال ۱۸۹۹ در موسسه تجربوی‌شامل کار شد که از آن موسسه پول کافی در یافت می‌نمود که‌کلیه مخارج زندگی او راتا مین نموده میتوانست ودرآنجا به‌آرامی مصروف کاروتحقیق شده که این امرزیادتراو رابه عظمت وشهر تش رسانید • او عقیده داشت‌که تداوی امراض با تطبیق سیروم آنقدر موثر تمام نمیشود زیرا ثابت شده بود که تطبیق سیروم نمیتواند امراض ساری رااز بین ببرد اما تداوی و تطبیق سیروم تنها به امراض که

بقیه در صفحه ٥٤

دانشمندجاپانی حین مطالعه‌دیده می شود

دع (غیور) ترجمه

په پرمختیایی هیوادونوکی لهٔ قحطی سره مبارزه

پهٔدی وروستیو وختونو کیدیو گوسلاو یا دزاگریپ په ارغونی ښارکی دنړی د (٥٩) هیوادو دشپږزره پنځه سوه موسسو اوسازمانونو په گډون داستهلاکی مالونو نړیوال نندارتون پای ته ورسید •

سږکال ددغه نندارتون دګډون کوونکوهیوادو په ویاړ دلوړی‌ځل‌دپاره‌دپرمختیایی هیوادونو یومدور میز جوړشو•په دغه میزکی‌دپرمختیایی هیواد ونو خخه یوزیات شمیر استازوته دګډون کولو چانس پیدا شو • دپرمختیایی هیوادونو مدور میز په خبروکی اصلی‌موضوع‌په دغـه هیوادونو کی دکرنی دسکتوردودی‌اوپراختیـا مسله وه • ددغه اصل له مخی په مدور میزکی دبرخی اخستوونکو هیوادوونو استازودکرنی‌په برخه کی ددغو هیواد ونو ترمنځ دزیاتوهمکاریو دتشویق اوراجلبولو دپاره مهمی پریکړی‌وکړی څرنګه‌چی ددغه‌مدورمیز اجنداد‌ماهیت‌اوکیفیت‌له نظره دنورو براعظمونو په نسبت اسیایـــی افریقایی او دغه راز دلاتین امریکی هیوادونوته متوجه وه نو ځکه دپر مختیایی هیوادو پهٔمدور میز کی دآسیا ، افریقا او لاتین امریکی څخه دیرشو نمایندګانو ته بلنه ورکړی شوه چی دنورو نړیوالوارګانونوتر څنګ‌دکرنی اومالداری په سکتورونو کی پخپلو مربوطو هیواد ونو کی دزیاتو مرستو او خوواړخیزو همکاریـــو له پاره شرایط اوپه زړه پوری امکانات ولټوی• په زاګریپ کـــی پر مختیایی هیوادوداستازو په وروستی مدور میزکی په دی‌خبره‌بانـــدی زاته رنا واچوله شوه چی په ځان باندی‌دمتکی کیدلو اصل په پرمختیایی هیواد ونو کی د لوږی اوقحطی سره دبریالی مـــبارزی‌کولو یوازنی لاره ده•

پرمختیایی هیواد ونه پهٔځانګړی ډول مکلفیت لری چی‌دځان‌دپاره دغذایی موادویوه ستراتیژی وضع کړی اوپه خپلو مربوطو سیمو کی‌دلوږی قحطی او دغذایی موادو دلږوالی داوسنی بحران دله منځه‌وړلو دپاره یونوی‌فارمول‌طرح‌اوتـــر تطبیق لاندی یی ونیسی •

دمدور میز په خبروکی برخی اخستوونکو استازو پریکړه وکړه چی دغذایی موادو دیوی ستراتیژی دطرح کولودپاره‌باید ټول پرمختیایی هیوادونه سره یولاس اویو موټی شی‌اودیوه نوی‌نړیوال اقتصادی نظم فارمول تهٔعملی بڼه ورکړی • دغه راز دا هم ددغو هیواد ونو ستره و نـــده اوو ظیفه ده چی دملګـــرو ملتـــو د مـؤ سسی دکـر نـی او خـــو را کـی مواد و دسازمان په همکاری دغذایی مواد و دبحران دمخنیوی له پاره دیوه نړیوال کنفرانس دجوړیدوله پاره زمینه برابره کړی•

لکه چی وروستیو راپور ونو اوستراتیژیکی تحولاتو څرګنده کړیده تر اوسه پوری نړیواله ټولنه (دلویدیځـی نـــړی دسیاسی تشویق‌د نشتوالی او ناوړوسیاسی روشونو او پالیسوپه اثر) په دی نه ده بریالی شوی چی دغذایی مـواد و دکمبود دستو نزو دحل دپاره اقـدام وکړی• همدارنګه نړیواله ټولنه په دی هم نهٔده بریالی شوی چی دنړی دغذایی چارو د غوره انسجام دپاره «امنیت سیستم» جوړاوپه کاریی واچوی •

دنړی دکرنی او خوراکی موادو دسازمان دیوه وروستی راپور له مخی دروانی پیړی‌په پیل کی دهغو کسانو شمیر چی دلوږی ، فقر او غذایی مواد و دکمبود له ستونزو سره مخامخ دی (۳٦۰) ملیون تنرته رسیده حـــال داچی اوس اوس شمیریی څه دپاسه نیم بیلون تنوته رسیږی •

له بلی خوا په اقتصادی لحاظ دنړی پـــه وروسته پاتی هیواد ونو کی دغذایی موادو دتولید اتو او حاصلاتواندازه‌هم په تدریجی‌توګه مخ په کمیدوده نوځکه په دغو هیوادونو کی دواردا‌تی حبوباتو نرخونه مخ په لوړیدودی• لکه چی څرګند ه شویده یوازی په (۱۹۷۹) کال کی به ددغو هیواد وپه تجارتی بازارونو کی‌دوارداتی حبوباتو اندازه څه‌دپاسه (۸۰) ملیون ټنو تهٔورسیږی• دغه کار داسی معنـی ورکوی چی ددغوهیوادواو سیمونکی مجبوریږی چی‌خپل ضرورت وړ حبوبات په لوړونرخونوکی باندی تر لاسه کړی اوددغـه کارپه نتیجـــه کی دانضلا سیون سره مخا مخ کیږی •

په اوسنیو وختونو کی یوزیات ار قام او احصاییوی راپور ونه موجوددی چی ښیی په پرمختیایی هیوادونو کی دغذایی مواد و دکمبود دله منځه وړلو دپاره زیات پروګرامو نهٔطرح اوتر اجرا لاندی نیول شویدی خو بیاهم دغه اندازه غذایی تولیدات په نوموړ وسیموکی دلوږی اوغذایی‌موادوبحران‌تهٔځواب وویلای‌شی•

لکه چی د پرمختیایی هیوادونو داستازو دمدور میز وروستیو پړاوونو کی ویل شویدی په وروسته پاتی او پر مختیایی هیوادونوکی یوازی دغذایی‌موادو زیاتوالی‌په نوموړوسیموکی دلوږی بحران نشی له منځه ولاړی‌بلکه دغـه کار سره جوخت داهم ضروری ده چی دکلیو دپراختیا او دځمکو ددموکراتیکو اصلاحاتو دوروستی کنفرانس داعلامی له اهدافو سرهٔسم

پاتی په ٥٤ مخ کی

بقیه صفحه ۱۸

سیاست همزیستی ...

روابط با کشور های بزرگ سرمایه داری جهان سوسیالیستی علاقه مند بهتر سا ختـن روابط با کشور های کوچك سرمایه داری‌نیز می باشد .

اروپا از نظر سیاسی واقتصادی و ساحات دیگر در میان ممالك گیتی بصورت کـــل نقش مهم وفعالی دارد اما خود کشور هـــای قارهٔ اروپا بین خود پرابلم های بزرگی دارند که تنها از طریق داشتن تماس وروابط حسنه با کشور های قارهٔ دیگر می تواند حل‌شود. این حقیقت مسلم است که امنیت بین‌المللی یکی از مسایل حاد اروپا می باشد وبه یك ارزیابی چند جانبه نیاز دارد ، این مسئلـه بهیچوجکه مسئله تازه، لااقل دریك نیم قرن گذشته نبوده وبه شکلی از اشکال در اوقات مختلف بمیان آمده، دو جنگ جهانی که در این قاره بوقوع پیوست تلاش قبلی را دراین مورد بی ثمر جلوه داده یکی از درس های گذشته می آموزاند که مسئلهٔ امنیت اروپا تنها می تواند با جد وجهد مشترك، داوطلبانه، برادرانه وهمه جانبه حل گردد کـــه تما م ممالك را از خورد تابزرگ دربرخــــواهـد گرفت .

کشور های جهان صلح باید عقیده اند که دو نوع صلح درعالم وجود داشته می تواند، یکی صلح بمعنی وقفه موقتی بین دو جنگ، که در ین وقت هیچ دولت ، نامزد جنــــگ نمی باشد اما هریك فعالانه برای جنگ و پیکار آمادگی می گیرند، همین نوع صلــح بود که در تاریخ گـذشته بشریت بیشتـر عمومیت داشت مخصوصا در مرحله سرمایه‌ـ داری چنانچه دو جنگ جهانی شاهد ایــــن ادعاست وهر یك به حیات ملیون ها انسان خاتمه داد .

شکل دیگر صلح عبارت از وجود روابـط حسنه است بین دولت های دارای سیستم‌های مختلف اقتصادی واجتماعی که جنگ را بکلی رد نموده وهمکاری همه جانبه را توسعــــه می بخشند، . منظور از «امنیت» و «امنیـت اروپا» موجودیت همین نوع روابط است بین دولت های دارای نظام های مختلف اقتصادی واجتماعی ... اما حقایق نشان میدهد کـــه دیتانت بین المللی چیزی نیست که یکبار و برای همیش وخود بخودی بدست آید . هر قدر هم دیتانت ریشه های عمیق داشته باشد بازهم موضوع مبارزهٔ حاد در عرصهٔ بین‌المللی است . نخست از همه موضوع مبارزه بیـن نیرو های صلح وامپریالیزم ودر داخل کشور های سرمایه داری بین محافل حاکم و توده های وسیع دوام دارد .

دلایل آن قرار ذیل اند : نخست از همه باید بخاطر داشت که حتی در شرایط امروز، که با تناسب جدید نیرو های جهانی متصف اســت ، ســر مــا یـــه د ا ر ی ا ست که تهاجم ، ملتاریزم و استثمار خلق ها ی ممالك خود شان وکشور های دیگر جهـــان کار برد جبرنه تنها در داخل کشور مربوطه بلکه در سایر کشور ها خصوصیت ذاتی‌آنرا تشکیل میدهد، این حقیقت باید به آن علاوه گردد کـــه عقـده ها و امور مغلق نظامی ، صنعتی کشور های بزرگ سرمایه داری به عامل بزرگ اقتصادی، سیاسی تبدیل شـده که عمل کرد حکومتها، پارلمان و احــزاب بورژوازی همه را تحت تاثیر قرار میدهد .

نیرو های ارتجاعی بسیار متعصب ، منا فع سیاسی خود را بالاتر از منافع ملی کشور هـــای شان قـــرا ر داده، از جنگ سرد استفاده کرده بعضی ازگروپ ها رادرپارلمان های ممالك امپریالیستی زیر نفوذ واثر خود قرار می دهند، احزاب راست افراطی که از دیر بنام احزاب محافظه کار یادمی شوند با نیرو های ارتجاعی یکجا قدم برمی دارند ، و از پشتیبـا نـــی ر هـبـر ی ا تحـا دیه هـــای کـــار گری دست راستی بر خوردار می باشند عامل عمدهٔ دیگر ایدیولوگ هـای بورژوازی اند که با تعصب بر ضدایدیولوژی دورانساز طبقهٔ کارگر دارند سد راه دیتانت میگردند .

نیروی چپ افراطی عامل دیگری است که با ارتجاعی ترین نیروهای بین المللی همدست شده دیتانت یعنی صلح وآرامش را مانع می گردند وخودرا با اصیل ترین مدافعین جنگ همنوا می سازند .

یکی از راه هاییکه محافل مرتجع جها ن می خواهند دیتانت را رد نمایند این است که آنرا مانند «جادهٔ یکطرفه» جلوه داده میگویند که تنها کشور های سوسیالیستی و مملکت های جهان سوم از آن بهره مند میگردند ... بادر نظرداشت این عوامل ودلایل چه‌میتوان دراین مورد گفت؟•• آیـاتـمام کشور ها از خورد تا بزرگ، کشور های سوسیالیستی و امپریالیستی به صلـح عـلاقه مند نیستند ، پس حصول صلح تنها از طریق دیتانت می تواند انجام پذیرد وبصراحت می توان گفت که همزیستی مسالمت آمیز و دیتانت بر ای امنیت جهانی اهمیت حیاتی دارد وهمه کشور هااز خورد تابزرگ ـ صرف نظر از نظـــام سیاسی شان باید به آن علاقه مند بوده‌ودر تعمیل وتطبیق آن بکوشند ..)

هغوی چې ژوندي دي

« ژان لافایت »

دمثال په توګه کله چې دیوی ورځی دکړ- او نه‌ړك کار څخه وروسته ددمه کولو وخت او دهوډی خوړلو وخت رارسیږی دغـه وچ فرمان موږ ټول لړ زولی :

(اوزوهیر) • یعنی بایدسره بیل شو•سپړی ولټوو میاشی وشړو دیخوا وبو دوش ونیسو وتلل شواود اسی نور کارونه • پرعینی حال کی باید خپلی خولی‌پطلون کمیس نیکرقاشوغه اولوښی هم وساتو په تیره بیانه ښایی چی دهوډی کوپون یوه شیبه له ځانه لری کړو یوه‌ګړی په‌یخه هواکی‌لوڅ لیړدریږواوانتظار باسو اویاداچی په منهه سارانāستی ته‌خواو یایو یو دبلوك درئیس په وړاندی تیریږو، ددغو ټولو کارو نو په ترڅ کی نه ښایی‌چی دکالیو اوهوډی غوټه‌له ځانه لری کړو . په اونی کی دوه ځلی او ځنی وختونه دری ځلی سپړی لټوو . دیوکټ پر سر لوڅ دریږو او سلمانی راځی یولاسی ځراغ سره زموږ تخرګ او د ښنو منځ په ډیر ځیر سره ګـو ر ی پـد ی تـر خ کـی زمـوږ کمیسیونـه او نیکرونه د«اشنوبد په‌نست» له‌خوا معاینه کیږی بدمرغه به هغه ځوك وی چی یوه سپږه یی‌په کالوکی‌ولیدله‌شی.هرکله چی‌کومه‌سپږه پیدا کوو باید هغه ووژ نواو ښبه نښانه یی هم له مینځه یوسو . ددی کار لپاره ډیـر‌ی دری چاری شته چی دلته دمثال په توګه به‌یی یوه نمونه تاسی ته ووایم •

سپږه په یوه معینه درجه تود وخی کـی له مینځه ځی له همدی امله نازیان سړی د صفر لاندی یخنی کی لوڅ لیړدروی وروسته له څو شیبو څخه سړی داږه کیږی چی نورد سپږ وژ ړ ی هم له مینځه تللی دی اوسړی خپله هم که مقاومت ولری ژوند پاتی کیږی

کله چی تفتیش پای ته ورسید ښایی کالی بیرته و ا غـو ستل شـی او خپل برستن په اوږ وواچوی او دخوب ځځای دلټولو لپاره بیره وکړی او د بریالیتوب په صورت کی ددغه ځای دخوندی ساتلو لپاره هڅه وکړی‌چی ددغه کار په ترڅ کی اخ اوډب هم واقــع کیږی . اوپس له‌دغو کارونو څخه کله چی سړی خپله وچه ډوډی په لاس کی نیسی نور پخوانی اشتهاله مینځه تللی وی. زموږغلیمان ددغه فن متخصصین دی . دوی‌کولی شی چـه ډیرساده اوعادی کارونه په‌مشکل کارونو بدل کړی •

دشقاوت واقعیت پدی کی نده چی یوواحد درد پرسړی باندی دټل دپاره‌تحمیل کړی، سړی ورو ورو ددغه دردپه زغملوعادت کوی‌که دهغه ټپ سر چی لږ ښه شوی وی • بیرته خلاصی کړو درداو کړاوپی لا ډیر یږی دادی دنازیانو رمز او فن دانسانی حساسو رشتودله مینځه وړلو په لاره کی • ددغه فن په نتیجه کی او پدی توګه یوبه بل پسی له مینځه‌ځی.

کله چی دلته راغلو موږ ته یی ویلی : (تاسی به هیڅکله خه‌شی ونه لیکی•) خوموږته دغه فرمان حیرانوونکی نه وځکه چی پوهیدو دخه ډول غلیمانو سره مخامخ یوخویوه ورځ یی دبند یانو ترمنځ کار تونه وویشل چی څه پکی ولیکی • موږ ویلی چی پدغه موضوع کی به کومه اشتباه پیښه شوی وی • خودوی زموږ په ځواب کی وویل :

- لکه دنوروغوندی‌تاسی هم حق لری چی پنځه ویشت کلمی ولیکی •

اوموږهم‌ولیکل، له‌بی‌ساری شوراوزوږسره چی د لیکلو لپاره ښی کلمی مونده کـړو . بواځی مور، هوکی دغه ګران موجود کولالی موپه‌کارتونوکی ولیکل. خومره زیارموایسنه شوای چی زموږ دلیکو نو په معنی پوه شی• (شریبر) کارتونه ټـول کړل . مـوږ سو چ کاوه چی : کارتونه بی یی لیږلی وی • باید لیږلی وی •

اوس به هرو مرو رسیدلی وی ، داداسی ګارتونه ووچی کولای‌شوای‌چی فرانسوی کور- نیوکی حتی دیوی ورځی لپاره عشق اوخوښی ژوندی کړی •

نن سبا به ځوابونه را ورسیږی • اوس پوره دوی میاشتی کیږی چی کارتونه مولیږلی دی •

یوه شپه کله چی دنورو ورځو څخه‌زیات ستړی وواو باران هم اوریدلی دی (شریبر) دحاضری په وخت کی موږته زیری راکوی‌چی دلیکونو ځوابونه مورارسیدلی دی • دغــه خبر زموږ لپاره بی ساری او خوشحالونکی دی داځکه چی بالاخره موږ ته هم دخپلو عزیزانو خبر راورسید •

دزیری او خوشحالی څخه موسترګی بریښی• دچا لپاره به ځواب راغلی وی !

موږ ټولو لپاره . (شریبر) او دبلوك رئیس بداسی حال‌کی چی کټ‌کټ خاندی اودخند له زوره یی بډوډی خوږ یږی هماغه کارتونه چی موشپږاونی مخکی لیکلی ووبیرته راکوی دوی اصلا دغه کارتونه ندی لیږلی او یواځی غوښتی وچی پر موږ باندی ملنډی ووهی•

د (سوشو) کارګر (لویی بزرګه) پر هغی تلتلکه باندی چی زماتر څنګ اواره ده‌ناست دی اوهغه کارت چی په‌هغه کی یی خپل ټولی هیلی او عشقونه لیکلی وو دخپلو ډنګروګوتو په منځ کی تاوه وی • زه پوهیږم چی دوه پنځه اواوه کلن ماشومان لری •

پرډنګر مخ باندی یی یوه قطره اوښکه لویږی . دغه سړی چی له‌کوم شکایت څخه پرته یی دبند یخانی‌ټول رنځونه اوکړ اوونه زغملی و ددغه روحی صدمی څخه به‌له ښونه ولویږی •

او، بیشرفو نازیانو! سره له‌دی داسی‌وخت به‌راشی چی تاسوبه ونشی کړای چی مـوږ رشخند کړی • یعنی هغه شیبی چی تاسی‌خپله پخپله ورځپانو اووینا وکی اقرار کوی چی‌ماتی موکړی ده دغه شیبی چی دتاسی دپوره‌ماتی نښی نښانی دی زمودژوند ډیری ښی شیبی‌دی دداړ اوږه ورتیا شیبی دی •

(داستراحت ګړی)

-بیا هم یوبل بریالیتوب •

دکاراونی پای ته رسیدلی ده کار دشنبی ورځی په مازدیګر پای ته رسیږی او بیاد دوشنبی په سهار پیل کیږی . ښایی‌پوښتنه وشی چی دکانو کارګرانو ته ولی دومره اوږده رخصتی ورکوی • دلیل یی ساده ده • پداسی شرایطو کی چی‌موږ کار کوو که همدغـه استراحت نه‌وی یو معمولی سړی نشی کولی چی ځواونی ژوند ی پاتی شی ، خو پدغه‌شکل دقیدی دقوی تحلیل ځموده اوږد یږی اویو معمولی سړی کولی شی چی تر شپږومیاشتو پوری مقاومت وکړی • نازیان چی دتدریجی وژلو متخصصین دی همدغه موده یی دمعمولی انسان دپوره له‌مینځه تللو لپاره‌اټکل کړی ده خوسره له دی دهغه سازمان په مرسته‌چی فرانسویانو منځ‌ته‌راوړی‌دی‌شل کسه‌فرانسویان اته میاشتی ژوندی پاتی شوی دی • ژان او (لویی بزرګه) مره شول زموږ دری کسه‌نور ملګری روغتون ته منتقل شوی دی •

دغه حالت دشار لودبریالیتوب غږته خاصه بڼه وربخښی .

دبلو ك په غولی کی دحاضری‌نه وروسته‌قید یان خپل ټول کالی باسی او خپلو پښولاندی یی ږدی سلمانی موږ هریوه ته‌یوه‌ټوته‌صابون راکوی • سره له دی چی لمر شته خوساړه ډیر سخت دی او موږ ددی لپاره چی ځانونه ګرم کړوټوپ وهوو • هغه دروازه چی موږپه اغزی لرونکی مزی سره داردوګاه دنورو برخو څخه بیلوی خلاصیږی او قیدیان په ځغاسته دحمام خواته درومی • غښتلی کسان کوم‌چی دنورونه ړومبی ځانونه حمام ته رسوی نیکمرغه دی ځکه چی خپل ځانوته دټولو نه مخکی له یخنی څخه‌ژغوری . فرانسویان طبیعتاًوروستی کسان دی • موږ په آزاد ه هواکی دهغه سمنتی ارهرو په سیوری کی چی داردوګاه او دکالی مینځلودخونی ترمنځ واقــع شوی دی دخپل نوبت په انظار ولاړ یوله نیکه مرغه ټول‌ل- زیږ واوکه نه ډیره دخنداوړ صحنه وه• پـه پرانستی لاسونه اووازو پښودهغه بنــدی له مخی چی زموږ دضد عفونی کولو مسوول دی ، تیریږو • دضد عفونی کولو دستګاه‌یوه اوږ ده لوله ده چی دیوی ډبلی سره تړل‌شوی ده اوپه ډبلی کی (سولفاتی) مواد اچول شوی دی • دضد عفونی کولو مسوول سړی زموږپه نس او تخرګ باندی مواد شیندی‌داسی ښکاری چی دډیر سوړ شاور لاندی ولاړ یو، ساړه موکیږی • خولاتر اوسه پوری کار پای ته‌نه‌دی رسیدلی کله چی دبدن‌دمخکنی برخی ضدعفونی کول پای ته رسیږی یوبل زندانی یو لـوی برس د ضد عفونی کولو مواد په ډبلی کی ننه باسی او زموږپه کـو تاتی کـی موښی دالومړی ځل ندی چی دغه شان ته ازموینی پر مو ږ عملی کیږی خو ددغو عملیاتــو بدلیدل وجریان دتنوع سبب کیــــږی پدغه هکله دبلوك قیدیان یوه نه‌هیریدو نکی خاطره لری . هغه داچی‌دیوی اونی په‌اوږدوکی هره شپه‌یی په‌یوخاص شکل سره‌یی‌موږآزاد- ولو • ددغه ازار وروستی پړاوداو چی پوره پنځه دقیقی دخواوبوتر شاور لاندی‌ودریږو واو وروسته بیاد معتد لواو پوپه یو ه حوص کی داسی کښینو چی اوبه موپرسر واوړی . دبلوك رئیس موږ باندی اوبه اچوی . موږدغه ورځد (حوض دورځی) په نامه یادوله نوځکه دابه ډبره عادی خبره وی چی موږ دداســی پیښو څخه حیران نه شو •

دضد عفونی کولو نه وروسته ښایی چــی دحمام کولو لپاره زیر زمینی ته ننوځو • دغه دګرمواو بوحمام موږ ته خورا خوند راکــوی دخپل ځان‌دو چولو لپاره هیڅ شی نلرو لنده خیشته دزیر زمینی نه بیرته پورته کیــږو زما ځوان‌دوست (تونی) دکالی پری مینځلوډ کوټی دکړ کی له لاری یوه قدیفه در کــوی زه وروسته له‌دی چی‌خپل‌ځان وچوم‌قدیفه‌نورو ملګروته ورکوم . تونی یوډیر نجیب ځـوان دی عمریی دښارلود عمر په اندازه دی • دی دوه کاله مخکی دکمونیست ځوانانود یــوه سازمان دجوړ ولو په تور نیول شوی دی •

دی دفرانسویانو دلومړی کاروان ســره اردوګاه ته‌راغلی دی اوددی لپاره چی په‌بهرنی ژبو پوهیږی کولای شوچی په‌یوه‌ښه‌کوماندو- کی ځانته مناسب ځای ومومی •

زه په اردوګاه کی دننه ملګرو سره‌ده‌په وسیله اړیکی ټینګوم • روبرت له یوکاروان سره داردوګاه څخه تللی او هیڅ احوال یی نشته۰۰(تونی)دهغو کسانو څخه‌دی چی‌د(تاتاو) په ګډون داردوګاه دپټ سازمان لاربښوونه په لاس کی لری •

هغه‌په ډیر شور او زوږ سره‌چی‌دهـــغه د مهربان طبیعت زیږ نده دی کارکوی • هغه کله‌چی قدیفه ماته را کول په عوږکی‌یی راته ورو وویل : «کی‌یف»خپلواک شوی خوالمانیانو دغه موضوع رسماً تائیـد کـــړی‌نـــده د غـــــه خبـــر د اورد چـــا و نـــــی په خیر دفرانسویانو ترمنځ خپریږی داسی ښکاری چی وزرونه مو خلاصی شوی وی•

کله‌چی دشپی ډوډی خوړل پـــای‌ته ورسید، دغولی په یوه خنده کی سره تولیږو •

اندره زما څخه پوښتنه کوی :

ـوګوره چی درواغ ونه وایی ، بابا؟

ـته پوهیږی چی زه هیڅ وخت درواغ نه وایم •

ـنوهر کله چی المانیانو څه‌نه دی ویلی، ناسی له‌کومه ځایه خبریاستی•

ـدادراز ساتلو اصل دی • خبره دلته ده‌چی دغه موضوع حقیقت لری• نه‌ښایی چی‌آن‌ډیر- ونږدی دوستانوته ووایو چی په اردوګاه کی دمخابری یوه پټه دستګاه شته‌چی په‌هغی‌باندی یواځی خوته خبردی اوبس اوکه زه دغه‌راز ونشم ساتلی څنګه کولای شم داډه وواسم چی هغوی زمادغه خبره نورو ته نه وایی •

موریس پوښتنه کوی :

ـنوپدی اساس دوستان پولی ته‌نږدی کیږی اودی خواته راځی ؟

سمیون ځواب ورکوی :

(دکی‌لیف) خپلواکی هغوی دپولند دبـولی دوه سوه کیلو متری ته رسوی ۰اوس ښایی چی‌د (ژیتومیر) خواته پرمختګو کړی•

اندره په خوشحالی سره وایی :

ـنو داسی ښکاری چی کار پای ته رسیدلی دی ؟

(سربر) ځواب ورکوی :

ـ(نه بابا)لاتر اوسه پوری پای ته‌نه دی رسیدلی . زه‌نه پوهیږم چی ته‌دیوسترسیـن څخه دیو ستر پوځ دتیرولو په‌ستونزو باندی پوهیږی که‌نه ؟ پداسی حال کی چی دغه‌سین (دنی پر) یو کیلو متر پلن والی لری• برسیره پردی ښایی پوه شی چی روسان دخرابواوو- یجاړ وسیمو څخه تیریږی• بایدپدغو سیموکی چی داړیکی ټینګولو وسیلی له مینځه تللی‌دی دپوځ دخوراك موضوع اودجبهی دشاسره‌اړیکی ټینګی وساتی •

ـددوهی جبهی څخه هم خبر نشته؟

ـژرپاځند به‌دغه جبهه هم پرانستله شی• خوظاهر ا تراوسه پوری‌لاروسان ډیروژل شوی نه‌دی !؟

ـنو موږ به‌د(نوئل) اختر همدلته‌تیر کړو ؟

ـډیر امکان لری •

(سربر) بی له دی چی وخاندی پوښتنه کوی:

ـڅه‌فرق‌کوی؟ دادی نه خوښیږی؟

کوی :

ـیعنی مطلب می‌داده چی دنوی کال اخترپه بل ځای کی را باندی ښه تیریږی •

(سربر) اعتراف کوی :

ـاوکه ددغه ځای نه زه وژغورل شم پـــــه راتلونکی وخت کی به دازماویاړوی چی‌دلته می‌دغه شان ورځی تیری کړی دی •

اندره وایی :

ـزه بر عکس • که موږددغه جهنم نه ژوندی ووځو هیڅوك به زموږ په خبرو باورونکړی دمثال په توګه موږ ته‌دلته (مجرمین) وایی‌زموږ لقب مجرم دی • او موږ ته‌په همدی نوم غږ کوی ، ته خپله سوچ وکړه کله چی زه وغواړم خپلوملګرو ته دخپل (مجرمیت) ژوند تعریف خپلوملګرو ته دخپل (مجرمیت) ژوند تعریف کړم چی څرنګه مجرم شوم او جرم می‌څنګه‌زده کړه زما خبری به‌ومنی ؟ اوبرسیره‌پردی دغه ژوند هیڅ تعریف هم نلری •

کله چی دخوب نه پاڅیږی باید ډیـر ژر خپل سامان په لاس کی واخلی دمتروکو لـه ګداورنو له تیر شی او خپل ځان په یوکار باندی (هر څه چی وی) بوخت وښیئی‌تر څـو چی له وهلو او ټکولونه‌خلاص‌شی ۰آن مستراح ته (دسارناستی ځای) هم باید خپل سامان او لوښی له ځانه سره یوسی که‌نه در څخه غلاکیږی •

ددی لپاره چی دحاضری په وخت کی دلفتو او څپیړ و څخه ځان وژغوری ښایی چی دټولو څخه مخکی هلته (دحاضری ځای کی) حاضر شی او هلته هم باید کوشش وکړی چــــی دبلوك درئیس څخه لیری ځای پیداکړی‌که‌نـــه شبیه دهغه څیره درسیږی یعنی هروقت‌دلیك دسر او آخر څخه ځان لیـــــــــری وساتی کله چی کارته ځی نه ښایی چی داس‌ـاس‌د افزادو څنګ کی لاړ شی •

لاسونه ونه ښووروی • مخصوصا باید خولی وباسی • دزینو څخه دښکته کیدلو په وخت کی باید دلیك‌منځنی برخی کی ځای ونیسی• دحاضری په وخت کی باید خود نمایی ونکړی کوماندوکی تر ټولونه مخکی حاضر شی ،دکار دپیل په وخت کی هیڅکله دزنبیل دوړلـــو داوطلب نشی ، په تیره بیا زیار وباسی چی خارجیانو (بیهرنیو) سره یواځی پاتی نشی ، دکار په وخت کښی ښکته پورته ښی اوګین ته ځیرو اوسی ، خپل قدمونه‌او حرکتونه باید ښه وسنجوی تر څو چی قوت دی بیځایه خرڅ نشی• پرته له‌ډیر ضروری‌وختونونه خپل‌انرژی مصرف نکړی ،هیڅکله خپل ځان‌ونه ښیئی‌اوتل باید زیار وباسی چی ګمنام او پټ‌پاتی‌شی•

داش دوېشلو په وخت کی‌باید پداسی‌نوبت کی‌ودریږی چی ددیګی لاندنی او وروستی برخه دی په نصیب شی ۰دډوډی خوړ لونه وروسته د(کاپو) دټولو څخه ځان لری وساتی او یواځی

ځان هغه وخت وښیی چه کارونـه‌او مسو- لیتونه ویشل‌شوی‌وی ځان‌داسی‌عیار کړی چی په آفتابی ورځوکی په‌سیوری‌اوپه سړوورځوکی په لمرکی کاروکړ ی ۰دا باید زده کړی چی په زبیل کی دتیرو تیږو دځای کولو په وخت کی دی لاسونه اوګوتی ټپی نشی‌دبی توجهی له مخی دکار په وخت کی دی باید ځان خوږ نشی• تل باید داس ـاس په څت کی ځـای ولری او هیڅکله تش لاسونه او بیکاره دهغه په وړاندی ونه دریږی • دکار دپای ته رسید لونه وروسته ـدسل کسیزوډلوپه لمړی لیکه کی ځان ته ځای ونیسی تر څو چی په‌اسانی سره لـه ز ینـو څخه پورته شی• دهغولیکونو څخه چی دټپیانو دوړلو لپاره دی لکه طاعون غوندی وتښتی • ددی لپاره چی دمازدیـــګر حاضری نه وروسته ډوډی درته لږ ونه رسیږی باید دخپل نوبت خیال وساتی •

اوبیاد خوب په وخت کی باید داسی یوه تلتکه لاس‌ته راوړی چی نه لنډوی نه‌نازکوی اونه نری ، او هڅه وکړی‌چی ددوو فرانسویانو منځ کی څملی اودخپل ځان لپاره ارت ځـــای مینده کړی اوداسی هڅه‌وکی‌چی ژر ویده شی•

دادی په پورتنی تعریف سره ګوریی چی زموږ دغه (جریمه یی) یعنی دمجرمیت ؟اژوند څندانی خوند نلری •

شار لووایی :

ـاوله دغو ټولو کارونو دسرته رسولوسره بیاهم دخوب په وخت کی دجورابو نو دنـــه ایستلوله امله یوه درونده څپیړه خوری •

ـچورت دی مه خرابوه (دده) جانه روسانو ځانونه (کی یف) ته رسولی دی •

ـهوکی ، دامو نیکمرغی ده •

همداسی چی غږیدو ، وخت ډیر تیر شوی او دمازدیګر دحاضری وخت را رسیدلی دی• یونیم ساعت په لیك کی او یوساعت دډوډی لپاره دریدل • نن یوه قاشوغه مربا اویوه‌ټوټه سپین پنیرهم په پروګرام کی شته • موږخپل وچه ډوډی ښه څیره او خپل پنیر او مرباپر هغه باندی موښو، چی پدی‌توګه ښکلی رنګ غوره کوی •

ـآوشزیهن !(آلمانی کلمی یعنی دکوټی‌په لور ! ۰۰۰

څـــه پیښه ده چـــه ؟ طبی کتنه؟ نـــه هیڅ یویی هم نشته • دسپږ و دلتولو لپاره راغلی دی • او موږ پدی‌توګه دخپل میلمستیانه دخوند اخستلو وخت له لاسه ورکړ• په هره توګه چی وو خپلی دډوډی ټوټی موپه بیـړه سره له ستونی نه تیری کړی یوځل بیاموګالی

وایستلی او لوڅ لپرودریدو• دغه پلټنه هـم یوساعت اوږد شو • پس له هغه نه دکوټی مسوولین خو ټوټی کاغذ دتلتکو پرځای پرمځکه باندی غوړوی • دادری میاشتی کیږ ی چی‌دسپږ ودډیر والی له کبله په تلتکو باندی نه‌څملو • یواځی آلمانیان او څوکسه خواص دغه امتیاز لری او هغوی له دی امله دکوټی نیمایی برخه

نیسی اودسلو کسوبند یانو څخه اتیا کسه دکوټی په منځنی برخه کی څملی زه لکه نورو شپو غوندی د(سربر) او (شارلو) به منځ کی یم • سره غږ یږ و• پرون‌داکتوبر دستر انقلاب دکالیزی جشن و • تصمیم نیسنو ددی ورځی په ویاړ چی د(کی‌یف) دخپلواکه کیدلوسره یی‌سمون خوړلی ده دخبر و اترو یو مـجلس جوړ کړو •

شارلو دلوړی له زوره خپل نس په‌سوکووهی او وایی :

ـډیره عجیبه ده ، کله چی سړی وږی وی، صحیح سوچ هم نشی کولی •

(سربر ځواب ورکوی :

ـهمداسی ده ، دمادی احتیاج په وړاندی هرکار او هر سوچ له مینځه ځی ۰یوه هسپانوی ماته ویل چی دخپل دبند په لمړی کال کـــــی دخارویو په خیر یواځی پدی سوچ‌کی وم چی څرنګه کولی شم دخپل ډوډی ورځنی جیره‌زیاته کړم • اوس اوس هغه دکوټی مسوول دی‌او کولی شی هرڅومره یی‌چی زړه‌غواړی‌آش‌وخوری اوس نور دپروسږن فکریی‌په سرکـــی‌نشته، خولاه بدمرغه شوی دی څکه چی تل خپلـه ښځه اودری کوچنیان چی اوه کاله کیږی هغوی یی نه دی لیدلی ، یادوی •

شارلو ځواب ورکوی :

ـرښتیاده، زه تاسوته اعتراف کو م چــی پدغه شیبه کی‌دهپل مور اوخور په‌هکله‌چرت نه‌وهم • دلته انسان دځاروی ښه غوره کوی•

ـباید ویده شو شارلو! اودتادلوږی پــــه هکله هم سوچ ونکړو •

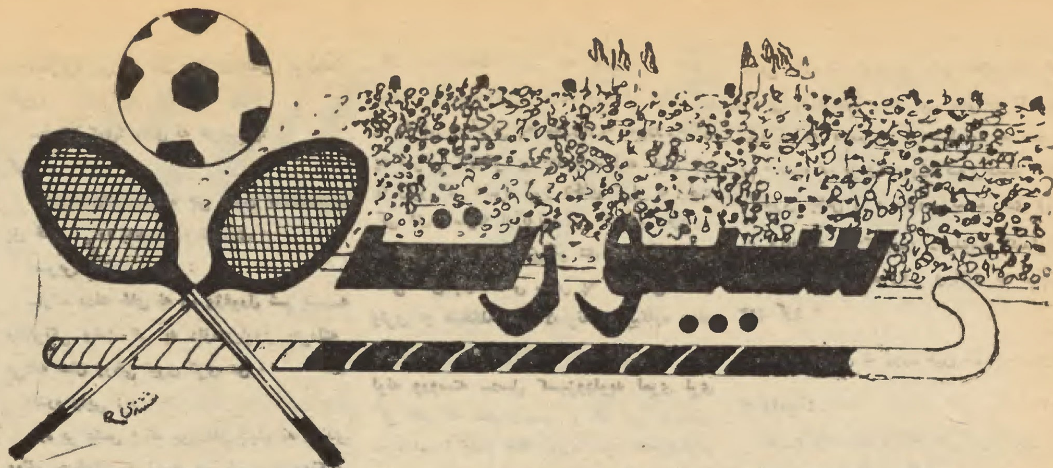
پدی ترڅ کی (پتی لویی)دسارا ناستی څخه بیرته راستنیږی اوغواړی چی پخپل ځـــای کی دفرانسویانو په منځ کی څملی خوله بده مرغه یو او کراییني دهغه ځای نیولی دی او هیڅ خبره نه‌اوری ، هردلیل چی ورته وایی نه‌یی منی • (پتی لویی) چی ددغی وضعی زغم نشی کولی خپل ځان په‌یواړخ‌اچوی او کراییني هغه بیرته دفرانسو یانو خواته ټیل وهی او فرانسویانو هم زور وهی چی مبادا ځایونه یی تنګ شی• په آخر کی‌پتی لویی ځان‌ځایوی اونور بند یان غور یږی•

ـروهه فرانسو زن(آلمانی‌کلمی‌یعنی‌فرانسو- یانو چپ شی)۰۰

پتی لویی ورو وایی :

ـهر څوك چی ماته لاس نږدی کړی خوله به‌یی ماته‌کړم•

(نوربیا)



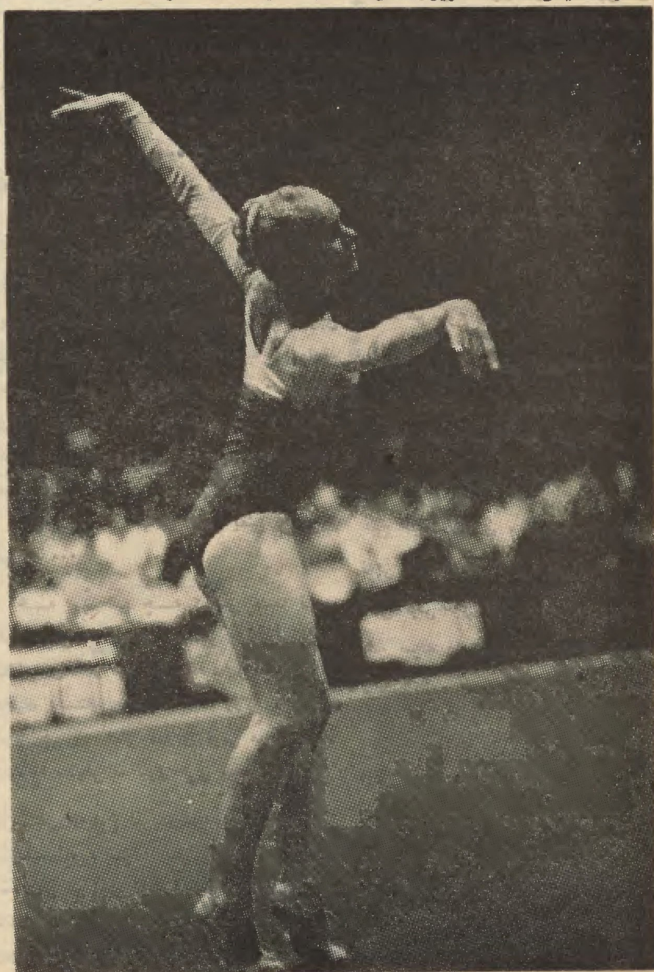
مترجم : ح عمادی

جمناستیک مدرن ویا آنچه راکه المپیک فاقد آن است

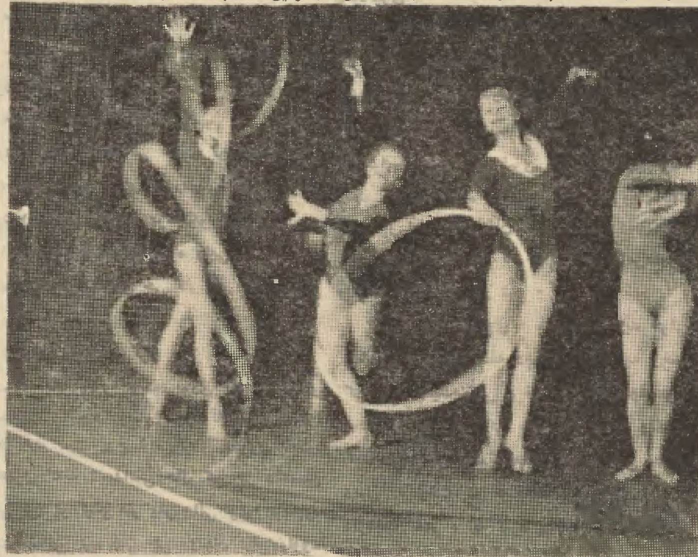
درمورد جمناستیک مدرن امروزی نظر یـات متعددی وجود دارد اینکه آیا این جمناستیک بصورت عمده یك ورزش است یا اینکه نوع از هنر. بنابرین گفته میشود که جمناستیك مدرن امروزی یکی از عمده ترین ورزش ها است که اشکال ظریف هندی را نیز با خود همره داردودر مسابقات اولمپیـــك‌بین‌المللی مقام ارجمندی را کسب میکند .

نظریات نادرست هم در مورد ریشه واساس جمناستیك مدرن امروزی وجود دارد که می گویند جمناستیك مدرن مذکور از مکتب‌رقص بالت که در سال۱۹۲۳ تاسیـــس گردیده الهام وسر چشمه میگیرد این مکتب ر قص بالت توسط یك نفر امریکایی بنام دونکن در ماسکو افتتاح گردیده بود .

گفته میشود کـه جمناستیك امروزی تـا اندازه به رقص شباهت نزدیك پیدا کـرده زیرا در ین جمناستیك زنان با حرکـــات موزون بدن شان چنان حر کـــات جمناستیکی



ورزشکار بازی جمناستیک مدرن درحـــال اجرای این بازی



بازی بانواریکی‌ازخصوصیات‌عمده این‌جمناستیک رامی سازد.

را نمایش واجرا می نمایند کـــه به رقص شباهت تام را می رساند که گویا موسیقی نیز در آن دخیل است .

حقیقت درین است که جمناستیك مد ر ن امروزی در مرحله نخست به رقص‌دانـش‌توجه نداشت وبعضی حرکات رقص اکروباتیـــك را اجرا می نمود که بعد هابه حیث یـــك سپورت مستقل تبارز نـمود.

در نمایش های‌که انجام شده زنان به‌خوبی نشان دادند که چگونه بصورت خوب میتوانند هنر رقص وورزش را با هم یکـــجا بـــه تماشاچیان نشان دهند .

بعد ها بعضی از عناصر رقص اکروباتیك جز این ورزش گردید بنابرین گفته‌میشود که رقص های‌اکروباتیك نمیتواند باجمناستیك واساسات جمناستیك مدرن امروزی در تضاد واقع گردد .

متخصصین این فن عقیده دارند که بازی کنان جمناستیك مدرن که به تدریج ازرقص فاصله می گیرند این امر باعث میگردد که به تدریج وبا گـــذشت زمان جنبه هـــای احساساتی وعشقی خودرا از دست بدهـند . در عوض مهارت وظرافت دختران تنها درقسمت تمرینات فزیکی تکامل خواهد نمود .

هر قدر ورزشکاران این‌جمناستیك‌را که‌دخترن تشکیل میدهند درتمرین این ورزش دقت‌به خرچ‌دهند بصورت خوبتر می توانندهنرورزش شانرا بهبود وتکامل بخشد چنانچه گالیما یك ورزشکار ورزیده این جمناستیك است.

او یك ریسمان تاری را با مهارت خاص بـه پیش انداخته خودش به تعقیب آن حرکـت میکند دفعتا خیززده با پا آنرامیزند این عمل او سبب میگردد که ریسمان مذکور شکل بیضوی وحلقه را بخود اختیار نماید باتشکیل این کار او چندایـــن تمریـــن رقص‌اگروبایك ر اجرا می نماید .

بازی کنندگـــان ا ین هنر جمناستیك عبارتند از دریوگیـــنادر اتـــحادشوروی گی گووا در بلغاریا. ریسچر در جمهوریت فدرالی آلمان. سندوك در جاپان که بامهارت توانسته اند با انـــجام این ورزش‌شهـــرت بسزایی درجهان کسب نمانند .

گالیما چنان با مهارت توپ را دردست داشته وورزش را اجرا میکند که‌بینند گـــان تصور میکنند که‌گویا توپ دردستها، با ز و واندام‌او وکاملا چسپیده است‌وقتیکه‌او تـــوپ را بدور می اندازد بصورت معجـــزه آساتوپ دوباره به او نزدیك میگردد همه این کارها با نوازید ن اشارات مخصوص موسیقی می تواند صورت گیرد .



دختران حین اجرای نمایش بامهارت حرکات‌موزون را اجرامی نمایند.

همچنان اجرای این تمرینات بـاریسمان نوار نیز عین حقیقت بازی دلچسپ را نشان میدهد . دلچسپی وخارق العاده بودن ایـن ورزش تعداد زیاد مردم را بخـود کشانیده است ومیلیونها تما شاچی ازمسابقات مهـم و دلچسپ این ورزش دیدن بعمل می آورند .

در اتحاد جما هیر شوروی سوسیالیستی هزاران زن ودختر درین جمناستیك مد ر ن ثبت نام می نمایند که ازجمله ثبت‌نـام کنند گان سیزده نفر شـان تـوانسته اند سرآمد همه گردیده ومدال های بدست آورند ، که در حدود دو هزار ورزش کار در جمناستیك مدرن امروزی درجه ماستری بدست دارند .

تلاش های در جریان است که این ورزش جدید را به حیث یك مضمو ن درسی در مکاتب نیز همدوش سایـر ورزش هابـه شاگردان بیاموزند . این ورزش جدیدمختص زنان و دختران است وگفته میشود تلاش های مثمر در جریان است که این ورزش د ر مسابقات بین المللی نیز مقام های ارجمندی را حاصل وبه جهانیان معرفی گردد .

قسمت سوم

نگرشی برسوابق تربیت بدنی‌و تحولات‌ورزشی دراتحادشوروی

کاپلونوف بسال ۱۹۶۳ شامپیون‌وزنه‌برداری شد، ویکتور گوز نتسوف‌وولادیمیر گولو وانوف درسال ۱۹٦٤ از جمله قهرمانان وزنه برداری اروپا واززمره قایم کنندگان ریکاردهای جدید این رشته شناخته شدند ، اینان با شرکت‌شان در بازیهای توکیو یك مدال طلا ودو مدال نقره را ار مغان آروند • الکسی واخونین معدنچی وآموز گار وی رودلیف پلیوفیلدر کارگربرق قهرمانان المپیای توکیوشدند• ایوگنی گریشین دونده ماهر در بازیهای المپیك ۱۹٥٦ و۱۹٦۰ که مسابقه دویدن پنجصد ویکهزار وپنجصد متری رابرنده شد ، دومدال طلا وبسال ۱۹٦٤ یك‌مدال نقره را بدست آورد ، اکثر اعضای خانواده اش در بازی روی‌یخ هم مهارت‌بسزایی دارند • ازآنجمله (مارینا) خانمش از چهره های قهرمان اتحادشوروی شناخته شده است تیم ها کی یخ‌شوروی طـی سالهای۱۹٦۳ـ، ۱۹٦٤ ، ۱۹٦٥ ، ۱۹٦٦ و ۱۹٦۷ برای مدت پنجسال مقام قهرمانی رادر جهان داشته است بوریس مایار وف کپتان این تیم به سال۱۹٥۲ در بازیهای هاکی قدم گذاشت وبا (سپارتك مسکو) پیوست • تیم یاد شده برای نخستین بار در بازیهای ستاکهولم (پـایتخت سویدن) مقام قهرمانی دنیارا حاصل کرد•ولادیمیرکوتس یکی از قهرمانان بازیهای المپیك ملبورن، شامپیون اروپا وقایم کنندهٔ ریکارد جدید در مسابقه دویدن است• به‌نحویکه درسال۱۹٥۷ در روم ریکارد پنجهزار متری را قایم کردکه برای مدت هشت سال ثابت ماند ودیـگر ورشکاری آنرا نتوانست‌بشکند • وی دراگست سال ۱۹٥۳ طی مسابقه بین المللی بخارست (پایتخت رومانیه) در برابر ایمیل زاتوپك دونده تندگام چکوسلواکی وبرنده سه مدال طلایی از بازیهای المپیك هلسنکی‌پیشی جست واورا شکست داد• یکسال بعد در مسابقات قهرمانی برن (سویس) بازهم‌ولادیمیر کوتـس نسبت بـه زاتوپـك‌ورزشکار

بقیه درصفحه ٤٤

ورزشکاران ما باید آراسته به اخلاق سپورتی باشند

خوا نند گا ن گرا نقدر صفحه ور زش مجله ژوندون آگاهند کـه چندی قـبل مسا بقا ت ور زش تور نمنت خز انـی سمت شما ل در و لایت بلخ خا تمه‌پذیرفت که در این مسابقات تعداد کثیری از ورز- شکا را ن آن و لا حصه داشتند چند روز قبل یکی او ورزشکا ران زیبا یی اندا م ولایت بلخ به کا بل آمد ه بود که ازطرف ریا ست عا لی ور زش جهت مصا حبـه به دفتر ژو ندون معر فی گردید ، خبر- نگار مجلـه قسمتی از صحبتش را کـه با ورزشکا ر مذ کور انجام داده جهت آگاهی شما ومعرفی بیشتر ورزشکا ران بـدست چا پ سپرده که خد مت شما ورزش‌دوستان تقد یم است .

جوا نی با چهره جذاب و برخوردشیرین ومواد بانه وارد دفتر ژوندون می شود بعداز احـوال پر سی میـگویـد : مصا حبـه شما می کنید . میگو یم بلی بفر ما ئید میگوید ، ازمزار شریف آمـده ام وور زش کا ر زیبا یی اندا م می با شم .

*خوب چی‌میشود اگر خود را بـــه خوانند گان محترم ما معر فی کنید .

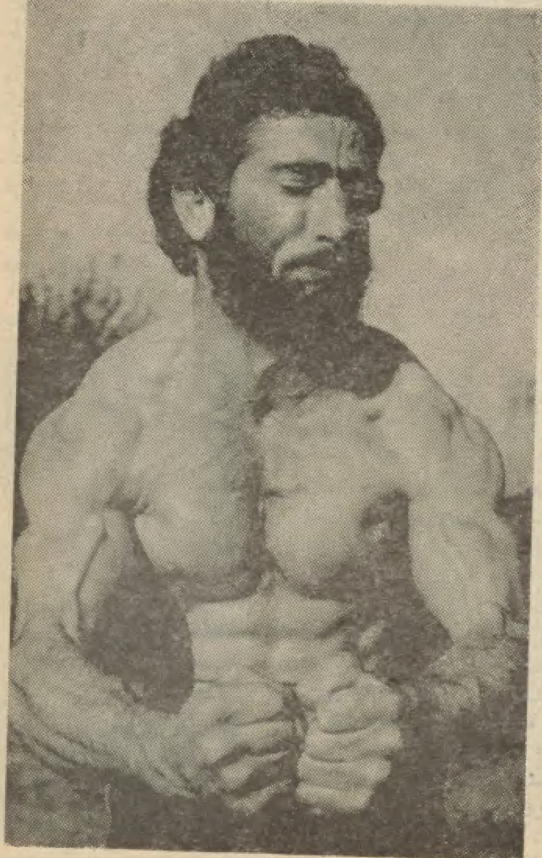
* اسمم محمد اسمعیل و در ور کشـاپ های تفحصا ت نفت و گا ز مزار شر یف مشغو ل و ظیفه می با شم .

*چند سا ل می شود ورزش می کنید .

*دو سا ل قبل به ورزش زیبا یی اندام پا نهاده ام . چند مدتی از فعالیت ورزشـی ام نگذ شته بود که تکلیف مر یضی به سرا غم آمد ، بعدا ء به خا رج از کشور جهت‌سیاحت ر فتم کـه د ر پهلو ی آن به تداوی ام نیز تو جه کرده و صحت شدم ، و قتی دو با ره به وطن با زگشتم به تمر ین سپور ت مورد علاقه ام ادا مـه دادم که تا حا ل جریان دارد . نا م برده افزود : در مسا بقات تور نمنت خزا نـی وبهاری‌ایکه از طرف آمریت ورزشـــی ولایت بلخ صورت گرفته حصه داشتم که‌در هر دو مسا بقه در کلا س متو سط قهرمان شنا خته شمده و کپ ها ی ور زشی را نصیب شد م که در مسا بقا ت دور خزانی رئیس ریـاست عـالی و ر زش هیـأت همراه شا ن نیز از مسا بقات ما دید ن کر دند .

با یدبگویم کلپ‌ها یکه‌قبلا درآن عضو یت دا شتیم کلـپ هـا ی آزاد بـو دند که‌در مسابقات هـم حصـه‌نداشتـیم بعـد از پـیروزی انـقـلاب شکو همندثـور

بقیه درصفحه ٤٤



محمداسمعیل ورزشکار جـوان وخوش اندام

ترجمه عبدالله «سعیدی»

از سپو تنیک

قهرمان جهان شطرنج
اناتولی کارپوف

(۹۳) روز مسا بقه شطر نج غرض کسب لقب قهرمان جهانی که در تا ریخ مسا بقات شطر نج از نقطه نظر مداومت بی نظیر بود دوام داشت . درین مسا بقه هیجان انگیز که بعضی او قات حالت‌در امـاتیـك را بــخود میگر فت جوا ن (۲۷) سا له بمقام پیروز ی رسیدو لقب قهرمانی رایکبار دیــــگر حا صل کرد . این جوا ن اناتو لی کارپوف نام دارد .

او لین با زی غرض کسب لقب قهر مان جها نی در سا ل (۱۸۸٦) صورت گر فــت در نتیجه ستینتس لقب قهر ما نی رابد ست آورد .از آنو قت تا حال تقر یبا (۹٤)سال میگذ رد . درین مد ت (۲۹) با ز ی‌غر ض کسب لقب قهر ما نی مسا بقات شطر نــج بو قو ع پیو ست و (۱۲) نفر لقب قهر مانی را حا صل کردند . بعد از ستینتس لاسکر، کا پا بلا نکی ، الیوخین ، ایوی ،بوتو۔ ینیك ، سمیسلوف ، پترو سیان ، سپا سکی، فیشرو کار پوف با الترتیــــب‌لقب قهرمانی را حا صل کرده اند .

بزرگترین شطر نج با ز رو سی الکساندر۔ الیوخین تا دقا یــــق مرگ‌خود لقب‌قهرمانی را حفظ کرد . شطرنج باز امر یکا ئــــی روبرت فیشر بدون کدام عامــــل ازاشتراك در مسا بقه ابا ورزید و لقب قهر ما نی خود راازدست دادودرین شش سال درهیـــــچ یــك از مسا بقـات شطرنــج اشتراك‌نه‌ورزیده است و به عو ض او جوان (۲۷)ساله‌ازلیننگراد اتحاد شوروی بر مسند قهر ما نی شطرنج تکیه زد .

مـوفقیت های پی هم کارپوف در مسابقات داخلی و بین المللی برا ی کسا نیکه بـه قهرمانی او مشکو ك بودند دیگر جای شك وتردید با قی نگذاشت .



کارپوف بعداز پیروزی بالای حریــف‌خود

یکی از نمونه ها ی بارز مو فقیت های‌او در مسا بقات افتخار دریا فت پنج مجسمـــــه کو چك نقره ئی است که فعلا تزین دهنده خا نه او میبا شد . این مجسمه ها جوا یز «او سکار » اند که سا لا نه از طر ف‌اتحادیه ژور نا لستا ن مسا بقا ت شطر نج برا ی بهتر ین باز یکن شطرنج سا ل اهدا میگردد کار پوف بار دوم غرض حفظ لقب قهرمانی خود برای اجرای مسا بقات عازم فلپا ین‌شد درین وقت شهر باگیــوتو جه ژورنــالستان جهان را بخود جلب کرده بودو از همه اطراف واکناف زمین به شهر با گیو سرازیـــــــر شد ند . انا تو لی کارپوف انسا ن متواضع وبا همه به بسیار نر می رفتا ر می کر د دیری نگذشت که تو جه مردم را دریــــن شهر بخود جلب کرد . در مقابل حر یـف بطور دیگر رفتار می کرد . کور چنو ی که در مقابل کار پوف قرار گر فت یکی ز بزرگتر ین استادان شطرنج است اما در پهلوی این صفات خو ب خود د رو قـت مسا بقات جارو جنجال ها ی را بر پا می کند که به شطرنج‌هیچ ار تباطی ندارد وهمه خوبی های‌او را برهم مـــــی زنــــد درسال ۱۹۷٤ وقتیکه کور چنو ی در مقابل اناتولی کار پو ف مغلوب گردید نمیخوا ست خودرا مغلو ب نشا ن دهد و دره قابل حکم از رفتار ها ی غیر سپور تی کار میگر فت و تاحدی رسید که بالاخره از باز گـــــشت دو با ره به وطن خود یعنی اتحاد شو روی ابا ورزید .

وقتیکه و یکتور کور چنو ی به ما نیـلا رسید نه‌تنها پـرو گـرام سپو ر تی باخـود داشت بلکه میخوا ست که با زی ها ی شطر نج خود را جنبه سیا سی بد هـــــد همینکه به فلیپین رسید دریك مصا حبــــه مطبو عا تی حر یف را به باد دشنا م گرفت واعلام دا شت که در حین مسا بقات اوضاعی را بو جود خواهد آورد که برا ی کارپوف غیر قابل تحــــمل باشد ۰ کور چنوی‌ازینکه انسا ن خود خواه است و از لفظ توا ضع‌هیچ خبری ندارد در فلپا ین در مصا حبه‌مطبوعاتی با یکی از خبر نگارا ن مجله امر یکا ئی «سپو رتس الیو ستر یتد » چنین اظها ر دا شت : «من پیروز خوا هم شد حر یــف را پا ر چه پا رچه خواهم کرد واین رابه اثبات میر سا نم که کدام شطر نــــج با ز حقیقتا قو یتر ین در جها ن میباشد.» حکم با زی پیشنهاد کور چنوی را مبنی بر استفاده از بیرغ سو یس رد کرد . حکم ها ی با زی که در جمله آن شطرنج بازان معروف جهان قرار داشــــت‌بــــه پیشنهاد ها ی مشا به دیگر او جوا ب منفی داد . بعد از ینکه حکم جوا ب منفی خودرا درین موارد اعلام دا شت کور چنو ی حکم با زی را متهم کرد که گو یا انها از انا تو لی کار پوف و طر فدارا ن او پشتیبانی میکنند۰

کور چنو ی طبق اعلام قبلی خود سعی میکرد تا به هر تر تیبی با شد فضا ی‌بازی را خیره کند ودرین قسمت از طرق مختلــف استفاده میکرد . این نکته به همگا ن معلو م است که در جر یا ن پنج سا عت بازی شطرنج بازان چای قهوه وغــــیره نو شید نی ها مینو شند حتی بعضی اوقات تسکین اشتها میکنند .عج یب است وقتـی که کار پو ف از طرف یکی از حضار از طر یق حکم با زی گیلا س ماست را در یافت کــرد کور چنوی‌پــــروتست‌خودرا درین قسمت نیز اعلام داشت .به فکر او ماست نوعــــی از اشاره هـــاست تاکارپوف را کمك کند .

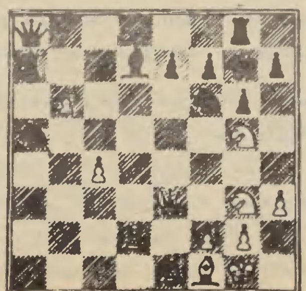
در قسمت دیگر اظهار داشت که یکی از اعضای هیات شوروی اورا دراغمامـــــی‌گیرد به این تر تیب هر با ری که با زی رامی باخت از رخـوت واغمــا سـخن میگفت



کاخ‌کنگرس ،در ایـــن جامسابقات‌ادامه‌داشت

بعد از ختم با زی هفد هم و قتیکه ویکتور کور چنوی شکست خورد روایت جد ید را پیش کش کرد و اظهار دا شت که نه تنها او را در اغما می گیرند بلکه کار پو ف را نیز درین حا لت قرار مید هند و به‌او کمك میکنند تا خو بتر با زی کند . به‌این لحاظ حر یف پیشنهاد نمود تا پرده آینوی نصب شود برای اینکه با زی کنا ن از نا ظر ین دور تر قرار بگیر ند تا دیگران آنها را نبینند ۰ این تقاضای غیرمنطقــــی او طبعا رد گردید .

دیری نگذشت که به اعمال جدی تردست زد . در وقت یکی از با زی ها در نزد یکی کورچنوی



بازی نهایی کار پوف وکورچنوی



کیك باشمع‌ها (سه‌پیروزی سه‌شمع) ازطرف دوم باگیو

هیئات نماینـدگـــی اتحاد شوروی مردوزن جـوان بالباس سرخ جا گر فتند۰ اینهــــا دو تبعه امر یکا ئی از گروه مذ هبی «انانده مارگـــا»ستیون دوایر وویکـــتور بیاشپارد بودند که از اثــر سو قـــصـد وعملیات ترور یستی با لای دیپلو ما ت ها ی هندی در سا ل ۱۹۷۸ تو سط ار گا ن ها ی‌دولتی فلپا ین به هفده سا ل حبس محکو م شده بودند وتحت ضمانت با المان تاغوراستیناف آزاد گذاشته شده بودند ۰ قسمیکه بـــعد معلو م شد ستیو ن دو یکتور یا به شهر باگیود عوت شده بودند تا منحیث‌معاو ینــن کور چنوی فعالیت نما یند و حتی بحیث اعضای رسمی هیئات نمایندگی خودکورچنوی آنها را اعلام داشت .

دخول این نوع اشخـاص مـجرم وترو۔ ریست در فضا ی با زی ها ی جها نـــی شطرنج بی سابقه میــباشد ۰ هـد ف از دعو ت این دو نفر این بود تا بد ین‌وسیله کور چنو ی بتوا ند با لای حر یف خود، اعـضای حکم بازی فشار ر و ا نـی وارد نما ید . هیچ کس این را پیشگو ئی کرده نمیتوا نست که ترور یست ها ی که بـــه هفده سا ل حبس محکو م شده اند چه جنا یا تی را مر تکب خوا هند شد . این نکته را سا ز ما ند ها ن با زی خوبتردرك کرده بود ند نخست از ورود ترور یست ها به صا لو ن با زی و بعد ما نع دخو ل آنها به اطاق ها ی‌دیگر شدند .اما در مقابل کـــور چنوی تا ختم مسابقـــات بااین دو نفر ار تباط خود را قایم کرد ه بود.

چندی نگذ شت که کاسه صبر اعضای حـــکم بازی لبریز شد وایــــن اعـــمال کور چنو ی را که جر یان نورما ل و مسا عد مسا بقا ت را بر هم میز ند وبه اسا سنا مه فدرا سیو ن جها نی شطر نج مغایرت تام دارد بشدت محـــکوم کـــردند وتقاضا کردند تا بدون گفتــگو تروریست ها از شهر با گیو خا ریج شو ند . کورچنوی از اعما ل اعضا ی حکم انتقاد شدید کرد ار گا ن ها ی دو لتی فلپا ین و ساز ماند ها ن با زی را متهم سا خت که آنها از انا تو لی کار پو ف جا نبدا ری‌میکنند .

بقیه‌در صفحه ۵۳

بقیه‌صفحه ۱۱

کاخ‌موزیم پاولوفسک...

به این ترتیب فیو دور پروژه اعمار مجدد قصر را آغاز کرد.

این شخص در وقت کار به همه در موضوعات مختلف کمک میکرد و هیچگاه اشتباه نمیکرد. رسامی های واقعی مطالعه میگردید و غرض اعمار مجدد مواد زیاد جمع آوری گردید. بزودی در جلسه اعمار مجدد کاخ های لیننگراد ازطریقه زیینووه سخن گفته شد. هریك از صالون ها از خود دوسیه مخصوص داشت. همه عکاسی ها جمع آوری میشد ومطالعه میگردید تا کمبودی ها و نقایص آن بر طرف شود ویا اگر ضرورت باشد سر از نو ایجاد گردد.

پلان پارك توسط خط های مخصوص که علامات درخت های قطع شده رانشان میداد پر شد. ضرور بود تا اسناد قبل از جنگ دیده شود و نسل درختان قطع شده هویدا گردد زیرا پارك باید شکل سابقه را بخود میگرفت.

برای اجرای این کار عظیم به نیروی کار زیاد ضرور بود. به این ترتیب در روزهای رخصتی همه به کار های داوطلبانه می پرداختند.

بعد از کار های مقدماتی مجسمه سازان، نقاشان، تخته فرش کنندگان و مطلا کاران به موزیم سر از یر شدند و ضایعات را جبران کردند.

زیینووه چون دو لسان خارجی را میدانست به او پیشنهاد کردند تا درسازمان یونسکو منحیث مشاور هنر شناس درقسمت احیای یادگار های مهندسی کار کند محلات کارنیو یارك، ژنو، و پاریس تعیین گردیده بود. اما زیینووه در مقابل جواب منفی داد واظهار داشت که ازموزیم پاولو فسك جدا شدنی نیست.

گروهی از مردم اند که فکر میکنندنظر به اشخاص دیگر به بسیار سهولت زندگی میکنند و همه کارها را به عهده خود میگیرند و درین قسمت فکر نمیکنند که میتوانند کار های مذکور را متحمل شوند.

این زن از محاصره لیننگراد (۹) سال بدون استراحت و تفریح به‌کار شدید پرداخت تا اینکه بالاخره به توبرکلوز چشم مبتلا شد. چندی بعد زیینووه به دوستان خود چنین مینوشت: «نمیدانم حاضر جوابی خودم ویا داکتران دید چشم را به من باز گشتاندند اما باز هم پنج صفحه در یك روز! من قوه را در ماه های اول بمصرف رسانیدم به این لحاظ دوباره به مرض چشم مبتلا شده ام. در کارهای ما باید محاسبات دقیق نباشد زیرا با این عمل هنرو کار ما خشك تر جلوه میکند.!»

در سال ۱۹۵۷ اولین صالون موزیم غرض نمایش اماده شد ودر سال (۱۹۷۰) تماشاچی از تمام صالون های آن دیده کرده میتوانست.

زیینووه چنین میگوید: «من ازآمدن مردم به موزیم بسیار خوشوقت میشوم زیرا این هم علاقه مردم شوروی و خارج از شوروی را به موزیم نشان میدهد. درین جمله اشخاصی اند که در قسمت هنر مهارت تام داشته میباشد بعضی ها که در قسمت هنر چندان مهارت ندارند منحیث روز های جشن روز خود را سپری میکنند. این مهم نیست که کدام اشخاص در نوبت غرض تماشای موزیم ایستادند بلکه مهم اینست که به هر یك کمك شود تا از اشیای مقبول و دیدنی تماشا کنند.»



نمایی ازداخل کاخ‌موزیم پاولو فسك

بقیه صفحه ۱۵

تضادهای درونی...

بازی کند که برنده و غالب باشد و تا هنوز در زمره کشور های امپریالیستی دارای فرصت های متناسب بخاطر کسب ثروت بوده، علاوتا در دنیای سرمایه داری، دارای نیروی اقتصادی و نظامی شامخی است. که در واقعیت امر این ایالات متحده امریکا است، که‌مرکز عمده ایدولوژی سرمایه داری میباشد.

هر چرخش عظیمی که در پیشرفت و انکشاف اوضاع بین المللی رخ میدهد، به همان اندازه در بین کشور های‌سرمایه داری رقابت فزونی می یابد، و این نوع خصومت ها و اختلافات زیاد ترآنوقت بمرحله حاد و شدید خود میرسد که بحرانات در حال تکوین باشد.

ایالات متحده امریکا سعی فراوان بخرچ میدهد تا ارزش دالرش را در مناسبات تجاری و بازار های فروش کالا در مارکیت های رقبای سرمایه‌داری اش بلند ببرد، به همین منظور است که مناسبات اقتصادی و مالی بعضی‌اوقات در بین دول سرمایه درای به اندازه مغلق و پیچیده میشود، که به تضاد های طرفین مبدل میگردد، خصوصا بین ایالات‌متحده امریکا، جاپان وکشور های اروپای غربی.

درین اواخر یعنی چند سال قبل سه مرکز عمده کشور های امپریالیستی در برخورد با پرابلم های جهانی طرحی جداگانه و مجزا از هم داشتند، که در ساحه بین المللی برای همه کس روشن و مبرهن است - هم چنان رقابت های اقتصادی در بین کشور های متذکره بخاطر کاهش بلاك های متخاصم نظامی درجهان نسبت پیاده شدن پروسه دیتانت و شکست فاحش امپریالیسم متجاوز اتازونی در جنوب شرق آسیا همه و همه پروسه‌های اند. که دول سرمایه داری رابه نسبت‌از دست دادن مارکیت ها غرض فروش کالا ها دررقابت های خصومت بار مبتلا ساخته و عرصه مخالفت شان هر روز وسیعتر گردیده و میگردد.

علاوتا درین اواخر کشور های اروپای غربی این درك واقعبینانه را کسب کرده اند، که به جز از پروسه دیتانت کدام الترناتیف دیگری وجود ندارد تا تشنج را درین قاره کاهش دهد. یك چهارم این دول نسبت به اتازونی این مسئله را بارها خوب فهمیده اند که به کار انداختن مبالغ هنگفت بمنظور مسابقات تسلیحاتی عمل پوچ و نا معقولی است که این خود نقش منفی را در مناسبات بین ما و دول سوسیالستی که با ما دارای مناسبات مرزی و سرحدی اند میگذارد، و قاره ما را به عرصه‌مسابقات تسلیحاتی بیهوده و پوچ مبدل ساخته مصونیت وآرامش را برای همه اتباعی این سر زمین از بین خواهد برد.

دیتانت در اروپا تاثیرات مفید وقابل ملاحظه در تمام عرصه های زندگی اجتماعی خصوصا در مناسبات بین‌الدول گذاشته و بر کشور های اروپایی است که دیتانت را هر چه زیاد تر در قاره خود تعمق و تحقق دهند، اکثریت رهبران سیاسی بورژوازی معتقد اند که کنفرانس «۱۹۷۵» اروپا بخاطر پیاده شدن دیتانت درین قاره یك واقعه اساسی بین المللی بشمار میرود واگر به اساسات این واقعه تاریخی احترام گذاشته شود و به منصهٔ تطبیق قرار گیرد اروپا آینده روشنی خواهد داشت.

امروز همه کس از سعی و تلاش اتحاد شوروی، دول برادر سوسیالستی و تمام نیرو های صلح دوست این‌تشکر واحترام را بجا می آورند، که ایشان در پیاده‌نمودن دیتانت مبارزه خستگی نا پذیر نموده و این دیتانت است که سیاست بلاك بازی را دچار انحطاط و بحرانات شدید نموده و نیرو های متجاوز را مواجه به ناکامی، ودر عین زمان مخالفت های بین دول امپریالستی را کمی نرمی و ملایمت بخشیده است. ولی بهر حال نشرات غرب بصورت واضح و روشن یاد اور میشوند که حالا اتازونی در ارتباطات اقتصادی و سیاسی خود نسبت به قبل ضعیف تر گردیده یعنی آن عادت

بقیه درصفحه۵۱

بقیه صفحه۴۱

نگرشی بر سوابق تربیت...

چکوسلواکی پیروز شد ودر مسابقات پراگ مدت دهسال کپتان تیم خودبود ودر یکتعداد

بمقابل چریس چاتاوی ورزشکار انگلیسی‌ودر مسابقات المپیك ۱۹۵۶ هم پیروزیهای رانصیب شد .

فتبالبازان اتحاد شوروی در مسابقات‌المپیای ملبورن نیز باکامیابیهای زیادی‌مواجه شدند، مخصوصا شطار تهای لیو یاشین گولکیپر تیم (دیناموماسکو) بنفع مسکو ، اتحاد شوروی اروپا و جهان افتخار اتی را حاصل کرد. یاشین بسال ۱۹۶۳ ضمن مسابقات فوتبالیکه باتیمهای معروف بکتعداد کشور های دنیا صورت گرفت در مطبوعات سپورتی لقب (قهرمان مسابقه) را صاحب شد . درسال ۱۹۶٤ بمقابل تیم یوگو سلاویا ریکارد جدیدی را قایم کرد. در مسابقات قهر مانی جهان به سال ۱۹۵۸در سویدن بمقابل تیم آستریا ودر سال ۱۹۶۳ در روم بمقابل تیم ایتالیاکپ قهرمانی اروپا

زیاد ممالك خارجی افتخار شمول رادر مسابقات بزرگ نصیب شد ، ازاثر مساعی وتوجه‌او تیم شوروی در مسابقات المپیك ملبورن شامپیون گردیده وبسال ۱۹۶۰ کپ قهرمانی اروپا را بدست آورد. وی درپنجاه مسابقه شر کت کردوبرای مدت هشت سال بهترین لفت آف تیم خود بود . علاوه‌تاوی‌در بیش از سه صد وشصت بازی تیم (سپارتك) وبازیهای قهرمانی اتحاد شوروی سهم داشته است .

گریگوری کریس فتبالباز معروف که در المپیای توکیو از خود مهارتهای پرمایه را نشان داد ، آموزگار واستادش لیاقت واستعداد خلاقه سپورتی اورا بارها توصیف کرده است، چنانچه‌درسال ۱۹۵۸ مقام قهرمانی‌رابدست‌آورد



را برنده شد ، موصوف تاسال ۱۹۶۵ درپنجاه وهشت مسابقه شرکت کردو عضویت برجسته را در اداره فدراسیون فتبال اتحاد شوروی حاصل کرد . همچنان (ایگورنیتو) یکی از چهره های درخشان فتبال در مسابقات‌المپیك ملبورن از شهرت فراوان بر خوردار شد ودر بازیهای سکی واتلتیك نیز مهارتهای را از خود نشان داده وبا اشتراکش همراه تیم سپارتك بسال ۱۹٤۹ در ناروی ، تیم اتحاد شوروی رامعروف ساخت وکب بزرگ سپورتی را دستیاب کرد. در سال ۱۹۵۲ عضویت تیم المپیك شوروی راکمایی کرد و تاشانزد هم می ۱۹۶۵ برای

ویك‌مدال‌برونزرادر قهرمانی‌تیم‌خویش‌حاصل‌کرد همچنان دارندهٔ یك مدال‌طلایی‌از المپیای توکیو شد. رویهمرفته ورزشکاران شوروی تنهادر سال۱۹۶۵ طی سی وسه مسابقه تیم قهرمانی اروپا وجهان شرکت کردند ودر هجده مسابقه مقام اول رابدست آوردند ، ورزشکاران اتحاد شوروی از جملهٔ یکصد وشصت وپنج مدال طلای مختص مسابقات باخذ یکصد وشانزده مدال نایل گردیدند . بدنبال‌چهره های معروف ورزشی از میخاییل ورونین برنده چندین‌مدال طلا وقهرمان سال ۱۹۶۶ جمناستیك در (دور- تموند) میتوان یاد آورشد که انجمن مطبوعاتی

سپورت بین المللی اسم او را در ردیف ورزشکاران ممتاز جهان معاصر ماقلمداد کرده است ، وی درسال ۱۹۶۳ ضمن یك تورنمنت از خود کار رواییهای مهیج‌وشور انگیزرا تبارز دادویکسال بعد شامپیون ماسکو شد وسپس افتخار شمول رادر المپیای توکیو نیز صاحب گردیده ودر سال ۱۹۶۵ با حصول‌مقام قهرمانی ملی در عالم ورزش شهرت پیدا کردو متعاقبا بسال ۱۹۶۶ در بازیهای دور تموند تمام موقف شایانی گرفت. درسال ۱۹۶۷ میخاییل وروتین وویکتورلیسیتسکی‌درمسابقات شامپیونی دنیا واقع (تامپری) فنلیند نیز پیروزیهای رابدست آوردند . درسال ۱۹۶۶ تیم فتبال خردسالان اتحاد شوروی در بلگراد موفقیتهای را حاصل کردند وبسیاری از آنان بعدا در مسابقات قهرمانی سال ۱۹۷۰ نیز پیروز بدر آمدند . حصول جایزهٔ‌بزرگ مسابقه بین‌المللی اتحادیه فدراسیون فتبال اروپا از دستاوردهای

مساعی پیروز مندانه شان است تیم مذکور باتیم خردسالان ایتالیا که دریوگوسلاویا مسابقه دادند ، مقام اول را احراز نمودند.

در اتحاد شوروی‌بیش از شصت‌رشته ورزشی المپیایی معاصر بین المللی واضافه از یکصد رشته ورزشهای ملی‌وبازیهای محیطی بین مردم رواج دارد . مانند : موتر رانی واکروباسی، کوهنوردی ، بدمنتن ، باسکتبال ، بوکس بایسکل سواری ، قایقرانی ، اسپ سواری وسوار کاری ، جمناستیك ، فتبال ،والیبال، هندبال ، بازی روی یخ ، سکی بازی ،دویدنها، پهلوانی ،هاکی‌روی یخ،هاکی‌روی‌چمن،شناوری دوومیدانی ، سرسره بازی ، تینس ، شطرنج، بلیارد ، پنگ پانگ ، بگی دوانی ، کرکت، چوگان بازی وانواع رشته‌های دیگر که ذکر همهٔ آن درینجا نمیگنجد . از آنجمله در رشته پهلوانی ، پهلوانان شوروی‌همیشه‌در مسابقات بین‌المللی پیروزیهای رابدست آورده اند.

بقیه صفحه۴۱

ورزشکاران‌ماباید...

ازطرف‌ریاست عالی ورزش درولایت‌ماآمریت ورزشی تاسیس وتمام کلپ های آزاد مر بو ط به آن گرد ید که فعلا تحت رهنمایی‌های خوب آن آمریت به تمر ینا ت خود ادامه مید هیم البته درپهلوی رهنمای های تخنیکی وتاکتیکی ایکه از آن آمر یت بر خور دار هستیم مشکلا ت دیگر ماهم از نا حیه ندا شتن جای منا سب تمر ین ووسا یل ور زشی حل گردیده که‌این‌خود سبب تشو یق و بلند بردن سطح ورزشی درجامعه مامی با شد .

محمد اسمعیل کا ر گر به سا سخ‌سوالی سخنان خودراچنین ادامه داده گفت:

یك ورزشکار وقتی موفق بوده می تواند که تمر ینا ت مداوم را فرا مو شی نکرده در پهلوی تمرین به خصوص زیبایی اندام که ازجمله سپور ت های ثقیله می باشد خوراك درست هم داشته باشد . که به نظر من هر ور زشکا ر با ید از طرف صبح اگر توا نا یی داشته با شد یک گیلاس شیر و یکدانه تخم بخو رد چرا که اگر انر ژی کا مل نبا شد توا نا یی بلند کردن دمبل راکه نسبتا کم‌وزن می با شد نخوا هد دا شت و یا اینکه حرکات ورزشی را به صورت در ست و فنی آن انجا م داده نخوا هد توا نست .

نا مبرده افزود : به نظر من هر با ز ی سپورتی و هر حر کت سپور تی در نگهداری صحت به اندازه یك خر یطه دو ا مو ثر می با شد چنا نچه از روز یکه خود ورزش می کنم از جا رو جنجا ل با دو کتو ران رها یی یا فته ا م بخصوص دکتو را نیکه نسبت به مر یض و تشخیص مر ض باپول

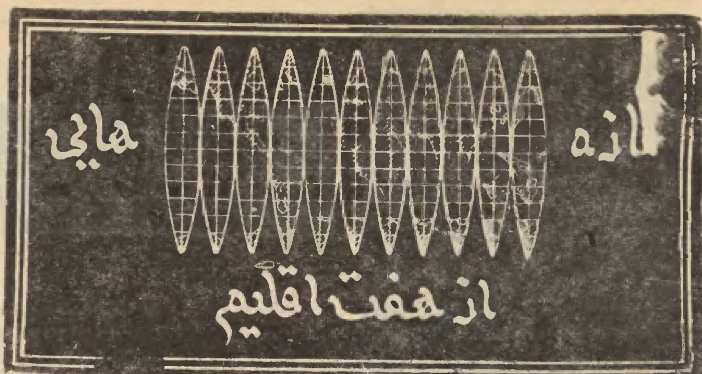
زیاد تر علاقه داشتند به هر حا ل درپهلوی صحت کامل ، ورزش تما م افراد جا معه را نیرو مند تر می سازد وهمچنا ن بین‌افراد جا معه صمیمیت زیاد تر با ر می آورد که نمیتو ا ن او صاف ورزش را در چند کلمه‌ویا چند سطر خلا صه کرد و همین انگیزه با عث شد تا یك ورزشکا ر شو م از رو ز یکه ورزش می کنم فکر م آرا م و علا قه ام به کا ر دو چند ان گر د یده امید وا رم تمام ورزشکا را ن جوا ن ما در گستر ش هرچه بهتر با زی ها ی سپورتی تاحد امکا ن بکو شند .

-خوب عملیکه با عث برد در مسا بقه زیبا یی اندا م میگر دد چه می با شد ؟

در قد م او ل ورزش کا ر زیبا یی اندام با ید دارا ی اندا م منا سب به زیبا یی اندا م با شد ، عضلات سپور تی دا شته تمر ین زیاد کند و مهمتر از همه یگا نه چیز یکه در بر د مسا بقه زیبا ئی اندا م رو ل عمد ه و بسزا دارد (فیگور) می با شد اگر یك ور زشکا ر زیبا یی اندا م حر کت فیگور را درست انجا مداده نتواند بنظر من موفق نخواهد بود .

خو ب اسمعیل جا ن اگر به ورزشگاران جوان جامعه ما پیما می داشته باشید بگویید!

پیا م من به عمو م همو طنا ن‌وورزشکاران جوان‌ما اینست‌که اولترازهمه ازانقلاب‌ظفرآفرین ثور تا پا ی جا ن دفاع کنند .ودرنگهداری ناموس وطن از هیچ گو نه فدا کا ری دریغ نه ورزند، ثانیا ورزشکار ن ما دا یما آرا سته به اخلاق سپورتی با شند و هم چنان در بلند بردن هر چه بشتر سطح ورزش درجامعه ماکوشش خستگی نا پذیر نماید

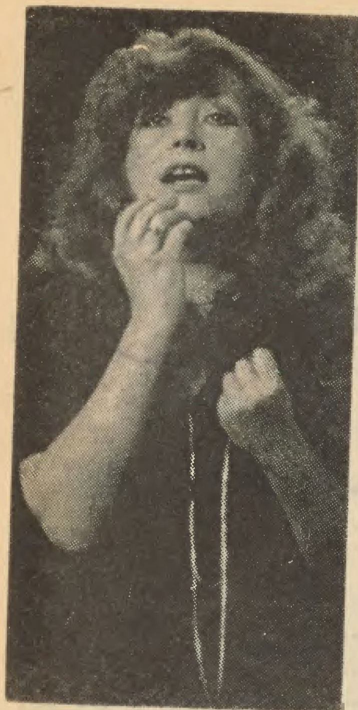


پوگاتشوفا هنر پیشهٔ نوعدوست برسکوی شهرت

در هو تل متعلق به جیو لو جست ها که در شهر کو چکی بنا م (زالیخارد) درنزدیك دائره قطبی قرار دارد .صدای‌دل انگیزگیتار آدم رابـــو جدمی آورد· ازمـــیان پنـــجره شفق قطبی بدرون اتا ق نو ر افشا نـــی مینماید · درین‌محیط شاعرانه کـه‌کارگـــران معدن وزمین شنا سا ن اقا مت گزیده‌اند صدا ی ملیح و پر جاذبه دختر جوانی توجه آدمی را بخود می کشد . ملا حت و گرمی صدا بحدی است که تا اعماق قلب‌شنونده‌و مستمع نفو ذ میکندمگر این زیاد ارزند ه‌و قابل تقدیر نیست که دریك سر زمیـــن متـــروك محلیکه نـــه‌درخت، نه بـه و نـــه آثار چرخ‌های ارابه ها هیچکدام آنجا دیـــده نمیشود چه آنجا رفته نمیتوا ند و فقـــط در فو اصل دور جلکه هایی جلب تو جـــه میکرد . زیبا ر ویی در و سط سا لو ن‌که دارای سقف سفید تیز بود آواز می خوا ند در طول راه قبل از آنکه به مهما نخا نـه «نیگورین» با چیـز هـــای جالب و دیـدنـی بر خورد یم ، با قیا فه ها ی خنسته ون له کار گرا ن معادن نفت و گاز ، با قیافه‌های آنانیکه تازه ازطیاره فرودآمده بـــو د نـــد در کـانتین جیو لوجست ها گرد آمده بـودند تاازلود سپیکر هاصدای موزیك دل انگیـز راکه آنسوتر کنسرت داده میشدبشنو نـد.در تا لار کنسرت جا بیکه کا ر گران و سایر جیو لو جست ها برای رفع خستگی آمـده بودند یك و یلنی بچشم میخورد و در واقع این «الاگا تشو فا» هنر پیشه مرد می‌بو دکه با آواز فر یبنده اش و با قیا فه خو ش ترکیبش نگاه ها رابخـود میکشید و تـــا اعما ق قلب تما شا گر اثر می بخشیـــد او بیبهم آواز میخوا ند ، خیلی ها خو ب


پوگاتشوفا درحال آوازخوانی دیده میشود

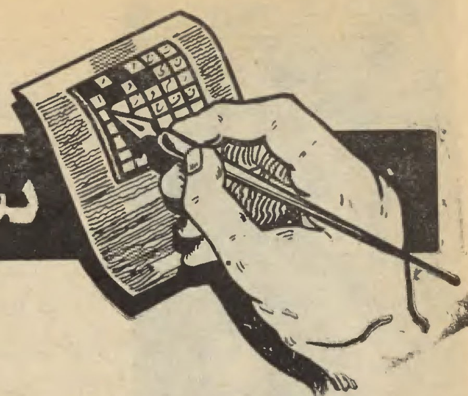
میخوا ند بگو نه که شنونده را تحر ك و تهیج می بخشیدند . او خودش ندا شت‌میان آهنگ ها یش و قفه ایجاد گردد و خو دش به تفر یح بپر دازد زیرا او یك هـــدف داشت که بایدبرآورده .میشد وآن عـبارت بود ازخورسندی جیـــولو جست ها و رفـــع خستگی آنها که برای آسوده خا لی مرد م عر قر یزی میکر دند . این آواز خوا ن و هنرپیشه صاحب نام باری سوار بـر کشتی کو چك ، تا نزدیك لبه ها ی بحر و سواحل کشتی ا ش را می را ند تا به کار گرا ر حفر معادن منطقه (تیو من) که سخت‌مصروف کا ر بودند ، بسر ا غشان‌بشتا بدو چنا ن آواز بخـواند که او شانرا مسحور نمـــوده تو ا نا یی کار بیشتر بد هد و با آهنگهای خویش باعث رفع کسالت شان گـــر دد · این اتفاق یکسا ل قبل بود آنو قت(الاپوگا- تشو فا) هجده سا ل داشت . مو صوف هنر پیشه ا یست سخت گیرو مشکل پسند کمتر به اشعار و کمپو ز های دیگرا ن‌قناعت میکند واین بـــدان ملحـــوظ که‌خود یـــك کمپوزیتور موفق است ودرانتخاب استعاریـد طو لا دارد و خو د ش از موزیك چیز هایی می فهمد . از نگا ه او میا ن نغما ت و میلو دی هاواشعار یك ارتباط عمیق و جـود دارد و همین ار تبا ط است که در رو ح و قلب شنو ند ه یا بیننده اثر میگذ ارد «الاپو گاتشوفا» معتقد است که جـنگ زدن هنر به قلب د وستدار هنر کا ر سا ده‌ای نیست بلکه خارق العاد گی می خوا هد با یستی موثر تر ین و کو تاه تر ین راه رابرای تسخیر قلب‌ها وخوشنودی علا قه ـ مندان هنر و تسکین رو ح در موا قع‌ناراحتی با لاخره اتخاذ کرد .الا پو گا تشو فا گا هگا هی پا رچه ها ی تر اژ ید نیـــز میخوا ند و ازعهدهٔ ایفای نما یشا ت تراژیك نیز پیروز مندانه بدر شده میتوا ند چو ن او دیگر تنها یك آواز خوا ن نیست بلکـه هنر پیشه تیاتر و هنر پیشه فلم نیـــز است ، او هنر پیشه ایست صا حب کرکتر های متعدد . گا هی قیا فه در د آلود بخود میدهد ومـــریض بچشم میرسد ، د فعـتا بیحد خورسند جلب نظر میکند، بـــا ر ی شو خی و .مزاح را راه اندا خته و چه بسی لحظا تیکه شدید به گر یستن متو ســـل میگر دد و بخا طراینهمه پختگی در کارآواز خوا نی و تمثیل است که وی به یـــــن


پوگاتشو فـــا هنرپیشه ، صاحب نـــام تیا تر ، تلو یز یون ، فلم و آواز خوان موفق .

تا ز گی ها در فستیوا ل فلم در بلغا ریـا سهم گرفت ودوستدارانش بیـــحد مبهـو ت ساخت· مو فقیتش بحدی بـــود که جا یزه طلا یی را که بنا م (افسا نه طلایی) موسوم بود به‌وی دادند· متعاقبا وی در (زوپـــوت) یکی از شهر ها ی پو لیند دریك مسا بقهٔ آواز خوا نی بین المللی سهم گر فت آنجا نیز پیروزی ازآن الاپـــو گا تشوفا بـــود یکی از عوا ملی که تا اینحد در شهر ت (الاپو گا تشو فا) یا ری نموده هما نـــا دستر سی اودر فهمیدگی ووارد بـــو د ن در شعر است . او اشعاری به پختگـــی اشعار شکسپیر را تحلیل مینما ید و مـــی خوا ند . خا صتا زمانی «الا پو گا تشوفا» بر سکو ی شهر ت تکیه زد که شعر :(من بخود حسرت می خورم، تو هم میخوا هـــی بسا ن من برایم حسو د با شی) شکسپیررا بگو نه خوا ند که شنو ند ۀ رادیو انگشت حیر ت میا ن لب گذاشت واز دل و جـــان خر یدا ر ا ستعداد و هنر او گر دید .

الا پو گا تشو فا» را عقیده بر ینست که هنرباید درخدمت توده هاوخـــلق بـــا شد با ید برای خو شنودی همه مرد م در هر کجا یی که اند چه با لا ی مز رعه چه در کارگاه ، باید کوشید.

سرگرمی ها و مسابقات



تهیه و تنظیم از صالح محمد کهسار

جدول کلمات متقاطع

افقی :-

۱:- ازآبهای مشهور، حرف‌ربط ۲- آغازاسم احـمد غیرفعال پښتو، آله‌موسیقـی، نوعی از خوردنی‌ها ، ۳-باساقی همراه میباشد،حالت خطرناك ،٤- ازهردو طـرف‌یك شکـل دارد، هنوز در درخت است. آغاز یاری -٥-منظم آن پیشه اکثر مردم کشور مامیـباشد، بایکجا شدن ض وم ضخیم‌میگردد،ضدپیش،هم چشمی -٦- در قلم بجوئید ، نوعی ازپول باکم کردن یك‌حرف فکـر میشود، سرالـف‌باآغاز رشید-۷-برهنه پشتو، از طرف اخیـر اسم مؤنث ،اول ملنگ. خودش نون، ۸-فعل‌امر، از هر دو طرف‌به یك قسم خوانده میشود، خودش واوست ، اسلحه‌خطرناك، ۹- باعلاوه‌شدن‌یك حرف معنی غیرت در پشتو، باخانه یکجامیباشد ، یك‌منطقه درکشور مابا عـلاوهٔیك حرف، آغاز نگـار-۱۰- ابتدای دنیـا، درابر پیدا میشود ، یك کشور صنعتی اخبار رابه سمع خلق می‌رساند ، ۱۱- اسم یکی از کوها ، در خود پیدا ، پیدا میشود ، ازآنطرف‌یکی ازحیوانات ، درباطن دیده میتوانید، ۱۲- خوردن آن ضروری است مگر به عین شکل خورده نمیشود ، باعلم جیولوجی سرو کاردارد، دربهار وا قـع میشود، ۱۳- مسترد کردن،نصف ساعت، معنای آن نوآوری‌میشود، برای دوست نزدیك گفته میشود .

	۱	۲	۳	٤	٥	٦	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱٤	۱٥
۱															
۲															
۳															
٤															
٥															
٦															
۷															
۸															
۹															
۱۰															
۱۱															
۱۲															
۱۳															

طرح از: شیرمحمد هوتکیار

عمودی :-

۱- شهر تاریخی کشور ما، یك‌ولایت‌کشور۲- در روح است ، دریکی از ولایات واقع‌است ضدزن ، ۳-عبور ومرور ازنگاه عوام دریکی از قسمت ها ، نوعی از ساعت ، چیز یست‌که دیده نمیشود، ٤- ضدزنده درپشتومگر حالت‌جاری آن ، در اخیر اول،درماشین‌بکارمیـرود (پشتو) ، درلنـگ موجـوداست، سر سر-٥- به مردم نرسید وبه ••••• مواجه شد، بواسطه آن‌حـرکت صورت میگیرد ، سرسیمارااقطع بسازید • ٦- حالت دیوانگی ،ازمیو ه‌جات در پشتو ، ۷- خودمیم ، ضد زندگی ،در کلمه‌مالك موجود است، اشاره‌به خود ، نصف‌لاکت، ۸- منظم آن از خوانند گان رادیو ، بدون‌آن‌پرنده ناتکمیل است، زندگی زیروح به آن بسته گی دارد -۹- منعکس کننده آرزوی‌مردم،عددی در پشتو ، باکم شدن یك حرف چیزیکه از بین رفته باشد -۱۰-خواهان آبادی‌کشوراند نصف کی ، ۱۱- الف‌الف ، هر زیروح توسط آن محفوط است ، نیم آبله ، مرض ، ۱۲-دربین هلن، تکرار یك‌حرف، قبـول کـردن پشتو، گردن بند، ۱۳-منظم آن خرسك‌است، یك آله موسیقی ،١٤- اگر به صورت‌درست نوشته شود معنای مرغ‌رادر دری میرساند، بامـوی سرو- کار دارد ، خودش الف است ، هرگاه یك حرف باآن علاوه شوداتومیشود، ١٥- یکی‌ازبراعظم‌ها، باکم کردن یك حرف انسان میشود .

طرح از (شیر محـــمـــد هوتـــکـــیار

نگاه اندوه و یا تفکر

دختـــر زیبایی رادریـــن کلیشه میبینید آیا او بکدام جهت نگاه می کند و یا اینکه در تفکر فرور رفته است هر چه فکـــر میکند و لی از شما میخواهیم که از نگـــاه روان شناسی بنویسید وبایك قطعه فوتو ی خویش ارسال دارید تابامضمون شما یکجـــا چاپ گردد.

چه تا ثیر دارد .

به این عکس خو ب متو جه گردید بعضی ما د ران عادت دارند که دایما اطفال خودرا با اشکا ل گو نا گون تهد ید مینما ینـــد خوب هرچه که درین عکس می بینید وازآن بر داشت می نما ئید در با ره به این سوالات ما جوا ب بگو ئید :

۱- در همین لحظه در فکر کود ك ازنگا ه رو حی چه انگیزه خلق میشود .

۲- از نگا ه رو حیا ت با لای کو د كچه تاثیر دارد .

۳- در آیند ه این کودك چه‌نوع به جامعه تقدیم میگردد .

٤- با کودك چطور رفتار گر دد تا نتیجه آن مثبت با شد .

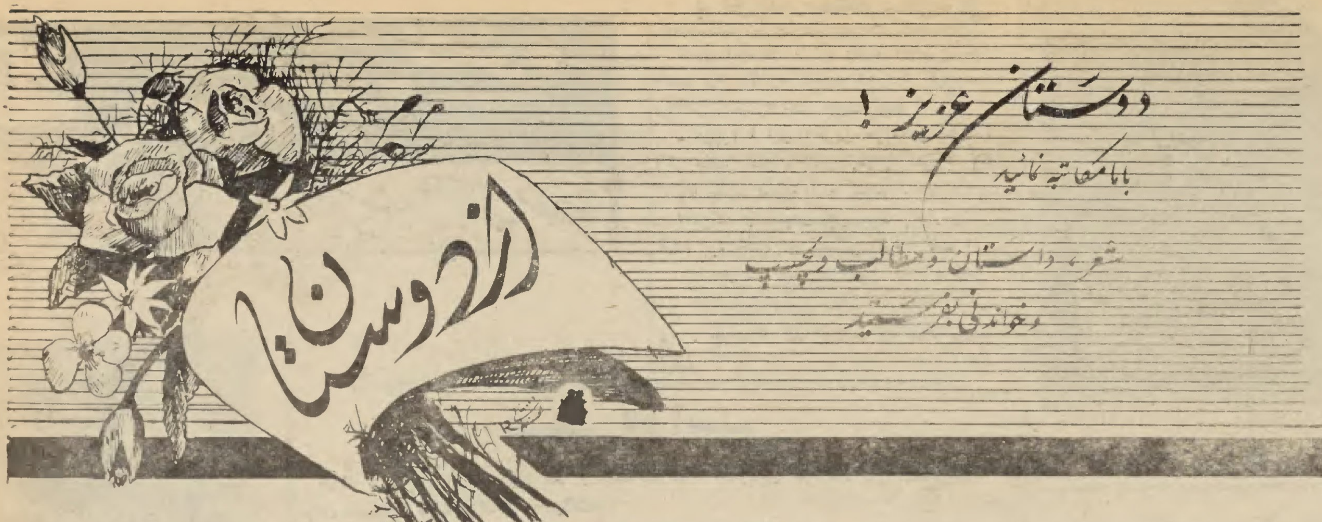
٥-بهتر ین راه برای جلو گیری از قهـر و غضب با لای اطفال کدا م است .

جوا ب سوا لات فو ق را از نگاه روحیات برا ی ما بنو سید و در ضمن یك قطعه‌فوتوی خو یش را ضمیمه ان برای ما ار سال‌دارید.

اسمای این ستاره گان را برای‌ما ارسال دارید .

شا ید شما ستا ر گا ن زیادی را درروی‌پر ده سینما دید ه با شید که شهرت جهانی را کسب نموده اند واسما ی شا ن در تاریخ‌سینما درج میبا شد ما از جمله آنها چها ر چهره زیبای سینما یی را درین صفحه‌چاپ‌نمود یم واز شما میخوا هیم که تنها اسمای این چها ر ستا ره زیبا ی سینما ئی رابرای‌ما بنو یسید .





فاروق حریق

دخلکو انقلاب

دا انقلاب دنوی ژوند انقلاب
دا انقلاب دنوی خوند انقلاب
د هیلو ډک انقلاب
دنوی خونده سره
دنوی ژوند انقلاب
له ارمغانه سره
زمونږ هیواد تهراغی

له عزم اوسانه سره
بنائی همدا انقلاب
له هر افغانه سره
دا انقلاب دنوی ژوند انقلاب
دا انقلاب دنوی خوند انقلاب

دآبادی انقلاب
دپرگنو انقلاب
دادښادی انقلاب
دهر بزگر انقلاب

دهر کارگر انقلاب
دهیواد گوت گوت تهمو
دخوشحالی انقلاب

دا انقلاب دنوی ژوند انقلاب
دا انقلاب دنوی خوند انقلاب

احترام

لشکر زحمتکش انسان سلام
بر همه انسان جهان احترام
صلح بخلقان جهان آرزو
کار بانسان زمان آبرو

مشت شود کار گیتی ما
پست شود دشمن هستی ما
لالهٔ سرخ آرزویم چنین

شاهد پاکم آبرویم همین
شادتر از این سخنم کی سخن
سبز تر از این چمنم کی چمن

شعر ازمحمد نذیر «زهیر»

وجدان

- همیشه قضایا را قبل از اخذ تصمیم بهمحکمه وجدان تسلیم نمائید . وجدان رهنمای بی نظیر وقاضی بی طرف است . (مونتسکیو)

- رضائیت وجدان بالاترین مسرت هاست. (ژول شیمون)

- وجدان یگانه محکمه ایست که احتیاج به قاضی ندارد .
(. . . .)

- کسیکه د ر هر امری وجدان خودراتابعیت می کند هیچگاه خسته نشده و از زندگی ملول واز روزگار متالم نیست . (باکون)

فرستنده : ملك «شرف»

نامهٔ عاشقانه

عزیزم سلام برآن چشمانت مانند چراغهای مرسدس بنز سهصد کهفاصلهٔ دو صد متری را روشنی میبخشد . هلیکوپتر خیالم درفضای توهر لحظه چون مگس بی پروا باطراف پیالهٔ چای در طیران است ومیتروجودم ازفراقت هرآن فیوس میپراند نمی دانم که در سوچبورد قلبم چه دست بازی کرده ایگروپ چشمانم کمنور وچراغ خطر رخسارم هرلحظه سرخ میشود . دیشب از غمت رینچفراق را گرفته بدفورد خنده را از دهانم کشیدم وبه عوض آن بطری اشك وآه راچارج نمودم تاتو بدانی که از هجرت چطور چاقو دسته میکنم وآن وقتی که تفنگچه نگاهت رابه من نشانه گرفتی و با کارتوس خنده بمن فیر نمودی دیگر یاری سخنرانی برمن حرام شده بود، جز اینکه بم آه را بربالینت منفجر سازم· بعدازین قصد کردهام که پلك گوشهایم را چارج نمایم تا دیگر هرگز آواز ترا نشنوم .

ریدیتور وجودم از سردی عشق تو لعابهٔدیزل میخورد، کاربیتر سینه ام ازچرتصدای آرکستر جاز راگرفته است· بهاستیشن سرمچنا ن صد مه وارد کرده ای که اکنون لودسپیکر دهانم از خبر های مهم وجودم جز نالش چیزی دیگر را برودکاست نمیکند .

افسوس که اشترنگ صبر از دستم رفتهاست وبرك تحمل فیل گردیده وداینمو هم کار نمیکند وپای غضب هرآن بی تاقتی راسلف میزند وگرنه کلچ رسوایی رازیر پا گرفته گیرعشق را تبدیل میکردم .

خیر بهر صورت از خداوند خواستارم کهویرنگ وجودت شارت گردیده وگیر بکس اشتهایت را بسوزاند واز غم وپشیمانی هرشبهارن بزنی .

میهن

من عاشق دیـار فروزان میهنم
قلبم بوصف خاك مقدس همی تپد
تا جان مراست حب وطن دردلم بود
بهقله های شامخ اینمرز بوم قسم
آزادهام بهیمن سعادت درین دیار
ای مدعی بچشم حقارت مبین گهی
در بادبان رحمت این مرز «باقری»
درآرزوی عظمتش ازجانودل (نیاز)

من بلبل بهار گلستان میهنم
آری همیشه مرغ غزلخوان میهنم
من زادهٔ شجاعت مردان میهنم
دلدادهٔ شهامـت شیران میهنم
پروردهٔ محبـت احسان میهنم
من جانفدای کوه و بیابان میهنم
من قطره سحاب خروشان میهنم
رخشنده باد اختر تابان میهنم

سرودهٔ محمد نیاز وشربت باقری

کار گر

تو ای کارگر !
تویی سازندهٔ تاریخ
تویی روشنگر شبهای تاریك
تویی شگوفه آفتاب زندگی
* * *
تو ای کارگر !
فخر دارم به تو

فخردارم بهتوای ضامن فردایروشن
فخردارم بهنامتای معمارآزادی وخوشبختی
فخردارم کهزنجیر ها شکستی
* * *
تو ای کارگر !
بتو میبالد امروز خلق های رنجبر
بتومی بالد امروز روح مزدورانومظلومان
بتومیبالد امروز قلب محنتبار ز جمتکش
کز چنگال ددمنشان رهاندید انسان را
غریب نواز

سیل خروشان

طوفان موج خلق
خشم بی امان او
لانه دشمنان ریخت
بازوی دهقان
نعره کاریگران
ظلمت شب را شکست
سیل خروشان خلق
نعره شادمانه اش
صخره خارا شکست
بازوی توانای خلق
موج بی امان او
گردن اعدا شکست

حشمت ربی











از بالا به‌پائین بدون شرح

برای پدرم معلوم شود

عاشق دلخسته که از جفای دلدار به‌تنگ آمده بود بالاخره تصمیم آخر را گرفت وبالحنی جدی به دختر جوان گفت :

ـ عزیزم ! این آخرین حرف من است . اگر حاضر نشوی بامن ازدواج کنی با یك گلوله مغزم راتکه تکه میکنم .

دخترکه از شنیدن این حرف بسیارخوشش آمده بود خنده ای قشنگی کرد وگفت :

ـ بسیار دلم میخواهد چنین کاری رابکنی. این کار جواب دندان شکنی به‌پدرم خواهد بود . چون او فکر میکند که اصلا مغز نداری .

مستی وراستی

دریك می فروشی شهر لندن بعد از آنکه کله ها تا اندازه ای گرم شد یکی ازمشتریان مردی را کنار کشید وآهسته به اوگفت :

ـ میخواستم موضوع خصوصی ومحرمانه‌ای‌راخیلی دوستانه به تو بگویم . یك ساعت پیش که‌میخواستم به اینجا بیایم اتفاقا ازپیش منزل تو گذشتم پنجره اتاق خوابت روشن بود وپرده های آنرا هم نکشیده‌بودند .

ـ خوب، خوب ....

ـ بلی، آنوقت دیدم که زنی و مردی‌مشغول معاشقه اند .

مرد فکری کرد وگفت :

ـ مردچه شکلی بود ؟

قدش کوتاه نبود ؟

ـ چرا ؟

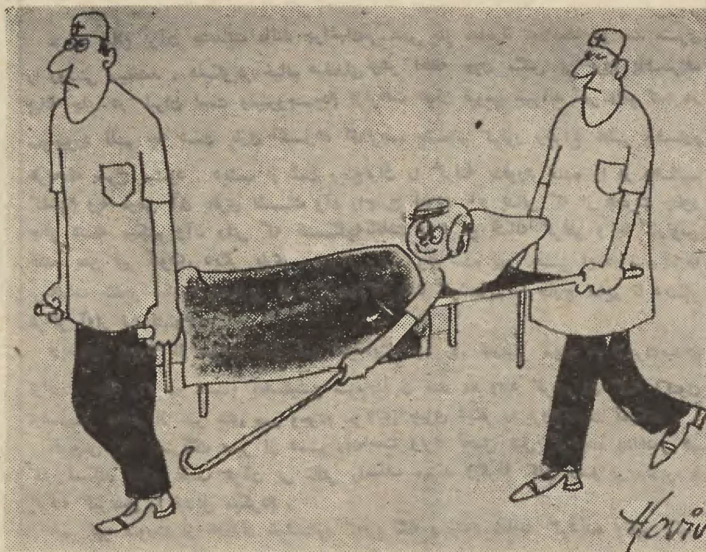
عینك نداشت ؟

ـ چرا

مرد سری تکان داد وگفت :

ـ فهمیدم ، ژوژ بوده است .

او با هر زنی که پیش بیاید عشقبازی‌میکند .



بدون شرح



بدون شرح



بدون شرح

زن محتاط

دریك روز قشنگ وآفتابی آقاوخانم در خیابان قدم میزدند. خانم نوزادقشنگ ومقبول رانیز دربغل‌گرفته بود . وقتی پیش یك لبنیات فروشی رسیدند خانم به شوهرش گفت :

ـ برو دوازده دانه تخم مرغ بخر .

مرد برای اجرای دستور رفت وچنددقیقه بعد با پاکت تخم مرغ برگشت .

زن گفت :

ـ بسیار خوب . حالا تخم مرغ هارا به من بده وتو بچه رابغل بگیر .

ـ چرا ؟

ـ چون من ترا خوب می شناسم هروقت که مردی از کنار من عبور کند وبامن‌تصادم کند، هرچیزیکه به‌دستت باشد به زمین میزنی !

به‌من احتیاجی ندارید

در وسط سرك ایستگاه راه آهن خانم‌مسنی بعد از آنکه مدتی سراسیمه به‌اطراف نگاه می کرد چشمش به یکی از باربران‌ایستگاه افتاد. اورا صدازد وگفت:

ـ آه : آقا، بیزحمت بیایید اینجا . من‌بکس وبستره را راگم کرده ام .

باربر شانه هارا بالا انداخت و جواب داد: ـ خوب . بنابراین به من احتیاجی ندارید.

تکت دیشب است

تازه نمایش شروع شده بود که آقا و خانمی نفس زنان از راه رسیدند ولی مامور کنترول سالون نگاهی به تکت های آنها انداخت وگفت :

ـ متاسفانه با این تکت هانمی توانید به سالون بروید .

چرا : عیب ونقصی دارد ؟

ـ عیب ونقصی ندارد . فقط تکت دیشب است .

مرد بطرف زنش برگشت وگفت :

ـ هزار دفعه گفتم قدری عجله کنی تابه موقع برسیم وتو گوش نکردی .

آی، ال، او: درفضای همکاری

از :نیوتایمز
ترجمه :خان محمد گوارا .

تغییرات مثبتی که طی چند سال گذشته در اروپا رخداده تاثیر مساعدی بالای فعالیت سازمان های بین المللی این قاره داشته است، بجای اختلافات سیاسی وایدیولوژیک آنها (سا زمانها) حالا به کثرت راه های توسعه تفاهم متقابل واتخاذ تصامیم مشترك را جستجو می کنند. ثبوت تازهٔ این مدعا کنفرانس ناحیوی سازمان بین المللی کار (آی، ال ،او) میباشد کـــه اخیرا در جنوا برگذار گردید .درین کنفرانس هیات های نمایندگی بیش از سی کشوراروپایی ونمایندگان شعبات اختصاصی ملل متحد و دیگر سازمان های دولتی و غیر دولتی حضود بهم رسانیده بودند .

بسیاری از هیات های نمایندگی خاطر نشان ساختند که حمایت موثر از منافع کارگران، که یکی از اهداف منشور آی، ال، اومی باشد، بدون مبارزه موثر بخاطر صلح، منع مسابقات تسلیحاتی ،و گذار به خلع سلاح واقعی ، غیر قابل تصور می باشد. تاکید گردید که برای اجرای این اهداف ،ابتکارات سیاست خار جی اتحاد شوروی که هنگام سخنرانی لیونید برژنف دربرلین پیش کشیده شده است دارای اهمیت بسیار می باشد .

کرکترسازنده این کنفرانس از روی ایــن حقیقت آشکار است که کنفرانس مذکور باآرای موافـــق نه فیصله نامه را بــر خـــلاف سه فیصله نامه کنفرانس گذشته) به تصویب رسانید.

چیزیکه مهم است، تعداد فیصله نامه ها نیست بلکه ماهیت این فیصله نامه هاآنست کـــه ساحهٔ و سیع از جر یانات کـــار را، در حدود صلاحیت سازمان بین المللی کار، دربر می گیرد. درمیان این ساحه وسیع، بهبـــود شرایط کار وماحول تولید ، همکاری درساحه تامین اجتماعی ، انکشاف تبادله تجارب ناحیوی در سازمان وتنظیم فابریکه ،نتایج استفاده تخنیك جدید ، حقوق اتحادیه های کارگری روابط کار ، مسایل مربوط به مهاجرت کارگران ومقررات وظایف برای نو جوانان ، قرار دارد. البته ، هریك از اسناد ، به صورت جداگانه مهم وباارزش می باشد .

گـر چـه ، عمو ما احساس می شد کـــه احتمالا مهمترین فیصله نامه ،سندی که همهٔ اسناد دیگر رادر بر می گرفت ، عبارت میباشد ازسندی که توسط کشور های سوسیا لیستی تضمین گردیده بودوبه سهمگیری سازمان بین-المللی کار در همکاری اروپا تعلق میگرفت. این سند به دارالانشاء سازمان بین المللی کار هدایت می دهد که به زود ترین فرصت ممکن نتایج تحقیقاتی مربوط به جوانب اجتماعی و اقتصادی خلع سلاح ،و طرح پلان پیشنهـاد-یـرا درباره سهمگیری ممکن سازمـــان بیـن المللی کارجهت مطالعه نتایج اجتماعی واقتصادی خلـــع سلاح وارتباط بین خلع سلاح و انکشاف برای مطالعه متخصصین دولتی ملل متحد، تقدیم نماید .

این حقیقت که نمایندگی های اختصاصی ملل متحد ،خصوصا سازمان بین المللی کار، برای حل مساله خلع سلاح اشتراك مسا عی خواهند نمود ، دارای اهمیت کمی نمی باشد، اسامبله عمومی ملل متحد این سازمان هارا موظف به سهمگیری دراین امر مشترك نموده است .

مسابقه تسلیحاتی که از طرف حلقه های معین در غرب براه انداخته شده منابع مادی و قوای بشر ی عظیمی را می بلعد ، می توان آن را برای اهداف تولیدی مورد استعمال قرار داد، که بار سنگینی را بردوش مردمان کارگر کشور های سرمایه داری می گذارد . نظامی گری روز-افزون اقتصادی رشد سریع بیکاری راتعجیل می بخشد .

گروپ متشکله میشگان درباره تحقیق منافع عامه ، بطور مثال ، پیشبینی می نماید ،که یك ملیون وسه صدو شصت هزار وظیفه (محل کار) امسال در ایالات متحده در نتیجه مصارف فوق-العاده نظامی از میـان خواهد رفت . عین پروسه در مورد اروپای غربی، جائیکه به استناد سازمان بین المللی کار بیکاری به سطح عظیمی مجموعا هشت عشاریه شش ملیون رسیده است ، ودر یك عده کشور ها به صعود خود ادامه می دهد، درنظر گرفته شده می تواند .

تصمیمی که از جانب کنفرانس به ابتکار کشور های سوسیالیستی اتخاذ گردید بـــه ضرورت توسعه همکاری اروپایی در مورد تهیه وظیفه وریشه کن ساختن بیکاری اشاره می کند بعلاوه، قبول اتخاذ (اقدامات قانونیکه هد ف آن دادن اطمینان از حق نتخاب آزادانه کاربدون تبعیض می باشد) به وظیفه درجه اول ارتقاء داده شده است .

این امر میرساند که کنفرانس درمورد تجارت اقتصاد وهمکاری های علمی وتخنیکی و تاثیر آن بالای سطح استخدام دلچسپی فراوانی نشان داده است .بخصوص ، خاطر نشان گردیده است که سفارشات شوروی برای بیش ازیك ملیون نفر در اروپای غربی وظیفه تهیه می نماید. کشور های سوسیالیستی بطورتغییرناپذیری به توسعه همکاری باشرکای غربی خوددر عرصه های مختلف آمادگی نشان داده اند. لیونید کوستنین رئیس هیات شوروی در کنفرانس تاکید به عمل آورده که (پایان مسابقه تسلیحاتی، انکشاف همکاری اقتصادی باثمر متقابل ، پیوندهای تجارتی و علمی وتخنیکی بین شرق وغرب ،بین شورای تعاون اقتصادی متقابل وجامعه اقتصادی اروپا، بین ممالك انکشاف یافته وروبه انکشاف) «می تواند و باید بتواند به ازدیـاد در جـه رشد اقتصادی،حل مسایل اجتماعی وکار هرتمام کشور هاموفقانه کمك نمایند».

نظر هیات شوروی فعالانه از جانب دیگر اشتراك کنندگان کنفرانس حمایت گردیدودرعین زمان ، نیروهای محافظه کار،آنانیکه هنوزتاثیر قابل ملاحظه بالای سازمان بین المللی کاردارند از سازمان می خواهند که محض با جوانب تخنیکی جریانات اجتماعی وکار سروکار داشته واز مسایل حاد امروزی بدور باشد . آنها آرزو دارند به بهانه غیر منطقی «دوری از سیاست) سازمان بین المللی کار رابه موقف (صلـح طبقاتی) و (همکاری طبقاتی) سوق دهند.

گرچه ، تجربه نشان میدهد که بهبود شرایط زندگی وکاردراروپا نمی تواند از طریق انزوا بلکه از طریق همکاری دو جانبه و چندین جانبه دول وتمام قوای عامه باهد ف اطمینان بخشیدن از صلح دوامدار وتکمیل دیتانت سیاسی بادیتانت در عرصه نظامی حل شده میتواند .

جمع آوری تکت های پستی

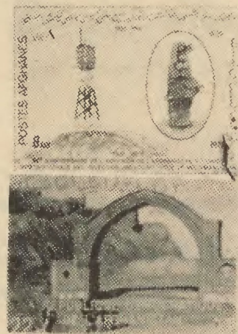
انسا نها در زند گی اجتما عی نظر به تماسهای ما حول خو یش بجمع آوری اشیای طرف تو جه مثلا جمع آوری آثار هنری ، تابلو ها ، نقاشی ها ، کتب ، مجلات روزنامه ها نسخ خطی و یا بعضی اشیای زینتی کم قیمت و گلهای طبیعی پروانه ها و غیره که شا مل هزار هاقلم خوا هد گردید میپر دازند .

اما نظر به گذشت زمان برای همه ثابت گردیده که بهترین چیزوسرآمد سایر علایق جمع آوری تکت های پستی میبا شد که دارای فواید و مزا یای زیاد میبا شد که از جمله نکات چندی آنرا ذیلا جهت مزید معلو مات ع لاقمندان توضیح مید هیم .

(۱) جمع آوری تکت های پستی باعث ازدیاد معلو مات علمی ، هنری ، نقاش ، کلتوری تاریخی طبیعی ، جمع کنند گان تکتهای پستی میگردد زیرا تصا ویر تکتهای پستی که آثار هنری نقاشان رسا مان ، عکاسان متبحر جامعه بوده معرف کلتور هنر ، تاریخ وثقافت اصیل یک مملکت میبا شد .

(۲) باعث انکشاف ذهن جوانان و اطفال میشود زیرا تکت های پستی که اثر نقا شان ورزیده و عکاسان ماهرمیباشد ذوق هنری جوانان راکه آثارلطیف وزیبا طرف تائید شان است بر می انگیزد همچنان آمیزش رنگها ، نفاست خطوط احساسات اطفال و جوا نان را بیدار میسازد .

(۳) باعث معرفی وآشنا ئی بیشتر علاقمندان تکتهای پستی میشود به این معنی که انجمن های فلا تیلی وکلکسیو نرهاای تکتهای پستی حین تبا دله تکتهای مورد نظر بایکد یگر تماس نز دیك گرفته باهم آشنائی بیشتر پیدا میکنند که این انجمن ها در هر محیط و مملکت متفاوت میباشد علا و تا شا گردان مکتب نیز حین تفریح و در اوقات فراغت میتوانند جهت اکمال کلکسیون های پستی خویشس باهم تبادل افکار نموده تکتهای مورد ضرورت یکد یگر را تهیه



و بد سترس هم دیگر بگذارند .

(٤) کلکسیو نر های تکتهای پستی با جمع آوری تکتهای مناسب طرف توجه خود میتوا نند بطور غیر مستقیم عمل پس انداز راانجام دهند وبدین ترتیب برای مصؤنیت آینده خویش یك اندو خته مادی داشته باشند زیرا کسا نیکه تکتهای پستی را جمع آوری مینمایند تکتها را نظر بقیمت روی آن تهیه اما در صور تیکه بعد ازسپری شدن چند سال دوباره به فروش برسانند بایك قیمت خو بتر و بلند تر امکان دارد آنرا بفروش برسا نند .

(٥) ازینکه در تمام ممالك جهان سالانه به هزار ها منا سبت تکتهای پستی طبع و نشر میگردد وجمع کنندگان میتوا نند تمام آنهارا جمع آوری کنند آنها نظر به ذوق و علاقه خویش تکتهای همان منا سبت های بین المللی ، ملی وهنری را تهیه میکنند که طرف تائید و علا قه شان باشد و این تکتها را در یك یا چند جلد البم پستی بااستفاده ازانبور (پنس) مخصوص تکتهای پستی جابجا نموده کلکسیون خویش را تکمیل مینماید.

(٦) برای رهنمای بهتر علاقمندان متعلمان و جوانان عزیز شعبه رهنمایی موزیم پستی فیلا تیلی وزارت مخابرات حاضر است به سوا لات وپر سشهای آنها جواب قناعت بخش ارایه نماید علا وتا جهت آشنایی و تامین علاقه جمع کننده گان تکتهای پستی افغا نی یك موزیم در منزل اول مقابل دروازه ورودی وزارت مخابرات تا سیس وبه فعالیت خویش ادامه میدهد .

بقیه صفحه ۲۱

انسان های قدیم ...

وستاره ها را تحت مطالعه قرار داده یك کتاب بزرگی را که نمایندگی از مفکوره و نظریات او میکرد تالیف کرد . کوپرنیك درین کتابش اظهار عقیده کرده بود که آفتاب اداره کنندهٔ فامیل سیارات بوده و تماما به دورا دور او گردش مینمایند به همین قسم گردش زمین بدور محورش و تغییرات شب وروز را توضیح کرد.

عالم دیگری که بعضی زاویه های تاریك این پدیده را روشن ساخت واجسام سماوی را بهتر وروشن تر مشاهده و مطالعه کردعبارت از گالیله می‌باشد . موصوف بحیث یك فزیك دان ایتالوی اولین کسی بودکه توسط تلسکوپ کائنات را نظاره کرد وبا خوشی زایدالوصفی کوه های سطح مهتاب ونیس وچهار ستاره نزدیك به جوپیتر را کشف نمود او ستاره‌های بی‌شمار دیگر راکه قبلاهیچ‌دیده وشناخته‌نشده بود دید او استنباط نمود که آفتاب هم بدور محور خود گردش میکند .

دانشمند دیگری که توانست در موردسیر وگردش اجسام فضایی نظر بهتروقناعت بخش تر بدهد بنام کپلر مسمی بودوی درسال۱۵۷۱ در جرمنی متولد گردیده است . کپلر شخصا آنقدر به سیارات نظاره نمیکرد ولی باستاره شناس بزرگ دنمارك بنام تیوچو کار میکردو معلومات و مشاهدات تیوچو رادر زمینه سیارات تحت مطالعه وتدقیق قرار میداد . کپلر برای ابدآن نظر کوپرنیك را که میگفت سیارات حرکت انتقالی خود را دریك‌مدار دایروی انجام میدهند از بین برد در عوض او کشف کردکه سیارات برعکس نظر کوپرنیك این حر کت خودرا دریك مدار بیضوی انجام میدهند .

شخص معروف دیگر در زمینه اینکه چرا سیارات بشکلی که هستند بدور آفتاب گردش میکنند قانون قوه جاذبیت را که اقمار و سیارات رادریك مدار معین نگاه‌میدارد، بوجود آورد بنام نیوتن یادمی‌شود . همزمان با او کپلر راز سیروگردش سیارات را که در چه نوع مدارحرکت خودرا انجام میدهند، افشاء کرد ولی ازینکه چرا سیارات دریك نوع‌مدار بیضاوی سیر می‌نمایند موضوعی است جداکه نیوتن آنرا تحت مطالعه و تدقیق قرار داده ودر نتیجه قانون جاذبیت را اختراع کرد و اظهار داشت که اجسام یکدیگر رابه فشار متناسب به‌حجم کتلهٔ‌آن وفاصله‌آنهااز همدیگر جذب‌مینمایند اواین مفکوره رابه قانون حرکت ارتباط داد چیزی راکه کپلر از لابلای‌مشاهدات تیوچو کشف نموده بود اکنون نیوتن‌در باره هر کدام از سیارات توضیح داده وحساب مینماید .

دست آورد های نیوتن دریك کتاب بنام (پرنسیپ های طبیعی ریاضی) بطبع رسیده است . این کتاب قانون حرکت وجاذبیت اورا دربر داشت از فهمیدن قوه جاذبیت او تاثیر مهتاب را برمد وجذر میتوان تشخیص کرد. او اولین تلسکوپ انعکاس نور را که تا حال بحیث یك اثر در موزیم حفظ گردیده است اختراع نمود . کشفیات قابل ملاحظ‌اودر مورد اینکه میتوان توسط یك منشور روشنی رابه اجزای آن (رنگ های مختلف) جدا نمود. سبب پیشرفت معجزه آسای درزمینه مطا لعه سیارات گردید .

عالم برازنده دیگری که درین راه خدمات ارزنده یی‌انجام‌داده‌است البرت‌انشتین می‌باشد. درسال ۱۹۱۹ وقتیکه ساینس دانان مصروف مشاهده آفتاب گرفتگی بودند انشتن تیوری هیجان آور را که(جاذبیت روشنی راخم‌میسازد) بوجود آورد به سرعت تمام تیوری نسبی اویك اصطلاح روز گردید.

انشتین که‌در آلمان تولد گردیده بود به عمر ۲٦ سالگی کتاب مخصوص تیوری نسبی خودرا در ۱۹۰۵ بطبع رسانید اودر ۱۹۱٦کتاب دوم یاکتاب تیوری عمومی جاذبیت رابچاپ رسانید در ۱۹۲۱ نسبت کشفیات او بشمول روشنی وبرق فزیك دان موصوف جایزه نوبل رابدست آورد .

بقیه صفحه ۲۹

خاطرات زندانی

قربانی در راه نیك بشریت هراس نداشته‌باشد یك‌زن مبارز هنگام مقابل شدن باهرکسی برخورد صمیمانه‌ودوستانه‌میداشته‌باشد ، بنظرمن

صفات یك‌زن‌مبارز اجتماعی بودن، برده‌بار بودن وخوش خلقی او میباشد وهمراه‌با برادران مبارز

خود دست همبستگی واتحاد داده ودر راه ساختن یك‌افغانستان شگوفان ونجات‌آن‌ازفقرو فاقگی صادقانه خدمت نماید.

حقیقت مسلم وانکار ناپذیراست که‌وطن‌از همه‌افراد خود چه زن وچه مرد خدمت میخواهد من‌به حیث یك خواهر از همه دختران وزنان افغان توقع دارم که‌با روحیه انقلابی‌وخستگی ناپذیر درراه عمران وشگوفانی هرچه بیشتر افغانستان عزیز خدمت نمایند تاوطن عزیز مااز دسایس شوم دشمنان خلق این دیار پاك گردد.

خوانندگان عزیز گرچه‌شنیدن صحبت‌وحکایت خاطرات زندان پلچرخی صالحه‌جان وسمین جان خیلی دلچسپ وشنیدنیست مگرنگارش همه‌آنها از حوصله مجله مابیشتر میباشد که مابه همین اندازه ازخاطرات شان اکتفا می‌نماییم.

کمیدین معروف تیاتر...

ودر ضمن خطرناك ترین وظیفه‌خلق ما جنگ علیه فاشیزم هتلری بود.»

ارکادی رایکین نه تفنگ در دست گرفته ونه علیه دشمنان‌جنگیده ونه‌توپ هارا با شانه های خود از جا های‌صعب‌العبور گذشتانده و نه پل ها را منفجر ساخته و نه کدام قهرمانی دیگر دریـن موارد از خودنشان داده است • اما اوازروز

اول تا ختم جنگ (۱۹۴۱ـ ۱۹۴۵) درجبهه جنگ قرار گرفته بود (به استثنای اوقاتیکه

تیاتر به قریه جات و شهر ها در مقابل مردم غیر نظامی نمایشنامه ها اجرا می کرد) ارکادی رایکین نیز وظایف محوله‌خود را انجام داد در مقابل عساکر خشکه‌وبحری و قوماندان های جنگ نمایشنامه ها

اجرا کرد و اغلبا نمایشنامه ها را طوری عیار میساخت که مسایل حربی و نظامی

را در بر می گرفت یعنی عساکر را اضافه‌تر در مقابل فاشیست های هتلری تحریك میکرد وآنها را به کمك نمایشات خـود وامیداشت تا اضافه تر به وظایف‌خود پی ببرند و هر چه زود تر فاشیست ها را نابود کنند. هنوز سه روز از آغاز

جنگ نگذشته بود که ارکادی رایکین در پروگرام نمایشی خود قسمت «صحنه شیطان» را جا داد. درین نمایشنامه صحنه هایی از عصبانیت هتلر را تمثیل مینمود.

درین چار سال جنگ ارکادی رایکین فاصله های زیاد را از یك جبهه‌به‌جبهه

دیگر جنگ طی کرد. عساکر کوششـس میکردند تا هر چه خوبتر از ایشان‌محافظت

کنند اما باز هم اوقاتی میرسید که از ریسك کار می گرفتند.

اغلبا نمایشنامه های او در جا های اجرا میشد که در پهلوی آن گلوله های توپ وطیاره اصابت میکرد راه هایی را

طی میکردند که از طرف هتلری ها هر روز تحت گلوله باری قرار میگرفت

عساکر در اطراف انها جمع میشدند اضافه‌تر از همه رقاصان تیاتر درشرایط خرابتر قرار میگرفتند زیرا اوقاتی میبود که طبق درجه حرارت هوا لباس در تن نمیداشتند یا اشیای را که بالای‌میز

بمقصد پیشبرد نمایش قرار میدادندتوسط باد به دور برده میشد. تماشاچیان مشکلات آنـها درك میکردنـد ویکی‌از عساکر به آنها کمك میکرد همه را دوباره

به ترتیب بالای میز میگذاشت.

بصورت عموم تماشاچیان در آنوقت که در شرایط بسیار دشوار نمایشنامه

ها صورت میگرفت از انها به گرمـی استقبال میکردند نه کدام خط فاصـل

بین اجرا کنندگان نمایشات و تماشاچیان نه کدام پرده و نه کدام دیکور خاص موجود بود اما يك نكته مهم این بود که همه به‌اینها اعتماد تام داشتند.

در روز نهم ماه می سال ۱۹٤٥ روز پیروزی خلق شوروی بالای فاشیزم‌هتلری تجلیل میگردید. این روز بدون شك روز تولد مجدد بشریت گفته میشود.

درین روز در همه جا خوشی بر پا بود و فکر میشد که زجرو شکنجه های راکه مردم شوروی و خلقهای بسیاری از کشور ها از اثر اشغالگری ارتش اشغالگر فاشیستی المان متحمل شدند در خـواب دیده باشند.

در زندگی وفعالیت هنری ارکادی‌رایکین یکی از هنرمندان معروف‌جهان چارلی چاپلین رول مهم را بازی کـرده است. بدین مناسبت ارکادی رایکین چنین میگوید: «چندی قبل شخصی از جهان چشم پوشید که با او شناسائی شخصی نداشتم امادر مقابل منحیث معلم اساسی در قسمت هنر خود فکر میکردم این شخصی چارلی چاپلین بود. این ضایعه بزرگی بود که نه تنها جهان هنر بلکه بشریت از اوصدمه دید» مشکل‌است گفتـه شود که کدام چیز او را به همه بزرگ نشان میداد اما به فکر ارکادی رایکین چیزی که او را نزد همه محبوب نشان

میداد این بود که چارلی چاپلین بـه بسیار مهارت چیز های مضحك و اغـراق های هنـری را بـا افسردگی و غمگینی انسان توام میساخت•

پدر ارکادی رایکین حفاظه جنگلات را بعهده داشت و سعی می ورزیـد تا رایکین نیز شغلی را انتخاب کند کـه پدرش به آن علاقه مند است و همه وقت کوشش میکرد تـا ارکـادی رایـکین از هنر مندی دور نگه داشته شود. پـدر رایکین معتقد بود که هـنر شغـل نیست به فکر او شغل و حرفه واقعی‌حقوقدانی، داکتری و محافظه جنگل بود.

رایکین با پدرش زبان مشترك پیدا نکردند وبه این ترتیب رایکین در لیلیـه به زندگی‌پرداخت و در انستیتوت تیاتـر به‌تحصیل آغاز کرد. رایکین میگویـد «من خود را حق به جانب فکر میکردم و دوستانم از من حمایت کـامـل میکـردند و هر يك از آنها سعی میکردند تا به این و آن ترتیب عنعنات فامیلی را بر هـم زنند. ما فکر میکردیم کـه پـدران و مادران ما افکار عقب مانده را در سر می پروراند و به چشم درست به زندگی نظر نمیکنند.

ما میخواستیم بطرز جدید زندگی کنیم.»

رایکین افکار پدر را وقتی درك کرد که‌خودپدر شد و بعد به درجه پدر کلان رسید. او تشویشات پدرش را فهمیـد

زیرا او فکر میکرد که پسرش اشتباه غیر قابل اصلاح را مرتکب شده است. در نتیجه یگانه آرزویش که پسرش نظر به او باید بهتر زندگی کند بر آورده شـد

رایکین درین مورد چنین می گـویـد: اگر چه این به اثبات رسید که من در قسمت انتخاب شغل خود حق به جانب بودم و ارزو هایم بر آورده شد اما باز هم همه

را در مقابل پدر نمیکشیدم زیرا در ینوقت گذشته هـای خـود را بخـاطر می‌آوردم زیـرا ضرور است تا از هـمـه نـتایـج زندگی درس عبرت گرفته شود.»

رایکین میگوید: «از انتقاداتی که‌از اطفال میکنند خوشم نمـی‌آیـد اضافـه تـر نکاتی انسان را غمگیـن میسازد وقتـی گفته شود که همه نقایص در اطفال اثرات بدمیگذارد•

این‌گمراهی بزرگ است• اگر اطفال‌مانظربه مـا خـوبترو و بهتر زندگی نـه کـنـنـد زحـمـات و غـمـهـا شـخـصـیـت انسان را پرورش میدهد. انسان درموجودیت خوشبختی پرورش میشود و این‌وقتی است که هیچ از مایشات زندگی به او مشکل تمام نمیشود.

من‌درین قسمت به گفتار بعضی اشخاص پیر اساسی را نمی بینم که میگویندکه جوانان در سابق عاقل و درخت هـا

سبز تر بود ... جوانانی که من با آنها ملاقات کرده ام‌بسیار جلب توجـه میکنند و قابل ستایش اند. و نه تنها ایـن که آینده از آن آنها ست بلکه آنـهـا

کار و زحمت را دوست دارند در مقابـل زحمات مقاوم هستند و سعی میکنند تا نظریات مترقی خود را در عمل پیاده‌کنند

من به جوانان نظر می اندازم و مـی دانم که همه به جای خود است. مـا دارای نسل آینده بسیار قابل ستایش هستیم. اینطور باید باشد!

بقیه صفحه ٤٣

تضادهای درونی •••

همیشگی خود را که در پی سود جوی زیاد بود از دست داده است.

چیزی دیگر یکه بصورت وصفی در تضاد های کشور های امپریالیستی‌افزوده میشود هما نا مواجه شدن این دول به پرابلم های وسیع جهانی است، کـه یکی ازین پرابلم ها برای این کشور ها همانا جنبش طبقه کـارگـر و طرفـداران این جنبش است. که بورژوازی انحصاری قبلا متوجه این مشکل نبودند، ولـی

حالا که در کشور های امپریالستی‌شکل مالکیت بر وسایل تولید انحصاری گردیده، جنبش طبقه کارگـر در مخالفت بابورژوازی انحـصاری عـرصه‌رابـرای انحصار گران تنگتر ساخته است.و این مشکلی است بزرگ که بورژوازی به آن مواجه است.

در کنفرانس برلیـن احزاب کـمونست و کارگری در سند آخری خویش ایـن فیصله را درج و تثبیت کردند که:

«در کشور های سرمایه داری فعالیت طبقه کارگر ودیگر نیرو های سیاسی واجتماعی آنقدر در حال پیشرفت و انکشاف اند که حامی صلح و همکاریهای متقابـل بین مردم بوده واین خود فکتور فوق العاده مهم و با ارزشی است که در مبارزه بخاطر استحکام وتقویت دیتانت نقش قاطـع و تعین کننده را دارا است»

در تحت تاثیر تغیرات بین‌المللی‌موجوده اصلاحات قابل ملاحظه ای در روابط بیـن کشور های سرمایه داری نیز بوجود آمده است، بهر حال در سیاست‌خارجی اتازونی نسبت مشکلات و پرابلم های موجوده جهان این چرخش بوجود امده

است که در تمام مسایل جهانی‌مشوره جاپان و کشور های اروپای غربی را خواهان میباشد و خود سرانه مانـنـد سابق عملی را مرتکب نمیگردد. و هـم دول امپریالیستی سعی بخرچ میدهند تا اگر میتوانند تضاد ها واختلافات درونی خود را حل و فصل نمایند.

واز طرف دیگر مبارزه نیرو های‌صلح وسوسیالیزم ودموکراسی وجنبش طبقـه کارگر چنان به فعالیت خستگی نا پذیر خود ادامه میدهند که نیرو های متجاوز وامپریالیستك‌را لحظه‌به لحظه‌به‌پرتگاه‌نیستی ونابودی می کشانند، ولی دول سرمایه داری بمنظور انکه دیتانت را مواجه به

شکست نمایندسعی میدارند تا اختـلافات درونی خود را باتشدید اختلافـات‌بین‌المللی مستور و پوشیده دارند، ولـی بهر حال تغیرات بین المللی به نفـع صلح، دموکراسی و سوسیالیزم بوده و شرایط بهتر و بهتر تری را اماده نیرو های صلح دوست میسازد.

د ۱٦ مخ پاتی

سگرټ پلورونکی

هو ! خوار سگریټ پلو رونکی هره ورځ سهار وختی له کــوره راوو ت، بازار ته راته ، دهمـــدی مهربانه او زړه سوانده دکاندار، دکان ته یی چی د دوی یوازینـــی غمخور ؤ ا وخپله مرسته یی نه‌تری سپمو له ، ځان را رساوه دوه دری ډبلیه سگریټ یی دخر ځلاو له پاره په‌پور تری اخیستل ، اووروسته له هغه چی سگریټ به‌یی له دکانداره تر لاسه کړه ، نو هغه وخت به دده اصلی کار پیل شو ، په منډه بـــه یی په واټونو اوسړ کونو کـــی گرځید ل شرو ع کړه ، دهر هر چا مخی ته به یی سگریټ نیول کـــه گوندی کومه دانه تری و پیری . ترما ښامه به یی همدا کار ؤ او کله چی به ماښام ستړی ستومانـــــه دسگریټو له خر ځو لو را خــلا ص شو ،نو غونډی رو پی به یـــــی دسهارنی دکاندار مخی تــــــه کښیښنود لی ، لومړی به یی دهغـه دسگریټو بیه ور کړه او په ور پاتی رو پیو به یی چی دده دټو لی‌ورځی دکار او زحمت گټه وه ، دوه دری وچی ډوډی وپیرلی او مخا مخ بــه دخپل کور په خوارهی شو ...

ووړ سگریټ پلو رونکی پـــه خپلو چور تو نو و کـــی ډ رك ؤ او دوخت تیریدو ته یی هیڅ پام نـــه ور او ښت . هغه سړو غونډ کرخت کړی وو اوسر تر پایه د چناردپانی په شان ریږ دیده ، خو پدی‌وخت‌کی هغه ته تر دی ټولو خبرو دی کار ډیر ار زښت در لود چی بیا هــــم څو شیبی همدی سړو او یخنی ته طاقت راو ړی او ځان ور ته کرخت کړی که گوندی‌چیری‌یو دوه‌سگریټه نور هم و پلور لای شی . آخر ... نشوه کو لای‌چ ی ژر کور ته لاړشی دا ځکه چی له دری ډبلیه سگریټو څخه داو پوره څوار لس دانـــ سگریټه لا ور ته پا تی وه‌او تراوسه پوری یی هیله په هیله چی دبیی روپی پوره‌کړی وی. شپه‌تیاره‌وه‌خو هغه باید چی نور هم معطل شوی‌وای او سگریټ یی خرڅ کړی وای‌ترڅو چی اقلا دو چی ډو ډی رو پی‌خولاس ته ور شی . ..

ماشوم سگریټ پلورو نکـــی همدغسی سړو او یخنی ته ولاړ ؤ سر تر پایه ریږ دیده ، په ډیـــره امید واری یی غمځپلی سترگی یوی او بلی خوا ته اړ و لی ، په مات زړه به یی ساه په ستونی کی سره را غونډه کړه او ناری به یی کړلی:

– سگریټ ... سگـــر یـــټ ... دغه دی سگریټ ..، خو څوك پرمخه نه ور ته ، او کـــه به چیـــری کوم لاروی دده له مخی تیر هم شو نــو غیر له دی چی کومه دانه سگریټ دی تری و پیری‌همد غسی به‌یی‌خپله لار ونیو له او په خپل کار پســـی به لاړ .

شپه داوه اوس پوره تیـــــاره شوی وه ، خوار سگریټ پلورونکی لا په بازار کی ددکان مخی ته ترمنا لاندی و لاړ ؤ او دباران په شـــدت اورید لو ته یی کتل ، چی یو وارله

لری دیوه موټر دځراغ رڼا ترسترگو شوه چی دده په خوارانی .سگریټ پلورونکی همد غسی په خپل ځا ی

ولاړ ؤ او له ستر گو او پزی څخه‌یی دسړو له شد ته او به بهیدلی ،چی موټر دده و حد ته را ورسید او له مخی یی تیر شو ماشوم هلکی پـــه

موټر پسی تر شا و کتل او ویـــی لیدل چی موټر ودرید ، بیر ته پـــه شا راغی او دده مخی ته ودریـــد . سگریټ پلورونکی لا همد غســـی

حیران په خپل ځای ولاړ ؤ چـــی دموټر دکړ کی هنداره کښته شوه او په موټر کی ناست ځوا ن چی‌غټ غو ښینی مخ اوسری سری‌پړسیدلی

ستر گی یی در لودی ، ده ته لاس و ښوراوه او ور څخه و یی غوښتل چی نژدی ور شی . سړ واخیستی هلکی و غوښتل چی دموټر خوا ته ورشی ، خو د باران اوریدلو ته‌یی پام شوه او دځان او سگر یټودلند- یدلو و پری بیرته په خپل ځــــای

ودراوه ، څو لنډی شیبی لا په‌همدی تر تیب‌نه و ی تیری شوی چی په موټر کی ناست ځوا ن په ډیر کبر او غرور ور ناری کړی چی دهـــغه

خوا ته ور شی ، سگریټ پلورونکی نوره معطلی ونکړه او په بیړه یـــی دځوا ن خوا ته ورمنډه کړه ، دموټر دکړکی خوا ته ودرید او په‌ریږدیدلی آواز یی ور ته وویل :

– زه دی په‌کارو م؟

په موټر کی ناست ځـــــوان دهلکی د دی پو ښتنی په اورید لـــو او ږی پور ته ور غور ځو لی، بیایی له ځان سره ځنگ ته ناستی ښکلی او ښایسته نجلی ته په معنی داره نظر وکتل ، دواړو په زوره زوره وخندل او وروسته له هغه په وړینو جامو کی پټ ځوان په ډیره له تکبر او ریشخنده ډکه لهجه سگریـــټ پلورونکی ته وویل :

– هو «پلاره !» ته می په‌کاروی خپه خونه شوی ... هاهاها ... او بیا دواړو په لوړ آواز په ســـړو اخیستی ماشوم باندی وخندل او وروسته له څو شیبی خندا په موټر کی ناست ځوان په داسی حال کی چی د ډیری خندا له لاسه یی پـــه سترگو کی او ښکی راټو لی شوی وی ، هغه یی په خپل چاغ ور غوی پاکولی ، هلکی ته مخ ور واړاوه، ویی ویل :

ژر شه ، یو ډبلی سگریـــټ راکړه !

ماشوم په خورا معصو میـــت ځواب ورکړ :

– کاکا جانه یو بشپړ ډ بلی خو نشته ، بس دغه څو دانی پاتی دی ، که یی غواړی چی در یی‌کړم...

او په موټر کی ناست ځوان پـــــه داسی حال کی چی دهلکی دخو لی پیښی یی کو لی په ډیر قهر ور ته وویل :

– څو دانـــی سگـــریـــټ دی ستاسروخوری ... زما بشپړ ډ بلی په کار دی او ته وایی چی «څودانی پاتی دی !» ... هی ...

څو لحظی چپ شو ، وروسته له هغه یی زیا ته کړه :

– ښه ځنگه ر ډ رډ ر اتـــــه گوری ؟ چی بشپړ ډبلی نشته یوه دانه خو به وی که یه ؟... ژر شه

هله چی شپه می همد ی ستامنحوس په ځنگ کی تیره شوه ...

دا یی وویل او تر ځنگ‌ناستی نجلی ته یی سترگی ور واړو لی ، په ډیر شوق یی ور ته وخندل اوپه سپینه غاړه کی یی لاس ورواچاوه. سگریټ پلو رونکی ، چـــی سر تر پایه باران لوند کړی ؤ پـــه بیړه یوه دانه سگریټ له ډبلیـــــه راویو ست او له اور لگیت سره یی یو ځای ځوان ته ونیو .

ځوان ، سگریټ تری‌واخیست ویی لگاوه او وروسته له هغه یـــی بیر ته په ځنگ کی ناسته نجلی‌په غیږ کی ونیو له .

وړو کی سگریټ پلو رو نکی څو لحظی همد غسی چپ په خپـــل ځای و درید که گوندی ځوان یی د سگریټو رو پی ور کړی ، خو چی ویی لیدل چی، هغه لا همدا ســـــی بی خیا له په موټر کی له نجلی‌سره لگیا دی ، نو په بیړه او ریږ دیدو- نکی آ واز یی ور ته وویل چــــی

دسگریټو رو پی یی نه دی ور کړی. او چی ځوان بیا هم ځواب ورنکړ،نو خپله خبره یی په لوړ آواز دوه دری واره ور ته تکراره کړه .

پدی وخت کی ځوان خپلـــی سری سترگی مخا مخ د سگریـــټ پلورونکی مظلو مو سترگو تـــــه ونیو لی ، سر تر پایه یی ور تـــــه وکتل ، لمړی یی څو شیبی‌ور باندی وخندل او وروسته له هغه یی‌پداسی حال کی چی قهر او غضب یی لـــه

ورایه په سترگو او څیره کــــی بریښیده په ډیره غضب ناکه او له سپکاوی څخه ډکه لهجه ور تـــــه وویل :

– پیسی غواړی ؟ ... دځه‌شی پیسی ؟ ... ها؟ ...،،

بیایی ما شـــوم د ســـــر لندو – ویښتانو ونیو د خپل ځان خوا ته‌یی ور کش کړ او ورته تکرار یی کړه :

– وولیه دځه شی پیسی ؟... ها ؟ ....

او و ړوکی سگریټ پلورونکی په ډیره ویر جنه او وار خطا لهجه ځواب ور کړ :

–د .... س .... سگ

سگریټ پیسی ...

او مغرور ځوان چی دما شوم له دی ځوابه لا په قهر شو ، په‌ډیر قهر هلکی بیا دځا ن وخوا ته‌ورکش کړ ، ورته و ویل :

واخله ! ! ... ها ،ها ، ها ....

اوله دی خبری سره سم یـــی هغه په ډیر شدت پوری واهه ، بی گناه هلك په لندو ختوکی و لوید، سر تر پایه په ختو ولړل شـــــو ، دزړه سو ځوونکی ژړ اړغ یی پـــــه سړه هواکی د ځوا ن له مغـــروری خندا سره وپیچل شو او په ډیـــر شدت دموټر دخو ځید لو ږغ‌دالړی پریکړه .

بقیه صفحه ۴۲

قهرمان جهانی شطرنج...

بازی ها در باگیو (۹۳) روز طول کشید. در طول این مدت حریفان باهم (۳۲) بازی شطرنج را ادامه دادند که‌ازین جمله (۱۱) بازی آن با نتیجه خاتمه یافت حریفان (۱۵۲۷) حرکت انجام دادند و در عقب میز شطرنج (۱۷۵) ساعات راسپری کردند. این دور مسابقات کارپوف وکورچنوی نظر به سال گذشته بسیار حاد و هیجان انگیز بود حتی نظر به مسابقات سال (۱۹۷۲) بین روبرت‌فیشر و بوریس سپاسکی در ریکجا و یک‌مرکز مملکت ایسلیند که نتایج مسابقات در بازی ها دهم الی دوازدهم خاتمه یافت بمراتب جالبتر و دیدنی بود.

هفت بازی اولین کارپوف وکورچنوی با موفقیت های متغیروبی‌نتیجه پایان یافت در دور بازی هشتم کارپوف با قربانی یکی از «پیاده» های وسطی توانست (شاه) حریف را تحت حمله شدید قرار بدهد و بازی را به نفع خود خاتمه دهد.

بعد از سه بازی دیگر حریف توانست توازن را برقرار ودر بازی سیزدهم ابتکار را در دست گرفت و در لحظه‌بازی ناتمام به روز آینده موکول میشد کورچنوی در شرایط مساعدتر قرار داشت در روزی که بازی ناتمام باید خاتمه می یافت کورچنوی بطور غیر مترقبه رخصتی گرفت.

در روزهای که بازی ها بشکل ناتمام باقی ماندند لابراتوار سازندگی کارپوف شب و روز کار میکرد. درین لابراتوار معاونین کارپوف شامل بودند و عبارت بودند از:

- یوری بالاشوف که‌در قسمت شطرنج دارای فکرو خاطر بسیار عالی میباشد.
- ایگور زایتسف شطرنج باز بااداتش عالی که در قسمت حل ناگهانی شطرنج از مهارت زیاد برخوردار بود.
- قهرمان جهانی سابق شطرنج‌میخائیل تال که به گفته خودش از شعبه کنترول تخنیکی (لابراتوار) بازرسی می نمود و نقایص را زودتر درک میکرد.

تحلیل مسایل معمولا به شکل جوره‌ئی صورت میگرفت و بعد با همدیگر درمورد مذاکره میکردند. درعین تحلیل موضوع کارپوف نکته ضعف را بطور آنی درک میکرد و مباحثات سر از نو آغاز میشد.

رفقای کارپوف‌به‌بسیارزحمت‌او را وادار میساختند تا به خواب برود و برای بازی های آینده نیروی خود را حفظ نماید. ساعات چارو یا پنج شب میبود که کارپوف به بسیار زحمت موافقه میکرد وصبح با نوشته ها و نظریات جدید نزد رفقا می‌آمد. این نظریات رادر وقتی طرح میکرد که همه معتقد بودند او خواب است. روز آینده بازی چاردهم آغاز گردید. در یک روز باید دو بازی‌ناتمام خاتمه می یافت در حالیکه حریف در هر دو بازی شانس خوبی داشت اما مسابقات را شانس خوب نه بلکه بازی کیفی اناتولی کارپوف به نفع خود کشانید.

کورچنوی و معاونین فنی او که از شطرنج‌بازان انگیسی کین،ستین، شطرنج باز ارجنتاین پانو و شطرنج باز اسرائیلی موری تشکیل یافته بود نتوانستند به‌نکات باریک بازی سیزدهم پی ببرند. درلحظات اول حرکات دلیرانه کارپوف برای حریف غیر مترقبه بود. در نتیجه حریف رشته را ازدست داد وبازی سیزدهم را باخت. به عین ترتیب در بازی‌چاردهم نیز مغلوب گردید. اناتولی کارپوف با سه پیروزی ویک باخت ابتکار را در دست گرفت.

در بازی هفدهم از ویکتور کورچنوی حوادث بسیار ناگوار استقبال کردند

درین بازی کورچنوی بازهم نتوانست به عملیات کارپوف پی ببرد و مغلوب شد.

پیروزی کارپوف بطور نهائی‌بسیار نزدیک شده بود. درین وقت کورچنوی رخصتی میگرفت وعازم مانیلا شده در مانیلا به مقامات رسمی پیشنهاد کرد تا پرده آینوی گذاشته شود وتماشاچیان نتوانند از جریان مسابقات دیدن نمایند بعد از شش روز تفریح مسابقات دوباره آغاز شد و نتایج چار مقابل یک در کارپوف احساسات منفی را بوجود آورد زیرا فکر میکرد که پیروزی در چند قدمی او قرار دارد به این لحاظ بود که در بازی های هژدهم، بیستم، بیست و دوم و بیست‌پنجم کارپوف به بسیار مهارت بازی ها را آغاز کرد اما در لحظه نهائی اشتباهاتی رخ میداد که‌به‌نفع اوصدمه وارد میکردند بعد ازینکه کورچنوی بازی بیست‌ویکم را به نفع خود خاتمه داد فاصله بین هردو نزدیکتر شد.

بعد از بازی موفقانه در دور بیست هفتم کارپوف توانست دوباره بالای حریف پیروزی حاصل نماید و نتایج را تا سه نمره اضافه تر به نفع خود بکشاند و ضرور بود تا یک پیروزی دیگر حاصل نماید ومسابقات رابطور نهایی به نفع خود برساند. اما تا وقتی که این پیروزی نهائی را حاصل کرد روزهای دشوار دراماتیک را تحمل نمود.

چون کارپوف درین وقت روحا وجسما بسیار خسته شده بود در بازی های او اشتباهات دیده میشد. قبل ازینکه کارپوف عازم باگیو شود پنج ماه مسلسل از تخته شطرنج دور نمی شد و روز و شب بطرف دانه های آن میدید ومسایل مغلق آنرا باخود حل میکرد در نتیجه بسیار خسته شده بود. رخصتی های که در خلال مسابقات کارپوف میگرفت اصلا رخصتی گفته نمیشد زیرا درین روزها هم کار به شدت ادامه می داشت و با رفقای خود در مورد مسایل مغلق شطرنج مذاکره میکرد.

درنتیجه پیروزی نزدیک بالای‌کارپوف تاثیر روانی را وارد نمود. زیراوقتی که فکر شود کار تقریبا به اتمام رسیده با نیروی مکمل انجام آن بسیار مشکل میباشد و انسان نمیتواند در لحظات اخیر فعالیت مکمل خود را بکار اندازد کارپوف به عین ترتیب این نکات را یاد آوری میکرد و به بسیار نرمی اعتراف می‌کرد « من انتظار تسلیمی را داشتیم

به این ترتیب اناتولی‌کارپوف‌در طول سه سال که قهرمان شطرنج جهانی بود از (۱۸۶) بازی فقط (۶) آنرا باخته بود در باگیو نیز فقط دوبار مغلوب شد در عین حال از چار بازی سه بازی آنرا (که دو بازی در نتیجه اشتباهات صریح بوقوع پیوست) که در عین حال برای کورچنوی نیز غیر مترقبه بود باخت و بازی به مرحله پنج مقابل پنج رسید.

درین وقت‌ضرور بود تا کارپوف ازتاثیر روانی مغلوبیت های خود دورتر شود بنا رفقایش تصمیم گرفتند تا عازم مانیلا شود. درین وقت تیم منتخب باسکتبال اتحاد شوروی در مانیلا در بازی نهائی قهرمانی در مقابل تیم باسکتبال یوگوسلاویا قرار گرفته‌بود. گرچه تیم باسکتبال اتحاد شوروی درین مسابقه مغلوب شداما کارپوف به حالت بسیار خوب به شهرباگیو برگشت و مانند دونده های که‌فاصله های زیاد را طی میکنند در دقایق اخیر نفس دو می پیدا می شود با حالت نورمال وارد مسابقات شد.

در بازی سی و دوم کارپوف به حملات نهائی پرداخت ومعتقدبود که این بازی نهائی خواهد بود که به پیروزی اش خواهد انجامید. کارپوف بازی نهایی را مانند قهرمان ها انجام دادو به حریف موقع نداد که به حملات متقابل دست‌بزند غرض اتمام‌بازی ناتمام سی‌و دوم کورچنوی حاضر نه شد. همچنین در محفل رسمی اختتام بازی ها نیز حاضر نگردید وبه بسیار زودی ازشهر باگیو عازم مانیلا شد وپروتست نوبتی از خود به اعضای حکم گذاشت. حکما، سازمان دهان بازی ها، رئیس فدراسیون جهانی شطرنج و بعد کانگرس فدراسیون جهانی شطرنج تقاضا های بی اساس کورچنوی را بکلی رد کردند.

در بازی اخیر کارپوف استعداد‌مکمل خود را ظاهر ساخت. در نتیجه در تاریخ مکتب شطرنج‌اتحاد شوروی صفحه دیگر زرین جا گرفت.

بقیه صفحه ۹

شمه یی از جنایات ضد بشری...

وزارت خارجه کمپوچیا طی ابلاغیه یی که‌در جولای ۱۹۷۹ بارتباط به کمک عساکر ویتنام‌به عساکرکمپوچیاانتشار دادگفت بموجب معاهده دوستی و همکاری بین جمهوری خلق کمپوچیا و جمهوریت سوسیالیستی ویتنام، اردوی خلق ویتنام به اقامت خوددر کمپوچیا بمنظور کمک بانیروهای مسلح کمپوچیا برای از بین بردن عناصر باقیمانده طرفدار رژیم فاشیستی پول‌پوت، ینگ‌ساری وسایر عناصر مرتجع ادامه خواهند داد. موجودیت اردوی خلق ویتنام در کمپوچیا کاملامربوط به‌روابط برادرانه دو کشور است وکدام کشور دیگر را تهدید نمی‌کند، مادامیکه توسعه کلبان‌منطقه وامپریالیستان طرح های مداخلوی خودرا راجع به کمپوچیا ترک داده، استقلال وحاکمیت ملی جمهوری خلق کمپوچیارا برسمیت بشناسد آنگاه اردوی خلق ویتنام بلافاصله‌ازکمپوچیا خارج خواهد شد.

جمهوری خلق کمپوچیا باپیروی‌از سیاست زیست باهمی مسالمت آمیز ودوستی‌باهمه‌ملل بدون‌هرگونه تبعیض وبراساس احترام‌متقابله وعدم مداخله درامور داخلی یکدیگر، طور روزافزون حمایت‌ملل‌جهان‌راجلب میکند خلق کمپوچیا با پشتیبانی بین المللی جمع نیروهای طرفدار صلح‌وموکراسی‌وترقی‌اجتماعی مخصوصا باحمایت‌دول مترقی وسوسیالیستی برجمیع‌طرح های امپریالیستی علیه کشورشان غالب‌خواهند شد وکار عمران مجدد ملی واعمار یک جامعه پیشرفته وعاری از هر گونه ظلم‌واستثماررا‌طور مطمین به پیش خواهد برد.

د۱۳مخ پاتی

خواړه تاسی جوړوی...

رشد کی زیات مو ثر دی دژوندا نه دپیل نه‌د بلو غی (ځوانی) ترپایـه پوری دبدن په وده او نه تکا مل کی تعین کوو نکی نقشس لو بوی .او دامید وا ری اوشیدو ور کو لـو په‌وخت کی‌دوجوداړتیا دی ویتـا‌ـ مین ته زیاته وی .

داویتا مین دکلسیم او فا سفـور جـذب دکلمو څخه ممکنـوی ددی ویتا مین کموا لی‌دهډو کی دپا ستة کیدواو کړیدو سبب کیږی . ددی ویتامین دکموا لی له کبله دکلسیم‌او فا سفور دزیات اخیستلو سره سره دهغوی جذب دکو لمو پوا سطه‌صو‌ـ رت نه نیسی څر نگه چی دهډو کی پاسته کیدل او کوږوا لی په ماشو‌ـ مانو کی زیات لیدل کیږی لدی کبله دگرانی میندو پا ملر نه دی ټکو نه اړوم .

ویتا مین لازم مقدار دلمر دوړا نگو دمعرو ضیدو لیاری وا خلی .

باید ووایم چی زموږ دگـران‌ـ هیواد افغا نستان شین اوځلیدونکی آسمان په نړی کی بی سا ری دی موږ ته لازمه ده چی دهغه‌نه دگټـی اخیستلو لیا ری زده کړو اودطبیعت ددی ارزا نی نه‌چی زموږ هیــواد په‌حـق کی لری زیا ته انـدا ره استفا ده وکړو .

ویتا مین ای :

څرنگه چی وو یل شو چـی دا ویتا مین په‌غوړو کی‌دمنحلو ویتـا‌ـ مینو له ډلی څخه دی او دتو دوخی په‌مقا بل کی مقاوم دهغه کموا لی‌د عضلو یو ډول التهام منځته راوړی چی دبدن دعضـلا تو دکمزور تیاو



سستی سبب کیږی . غو ړی پنبه‌ـ دانه ،جوار ،کا هو او د نا رنج پو‌ـ ست ددی‌کا فی مقدار په ځان کـی لری .

مین دی په کموا لی اخته نشی باید هغوی‌دلمر وړا نگو ته‌وا چول شـی که په ورځ کی۵ـ۳۰ دقیقـــو له پاره ما شوم لوڅ لمر ته وا چول شی کافی اندازه ویتا میــن دی د هغوی دبدن په پو ستکی کی جوړ‌ـ یږی ور یځ دوړی ،کا لی شیشه‌ددی ویتا مین دجو ړ یدوما نـع دبـدن په پو ستکی کی کیږی .ددی‌ویتامین مقدار په هغو غـذا گا نو کی‌لکـه‌د چرگی هگی ، کوچ، شیدی ،ځکر نظـرو بیلو بیلو مو سمو او ځـای توپیر لری .چی دمحا سبی لـــه نظـره د ډاډ وړندی . لدی کبلـه که دځان اوخپل ما شو ما نوروغتیا سـلا متی او ښکـلا غوا ړی نوددی

ویتا مین ك :

دا ویتا مین چی دخون ریزی‌ضد ویتا مین پنا مه‌مشهور دی دخـو‌ـ نریزیو پوخت‌دوینی‌دلخته‌کیدو په‌عملیه کی ستر رول لری.ویتا مین ك‌دتو‌ـ دو خی په مقا بل کی‌مقاوم دی‌اماد رنـا په مقا بل کی ډیر حسا سـ دی ددی ویتا مین کموا لی په‌اثــر دوینی دریدل زیات وخت نیسی. دنبا تاتو شنی پا نی دك ویتا میـن مهم منا بـع گڼل کیږی .

نوربیا

بقیه صفحه ۳٦

چگونه‌علاج امراض

ازطبیعت بوجود آمده باشد میتواند موثــر ثابت شود ٠

امروز به‌اثرزحمات دانشمندان مواد کیمیاوی زیاد کشف گردیده که میتواند با علل دایشه امراض مبارزه نموده آنها راز ازدیادو تکثراز حدبیش تر میتواند جلو گیری نماید ٠ ایـن که چگونه میتوان بامواد کمیاوی علل امراض مانند سفلس ودفتری رااز میان برداشت‌زحمات زیادی ر لازم وضروری داشت ٠ کشفیات‌پاك ایریچ در مورد مبارزه و محودیشه های‌امراض سفلس مانندگلوله‌بودکه‌فقط ریشه‌واساس‌مرض را مورد حمله قرار داده بود ٠

پال آدم عجیب بود اواز طعن واتبامات که‌به اومی بستندهیچگاهی‌دل‌افسرده وپژمرده‌نمی‌شد اوبا دقت واحتیاط کارش را دنبال میکرد او عقیده راسخ‌داشت که براتهامات ناجوانمردانه آینده‌پالیزم میتواند بابر هان عملی وقوانین عینی تکامل غلبه حاصل کند که کارو فرجام کارش نیزبه همینگونه که او عقیده داشت‌منجر گردید ٠

دانشمندبزرگ جاپانی‌سهوچی روهاتایزباپال در تحقیق وکشفیات علمی کمك های لازم بعمل آورد دوش به دوش بااو باهمکاران وشاگردان که در موسسه به آنها کار می‌نمود در آموزش پیدایش علل امراض موفقیت های بـــدست میامددند ٠

بودجود آوردند در ابتدابنام ایریچ‌ـ هاتا ٦٠٦ ادویه را که آنها برای تداوی مرض‌سفلس یاد می‌شد بعدها این‌نام به اسم سلفرنن‌مسمی گردید ودر سال ۱۹۰۸ موفق به دریافت جایزه لوبل گردید کمپنی هوخست برای اولین مرتبه به مقدار٦٥٠٠٠ این ادویه را تولید نموده طور مجانی به اطب در سراسر جهان تقدیم داشت٠

پال در روز ۱٦ ساعت کار میکرد در آن روز گار رهبران متعصب مذهبی اورابه باد تکفیر بستند وجزای برای او تعیین نمودند٠ پال درسال ۱۹۱٥ به عمر ۱٦ سالگی چشم از جهان بست ٠ او در زندگی کم نان میخورد‌ـ کمتر سگرت می‌کشید اما ۲٤ دانه سیگار رادر یك روز کار ترجیح میداد ٠ پال کمتر علاقه به تفریح وخوشگذرانی داشت ٠

درسال های ۱۹۳۳ و ۱۹٤٥ تلاش هــای صورت گرفت که مستبدین‌طرفداری هتلر کلیه دست آورد هاو کشفیات اورا نابودسازند٠ اما باوجود تلاش های مذبوحانه آنهانتوانستند جلو رشد و تکامل علوم را سد سازند بعدها موسسات تحقیقاتی دگری بنام پال درسراسر اروپا باز گردید که‌در هرجا نام اوبه افتخار وکمال احترام یاد می‌شد ٠

په پرمختیایی ...

په بیلابیلو پرمختیایی هیوادو نوکی‌دکار اوعمل پروگرام طرح اوپه کور نیو نړیو مو اوبشری قواو باندی زیاته قوه واچوله شی ٠

دزاگریپ په ښارکی دپر مختیایی هیوادو په مدور میز کی درایوپه قاطع اکثریت موافقه وشوه چی په ځان باندی داتکاداصل دپیاوړ تیا او دیوه نوی نړیوال‌اقتصادی نظم دجوړولو دپاره دپرمختیایی هیوادو په‌مینځ کی دصمیمانه همکاریو موضوع ډیره مهمه اویوضروری کار گڼل کیږی٠ همدارنگه دغذایی‌موادو دتولیداتو دسطحی دلوړولو اوپه اقتصادی او تخنیکــی چاروکی دیوه کیفی بدلون درامنځ ته کولو دپاره دپرمختیایی هیوادو نو ترمنځ پـه زړه پوری همکاری یو مهم کار بلل کیدای شی٠ پرمختیایی هیوادونه‌که چیری‌وغواړی چی‌دیوه نوی نړیوال اقتصادی نظم‌دجوړیـدو دپــاره کاروکړی بایدتر ټولو دمخه پخپلو مینځو کی سره یوموټی شی او هرډول کپتالستی‌اقتصادی مانور وسره مبارزه وکړی ٠

په زاگریپ کی دپرمختیایی هیوادونــو استاز وپه دی خبره باندی ټینگار کړیدی چی داجتماعی اصلاحاتو ستر اتیژی‌په پرمختیایی هیوادو نوکی دلوړی دله مینځه وړلوسره لویه مرسته کولای‌شی٠

دمدور میز په خبر وکی موافقه‌وشوه چـی دځمکو ددموکراتیك اصلاحاتو داصل دپه نظرکی نیولو سره باید کروند گرو او باغ لرونکو دکرنی ضرورت وړ ماشین الات برابر کړل شی اوپه ضمن کی ورته دکرنی دترویجی او اصلاحی چارو په باب ټولی نوی طریقی او عصری میتودونه و ښودل شی ٠

بقیه صفحه ٤

امپریالیزم عمده‌ترین...

پوشیده نیست . این به اصطلاح مدافع حقوق بشر طی بیست‌سال تجاوز وجنگ افروزی در ویتنام صدها هزار انسان بیگناه ووطن‌پرست را مقتول ویا معدوم نمودو پست ترین اعمال‌غیرانسانی‌وخلاف کرامت انسانی وحقوق بشر رادرین سر زمین مرتکب شد. از ناپالم گرفته تا بمب های مکرو بی‌وکیمیاوی برخلق ویتنام قهرمان‌استعمال نمود مزارع رابه آتش کشیدوحتی بااستعمال مواد کیمیاوی زمین ها را غیر قابل زرع ساخت .

آری، این است شمه‌ای ازخدمتگذاری های بشر دوستانه‌و آزادی‌طلبانه ای !؟ امپریالیزم که امروز بابرخ کشیدن پرده‌ی حقوق بشر!؟ وآزادی!؟ جاروجنجال بزرگی‌را براه انداخته است. وهر قدر انسان هاآگاه تر می شوند امپریالیزم نیز جامه بدل می کندو تازه ترین شکل تعمیل امیال استعماری خو را علاوه از طریق مستقیم ومداخله مستقیم سرو‌صورت می دهد بلکه با دست نشانده ساختن و منقاد ساختن وتطمیع ممالك مختلف در مناطق مختلف جهان بهر سو دست اندازی می کند .

امپریالیزم ودر راس امپریالیزم امریکابا براه انداختن‌توطئه ها ودسیسه ها درمناطق‌مختلف جهان فکر می کند که در هر جا که بخواهد مانند چلی‌پنو چت هارا بر سر قدرت آورد وآنرا محافظه نماید تا خلق رابه خاك‌وخون‌بکشد ولی این امر در عمل ثابت شده است که ناممکن می باشد چنانچه پنوچت وطن ما (حفیظ امین جاسوس)راباوجود بکار بردن هرنوع‌حیل ونیرنگ نتوانست از طوفان خشم خلق برهاند .

جای بسیار تاسف است که در مناطق مختلف جهان مرتجعین برسراقتدار کشور های آله ای دست وپیاده کننده ای نقشه های محیلانه امپریالیزم می گردد که خلقهای خود آنکشور ها درطول تاریخ مورد دستبرد امپریالیزم قرارگرفته اند .

امروز دولت مصر در شرق‌میانه وپاکستان در منطقه ی‌جنوب آسیا، پیاده کنندگان‌نقشه های دسیسه کارانه‌ای امپریالیزم امریکا می باشد چنانچه :

دولت فعلی مصر بسر دمداری سادات این معامله‌گر نامدارتاریخ همه اعمال ودسایس ونقشه‌و دشمنی های امپریالیزم را که در حق خلق عرب وبخصوص‌مصر نموده بباد فراموشی‌سپرده ‌وعلاوه از آنکه باسازشی ننگین کمپ‌دیوید نام‌سیاه خود را در تاریخ ثبت نمود اینك بحکم امپریالیزم امریکا، دسایس آن دولت وآقای کارتر رادرحاشیه ای سرحدات ماعملی می‌نماید وازدارایی خلق تاراج شده ای مصر کمك های حاتم طایی مابانه ای با ‌به‌اصطلاح مهاجرین افغانی انجام می‌دهد .

هکذا جنرال ضیاء الحق که زمام امور کشور برادر مسلمان وهمسایه ای ما رابدست دارد با اعمال عاقبت نه‌اندیشانه‌ی خود با صلح وآرامی منطقه بازی میکند .دولت پاکستان تحت قوماندہ جنرال ضیاء کچکول خودرا از کمك های ؟!ممالك مختلف مملو ساخته است وبا اصرار زیاد به ولی‌نعمت خودوسعت این کمك هارا طالب است .

چندی قبل هنگامیکه برژینسکی (چون ارواح خبیثه وسر گردان) نغاره به اصطلاح موضوع افغانستان را بگردن در شمت وواردپاکستان شد. جنرال صاحب مصرانه‌از در بار امپریالیزم‌خواهان کمك های وسیع تر شد.

آیا جنرال صاحب اعمال دوستانه وغمخوارانه‌ای امپریالیزم‌انگلیس (سلف امپریالیزم امریکا) رادر مورد نیم قاره‌فراموش کرده‌است‌که حالا کشور اسلامی وبرادر ما را بهزرادخانه‌ای امپریالیزم تبدیل می نماید. به همه مرتجعین بصراحت اعلام می گردد که هر نوع‌تبلیغات واعمال تحریك‌آمیز تنها به سود امپریالیزم واستعماراست ومنطقه رانا آرام‌ساختن است.امپریالیزم امریکا که بااین فعالیت های خود می خواهد ژاندارم دیگری در منطقه ایجاد نماید (قبلا امپریالیزم‌امریکا رضا شاه را در ایران با پلان های وسیع پنتاگون بمثابه ژاندارم استعمال می کرد وطوریکه تاریخ شاهد است خشم خلق ایران بابراه انداختن انقلاب‌اسلامی ضد امپریالیستی این توطئه ها ونقشه هارانقش بر آب‌ساخت که این موضوع برای همه کسانیکه آله ای دست امپریالیزم قرارمی گیرند ازجمله‌جنرال صاحب سخت آموزنده است)وتوسط آن نقشه های تجاوزكارانه‌و مغرضانه خودرا عملی سازد ، امپریالیزم امریکا که سخت در جهان تجرید است وهمه به ماهیت اصلی آن‌پی برده است اکنون می کوشد که به زعم خودبا براه انداختن موضوع نام نهاد افغانستان ذهنیت جهانیان‌رااز اعمال شوم خود منحرف سازد .مگر همین حالا خلق آزاده یی‌ایران برای کشیدن انتقام ازین دشمن بشریت وجهت اعتراض‌علیه دفاع وپناه دادن شاه فراری ایران لانه‌ی جاسوسی امپریالیزم امریکا را از صد روز به اینطرف در اشغال خودنداردد؟

امپریالیزم امریکا که با از دست دادن اجنت خود در افغانستان (حفیظ الله امین) سخت دستپاچه شده است وصریحا مغرضانه علیه افغانستان اقدام وتبلیغ می نماید جز رسوایی وندامت چیزی دیگر بدست‌نخواهد آورد .چنانچه در مورد موضع مغرضانه ای امپریالیزم امریکا بعدازپیروزی مرحله دوم و تکاملی‌انقلاب ثور در مصاحبه ای تاریخی هجدهم دلو ١٣٥٨ نطاق وزارت امور خارجه افغانستان چنین گفته شده است :

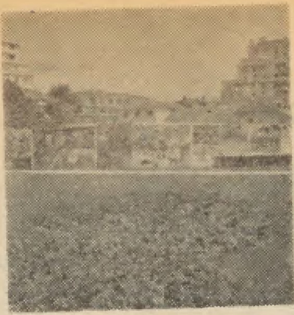
«مسافرت برژینسکی به پاکستان وبعضی کشور های شرق‌میانه وبطور خاص دیدار وی از آنچه‌منابع امپریالیزم کمپ پناهگزینان می نامند ،ادامه موقف مغرضانه ای است‌که‌امپریالیزم امریکا در مورد افغانستان بعد از مرحله ی‌جدید انقلاب افغانستان اتخاذ کرده‌است ...» خلق های مسلمان سراسر جهان از افغانستان وپاکستان ومصر وغیره هیچگاه فراموش نمی کنند که این امپریالیزم ودر راس امپریالیزم امریکاست که‌باعث سرگردانی آوارگی بیچارگی وفقر آنها شده است وبه مقدس ترین مقدسات مذهبی آنها خیره سرانه بازی می‌نماید واسرائیل صهیونیست را بمثابه او باش تجاوزگر تطمیع‌و مسلح می سازد .

زنده باد خلق های آزاده جهان روی‌امپریالیزم مانند همیشه سیاه باد

دیوار های جدید

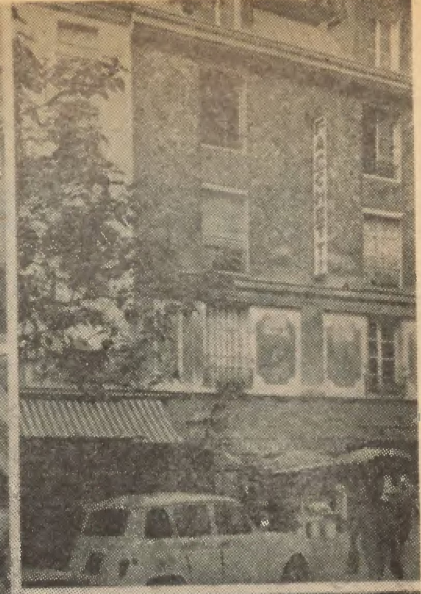
ود یکوزیشن برای زیبایی منازل دانست .کسیکه تا اندازه در این هنر آشنایی دارد می داند که این نوع نقاشی ها بیشتر جنبه تفریحی دارد تا هنری بهر حال چه این نقاشی ها بر خوردار ازمحتوا باشد یا نباشد برای دیوار ها وساختمان ها بیکه فاقدزیبایی اندیکنوع پوشش بشمار میرود ، ولی‌این پوشش‌نظر بذوق نقاش فرق میکند ، وشاید نقاش هم دراین امرمسولیتی‌نداشته واو بیشتر ذوق ونظر فرمایش دهنده‌رامراعات‌نموده باشد .

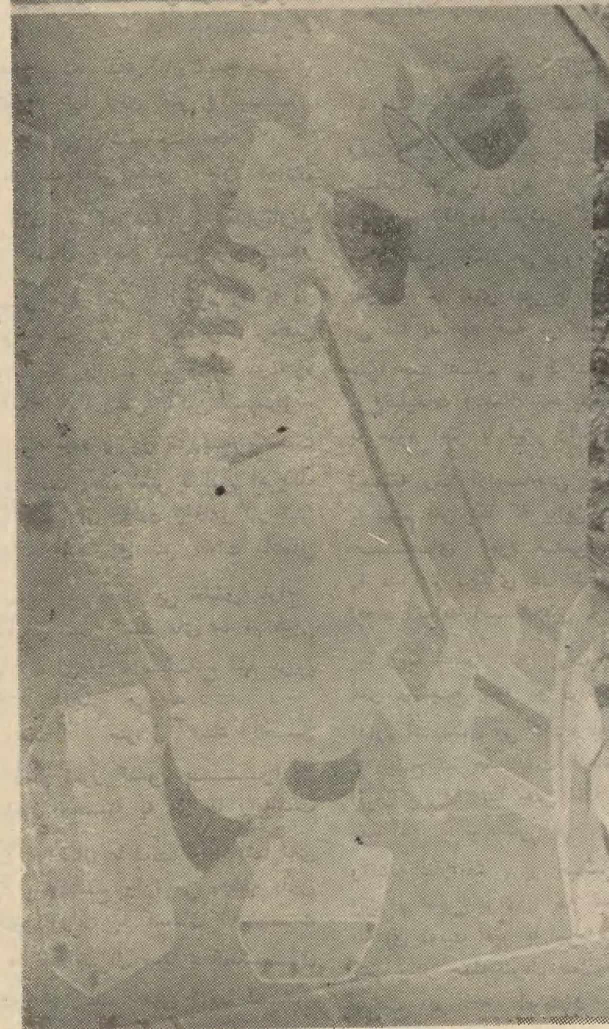
بهر صورت این نقاشی های دیواری نظر به دید اشخاص‌فرق میکند .یکعده آنرا ستوده اندو عده دیگر هم‌از آن انتقاد نموده اند وآنرا فاقد زیبایی‌وهنر دانسته اند ،تا نظر شما چه باشد .



چند نمونه از دیوار های رنگـ شده







چند نمونه‌از نقاشی‌های‌دیواری‌که بعضی از آن‌فاقد زیبایی انـدوبرخی دیگر آن ...

ترجمه : ر، ا

دیوارهای جدیدبرای‌شهر

نقاشی‌روی‌دیواریاپدیده‌یی‌تازه‌که‌راه‌خودرا بازکرده‌است

از چندی بدین طرف موج‌نقاشی های روی دیوار در اروپا رواج‌فراوان یافته است .بعضی از ایـــن نقاشی ها طوری است که بیننـــده و تماشاگر را متاثر میسازد، زیـرا این نقاشی ها جزرنگ آمیزی روی دیوار های کج‌و معوج چیزی دیگری نیست ،اما برخی دیگر آن تا اندازه دارای زیبایی اند که میتوان به آن نقاشی گفت .

نو آوری وتازه آفرینی امروز در بسیاری از هنر ها دیده میشودلاکن نقاشی های که در بعضی از دیوار هادیده میشود فاقد این تازگی است زیرا نه با معیار های قبول‌شده نقاشی برابر اند ونه توجـــــه بیننده را جلب میکند .

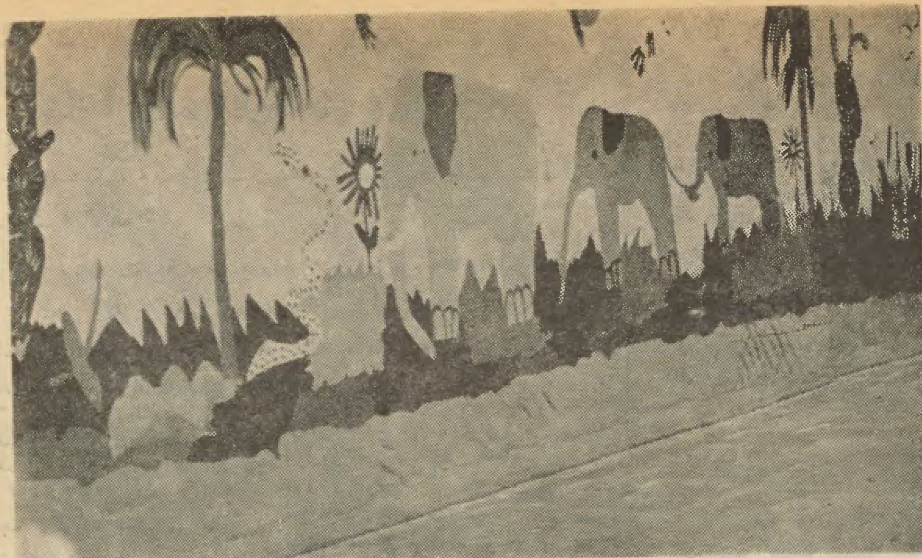
بعضی از این نقاشی ها عـلاوه از اینکه فاقد زیبایی اند آزاردهنده نیز است مانند دیوار های منعکس کننده که از رنگ‌های‌تندو درخشان بیشتر کار گرفته شده است .

این نقاشی های دیواری‌بیشتردر ساختمان های بکار رفته که فاقـد زیبایی منظره بیرونی اندو صرف بخاطر پوشاندن عیوب این دیوارها است .رهگـذر نابلد وسیاح که این نقاشی ها را مشاهده میکند بادیدن آن متاثر میگردد زیرا تصور مـی نماید که هنر نقاشی چقدر رو به زوال نهاده است . واین هنر زیبـاو کهن‌صرف‌به‌همین‌نقاشی های دیواری محدود مانده است‌و بس .

یکعده کسانیکه این نقاشی ها رادیده اند در مورد چنین ابرازنظر میکنند بعضی آن نقاشی ها ماننـــد سراب است وفریب

مسافر یکه از دور این نقاشی هـــا ی دیواری‌را می بیند بتصور اینکـــه هر چه است در همین جاست بسوی باغ‌و بوستان می شتابد ولی هر قدر نزدیک‌میگردد بیشتر به حقیقـــت آگاه‌میگردد وبالاخره جز دیوار رنگ شده چیزی نمی یابد.

باید گفت که این نقاشی هـای دیواری چیز تازه‌و بکری نیست. این شیوه هزاران سال قبل از امروز رواج داشته است ،با ایـــن تفاوت که در آن روز گاری نقاشی هـای دیواری از وسا یـــل محدود تری نسبت به امـــروز برخوردار بودند . ونقاشی تــازه راه خود را در قطار سایر هنـــر هاباز کرده بود .



گا هی این نقا شی ها فر یبنـده‌است

در نقا شی دیوا ری که امروزدر اروپا رواج پیدا نموده استعـلاوه بر پو ششی دیوار ها تو سط رنگ وروغن، احیای هنر قد یم بیشتـر مدنظـر است .وقتیکه به ساختمان هاومعا بد قد یمی نظر می اندا زیم بعضا روی دیوار های این معا بـد وسا ختما نها نقا شی هــــای را های را مشا هده میکنیم که تر سیم کننده زند گی آن عصر بوده‌ونشان دهنده هنر نقا شی آنز مان‌میباشـد از این رو تر سیم روی دیوار هــا وساختمانهایکی‌هم حفظ‌هنرقدیم‌است این‌سخنان را یکی از نقا شان بیان داشت .

یك مو ضوع دیگر هم در امر نقاشی روی دیوار ها وجود داردو آن‌زیبا سا ختن پس منظر ایــن دیوار ها وپنهان نگهدا شتن نـاز- یبا یی های دیوار از چشم ها ست. اکثر این نقا شی روی دیوار هــای فا بر یکه هاوسا ختمان ها بیکـه از طرف بیرون منظره زیبا یــی ندا رند صورت گر فته است .

اما بطور کلی این نقا شی هــا صرف برای پو شا ندن عیوب دیوار ها نیست ،بلکه بیشتر این نقا شی هاجنبه هنری دا رد .

مثـلا در فرانسه در بعضی ســا- ختما نها مخصو صا روی دیوارهای بیرو نی نقاشی های وجود دارد که واقعا ازز یبا یی زیا دی بر خوردار است .

در نقا شی های دیواری هدف عمده دیگری نیزمطرح است وآن عکس العمل شد ید یك عده‌نقاشان جوان در برابر سود جو یی ها یی شخصی ومنفردانه بعضی میلو نـر هاوصا حبان ثروت این نقا شی‌هایی دیواری باعث شده که یکعده زیادی از نقا شان وهنر مندان جوان مصر- وف کار گردند وکار مشتر کی برای آنان ایجاد گردد .یکعده هم چنیـن عقیده دارند که تغییر دادن دیوارها وسا ختمان ها تو سط نقا شی یـك مساله مهم ویك پرو بلم عمده نبوده اگر از جنبه یی سمبو لیك ایـن نقا شی ها بگـذر یم، باید گفتـه شود که این کار ها فرود ونزول‌هنر نقا شی را نشان مید هد .وتمـام این‌کارها جز تظاهر چیزی دیگـری نیست .

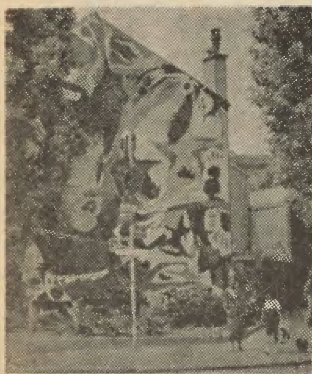
اما بعضی از این نقا شی هـای دیواری وا قعا زیبا وجا لب است یکی از بیند گان در مورد این نقاشی هاچنین ابراز نظرمیکند: منــزل من‌نزد یك این‌سا ختمان های نقـا- شی شده است . من‌هر روز مشاهده میکنم که عده زیا دی از این‌نقا شی هادیدن میکنند واین امر با عـث شده که بازار یك عده از دو کـا- نداران رونـق داشته با شد .

آر تیستا نیکه این نقا شی ها را بو جود آورده اند یك عمل مثبـت رابرای اجتماع شان انجـام داده اند... وقتیکه برای نقاشان‌وهنر- مندان کاری در آتیله ها وکار گـاه های شان وجود ندا شته با شـد این مصرو فیت ها تا اندازه میتواند آنان را را ضی نگهدا رد واین عمل شان نو عی ار تباط معنوی اسـت با اجتماع شان .

عده دیگر هم چنین عقیده دا رند: برای زیبا سا ختن دیوار ها وسـا- ختما نها این چنین نقا شی ها امـر لازمی وحتمی نبوه بلکه‌میتوان از راه های دیگر نیز بر زیبا یی‌آن‌افز- ود مانند پاك نگهدا شتن‌این ســا- ختما نهااز دود وبعضی کثا فات دیگر .

یکعده دیگر با تما شای ایــن نقا شی های دیوا ری میگو یند : وقتی انسان به این رسمها مینگرد فاصله وتفا وت که میان آثار نقا- شان حر فوی وپرو فیشنل وآماتور وجود دارد بخو بی مشا هده‌می نما- یند هر قدر انسان به این رسمـها دقیق گردد بیشتر این فا صله‌وتفا- وت‌هارا می بیند لاکن با تمام اینها این‌شیوه‌واشکال در ذات‌خودبی‌نتیجه وخا لی از فا یده نیست . مهمترین اصل که در این نقا شی هامشاهده میشود کار جمعی را نشان مید هد واین خود وسیله ار تباط است بیـن نقاشان وهنر مندان .بهرصورت‌این نقاشی‌های‌دیوار هارا می‌توان تزئین

بقیه در ص ٥٥



بعضی از این نقا شی هابه‌شیوه خاص ترسیم شده



نمونه‌یی از نقا شی روی دیوار کـه‌بیشتر برای زیبا سا ختن منظره بیرو نی بکار رفته است .

درباره سودمندی ...

تصحیح ویاد آوری :

باپوزش وعذر خواهی فراوان ازخوانند گان ارجمند ،متذکر میشویم که در مضمون «درباره سودمندی هنر» این شماره گسیختگی رو نما گردیده است که در واپسین دقایق چاپ مجله ملتفت گردیدیم. بنا بعداز سطر «برابر انسان می‌کشاید» «صفحه ۲۲» مطلب ذیل همین چوکات مطالعه شود، وآنگاه به آغاز صفحه (۲۳) مراجعه گردد.

تولستوی که طرفدار جستجوی عارفانهٔ حقیقت بود سالها بر این سوال می‌اندیشید که «چرا می نویسم ؟» وبالاخر بدان نتیجه رسید که هدف هنر مشابه هدف زبان است .

وآن وسیله متحد ساختن مردم میباشد درزیر سایه خدا ونـد وکلمه ارتباط نیز از آن منشاء گرفته است . از این رو هر هنری که این یکپارچگی تیولوژیك مردم را بر هم بزند معیوب است .

بدینصورت به وضاحت دیده می شود که تیوری های گوناگون زیبایی شناختی به سودمندی هنری و بدانکه هنر درخدمت اهداف غیر زیبایی شناختی قرار می گیرد باور دارند . واین مطلب صادق است بدون نظر داشت آنکه اهداف مذکور تکامل تاریخی را ممداند یامخل.

در واقع هنر هم لذت می بخشدو هم می آموزد . هم تنویر میکند و هم بر انگیزنده فعالیت و پیشرفت است در اینجا سخن بر سر هنر پیشرو است هنر ارتجاعی باتکای غرایز بیش از همه لذت می بخشد و مردم را به پستی می کشاند، به بیراهه می برد و تخدیر مینماید . هنر ارتجاعی مانع پیشرفت و تحقق ضرورت تاریخی است چنان هنری منفی ، معیوب و دروغین است و اما در دوران معیوب و بلهوس تنها همین هنر ارتجاعی را هنر می شناسند و تنها از آن پشتیبانی میکنند و آفرینندگان آنرا هر نوع مکافات میدهند .

و اما این دوره نیز میمرد و هنر ارتجاعی فقط مرگ اجتناب ناپذیر آنرا تسریع میکند . در چنان دوره یی هنر راستین ، مثبت وموید زندگی تنها هنر انقلابی میتواند باشد و آن هنری سودمند است ، در چنان هنر فعالیت بر تیوری وتخیل می‌چربد.

درکنار تیوری های سود جویانه زیبایی شناسی که ذکر شد تیوری های مخالفی نیز وجود داردکه جدید نیست .

ایراتوسفن «نخستین ادیب» الکساندری چنان نظری را پیش کرد که مطابق آن «شعر سرگرم می سازد اما نمی آموزد ». این نظر را سترابون رد کرده است در زمانهای اخیر کانت مفید نبودن را چون یکی از چهار صفت مشخصه زیبایی ذکر کرد . به تعبیر دیگر آثار زیبا بدون توقع سودی از آن ها خوش آیند میباشند یعنی کاملا بی غرضانه . این گونه تشخیص زیبایی انکشاف عقیده دیگر فیلسوف مذکور میباشد که عبارت است از « هدف بودن بی هدفی » بدان معنی که « هدف زیبایی خود آن است «یعنی» خود غایه خویش » است .

پستر سپنر با پژوهش در قوانین تکامل فرهنگ (تغییر ساز مانهای مختلف واهداف ووسایل نیل به اهداف) تایید کرد که:

دنبالهٔ آنـرا در صفحه ۲۳ بخوانید

د۱٤ مخ پاتی

دځمکی دآب اوهوا...

شته که چیری دار کتیك دسمندر گی دا ئمی کنگلو نه و یلی شی ددغی سیمی په زیاترو سیمو کی به بیا دژ می دموسم کنگلو نه تشکیل نشی .

دځمکی د تودوخی زیاتوالی دسمندرونو دسطحی څخه د بخار ونو پورته کیدل هم زیاتوی او احصا ئیو دا هم جوته کړی

دتوخی په صورت کـــی ولوړ و عرض ـ زیاتوا لی داوبو د تبخیر اندازه په پوره اندا زه زیاتوی لکه چی پورته ذکر شـــوی

دتو دو خی په صورت کی د لوړ و عرض البلد ونو دسیمو تودوخی د ټیټو عرض ـ البلد و نو د سیمو په پرتله لوړ یږی . د تو دو خی دد ر جو دغه تو پیر په تدریجی تو گه کمیږی . دکنگلو نو د ویلی کیدو او داوبو تبخیر د سمند رو نو او به زیا توی او دا امکا نا ت مو جو د دی چی د ځمکی پر مخ دو چو ځمکو ساحی هم کمی شی دغه حقیقت به دځمکی د کر ی په طبیعـــی پرو سواو د بشرپه اقتصادی فعا لیتو نوکی هم دپا م وړ اغیزی و کړی .

داو پره هم شته چی دمنځنیو عرض البلدونو سیمی یعنی د آسیا ، اروپااو شما لی امریکا په سیمو کی داو بو نشتو ا لی ا حسا س شی . دغه شان حالات په (۱۹۳۰) کا ل او (۱۹٦۷) او(۱۹۷۲) کلونو کی‌هم په نو موړو سیمو کی څه نا څه ولید ل شول خو پـــه غو څه تو که دا سخته ده ویــلی چی دراتلونکی هغه دوران داب او هوا په باب چی کنگل یکی نه وی څه وویل شی . خو په هـــر صورت ددغه دوران آب او هوا به بیخی دننی آب او هوا په نسبت بیخی تو پیر ولری.

دار کتیك ددایمی کنگلو نو دو یلـــی کید و په نتیجه کی به زموږ او سنی نړ ی آب او هوا د پلیو سینی دوری ته شبا هت پیدا کړی . د ځمکی دپا سه د پلیو سین دوره له دوو څخه تر دریو میلیونو کلونـــو څخه پخوا وه . ددغی دوری اقلیمی حا لت د ځمکی داتمو سفیر داو سنی حا لت سر ه پوره ور ته وا لی لری . همدا ډول دد غی دوری د سمند رو نوا ووچو حالت هم داوسنی نړی سره ورته وا لی لری . د پلیو سین د دوری ا قلیمی حالات دا څرگندوی چی‌ددغی دوری‌د تو دو خی اندازه د ځمکی د شما لی نیم کری کی د سا نتی گراد له دریو څخه تر څلو رو در جو پوری ددغی سیمی داوسنی تو دو خی په نسبت زیا ته وه . په همد ی تر تیب په دغه دو ران کی شما لی اروپا داب او هوا تو دوخی د سا نتی گراد لـــه منفی پنځو در جو څخه نه زیا تیده .

از مجله سایتس ورلد — ترجمه بریالی علی زاد

درصرف نمودن گوشت باید محتاط بود

ممکن سوالات گوناگون راجع به طـــرز تغذی انسانها در ادوار مختلف تاریخ نـــزد هرکس خلق شود وشاید یکی ازین سوالات این باشد که آیا مردمان مغاره نشین چــــه میخوردند ؟

اکثر مردم جهان به این عقیده اند کـــه مغاره نشینان ابتدایی ترین واولین گوشت‌خواران روی زمین بودند . مگـــر در اثر کاوشهای خستگی ناپذیر دانشمندان ایـــن حقیقت به اثبات رسیده که اجداد ما درازمنه های قبل التاریخ گیاه خوار بودند .

داکتر الان واکرانتروپولوجست پوهنتون جانس هوپکینس بمنظور اینکه فقط دریابد که اجداد مادر ادوار مختلف تاریخ چــــه میخوردند دندانهای فوسیلی انسانهای را که در زمانهای ماقبل التاریخ برروی زمین زیست داشتند تحت مطالعه قـــرار داد . (دنـدان فوسیلی دندانی را گویند که نظر به گذشت زمان به سنگ تحول نموده باشد .) داکتر واکر درنتیجه تحقیقات پیگیرش در یـــا فت نمود که انواع ذرات سیلیکا (ریگ) موجود در غذا خراشیده‌گی های میکروسکوپیك را بردند انها تولید مینماید . اینرا هم بایـــد خاطر نشان نمود که واکر میتواند بامشاهده دندان فوسیلی در تحت میکروسکوپ‌مخصوص معلوم نماید که آیا صاحب اصلی دنـدان گوشخوار بوده یا گیاه خوار ویا اینکه از گوشت وگیاه بطور مختلف تغذی مینمود .

باید گفت که داکتر واکر دندانهای آن انسانهای ماقبل التاریخ را تحت مطالعه قرار داده که درسالیان خیلی قدیم ازهوموارکتس (اسلاف قرین مردمان مودرن) میزیستند . ودرنتیجه در یافت که اوشان میوه خـــوار بودند .

همچنان در نتیجه تحقیقاتیکه بالای طـرز تغذی انسانانیکه همین حالا بشکل ابتـدایی زیست مینمایند صورت گرفته چنین نتیجه بدست‌آمده: غذاییرا که‌اوشان‌صرف مینمایند (٦٠ـ۸۰) فیصد آنرا میوه جات و نباتات تشکیل میدهد . وهم در نتیجهٔ مطالعات صحی که بالای ایشان بعمل آمده این حقیقت بــه اثبات رسیده که‌این مردمان نادرا به‌امـراض فرط فشار خون، چاقی وآفات شرایین اکلیلی قلب مصاب میشوند .

از روزیکه تمامی امراض فوق ،راه انکشاف سریع را نزد اشخاصیکه بخش عمده غذای روزمره شان را گوشت تشکیل میدهد د ر پیش گرفته دانشمندان طب اظهار داشته‌اند: اشخاصیکه از گوشت کمتر واز سبزیجات ومیوه جات استفاده بیشتر مینمایند نسبـت به‌اشخاصیکه‌گوشت بیشتر بیشترصرف‌مینمایند صحتمند تر ودارای عمر طولانی نیز انـــد .

همچنان معتقدند که : انسانها میوه جات و سبزیجات را نسبت به گوشت ، ماهـــی و گوشت مرغ زودتر وبهتر هضم مینمایند .

از حقایق فوق چنین استنباط میگردد که تغییر دادن طرز تغذی از گوشت خوری به میوه خوری وسبزی خوری متضمن صحـــت کامل وعمر طولانی برای ماست . و هـــم دانشمندان علم طب اظهارعقیده نموده‌اند که: در صورت استفاده بیشتر وبهتر ازسبزیجات ومیوه جات امراض قلبی وعایی، چاقی ودیابت (مرض شکر) راکه عامل عمده شان صرف نمودن گوشت وغذاهای‌نـــا در ست و غیـر متنوع قبول گردیده تقریبا رخت میبندد .



سلام به همکاران عزیز !

بعد از دعای سلامتی، تجدید مطلع میکنیم ومیگوییم که درشماره گذشته میبایستی بجواب نامه های شما میپرداختیم اما توفیقی نیافتیم واقبالش را از کف مادر ربودند واز سوی چه باید کرد ؟ من ماموروم ومعذور ، وشما هم همینگونه ... بهر صورت :

دوست عزیز محمد نذیر (زهیر) ماموروفنی برق دستگاهٔ پروان !

خوب کار میکنید و هیچ اندیشه یی بخود راه ندهید: آنقدرهم، این هردو(شعرونخنیك) از هم دور نیستکه باهم جوش نخورند، گرچه دوبادی امر این کجا وآن کجاست وشعر کجاو تخنیك کجا ... اگر از جز بیات شعر گفتن‌و کار فنی کردن بگذریم ، برای پاس داشتن علاقه وسلیقهٔ شما، توجه شمارابه این قصه جالب میکنیم :

میگویند ،وقتیکه فضا نوردان شوروی در آن سفینه تنگ فضایی خویش ، در آن فضای بی انتها ولایتناهی دردل آسمان ره میزدند ، باترنم ترانه هاوسرود هادلتنگی خودرا رفع مینمودند وشادمانه به انجام کارفنی خـود مشغول می شدند ..

وگویی اگرشعر وترانه‌نمی‌بود،دل فضانوردان درآن سفینه یی تنگ ودل آزاز از دلتنگی به ترکیدن‌می‌آمدوآنان‌رااز کارشان بازمیداشت!! بهر تقدیر اینهم گره خوردگی صنعت‌وتخنك باشعر وادب .

دوست عزیز، اشعارشما رااز نظر گذراندیم وبنابه‌خواست شما توصیه یی مااینستکه شعر بسیار بخوانید . اگر نوبه شعر گفتن دست بازیده اید ، حرفی نیست وبقول حافظ:

همتم بدرقه راه‌کن ای طایر قدس

که‌در ازست رهٔ مقصد ومن نوسفرم

در غیر آن در اشعار شما استحکام وبلندی کلام، دید شاعرانه، نحوهٔ بیان، وسعت ووفور واژه ها جای ندارد وفقط کلمات در قالب موزون کلام ریخته شده است ودیگر در فکر نبوده‌اید که کدام کلمات درقالب شعرریخته شود که شعر پخته شود ... عجالتا یك یادو پارچه شعر شما را به رعایت نوبت، درصفحه دوستان به نشر میسپاریم ، حرف بقیه را میگذاریم به بعدکه چه میفرستید. اماد موزد اینکه گفته اید (این پارچه شعر بعداز چاپ در مجله ژوندون ، بایست توسط رشیده‌ژاله .... ازطریق تلویزیون نیز فرائت گردد ..» مارا متعجب ساختید وفکر مارابه قصه یی انداختید که خود هم می فهمیدبرای پرهیز از پرگویی، قصه را مختصر میگوییم، میگویند: اسپ سواری را به ده راه نمیدادند ولی او تقاضا داشت که اسپش رادر خانهٔ ملك ببندند به انتظار همکاری تان .

دوست گرامی‌ا، س، ج متعلم‌صنف دوازدهم

فکاهی ارسالی‌تان‌رسید،ودریکی ازشماره‌های آینده بچاپ میرسد وانتظار فکاهیات پرخنده‌یی دیگر شما را داریم وراستی نقشه رانمیفهمید اگر نه پدر محترم مش هـــم چنین کلان کلان نمی گفت . به امان خدا ملانصرالدین ..

دوست مهربان عبدالقدیربران متعلم صنف یازدهم لیسه رحمن بابا !

سلام عیلکم پارچه شعریکه به استقبال از صفحه زنان ودختران فرستاده اید، رسیده. تشکر از لطف ونظر تان ، اینهم گزیده یی از آن :

بساط نام تو در جهان به دختر افغان

بانام نامی رابعه ات کافی است همین

که از تودر گوشه دنیا سخن آیدعجب‌خواند

اندر صفت تو ((غرق‌آزادی)) باخون رنگین

ای دخت سرنوشت خودرا خود کن تعیین

بدست قلم به دست دیگرتفنگ زرین

به گیتی سر بلند باش ای دختر افغان

جاوید زی باش بـــه مهین رهیـــن

دوست ارجمند میر حبیب الله شفق عضو مهندسی ریاست تعمیرات وزارت دفاع

ماهم سلام هایکه گرمی رااز خورشید و شیرینی رااز عسل وام گرفته باشد ، تقدیم شما دوست عزیزمینمایم‌و سلامتی آرزومی‌کنیم از لطف ونظر نیك تان تشکر پارچه شعر (بیتوی) شماراکه خدانکندبی اوشوبد،دریکی ازشماره های‌آینده بدون درنظرداشت نوبت بچاپ میسپاریم و علتش اینکه نوبت رااز ماه هاپیش گرفته اید وباردیگر انصاف نماشدکه باز هم برعایت نوبت بایستید ، خدا حافظ

دوست عزیز محمد همایون هژیر عضواتشه تجارتی ..... در کویت .

سلام میفرستیم وسلامتی شماهمکارمهربان را آرزو میبریم . خرسندیم که‌دریاد ما اید وهمکاری خویش را پیوسته دنبال میکنید مضمونی بایك قطعه‌عکس وشعرازشمادریافتیم که مضمون تان به صفحه جوانان بچاپ میرسد وپارچه شعر شما در صفحه دوستان ، به انتظار همکاری تان ، خدا حافظ .

دوست عزیز احمد فواد دامع !

، یادداشتهای سودمندتان‌که حاوی گریختاندن موش ها از خانه ها، وحفاظت کاهو ها از حشره ها وتفکیك تخم خوب ازبد بود به ما رسید وسپردیمش به متصدیان صفحه خنده ودوستان که در صورت لزوم به چاپ بسپارند. موفق باشید ..

همکار مهربان فاطمه حمیدی متعلم لیسه آمنهٔ فدوی !

بپذیر سلام مرانیز، مطلب شما را بـــه متصدی صفحه مسابقات وسر گرمیها تحویل دادیم که در امر نشر ش اقدام نماید. خدا حافظ تان .

رفیق ارجمند محمد یاسین محصل پوهنځی انجنیری !

سلام علیکم دوست عزیز ، داستان شمـا رسید و اگر با اسلو ب داستان نویسـی هماهنگ بود ، همزمان باطلیعهٔ بهار داستان شما نیز از صفحا ت مجله ژوندون طلوع خواهد کرد .. ولی درغیر آن چیز های‌دیگری بفرستید ...

برادر بزرگوار محمد شریف پیغام !

پارچه شعر، چکیده ازذهن جستجوگر تان بمارسید ، سپردیمش بــه متصدی صفحـه دوستان که بادرنظر داشت رعایت نوبت به به‌نشرش مبادرت ورزد، کامروا باشید . ...

دوست عزیز فضل هادی وزیـن متعلـم مدرسه عالی دارا لعلوم عربی کابل !

«نگاه گرم» شمارا ازپسته رسان‌گرفتیم‌و کمی هوای سرد امسال آن نگاه ها را سرد ساخته است . اگر از شو خی بگذریم این پارچه شعر شما از پختگی کلام عار یست که حتما در آینده ، با همکاری های دیگر تا ن جبرانش را میکنید وواقعا «نگاه های گرم» میفرستید موفق باشید .

رفیق مهربان غ.ح. چولی بای !

دو پارچه شعر از شما دوست عزیز در یافتیم و عنقریب یکی آن که با مرامنامه نشرا تی مجله وفق دارد به‌حلیه طبع آراسته میگردد. مطالب بیشتری بفر ستید و همکار ی خویش را پیوسته ادامه دهید .

دوست مهر بان ا.س. جنبش !

سلام میگو یم و خو شوقتیم که همکار ی خویش را با مجله ژوندن آغاز یده اید . مطلب بنام «زن در اجتماع» وجواب به‌پرسش صفحه مسابقات و سرگرمیها را خواندیم . هر دو مطلب رابه متصد یان «دوستان» و «سر گرمها» سپردیم که در نشر شں تو جه بدارند ، مو فق باشید.

برادر عزیز غلام سخی !

متقابلا سلام میگویم . بلی حتما میتوانید هر چه دل تنگ تان میخوا هد بگو یید و بما بفرستید : و بازهم عرض کنیم که حتما بچاپش اقدام میورزیم مشروط بر اینکه بـــا موازین واصول نشراتی مجله وفق داشته‌باشد مطمین باشید، خداحافظ تان .

رفیق مهربان شیرمحمد هوتکیار محصل اکادمی تربیه معلم !

جواب جدول شمـاره (۳۷) مجله ژوندون رادریافتیم ویادداشت که در ذیل نام خویش نگاشته اید درست وصحیح است . مطلـب تانرا به متصدی صفحه سر گرمیهاومسابقات سپردیم که قناعت تانرا فراهم سازد و اسم شمارا درزمره حل کنندگان جدول مسابقات بگیرد . موفق باشید .

مطالب‌دیگری نیزبه‌مجله‌رسیده‌است‌که موفق به ارایه پاسخ نشدیم ودر آینده کـــوشش مینماییم که به جواب بپردازیـــم عجالتا از آنهاییکه به مانامه فرستاده اند و جـــواب نگرفته اند، فقط اسم شانرا ذکر می کنیم که نامه های شان بما رسیده است :

دوست عزیز، فینون وری عین

دوست عزیز، عبدالقهار امان

دوست عزیز، سیدرحیم متعلم‌لیسه‌شبرغان

دوست عزیز، ا. س. جنبش

دوست عزیز، عزیزه رسولی

دوست عزیز، نادر

دوست عزیز، میرمن ماری

دوست عزیز، بشیراحمد

دوست عزیز، نعمت اله «نیکبین»

دوست عزیز، عبدالحی «غروب»

دوست عزیز، یارپور

دوست عزیز، ناصر آرین

دوست عزیز، بسم الله «حریف»

دوست عزیز، محمدیاسین محصل انجنیری

دوست عزیز، محمد عاطف عثمانی

دوست عزیز، سید حسن

دوست عزیز، احمدالله رهین

دوست عزیز، سوریان

دوست عزیز، شیرمحمد هوتکیار



مدیرمسوول : شیرمحمدکاوه

معاون : محمدزمان نیکرای

آمرچاپ : علی محمدعثمان زاده

مهتمم : نوریه

آدرس : انصاری وات، مقابل ریاست مطابع دولتی

تیلفون دفتر : ۲۶۸۴۹

مطبعهٔ دولتی

